تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده

به‌انضمام: قتل‌عام در شاتیلا و صبرا

ردآوری: غازی خورشید

ترجمه: حمید احمدی



تروریسم صهیونیستی
در فلسطین اشغال شده

به‌انضمام:
قتل‌عام در شاتیلا و صبرا

گردآوری: غازی خورشید

ترجمه: حمید احمدی



مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۶۳



خورشید، غازی

تروریسم صهیونیستی درفلسطین اشغال شده

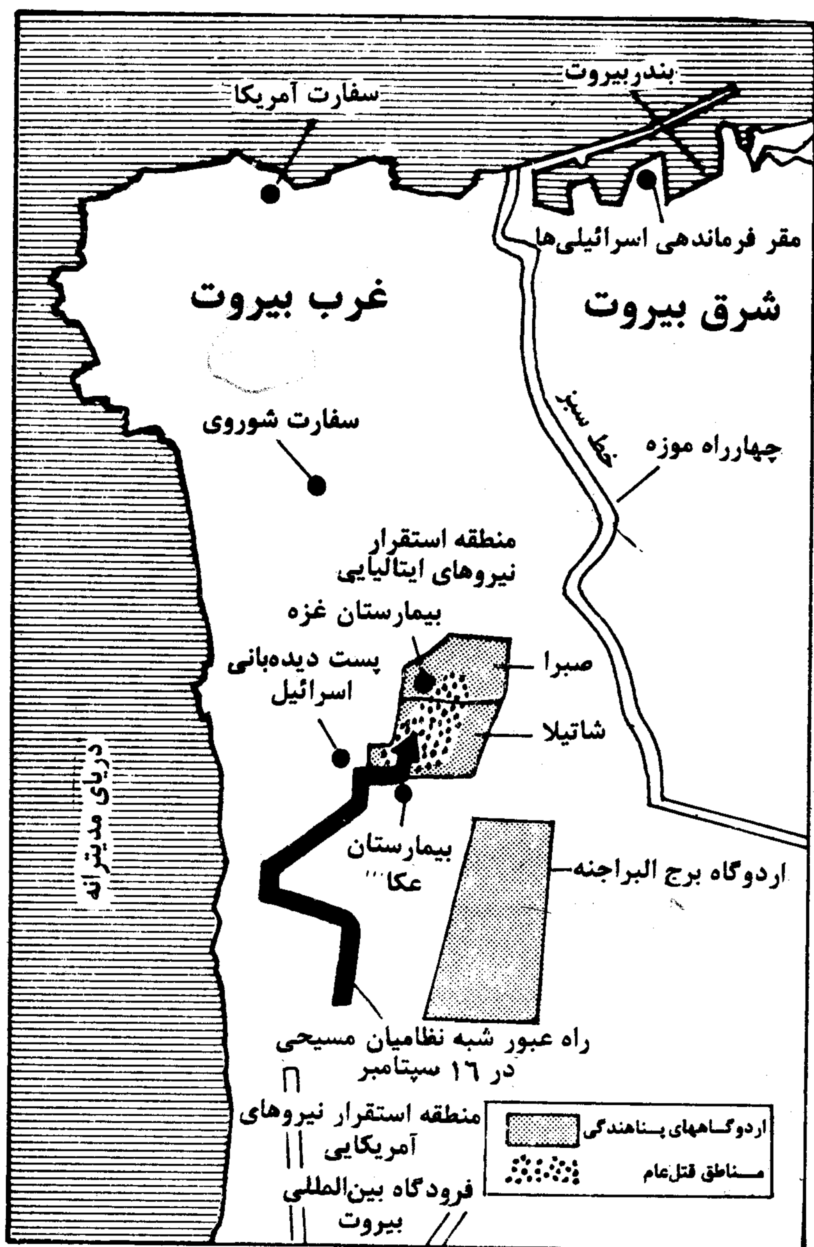
ترجمه: حمید احمدی

چاپ اول: ۱۳۶۳

چاپ و صحافی: چاپخانهٔ سپهر، تهران

تیراژ: ۱۱۰۰۰ نسخه

فهرست



بندربیروت
سفارت آمریکا
مقر فرماندهی اسرائیلی‌ها
غرب بیروت
شرق بیروت
سفارت شوروی
چهارراه موزه
منطقه استقرار
نیروهای ایتالیایی
بیمارستان غزه
پست دیده‌بانی
اسرائیل
صبرا
شاتیلا
دریای مدیترانه
بیمارستان
عکا
اردوگاه برج البراجنه
راه عبور شبه نظامیان مسیحی
در ۱۶ سپتامبر
منطقه استقرار نیروهای
آمریکایی
فرودگاه بین‌المللی
بیروت
اردوگاههای پناهندگی
مناطق قتل‌عام

به نام خدا

مقدمهٔ مترجم

واژه صهیونیسم همیشه با قتل و کشتار، تجاوز وترور، تخریب و ویرانگری همراه بوده، و پرونده جنبش‌صهیونیستی مملو از جنایت و نیرنگ و دسیسه و دورویی است. حرکت صهیونیستی در آغاز براساس توطئه و دسیسه بنیان گذاشته شد، و سپس با حیله و فریب و اتکا به قدرتهای امپریالیستی و محافل سرمایه‌داری نضج گرفت، و سرانجام با توسل به‌زور و اعمال جنایت و برقراری جو ترور و وحشت و در نهایت تجاوز به سرزمینهای دیگران و اشغال آنها توانست استحکام دروغین خود را تضمین نماید. هرتصل بنیانگذار اندیشهٔ صهیونیسم سیاسی با نوشتن کتاب دولت یهود و مطرح ساختن مسألهٔ مهاجرت یهودیان به‌فلسطین در کنفرانس بازل در ۱۸۹۷، زمینه های توطئه اشغال فلسطین را فراهم آورد، و سپس «سازمان جهانی صهیونیسم» با اتکا به کمکهای مالی سرمایه‌داران غرب و نیز حمایت سیاسی و نظامی کامل بریتانیا توانست مقدمات صدور اعلامیه بالفور را در ۱۹۱۷ آماده نماید. پس از آغاز سیل مهاجرت یهودیان به‌فلسطین، صهیونیستها با خرید زمینهای اعراب و تشکیل دارودسته های مسلح تروریستی، بنیه مالی و نظامی جنبش صهیونیستی را به منظور آمادگی برای رویارویی نهایی با اعراب بومی تقویت نمودند، و سرانجام پس از سرکوبی قیامها و اعتراضات برحق فلسطینیها به کمک بریتانیا در دهۀ

۱۹۲۰-۱۹۳۰، استقلال دولت اسرائیل را اعلام کردند. بعد از این تاریخ نیز ادامهٔ حیات و استمرار موجودیت صهیونیستی همواره با اتکا بر ترور وسرکوب، قتل‌عام وجنگ و تجاوز ممکن گردیده است. قتل‌عام دیریاسین (۱۹٤۸)، کفرقاسم (۱۹۵۶)، شاتیلا وصبرا(۱۹۸۲) و همچنین تجاوز همه‌جانبه به‌مصر در ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ و تجاوز به لبنان در ۱۹۸۲، شیوهٔ دولت صهیونیستی را برای ادامهٔ حیات بخوبی نشان می‌دهد.

بعد از اشغال اکثر مناطق فلسطین در جنگ ۱۹٤۸، جنبش صهیونیستی برای تحکیم سلطه وحاکمیت همه‌جانبه خود برسرزمینهای اشغال‌شده، و نیز اشغال بقیه مناطق فلسطین، جو ترور و وحشت را حاکم ساخت و با اخراج اعراب فلسطینی از شهرهای فلسطین و نیز تخریب خانه‌ها و مصادره اموال و زمینهای کشاورزی آنان، راه را برای رسیدن به‌اهداف خود هموار نمود. دولت صهیونیستی برای دست یافتن به‌این منظور ناچار بود از یک طرف با جمعیت عرب فلسطینی درداخل سرزمینهای اشغالی مقابله کند، و با اعمال سیاستهای گوناگون از گسترش حضور آنها بکاهد، و از طرف دیگر با هسته‌های جدید مقاومت در خارج از سرزمینهای اشغالی، و سازمانهای نوپای سیاسی و نظامی‌فلسطینی در سرزمینهای مجاور به‌مبارزه بپردازد. روش صهیونیستها در هر دو زمینه سرکوب شدید نظامی و محروم کردن شهروندان از تمام حقوق شهروندی و اعمال تبعیض نژادی بوده است.

صهیونیستها برای ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان فلسطینی سرزمینهای اشغالی، و واداشتن آنان به‌مهاجرت از فلسطین، از شیوهٔ قتل‌عام وکشتار دست‌جمعی بیش از سایر شیوه‌ها استفاده کرده‌اند. در فاصله سالهای ۱۹٤۸ تا ۱۹۵۶ چندین قتل‌عام فجیع و وحشیانه توسط دارودسته‌های مسلح صهیونیستی و ارتش اسرائیل

صورت گرفت که می‌توان در این مورد از قتل‌عام ۲۵۰ تن از ساکنان «دیریاشین» توسط بگین در ۱۹۴۸، قتل‌عام بیش از ۶۰ نفر از اهالی دهکده «قبیه» توسط واحد ۱۰۱ ارتش اسرائیل به‌رهبری آریل شارون در ۱۹۵۳، کشتار وحشیانه ۲۷۰ نفر از ساکنان شهر «خان‌یونس» در غزه به‌سال ۱۹۵۶، و قتل‌عام روستاییان کفرقاسم در ۱۹۵۶ نام برد. صهیونیستها علاوه براستفاده از شیوه قتل‌عام وحشیانه، برای واداشتن ساکنان عرب به‌مهاجرت از سرزمینهای اشغالی، از شیوهٔ مصادره اموال و زمینها و نیز تخریب خانه‌های اعراب و ایجاد شهرکهای یهودی‌نشین به‌روی زمینهای صاحبان اصلی بهره می‌جویند. از سال ۱۹۴۸ به‌این‌طرف مقامات دولت صهیونیستی صدها هزار هکتار از زمینهای اعراب فلسطینی را به‌بهانه‌های گوناگون مصادره کرده‌اند. مصادرهٔ این زمینها بیشتر اوقات به‌بهانه نیاز دولت به‌ایجاد شبکه‌های راهسازی، ایجاد ساختمانهای دولتی و یا به‌دلیل فعالیتهای سیاسی صاحبان آنها و حمایت و عضویتشان در جنبش مقاومت فلسطین‌صورت گرفته است. علاوه براین مقامات صهیونیستی برای ازبین بردن حضور فلسطینیها در سرزمینهای اشغال شده، از نابودی آثار اسلامی و ملی اعراب و توهین به‌اماکن مقدسه مذهبی دریغ نکرده‌اند. آنها برای نابودی میراث اسلامی فلسطینیها طرح نابودی کامل «مسجدالاقصی» و «حرم‌الشریف» مسلمانان را در بیت‌المقدس در سر می‌پرورانند. حفاریهای متعدد در اطراف حرم‌الشریف و مسجدالاقصی، به‌بهانهٔ بیرون آوردن بقایای اماکن دفن شده مذهبی یهودیان، و نیز آتش‌زدن مسجدالاقصی در ۱۹۶۹ و حمله مسلحانه به‌مسجد عمر و صحن مسجدالاقصی و به رگبار بستن مسلمانان در داخل مسجد در ۱۹۸۱، جزئی ازنقشهٔ آنان برای نابودی میراث اسلامی وفرهنگی اعراب فلسطینی است.

مقامات نظامی دولت صهیونیستی برای جلوگیری از تشکیل

هسته‌های مقاومت انقلابی در درون سرزمینهای اشغالی، و مخالفت از تأثیر و نفوذ جنبش مقاومت فلسطین، دست به‌اعمال وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و شیوه‌های سرکوب می‌زنند. دستگیری جوانان و انباشتن زندانهای متعدد از زندانیان، اعمال شکنجه وتجاوز به‌دختران و زنان زندانی، از شیوه‌های رایج صهیونیستها برای خفه کردن صدای انقلاب فلسطین در درون سرزمینهای اشغالی است.

دولت اسرائیل همزمان با سرکوب حرکتهای آزادی‌خواهانه در درون سرزمینهای اشغالی، برای ضربه زدن به‌انقلاب فلسطین و از میان برداشتن رهبران و چهره‌های آن، درکشورهای همجوار و نیز در سایر نقاط جهان مشغول عمل بوده است. اسرائیل علاوه براینکه برای نابودی انقلاب فلسطین و درهم کوبیدن توان حامیان آن در کشورهای عرب بارها دست به‌حملات هوایی و زمینی همه‌جانبه به کشورهای مصر، سوریه، اردن و لبنان زد، و جنگهای معروف ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۱۹۸۲ را برآنان تحمیل کرد، توسط «موساد» سازمان مخوف اطلاعاتی و جاسوسی خود رهبران جنبش مقاومت فلسطین و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین را درکشورهای همجوار عرب و نیز درکشورهای اروپایی و آسیایی ترور نمود. ترور سه تن از رهبران فلسطینی (کمال‌ناصر، کمال‌عدوان و یوسف‌نجار) در آوریل ۱۹۷۳ در بیروت، ترور «غسان کنفانی» شاعر و هنرمندفلسطینی در ۱۹۷۲ در بیروت، ترور «علی‌حسن‌سلامه» از رهبران الفتح در ۱۹۷۹، ترور «ابوداود» در ۱۹۸۱ در ورشو، ترور «ماجد ابوشرار» در همان سال در رم و ترور دهها مقام فلسطینی دیگر از جمله‌اقدامات تروریستی و سرکوبگرانه صهیونیستها در خارج از مرزهای فلسطین اشغال شده می‌باشد. اما علی‌رغم تمام تلاشهای مقامات صهیونیستی برای جلوگیری از رشد جنبش مقاومت و گسترش آن، حضور انقلاب

فلسطین در درون سرزمینهای اشغالی و جهان خارج روزبه‌روز نمود بیشتری پیدا می‌کند، و اعمال تمامی شیوه‌های سرکوب، قتل‌عام، ترور و شکنجه تاکنون نتوانسته است مانع از گسترش نفوذ انقلاب گردد. آگاهی گسترده روزافزون توده‌های سرزمینهای اشغالی، و موج‌قیامهای سالهای اخیر، و نیز حضور انقلاب فلسطین در صحنهٔ جهانی به‌بهترین نحوی ادعای فوق را به‌اثبات می‌رساند.

کتاب *تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده* یکی از بهترین آثار مستندی است که درسالهای اخیر در زمینه شیوه‌های سرکوب صهیونیستی علیه ساکنان فلسطینی سرزمینهای اشغالی به فارسی منتشر شده است. در این کتاب شیوه‌های گوناگون سرکوب، شامل ترور، شکنجه، قتل، تجاوز به‌زنان، تبعید دست‌جمعی، تخریب اموال و مصادره زمینهای اعراب مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته است. اکثر اسناد و مدارک جمع‌آوری شده از منابع خود صهیونیستها، اظهارات سردمداران صهیونیستی و نیز گزارشات روزنامه‌های غربی و اسرائیلی و بخصوص گفته‌های اشخاصی بدست آمده است که خود در معرض این شکنجه‌ها و بدرفتاریها قرار گرفته‌اند.

کتاب *تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده*، در حقیقت در-برگیرنده سه قسمت عمده می‌باشد که خود به‌عنوان دو کتاب مستقل و یک گزارش مستند تکان دهنده، از سوی مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی منتشر گردیده است. گرچه قسمتهای فوق خود در اصل به‌عنوان کتابها و گزارش جداگانه‌ای منتشر شده، اما زمینهٔ بررسی و تحقیق پیرامون یک مسأله دور می‌زند و آن شیوه‌های ترور، سرکوب و اختناق صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی و کشورهای مجاور عرب آن می‌باشد. بنابراین گردآوردن آنها در یک مجموعه نه‌تنها از نظر پراکندگی حوزهٔ بررسی و تحقیق مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه جنبهٔ

تکمیلی داشته و رویهم رفته مجموعهٔ جامع و کاملی از ترور صهیونیستی ارائه می‌دهد.

قسمت اول، یعنی عمده‌ترین بخش تشکیل‌دهندهٔ کتاب حاضر، در اواسط دههٔ ۷۰ به زبان انگلیسی تحت نام *Human Right in The Occupied - Territories* (حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی) و نیز به عربی تحت عنوان حقوق الانسان فی‌اراضی المحتله از سوی مرکز تحقیقات فلسطینی در بیروت منتشر شد. در این کتاب که در برگیرنده پنج بخش و دو ضمیمه است، موارد تجاوز اسرائیلیها به‌اصول حقوق بشر در زمینه های شکنجه، ترور، تخریب، تبعید و بی‌حرمتی به‌اماکن مقدسه، مورد بررسی قرار گرفته است. «غازی خورشید»، یکی از اعضای برجسته مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی و سردبیرمجلهٔ مشهور «شئون الفلسطینیه» گردآوری این کتاب را بعهده داشته است.

قسمت دوم کتاب، دربرگیرنده گزارش مستند و مفصلی است که پیرامون قتل‌عام هولناك بیش‌از ۴۰۰۰ فلسطینی‌در اردوگاههای شاتیلا و صبرا در سپتامبر ۱۹۸۲ تهیه شده است. این گزارش در-برگیرنده شرح مختصری از چگونگی قتل‌عام و زمینه‌های وقوع آن و نیز اظهارات تکان دهنده شاهدان عینی و بازماندگان فاجعه است و مفصل‌ترین گزارشی می‌باشد که تاکنون پیرامون این‌فاجعه بویژه به زبان فارسی، منتشر شده است. گزارش قتل‌عام در شاتیلا و صبرا، که توسط «صفاء حسین زیتون» یکی از خواهران نویسنده فلسطینی تهیه شده، توسط خبرگزاری فلسطینی وفا در تهران به‌فارسی برگردانده شده است و خوانندگان ایرانی را به‌بهترین وجهی از جریان قتل‌عام شاتیلا و صبرا در بیروت مطلع می‌سازد.

قسمت سوم کتاب نیز همانند قسمت نخست در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ توسط مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی تحت نام- *Who Are The*

Terrorists? بـه‌زبـان انـگلیسی، و من هم الارهابیون؟ (چه کسانی تروریست هستند؟) به زبان عـربی در بیروت منتشر شد. این کتاب تاکتیکهای تروریستی‌صهیونیستها را از اواسط سالهای‌دههٔ ۱۹۳۰ تا اواسط دههٔ ۱۹۷۶ مورد بررسی‌قرار می‌دهد. وظیفه‌گردآوری مطالب این کتاب، به‌عهدهٔ «مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی» و«کمیتهٔ اطلاعاتی زنان‌ـ عرب» بوده است. در این قسمت بسیاری از حوادث خونبار صحنه انقلاب فلسطین مانند قتل‌عام دیریاسین، قتل‌عام قبیه وکفرقاسم و ترور رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین به‌طور مشروح مورد بررسی قرار گرفته است.

دو قسمت عمدهٔ اول و سوم کتاب حاضر، از متن انگلیسی به فارسی ترجمه شده است، اما از آنجا که مترجم نسخهٔ عربی قسمت سوم (من هم الارهابیون؟) را نیز در دسترس داشت، مقایسه دو نسخـه را برای بکار بردن املای درست اسامی اشخاص، شهرها و دهکده‌ها، ضروری تشخیص داد. در جریان این مقایسه مترجم متوجه بعضی نقایص و جـاافتادگیها در نسخهٔ انگلیسی شد، و برای تکمیل نسخهٔ فارسی، در بعضی جاها از متن عربی استفاده نمود. پاراگرافهای آخر این قسمت تحت عنوان «عملیات تروریستی در اروپا» و نیز منابع و مآخذ حوادث، از نسخهٔ عربی به‌فارسی برگردانده شده است.

همانطورکـه ذکـر شد، تمامی این قسمتها، در اصل به‌صورت کتاب و گزارش جداگانه توسط «مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی» وابسته بـه‌سازمان آزادیبخش فلسطین انتشار یافته است. «مـؤسسهٔ مطالعات فلسطینی» از مهمترین مؤسسات فرهنگی فلسطینی است که به‌جمع‌آوری اسناد تاریخ انقلاب فلسطین و شناساندن آن به‌جهانیان اشتغال‌داشته، و تاکنون صدها جلد کتاب پیرامون ابعاد مختلف انقلاب فلسطین منتشر کرده است. دفتر اصلی مؤسسه، در جریان هجوم وحشیانه‌اسرائیل

در ژوئن ۱۹۸۲ به‌لبنان بمباران شد و تمامی اسناد، آرشیوها و میکرو-فیلمهای موجود در آن توسط ارتش اسرائیل به‌سرقت رفت و تلاش رهبران فلسطینی برای بازپس گرفتن این اسناد و آرشیوها تاکنون نتیجه‌ای ببار نیاورده است.

حمید احمدی

بهمن ۱۳۶۲

بخش اول

شکنجه و بدرفتاری

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس نباید در معرض شکنجه، عمل بیرحمانه، رفتار غیر-انسانی و توهین‌آمیز و یا تنبیه قرار بگیرد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

در صورت وقوع برخوردهای مسلحانه غیر بین‌المللی در قلمرو یکی از طرفین عاقد قرارداد ژنو، هریک از دو طرف برخورد می‌بایستی حداقل، مقررات زیر را رعایت نمایند:

با اشخاصی که نقش فعالی در تخاصمات ندارند، مثل اعضای نیروهای مسلح که سلاحهای خود را به‌زمین گذاشته‌اند، و آنهایی که دراثر بیماری، وارد آمدن جراحات، بازداشت و یا هر مورد دیگری در زمره افراد ازکارافتاده بحساب می‌آیند، باید در تمام شرایط و بدون درنظر گرفتن نژاد، رنگ، مذهب یا عقیده، جنس ،تولد یا ثروت، و یا معیارهای مشابه دیگر، براساس اصول انسانی رفتار کرد.

بنابراین بکار بردن اعمال زیر نسبت به‌اشخاص نامبرده در هر زمان و هر مکانی ممنوع بوده و خواهد بود:

الف: صدمه زدن به‌حیات و جسم اشخاص، بخصوص قتل از هرنوع آن، قطع اعضای بدن، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛

ب: گروگانگیری؛

ج: بی حرمتی به مقام اشخاص، بخصوص تحقیر و توهین؛
د: صدور محکومیت و اعدام اشخاص بدون قضاوت قبلی یک دادگاه قانونی، که از عهده تضمینات قضایی لازم‌الاجرای مورد قبول غیرنظامیان برآید.

ماده ۳، سومین موافقت‌نامه ژنو

هیچ‌گونه فشار جسمی و روحی براشخاص تحت‌حمایت، بویژه برای بدست آوردن اطلاعات از آنها یا از اشخاص ثالث، نباید وارد بیاید.

ماده ۳۱، چهارمین موافقت‌نامه ژنو

«جنوساید» عبارت از بکاربردن اعمال زیر به‌قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی می‌باشد:
الف: کشتن اعضای گروه؛
ب: وارد آوردن صدمات سخت جسمی یا روحی به‌اعضای گروه؛
ج: تحمیل عمدی شرایط زندگی خاص به‌گروه به‌منظور انهدام فیزیکی کلی یا جزئی آن؛
د: اعمال اقداماتی که هدف آن جلوگیری از زادوولد در داخل گروه باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
موافقت‌نامه ممانعت ومجازات جرم جنوساید.
ماده سوم

اشخاصی که مرتکب جنوساید می‌شوند و یا تشویق به‌ارتکاب جنوساید می‌نمایند، از فرمانروایان مسؤول قانونی گرفته تا مقامات عمومی یا افراد معمولی، می‌بایستی مجازات شوند.

ماده ۴، موافقت‌نامه‌ممانعت ومجازات جرم جنوساید

هیچ‌گونه شکنجه جسمی یا روحی، و یا دیگر اشکال فشار به منظور کسب اطلاعات و یا هرچیز دیگری از این نوع، نباید نسبت

به‌زندانیان جنگ اعمال گردد. زندانیان جنگ که از پاسخ دادن خودداری می‌کنند، نباید مورد تهدید و توهین قرار بگیرند، ویا در معرض هر نوع رفتار ناپسند یا مضر واقع شوند.

ماده ۱۷، سومین موافقت‌نامه ژنو

زندانیان جنگ، براساس موافقت‌نامه موجود، اشخاصی هستند که جزو موارد زیر باشند که به‌دست دشمن افتاده‌اند:

۱— اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفین نزاع، و نیز اعضای نیروهای شبه‌نظامیان یا سربازان داوطلب، که بخشی از چنین نیروهای مسلحی را تشکیل می‌دهند.

۲— اعضای دیگر نیروهای شبه‌نظامی و اعضای دیگر سربازان داوطلب، مثل جنبشهای مقاومت سازمان یافته متعلق به‌یکی از طرفین نزاع، که‌در خارج از قلمرو خودشان، حتی در صورت اشغال سرزمینشان مشغول عملیات هستند. بشرط اینکه یک‌چنین شبه‌نظامیان یاسربازان داوطلب، که‌شامل جنبشهای مقاومت سازمان یافته هستند، شرایط زیر را داشته باشند:

الف: توسط شخصی فرماندهی شوند که مسؤول زیردستان خود باشد؛

ب: علامت مشخص ثابتی داشته باشند که از یک فاصله دور قابل شناسایی باشد؛

ج: آشکارا اسلحه با خود حمل کنند؛

د: عملیات خودشان را براساس قوانین و رسوم جنگ انجام دهند.

ماده ۴، سومین موافقت‌نامه ژنو

با زندانیان جنگی باید در هر زمان به‌طور انسانی رفتار کرد. انجام هرگونه عمل غیرقانونی توسط قدرت بازداشت‌کننده، که باعث

مرگ یا به‌خطر انداختن جدی سلامت زندانیان جنگی تحت حفاظتش شود، ممنوع می‌باشد و به‌عنوان نقض جدی موافقت‌نامه فعلی قلمداد خواهد شد.

ماده ۱۴، سومین موافقت‌نامه ژنو

زنان باید از هرگونه تجاوز به‌شرف، وبویژه تجاوز به‌ناموسشان و نیز اجبار به فاحشگی تحمیلی، یا هر شکلی از حمله زشت وبی‌شرمانه، مصون باشند.

ماده ۲۷، چهارمین موافقت‌نامه ژنو

به هر شخص بازداشت شده باید اجازه داد تا با ملاقات‌کنندگان بویژه با اقوام نزدیک خودش در مواقع منظم، و تا آنجا که امکان دارد زود بزود، دیدار کند.

تا آنجا که امکان دارد باید به‌بازداشت شدگان اجازه داد تا در موارد ضروری، و بویژه در موارد مرگ یا بیماری وخیم اقوامشان، از خانه‌های خود بازدید کنند.

ماده ۱۱۶، چهارمین موافقت‌نامه ژنو

محل زندانیان جنگی باید طوری باشد، که از نظر مساعد بودن، با محل نیروهای قدرت بازداشت‌کننده در همان منطقه، شرایط برابر داشته باشند.

ماده ۲۵، سومین موافقت‌نامه ژنو

مقادیر غذای اساسی روزانه باید از نظر کمیت، کیفیت و تنوع، آنقدر کافی باشد تا زندانیان جنگی را در سلامت جسمانی خوب نگاه دارد، و از کم شدن وزن یا توسعه کمبودهای غذایی جلوگیری کند.

ماده ۲۶، سومین موافقت‌نامه ژنو

قدرت بازداشت‌کننده باید پوشاك، لباس زیر، کفش وجوراب به‌مقدار کافی به‌زندانیان جنگی بدهد.

ب: تخلفات و تجاوزات از قوانین (شرح شکنجه‌ها، بازداشتها و قتلها)

افشاگری تبعیدشدگان از سرزمینهای اشغالی فلسطین:

نام: مأمون عزت‌تریکی.

سن: ۲۱ سال.

محل تولد: نابلس.

اقامتگاه فعلی: زرغاء.

شغل: مکانیک.

وضع خانوادگی: متأهل: پدر ۹ بچه.

در ۲۲ آوریل ۱۹۷۰، هنگامی‌که از اردن به‌ساحل غربی بازمی‌گشتم، دستگیر شدم... آنها مرا به‌اتهام همکاری با جنبش مقاومت فلسطین زندانی کردند .ازهمان روز اول دستگیری در معرض بدترین نوع شکنجه ها قرار گرفتم. در زندان نابلس، در اتاقی زندانی شدم که در آن ۸ بازجو وجود داشت.

آنها با توسل به‌این شیوه‌ها مرا شکنجه می‌دادند:

۱ــ آنقدر مرا کتک می‌زدند که بیهوش می‌شدم.

۲ــ مجبور می کردند تا لباسهایم را دربیاورم، و سپس به‌بدنم برق وصل می کردند.

۳ــ برای مدت زمان طولانی مرا ازسقف سلول آویزان می کردند و در همان حال آنقدر به‌بدنم شلاق می‌زدند تا وقتی که به‌حالت ضعف می‌افتادم.

۴ــ قبل از اینکه مورد بازجویی قرار بگیرم، یک سرم به‌بدنم تزریق می کردند تا «حرف راست» بزنم.

۵ــ یک لوله مرکب (قلم‌نی) به‌داخل مجرای آلت تناسلیم فرو می کردند، بطوری که از آن خون می‌آمد.

۶— یک سگ بدون دندان پلیس را می‌آوردند، تا آلت تناسلیم را گاز بگیرد.

در نتیجهٔ تمام این شکنجه ها، توانایی سخن گفتن را از دست دادم و لال شدم. آنها بدون توجه به‌وضع من شکنجه ها را ادامه دادند. هنوز به‌روی سرو سینه‌ام آثار زخمها بچشم می‌خورد. گاهگاهی صداهای خفیف از خودم درمی‌آوردم، اما آنها به‌من اجازه نمی‌دادند به‌بیمارستان بروم.

در ابتدا مانع از این می‌شدندکه با نمایندهٔ «صلیب سرخ بین‌المللی» ملاقات کنم. سرانجام در اثر تهدید زندانیان هم‌سلولم به اعتصاب، مقامات اجازه دادند تا به‌این شرط که علت اصلی لال بودن خودم را فاش نکنم، با او ملاقات نمایم. اما، نماینده صلیب‌سرخ از طریق زندانیان دیگر به‌قضیه پی‌برد، ولی نتوانست رئیس زندان را وادارکند تا مرا به‌بیمارستان بفرستند.

مادرم به‌شهردار نابلس شکایت برد، و از او خواست از جانب من در این کار دخالت نماید، اما نتوانست هیچ کاری بکند.

سرانجام در ۱۹ فوریه ۱۹۷۱، از زندان آزاد شدم و به‌اردن تبعید گردیدم. نخست تحت مراقبت قرار گرفتم، اما تاکنون بهبودی در من حاصل نشده است، بعضی دکترها عقیده دارندکه لال بودن من اشی ازگنگی عصبی در اثر ضربه ها وشکنجه های وارده در زندان است.

مأمون عزت تریکی.

نام: بسام امین یمین.

سن: ۲۴ سال.

محل تولد: نابلس.

محل سکونت فعلی: ساحل شرقی.

شغل: بنا.

من در ۱۳ مارس ۱۹۶۹ به‌اتهام رابطه با چریکهای فلسطینی دستگیر شدم. در حالی‌که در زندان بسر می‌بردم، در حوالی آوریل ۱۹۷۰ مأمون عزت تریکی را به‌زندان آوردند. او در طی اقامتش در زندان قدرت تکلم خود را از دست داد. تنها می‌توانستم از طریق اشاره و نوشتن با او رابطه برقرار کنم.

من همچنین به ساحل شرقی تبعید شده‌ام.

بسام امین‌یمین.

نام: رشدی محمد عبداللطیف‌التمیمی.

محل تولد: النبی‌صالح، رام‌الله.

شغل: کشاورز.

وضع خانوادگی: متأهل.

من در ۱٤ اوت ۱۹۶۹ دستگیر شدم، و به‌زندان رام‌الله‌افتادم، به‌این متهم شدم که یکی از اعضای جنبش مقاومت فلسطین هستم. تحقیقات و بازجویی از همان شبی که به‌زندان افتادم، آغاز شد.

آنها به‌طرق زیر مرا شکنجه می‌دادند:

۱ــ باچوبهای ضخیم به همه‌جای بدنم کتک می‌زدند.

۲ــ به‌روی بدن و صورتم آب می‌پاشیدند.

۳ــ شوکهای الکتریکی به‌بدنم وصل می‌کردند.

پس ازسه‌روز به «مسکوبیه» دربیت‌المقدس منتقل شدم. باوجود اینکه شنوایی‌ام را از دست داده بودم، شکنجه‌ها قطع نشد. در اثر ضربات وارده، یکی از استخوانهای پایم شکست. سه‌روز بعد به زندان رام‌الله برگردانده شدم. در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۱ به‌اردن تبعید گردیدم، و درطی تمام این مدت درداد‌گاه محاکمه نشدم.

در اردن تحت مراقبتهای پزشکی قرار گرفتم. در آنجا نیمی از شنوایی‌ام را بدست‌آوردم، اما هنوز از سردرد همیشگی رنج می‌برم.

به‌همین خاطر نتوانسته‌ام کاری بدست بیاورم. شانس من برای بهبود کامل خیلی کم است.

رشدی محمدعبداللطیف التمیمی.

نام: حموده سلیم محمدابوقویدر.
سن: ٤١ سال.
محل تولد: الخلیل.
شغل: دامدار.
موقعیت خانوادگی: متأهل و ۹ نفر تحت کفالت دارد.
تاریخ دستگیری: ١٦ ژوئن ١٩٦٩.
اتهام: همکاری با فلسطینیها در ردوبدل کردن اطلاعات.
طی بازجوییها آنها به‌شیوه‌های زیر مرا شکنجه می‌دادند:

۱— مرا به‌یک صندلی بستند و با یک چوب کلفت به‌پشتم می‌زدند، به‌طوری‌که هنوز هم در این ناحیه از بدنم احساس درد می‌کنم.

۲— آنقدر به‌صورت و گوشم سیلی می‌زدند که از آن خون می‌آمد، در نتیجه شنوایی‌ام دارای نقص شد...

مدت ۱۸/۵ ماه در زندان ماندم... و محاکمه‌ای نیز در کار نبود. در ۸ دسامبر ۱۹۷۰ به‌اردن منتقل شدم و هنوز هم بیکارم.
(او پس از ورود به‌اردن تحت معالجه قرار گرفت)

حموده سلیم محمد ابوقویدر.

نام: عطیه ابراهیم حسن (زن).
سن: ۳۸ سال.
محل تولد: بیت‌لاحیا، غزه.
شغل: کارگر.
موقعیت خانوادگی: متأهل و دارای ٥ نفر تحت تکفل.

در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۰ درحوالی نیمه شب توسط سربازان دشمن درخانه‌ام دستگیر شدم. مرا متهم کردند که عضو جنبش آزادی بخش فلسطین هستم. در غزه به‌زندان افتادم. در اتاق بازپرسی مرا لخت کردند و با چوب به‌آلت تناسلی، شکم و بازویم می‌زدند، بطوری که بازویم شکست. آنها همچنین بدن مرا با سیگار روشن سوزاندند.

به‌زندان سرانانه منتقل شدم، و در آنجا دستهایم را بستند. از سقف آویزانم کردند و روی همه جای بدنم آب سرد ریختند. هنگام شب، به‌مدت ده ساعت این کار را انجام دادند. هدف آنها این بود که اعتراف کنم که دارای سلاحهای مخفی شده می‌باشم. تا ۱۰ مه ۱۹۷۱ در زندان غزه ماندم، و بعد از آن به‌ساحل شرقی فرستاده شدم و مجبور گردیدم خانواده خودم را در بیت‌لاحیا ترك کنم. اکنون اینجا هستم درحالی که نه منبع درآمدی دارم و نه دوستانی.

عطیه ابراهیم حسن.

نام: شفیق احمد حسن اشتابویه.

محل تولد: بیت‌لاحیا، غزه.

سن: ۲۲ سال.

در ۲٤ آوریل ۱۹۷۰ دستگیر شده و به‌زندان غزه افتادم. آنها لیستی از اشخاص برایم خواندند که گمان می‌رفت اعضای نیروهای آزادی‌بخش خلق هستند. گفتم که از آنها اطلاعی ندارم. به‌من گفتند که برادرم در ۲۹ مارس ۱۹۷۰ تحت تعقیب قرار گرفت و کشته شد. لباسهایم را در می‌آوردند و مرا می‌زدند. اندامهای جنسی‌ام را روی میز می‌گذاشتند و به‌آن ضربه‌می‌زدند. علاوه بر این، چندین بار مرا شوك الکتریکی دادند. روزی دو بار در مورد سازمانهایی که فرضاً با آنها رابطه داشتم، مورد بازجویی قرار می‌گرفتم. لطیفه خواهرم یك هفته قبل از اینکه برادرم کشته شود دستگیر شد. آنها خواهرم را

متهم به‌همکاری با نیروهای آزادی‌بخش کردند. نمی‌دانم که او محاکمه شد یانه... خودم در ۱۰ ژوئن آزاد شدم و به‌اردن تبعید گردیدم.

شفیق احمد حسن اشتابویه.

ج: وضع زندانیان

نعیم‌الشهاب در اکتبر ۱۹۶۸ دستگیر شد. روزنامه الاتحاد در شمارهٔ ۲۷ فوریه ۱۹۷۱ خود نوشت که خانواده و وکیل او اظهار داشته‌اند، که وضع او بسیار وخیم است و بینایی او بدتر شده، بطوری که دوبار ناچار شده عینک خودش را عوض کند.

در ۱۹ فوریه، وکیل او خانم «فیلیسیالنگر»، نامه‌ای به عفو بین‌الملل که خواهان بهبود رفاه زندانیان سیاسی است، نوشت. او از عفو بین‌الملل خواست که موکل او را آزاد کنند. عفو بین‌المللی در جواب گفت که کوشش خود را برای رهایی او بعمل خواهد آورد، اما کار او نتیجه‌ای نداد. خانم فیلیسیا به‌موشه‌دایان وزیر دفاع نامه‌ای نوشت؛ و از وی خواست تا اجازه بدهد که «شهاب» دکتر صلیب سرخ را ملاقات کند، اما تقاضای او رد شد.

غالب حسین درویش.

محمد غالب درویش

غالب درویش در هنگام ادای شهادت در دادگاه لیدا، اظهار داشت که بعد از ورودش به‌زندان آنقدراو را کتک‌زدند، که از دهانش خون آمد. بعداً دستهایش را از پشت بستند و یک چوب کلفت به‌زیر بازوهایش گذاشتند، و سپس مجبورش کردند تا به‌دور خودش چرخ بزند... سرش به‌یک سیم وصل شد که یک جریان برق از آن عبور

می کرد. برادرش، محمد نیز به هنگام بازجوییها، به همین ترتیب شکنجه شد و مورد بدرفتاری قرار گرفت. او وقتی که تقاضای دیدن دکتر را کرد، تقاضایش پذیرفته نشد.

روزنامه الاتحاد، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

محمد علی محمد احمد خلیل

توفیق طوبی در یکی از جلسات کنست (پارلمان اسرائیل)، مسأله بدرفتاری با محمد علی خلیل از دهکده قطانه را مطرح کرد. به دنبال دستگیری‌اش، به‌صورت، دست و پاهای او شلاق زدند و او را در درون یک استخر آب سرد انداختند. در داخل چشم راست او آب ریختند. در اثر این امر، بعد از آن نمی‌توانست جایی را ببیند. او را شوك الکتریکی دادند وسپس مجبورش کردند تا پدر پیر هفتادوسه‌ساله خودش را کتک بزند.

لطیفه حواری (زن)

لطیفه حواری که در زندان «تاکی تریتسا» زندانی بود، به وکیل خودش خانم «فیلیسیا لنگر» شکایت کرد که مقامات زندان از معالجه پزشکی او خودداری کرده‌اند. او از درد پشت گردنش رنج می‌برد، و به همین خاطر دکتر صلیب سرخ توصیه کرده بود تا نخاع خودش راعمل جراحی کند. او این وضع را درنتیجه‌شکنجه‌ای که به هنگام بازجویی‌اش در مقر پلیس دیده بود متحمل گردید. او را به‌داخل یک سلول کوچک تحت شرایط غیر انسانی انداخته بودند. رئیس زندان با عمل جراحی موافقت نکرد.

زندانیان دیگر به‌خاطر جزئی‌ترین مسأله به‌شدیدترین وجهی تنبیه می‌شوند. مثلا، زندانیان تقاضا کردند که بعد از هر یک ساعت کار، ۵ دقیقه استراحت داشته باشند، اما تقاضای آنها پذیرفته نشد.

وقتی آنها در اثر خستگی دست از کار کشیدند، به‌سلولهایشان انداخته شدند و از دیدن خانواده‌هایشان محروم گردیدند. (معمولا آنها هر ماه یک ملاقات داشتند)

روزنامه الاتحاد، ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱

عمر محمد قاسم

روزنامه «هاعولام هازه»، در ۵ اکتبر ۱۹۷۱، گزارش داد که قاسم و دو نفر از دوستانش متهم به‌سازمان دادن یک اعتصاب غذا شده‌اند. دستها و پاهای او را با زنجیر بستند، تا وقتی خون از آنها جاری شد. هرسه به‌مدت ۲۰ روز در سلولهایشان به‌تنهایی حبس شدند.

مرگ حاجی رمضان البنا

حاجی رمضان البنا، که ۴۲ سال داشت، در زندان بر اثر شکنجهٔ وحشیانه‌ای که توسط مقامات اسرائیلی دید، جان سپرد. این حادثه در اواخر ژوئیه ۱۹۷۱ رخ داد. مرگ او پس از ۱۰ ماه زندانی کشیدن رخ داد، و طی این مدت در معرض همه نوع شکنجه ها قرار گرفت.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین.

عیسی نوح ابوعصب

در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۱ دادگاه عالی، مرکب از ۳ قاضی به‌نام زوسمان، آسیون و کدمن، برای وزیر دفاع دستوری صادر کرد، تا در دادگاه حضور یابد و علت آزاد نشدن عیسی نوح ابوعصب را از زندان روشن نماید. او در اصل توسط دادگاه لیدا به‌یک سال زندان محکوم شده بود، اما، مقامات زندان مدت آن را برای یک سال ونیم دیگر تمدید کردند. او بار دیگر نیز به‌شش ماه محکوم شد. وکیل او خانم «اف لنگر» فاش کرد، که موکلش بدین خاطر آزاد نشده، که وزیر دفاع هیچ راهی برای اثبات کردن این‌مسأله، که او برای امنیت کشور

تهدیدی بشمار می‌رود، نداشته است.

دادگاه عالی این عمل موشه‌دایان (وزیر دفاع) را یک نوع توهین و تخلف نسبت به‌مقامش قلمداد کرد.

روزنامه الاتحاد، ۵ فوریه ۱۹۷۱

د: اعتراض به‌شکنجه و بدرفتاری

۱۲ بازداشت شده غیر قانونی، در زنـدان «شتا» دست به‌یک اعتصاب غذا زدند. خانواده‌های چهار بازداشت شده نیز در دادگاه زندان، در اعتراض به‌بازداشت بدون محاکمه آنان دست به‌اعتصاب غذا زدند. بعضی از آنها برای مدت ۲۰ تا ۲۱ ماه بازداشت شدند.

روزنامه معاریو، ۱۶ مه ۱۹۷۱

در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۱ روزنامه هاعولام هازه، گزارش شده بود کـه دلیل سختی بـدست آوردن اطلاعات در رابطه با اعتصاب زندانیان در اشکلون این است که به‌گزارشگران اجازه داده نشده تا از زندان بازدید کنند.

اطلاعات اندکی که جمع آوری شد، فاش کرد که اسرائیلیها تلاش می‌کنند زندانیان را فلج کنند. هیچ‌گونه کاری تدارك دیده نشد که بدان وسیله زندانیان وقت خود را صرف آن کنند. در عوض، در سلولهایشان محبوس گردیدند و در آنجا زندانیان زود دلشکسته و ساکت شدند.

خانم فیلیسیالنگر فاش ساخت کـه زنـدانیان آنقدر تحت فشار بودند، که امکان نداشت بشود با آنها مصاحبه کرد.

طی اعتصاب، «عبدالقادر ابوفخیم» یکی از زندانیان جان سپرد و مقامات ادعا کردند مرگ او طبیعی بوده است...

روزنامهٔ هاعولام‌هازه تصدیق کرد که در حقیقت برای بیشتر منزوی کردن زندانیان، اجازه ورود هیچگونه منابع خواندنی داده نشد...

«نعیم کهبانی»، یک فلسطینی ۲۷ ساله به‌خاطر اینکه با یک همراه مسلح گرفته شده بود، محکوم گردید. موشه‌دایان شفاعت او را کرد، اما بجایی نرسید. نعیم فاش کرد که بوسیله سرپرست زندان مورد بدرفتاری توهین‌آمیز و تحقیر کننده‌ای قرار گرفته، زیرا هرگاه نعیم بکار-بردن کلمه «ارباب» را بعد از هر جمله فراموش می‌کرد، با مشت و لگد شدیداً مورد ضرب‌وشتم قرار می‌گرفت، و این در حالی بود که او را برهنه کرده بودند.

دیگر زندانیان نیز به‌همین شیوه مورد بدرفتاری قرار گرفتند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین.

متن زیر خلاصه‌ای از نامه خ. الف. ن از نابلس به‌سردبیر مجله المرصاد است. این نامه در ۱۰ مارس ۱۹۷۰ منتشر شد:

اولا: شما هرگز شنیده‌اید که در حالی که مردم خوابیده‌اند سرشان را لگد کنند و روی سرهای آنان راه بروند؟ ممکن است شما موضوع را باور نکنید، اما در حقیقت این امر همان چیزی است که در زندان «بیرالشبع» رخ می‌دهد. اگر کوچکترین شکی درمورد این سخنان من دارید، می‌توانید درصورت بازدید از آن زندان، خودتان درمورد این مسأله تحقیق کنید.

ثانیاً: هیچ عذر و بهانه‌ای در مورد عدم اجازه به‌بازدید کنندگان برای آوردن شیرینی برای زندانیان در روزهای عید وجود ندارد.

ثالثاً: آقای سردبیر، آیا شما می‌توانید در روزهای سرد زمستانی بدون پتو و تشک به‌روی زمین بخوابید؟ البته که نمی‌توانید. اگر حرفهای مرا باورمی کنید چه بهتر، واگر باورنمی کنید خودتان‌از زندان

اشکلون بازدید کنید. البته اگر بتوانید از دیوارهای پولادین آن به داخل رخنه کنید، یا قادر باشید با بعضی زندانیان مصاحبه خصوصی داشته باشید. به‌شما اطمینان می‌دهم که حل این مسأله بی‌نهایت مشکل است، زیرا شما تحت محاصره پلیسی هستید که به دقت به‌همه حرفهای شما گوش می‌دهد. آیا شما این را نیز می‌دانید که توهین به زندانیان درمقابل خانواده‌هایشان یک امر مرسوم شده است؟

ه: افشاگریهای بیشتر

محمد حجازی که به‌مرگ محکوم شده بود (در سال ۱۹۶۶)، درچهارماه گذشته درسلولش حبس گردید.

روزنامه الاتحاد، ۵ فوریه ۱۹۷۱

کتابی اخیراً بوسیله «عزرا یانوف» منتشر شد، که‌درآن داستانهای شکنجه زندانیان عرب مورد انکار قرار گرفته است. با وجود این، بعضی پاراگرافها در آن کتاب وجود دارد، که بدرفتاری با جوانان زندانی و بازداشت‌شدگان عرب را شرح می‌دهد:

۱— رفتار وحشیانه با مردان و زنان هردو. لباس مردان را در می‌آورند و به‌پشت آنها شلاق می‌زنند. زنان را نیز برای تفتیش کردن در خیابان برهنه می‌کنند. سربازان ساعتهای مچی و دیگر متعلقات ساکنان را درحال تفتیش بسرقت می‌برند.

۲— پرستاران زن در بیمارستان غزه شکایت کردند که نگهبانان مرزی اسرائیلی برای رسیدن به‌اهداف خود، آنها را در سر راهشان به محل کار لخت می‌کنند.

۳— یک بازداشتگاه در ساحل دریا در نوار غزه برای نگاه‌

داشتن بازداشت‌شدگان ساخته شد، و اسرائیلیها بازداشت‌شدگان را مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌دادند و بعضیها را به‌درون دریا می‌انداختند.

روزنامه معاریو، ۲۶ مه ۱۹۷۱

سه‌سال قبل زندان «کفریونا»، که مخصوص زندانیان عرب می‌باشد، مورد بازسازی مجدد قرار گرفت. زندانیان، که اکثرشان بازداشت‌شدگان سیاسی هستند، در سلولهایشان حبس هستند، و فقط به‌مدت ۱۲ دقیقه در حیاط زندان آزاد راه می‌روند. روزانه هم به‌آنها سوپ‌آب جوشانده و پیاز می‌دهند.

روزنامه الاتحاد، ۱۳ آوریل ۱۹۷۱

حسین عبدالعزیزعکر، محمد عبدالرحمن ازعر، و محمودحمید طقطاقه، در ٤ ژوئیه ۱۹۷۱ در دادگاه نظامی لود به‌ترتیب به ۱۰، ۵ و ۱۰ سال زندان محکوم شدند. آنها به‌عضویت در یک سازمان غیرقانونی، نگاهداری و حمل اسلحه متهم شدند. طقطاقه بشدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفت، و سپس به‌داخل آب سرد انداخته شد، و به داخل روده راستش چندین گلوله جا شد. آثار شکنجه هنوز به‌روی انگشت یا ناخنهای عکر دیده می‌شود. وی اظهار داشت که به‌روی اندامهای تناسلی‌اش شلاق زده‌اند، و یک میله پلاستیکی به‌داخل روده راستش جا کرده‌اند. ازعر ۱۹ ساله، که از هر سه‌نفر جوانتر بود، به همین ترتیب تحت شکنجه قرار گرفت.

روزنامه الاتحاد، ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۱

در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۱، دادگاه نظامی نابلس، بررسی دربارهٔ ناظم رسمی، عبدالله کوسی، سعیدصالح، حمدان عمار را شروع کرد. هر دوی آنها به‌عضویت در یک سازمان غیرقانونی و داشتن اسلحه و مهمات متهم گردیدند.

خانم اف– لنگر، وکیل آنها، گفت که اظهارات و شهادت سعیدموکلش بزور صورت گرفت، و او آثار شکنجه را به‌روی بدنش نشان داد. سعید همچنین، قیافه‌های اعضای شین‌بث (سرویس مخفی اسرائیل) راکه او را زده بودند توصیف کرد. دو شاهد دعوی در دادگاه به‌تناقض‌گویی افتادند، زیرا یکی قبول داشت که سعید راهنگام کتک‌زدن با چشم چپ‌آبی‌اش دیده و دیگری این مسأله را انکار می‌کرد. دادگاه مزبور تا سپتامبر بعدی به‌تعویق افتاد.

روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

در شهر ناصره، عبدالملک دهمشه از گرفتن کفیل محروم گردید و برای ۱۰ روز مجدداً بازداشت شد، زیرا به‌همکاری و دست‌داشتن در عملیات خرابکاری «الفتح» در تل‌آویو، نتانیا و حیفا بین سالهای ۱۹٦۸ و ۱۹۷۰ مورد سوءظن بود.

دهمشه نقل کرد که در روز جمعه دستگیر شد، و در یک اتاق، که جز یک تشک و سطل چیز دیگری نداشت، محبوس گردید. او همچنین گفت که بازپرسان او را تهدید کرده بودند که با وی باخشونت رفتار می‌شود. گرچه او را نزده بودند، اما مجبورش نمودند که بزور حقایقی را قبول کند، و زیر ورقه‌ای را امضا کند، که اغلب گفته‌های مندرج در آن عاری از حقیقت بود.

جرزالم‌پست، ۲۸ اوت ۱۹۷۱

آقای ژان‌پیرمانوار، معاون دبیرکل صلیب سرخ بین‌المللی، ادعا کرد که اسرائیل تقاضای صلیب‌سرخ را مبنی برمتوقف کردن تبعید ساکنان تحت اداره، و ویران کردن خانه‌های خرابکاران، نادیده گرفته است. او همچنین شکایت کرد که اسرائیل به‌نمایندگانش اجازه بازدید از خرابکاران را در طی بازجوییهایشان بوسیله نیروهای امنیتی نداده است. تمام اینها به‌معنی زیرپا گذاشتن ماده ٤، در رابطه با

رفتار با اشخاص در مناطق تحت اداره دولت نظامی می‌باشد.

جرزالم پست، ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۱

رئیس پلیس اعلام کرد که گزارش کمیته ویژه منصوب شده از طرف کمیسر زندان برای بررسی شورش زندان اشکلون در ۳۰ سپتامبر «داخلی و فنی» است، واجازه انتشار بدان داده نخواهد شد.

او گفت کمیته قبلاً نتایج تحقیقات خود را که هدف آن کمک به «اقدامات آینده» است تسلیم کرده است. در پاسخ به سؤالاتی که پیرامون این مسأله می‌شد، وی گفت: « حوادث زندان اشکلون تنها یک سری خرابکاری بحساب می‌آید، و به‌مفهوم شورش قلمدادنمی‌گردد. علل اصلی این شورش شلوغی بیش از حد زندان، کمبود کارکنان و نگهبانان و سرانجام این امر است که در بین زندانیان اشکلون رهبران ارشد کماندویی و دیگر «زندانیان خطرناک» وجود داشتند.

تقاضای شهردار کرانه غربی رود اردن، برای بازدید از زندان رد شده بود، زیرا در این مرحله از زمان تنها به‌افزایش تشنج کمک می‌کرد.

جرزالم‌پست، ۱۲ اکتبر ۱۹۷۱

یک هیأت ۱۲ نفری از نابلس، تحت‌رهبری شهردار «حاج‌معزوز المصری» گام بی‌سابقه‌ای برداشت، و پیشنهاد کرد که یک کمیتهٔ پارلمانی «بی‌طرف» از اعضای کنست اسرائیل تشکیل شود تا اوضاع زندان اشکلون را بررسی کند. هیأت مزبور شامل نمایندگانی از شهرداری، سازمانهای زنان و اتاق بازرگانی می‌شد. هیأت بنا به گزارشات رسیده دو یادداشت تسلیم کرد. یکی از طرف زنان اعتصاب‌کننده برعلیه بدرفتاری با اقوامشان، که در زندان اشکلون بسر می‌بردند، به‌دولت نظامی تسلیم گردید، و یادداشت دومی از طرف خود هیأت به‌وزیر دفاع داده شد. هر دو یادداشت حاکی از این بود که بسیاری

از زندانیان اشکلون، که اغلب آنان محکوم به‌حبس‌ابد هستند، پس ازشورش در زندان «شکنجه» شده و بعضی از آنها بازوهایشان شکسته بود. یادداشت مزبور همچنین ادعا می‌کرد، که اقوام و نمایندگان عموم مردم از ملاقات با بعضی از زندانیان پس از شورش محروم شدند.

جرزالم‌پست، ۱۳ اکتبر ۱۹۷۱

موشه‌دایان وزیر دفاع به‌اشخاص برجسته در نابلس اطلاع داد که هیچ یک از اهالی شهر نابلس اجازه نخواهند داشت تا از اقوام خود که در اسرائیل زندانی هستند، طبق برنامه معمولی (دوبار ملاقات در هفته) ملاقات نمایند. موشه‌دایان همچنین اجازه نداد تا اهالی کرانه باختری به‌بررسی زندان بپردازند، و گفت که وی مخالف انتصاب یک «کمیته بازرسی عمومی» می‌باشد. اشخاص معروف نابلس از او خواسته‌اند تا تصمیم خود را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

جرزالم‌پست، ۱۵ اکتبر ۱۹۷۱

اتحادیه حقوق بشرو حقوق مدنی در اسرائیل در روزنامه‌هائارتز اعلامیه‌ای منتشر کرد، و شرایط و اوضاع زندان اشکلون را مورد بحث قرارداد. اعلامیه مذکورمتذکرمی‌شود که زندانیان‌عرب هرروز به‌مدت ۲۳ ساعت در سلولهای شلوغ نگه داشته می‌شوند، و مادرها و اقوامشان اجازه ملاقات با آنها را ندارند. کسانی که قادر به‌دیدن خانواده‌هایشان شده بودند، به‌آنها گفتند که ده مورد از زندانیان را دیده‌اند که دندان آنها شکسته یا بدون غذا و لباس بوده‌اند. اتفاقی نیست که یک کمیته پزشکی از وزارت بهداشت، بر علیه شرایط انسانی حاکم در آن زندان هشدار داد. این امور، به‌طورکلی از مردم پنهان نگاه داشته می‌شود، و هنگامی که ۱۶۰ نفر از مادران زندانیان در نابلس اعتصاب کردند، و خواهان اجازه ملاقات با فرزندان خودشان

شدند، چنین اجازه‌ای به‌آنها داده نشد. اتحادیه، خواهان تشکیل یک کمیته غیرنظامی برای بررسی این امور شد.

روزنامه‌الاتحاد، ۱۹ اکتبر ۱۹۷۱

عبدالجابر عبداله‌الصیوری از هبرون، در ۲۶ اوت ۱۹۷۱ دستگیرشد، و هنگامی که خانم فیلیسیالنگر خواستار ملاقات با او در ۱۴ اکتبر شد، تقاضایش رد گردید و پس از چندین اعتراض اجازه ملاقات او را پیدا کرد. موکل او شرح شکنجه‌هایی را که در زندان دیده بود به‌وی گفت، و همین شکنجه‌ها باعث شد که شنوایی گوش راست خود را از دست بدهد.

موکل او تحت بازداشت غیر قانونی قرار دارد و از اتهام خود چیزی نمی‌داند، جز اینکه به‌داشتن ارتباطات کمونیستی مشکوك است.

روزنامه الاتحاد، ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱

در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱، دادگاه نظامی در لیدا به‌بررسی وضع مصطفی‌حسن‌الشعار، علی‌مصطفی‌خلف و امین‌محمدالشعار ادامه داد. امین‌محمد تنها بدین خاطر که گفته بود عضو سازمان الفتح می‌باشد، به‌یك سال زندان محکوم گردید، فیلیسیالنگر، وکیل مصطفی‌حسن، اتهام قتل برعلیه او را رد کرد و گفت وقتی که افسر مسؤول خلع سلاح کردن آنان، مواد منفجره را آزمایش کرد، دریافت که هدف آنها ایجاد انفجار نبوده است. جلسه دادگاه تا ۵ دسامبر ۱۹۷۱ به‌تعویق افتاد.

روزنامه الاتحاد، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۱

سمیراحسین‌نجم (دختر) ۲۳ ساله، از بیت‌المقدس، ٤ ماه است که در زندان مسکوبیه بافاحشه‌های یهودی زندانی شده است، و متهم به‌همکاری با سازمان الفتح می‌باشد.

علی‌رغم بیماری او، و شکست دادگاه دریافتن مدرکی برعلیه

وی، سمیرا به‌تقاضای وکیل خود فیلیسیالنگر آزاد نشد.

روزنامه الاتحاد، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۱

در ۸ نوامبر ۱۹۷۰، یازده زندانی از زندان اردن، که ۸ نفرشان از دهکده هلهول بودند، در آخرین توقف قبل از تبعیدشان به‌اردن از طریق «وادی‌عربه»، به‌زندان بیرشبع منتقل شدند. دست و پا و چشم همهٔ آنها بسته بود. «فیلیسیالنگر» می‌دانست، که علی‌رغم اینکه شدیداً شکنجه شده بودند، هیچ کدامشان حاضربه‌پذیرش اتهامات نشدند، و همگی آنها از همکاری با سازمان اطلاعات اسرائیل، که شرط ماندن آنها در زندان هبرون بود، خودداری کردند. اعضای «شین بث» (سرویس مخفی اسرائیل) نیز تهدید کردند که اگر بازداشت‌شدگان از همکاری با آنان خودداری کنند، تمام ساکنان دهکده هلهول به‌اردوگاه «عقبة‌جبر» نزدیک شهر جریکو، که در جنگ ۱۹۶۷ ویران شد، تبعید خواهند گردید.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

دادگاه نظامی طولکرم جلسات خود را در مورد وضع سامی محمدغشو، و ودیع‌عبدالفتاح شهاده، در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱ مجدداً شروع کرد. آنها هر دو از بقعه‌الهطب نزدیک شهر طولکرم، می‌باشند و هر دو معلم عربی هستند. آنها متهم به‌عضویت در سازمان الفتح و داشتن اسلحه شده‌اند. فیلیسیالنگر از اولی، و صفی‌المصری از دومی دفاع کردند. غشو گفت که او را تهدید کرده بودند که اعتراف کند، و گروهبان ایزاك (زرتین)، بازجوی او، اعترافات را به‌وی دیکته کرده بود.

پس از اینکه غشو بشدت توسط «شین بث» مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، گروهبان ایزاك را به‌نزدش آوردند. اعترافات به‌زبان عبری است، و فقط یک جمله به‌عربی دارد، که نوشته شده است متهم

با رضایت و اشتیاق خود اعتراف کرده و عضویت خود در الفتح را پذیرفته است. هنگامی که وکیل از گروهبان بازپرسی بعمل آورد، وی پذیرفت که اعترافات را کلمه به کلمه برای متهم دیکته کرده است، زیرا به گفته او متهم انشا عبری بلد نبوده است! یک‌چنین محکومیتی برای دومین متهم نیز دیکته شده بود و وکیل او دریافت که اشتباهات زبانی یکسانی در هر دو اعتراف وجود دارد، و این دلالت براین می کند که یک شخص این کار را انجام داده است. جلسه دادگاه تا ۲۸ نوامبر ۱۹۷۱ به‌تعویق افتاد.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

عادل‌محمدحدید برغوثی، در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱ دستگیر شد. او ۳۹ سال دارد و از دهکدهٔ کوبر نزدیک شهر رام‌الله می‌باشد و پدر سه‌بچه است. او هنوز تا ۵ ژانویه ۱۹۷۱ تحت بازداشت بسر خواهد برد. او متهم به‌عضویت در سازمان الفتح، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست لبنان گردید.

وقتی که او در زندان رام‌الله با فیلیسیالنگر، وکیل خودش، ملاقات کرد به‌او چنین گفت: «بازجویان در لباس غیرنظامی بودند، و من نمی‌دانستم که اسمشان حقیقی بود یا نه. آنها سراسر بدنم را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند، و حرفهای بسیار کثیفی، به‌منظور توهین و تحقیر خودم و مردم سرزمینم، نثارم کردند. روی‌من آب سرد ریختندو وقتی که از قبول اتهامات آنان خودداری کردم، مرا به‌باد کتک‌گرفتند. بعداً یک ساك به‌وزن ۵ کیلو گرم آوردند که پر از سنگ بود. مرا مجبور کردند تا آن ساك را به‌مدت ۳ ساعت در حالی که روی یک لوله گرد ایستاده بودم روی پشت خودم حمل کنم. بنابراین هر وقت که لوله می‌غلتید، من بزمین می‌خوردم و آنها بار دیگر مرا به

باد کتک می‌گرفتند.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

اعضای کنست (پارلمان اسرائیل)، و وکلا هنوز نمی‌توانند از زندان اشکلون بازدید نمایند. مدت زمانی قبل «نبیل قبلانی» از بیت‌المقدس، و یکی از بازداشت‌شدگان آن زندان، به‌زندان رمله منتقل گردید. پس از بازگشتش، فیلیسیالنگر اجازه نیافت با او ملاقات کند. مادرش بعد از ملاقات با او گفت: «همه جای بدن او باد کرده بود، او دست باد کرده خود را به‌من نشان داد و گفت که شدیداً او را شلاق زده‌اند. به‌او گفتم که آنها نگذاشته‌اند وکیلش با او ملاقات کند، و او گفت که این امر بهتر است زیرا اگر وکیلش با او ملاقات می‌کرد، پیراهنش را درمی‌آورد و آثار شکنجه را به‌وی نشان می‌داد.» او درحال حاضر در یک سلول انفرادی محبوس است.

روزنامه الاتحاد، ۳ دسامبر ۱۹۷۱

بخش دوم

تروریسم، تهدید و ارعاب و دستگیریهای فوری

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر، بازداشت و یا تبعید نمود.

ماده ۴، اعلامیه جهانی حقوق بشر

در امور خصوصی، خانوادگی، منزل یا مکاتبات هیچ کس نمی‌توان به‌طور خودسرانه مداخله کرد و شرف و آبروی او را نمی‌توان مورد حمله قرار داد. هر کسی در مقابل چنین مداخلات یا حملاتی، حق دارد تحت حمایت و محافظت قانون قرار بگیرد.

ماده ۱۲، اعلامیه جهانی حقوق بشر

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمود.

ماده ۹، توافق‌نامه سازمان ملل در مورد حقوق مدنی وسیاسی

هیچ شخص تحت حمایتی نباید به‌خاطر عمل خصمانه یا جرمی که شخصاً مرتکب نشده مجازات گردد. مجازاتهای دست‌جمعی، و شبیه به‌آن به‌عنوان عمل رعب و وحشت یا تروریسم قلمداد گردیده، و ممنوع است.

چپاول و غارت ممنوع می‌باشد.

اعمال تلافی جویانه، برعلیه اشخاص تحت‌الحمایه و اموال آنها

ممنوع است.

ماده ۳۳، چهارمین توافق‌نامه ژنو

طرفین عالی امضاء کننده موافقت‌نامه ژنو، بالاخص توافق دارند که هیچ یک از آنان حق دست‌زدن به‌اقدامی که باعث صدمه جسمانی یا قلع‌وقمع اشخاص تحت‌الحمایه در سرزمینشان بشود، ندارند. این ممنوعیت نه‌تنها شامل قتل، شکنجه، تنبیهات جسمانی، قطع اعضای بدن و آزمایشات پزشکی و علمی غیرضروری برای شخص تحت‌الحمایه می‌شود، بلکه هرگونه اقدامات بی‌رحمانه و وحشیانه از سوی عناصر نظامی یا غیرنظامی را نیز در برمی‌گیرد.

ماده ۳۲، چهارمین توافق‌نامه ژنو

در توافق‌نامه موجود، منظور از جنوساید، ارتکاب اعمال زیر به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، بومی، نژادی یا مذهبی، بدین ترتیب می‌باشد:

۱— کشتن اعضای گروه؛

۲—وارد آوردن ضربات سخت جسمی یا روحی به‌اعضای گروه؛

۳—تحمیل عمدی شرایط زندگی به‌گروه، به‌منظور انهدام فیزیکی کلی یا جزئی آن؛

۴—اعمال اقداماتی که هدف آن جلوگیری از زادوولد در داخل گروه باشد؛

۵—انتقال اجباری بچه‌های یک گروه به‌گروه دیگر.

ماده ۱۲، توافق‌نامه جنوساید

ب: تخلفات و تجاوزات از قوانین

در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۱، کمیته حقوق بشر و حقوق مدنی اسرائیل در تل‌آویو اعلام کرد که «نگهبانان مرزی درغزه مردم‌را بازداشت کرده،

و آنها را مورد ضرب وشتم قرار داده، و به‌منظورالقاء ترس و وحشت و ترور بین آنان با آنها با سنگدلی رفتارکرده و همانند حیوانات وحشی آنها را زیر ضربات شلاق می‌گیرند.» برطبق این گزارش، با شواهد عینی قابل اعتماد مصاحبه به‌عمل آمد. یکی از آنها یک دکتر بود. او بدرفتاری آنان را با فلسطینیها افشا کرد. یکی از این افشاگریها در مورد شخصی است که در اثر شلیک چندین گلوله به پاهایش مجروح شده بود، لیکن علایم حاکی از این بود که شخص مزبور یکی از پاهایش را از دست داده، و پای دیگر را می‌شود با یک عمل جراحی نجات داد. اما افسران امنیتی اسرائیل به‌این جراحی رضایت ندادند، وچهارساعت بعد او پای دیگرش را هم از دست داد.

گزارش مزبور، همچنین فاش ساخت که هنگام بازدید از اردوگاههای پناهندگی و بخشهای فقرا با ساکنان بسختی و خشونت رفتار می‌شود. اموال مردم ویران می‌شود. زنان را مجبور می کردند که پشت به‌دیوار بایستند و خود را کاملا لخت یا نیمه لخت کنند. بعضی از زنها دراثر ضربه‌ای که از این تحقیر شدن می‌خوردند؛ به‌حالت غش می‌افتادند. آنها را به‌بیمارستان می‌بردند و پس از آن، آنها را درحالی که لخت بودند در خیابانها راه می بردند.

تعداد زیادی دستگیر شدند. از آنجا که فضای کافی در خانه های زندان وجود نداشت، یک اردوگاه وسیعتر به‌عنوان زندان ساخته شد. آنجا شکنجه کردن امر مرسومی بود، و فریادهای دردناك از آن محل بگوش می‌رسید. یک اردوگاه دیگر، به‌عنوان زندان برای خانواده‌های مردان تحت تعقیب در وسط صحرای سینا در «نهلی» ساخته شد. اقوام مرد و پسر آنها، که تنها جرمشان خویشاوندی بود، به‌زندان اردوگاه

در صحرای سینا انداخته می‌شدند.

مؤسسه مطالعــات فلسطینی بــولتن شماره
یک، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۱

روزنامه المرصاد در اول ژوئیه ۱۹۷۱ دربارهٔ مشکلات فلسطینیها در حکومت نظامی نوشت:

فلسطینیها در حال حاضر نمی‌دانند که شکایات خود را چگونه و به چه کسی ارائــه دهند... بسیاری از ساکنان از تـرس اعمال تلافی‌جویانه، جرأت نمی کنند این شکایات را بازگو نمایند. با این وجود بعضیها جرأت این را یافته‌اند، تا به‌طور آشکار صدای نارضایتی خود را بلند کنند. حتی بعضیها جسارت این را پیدا کردند که خود شخصاً شکایات خود را به‌اشخاصی که در مصدر قدرت هستند، تسلیم کنند. از طرف دیگر، این اشخاص بندرت یک جواب مثبت و مؤثـر دریافت می کنند، و هیچ گونه علاقه‌ای نیز از طرف مقامات اسرائیلی در مورد جواب دادن به‌این شکایات دیده نمی‌شود. شکایات گوناگون و متفاوت است. بعضیها می‌گویند که افسران امنیتی آنها را در خیابان متوقف کـرده، اتومبیلهای آنـان را گرفته، و پس از درهـم کوبیدن اتومبیلها، آنها را به‌صاحبشان برگردانده‌اند. بعضی دیگر فاش می کنند، که چگونـه به‌خاطر نـدادن کارت شناسایی خود بـه‌مأموران دستگیر شده‌اند. بعضی خانواده‌ها فاش کردند که خانه‌های آنها شبها مورد هجوم افسران امنیتی قرار گرفته است. بعضی دیگر نیز اظهار می‌دارنـد که پول و اموال با ارزش آنها مـصادره شده، و خودشان مورد تـوهین قرار گرفته و مواجه با خشونت جسمانی گردیده‌اند.

المرصاد، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

روزنامه معاریو، در شماره ۷ ژانویه ۱۹۷۱، تأکید کرد کـه «اوضاع در نـوار غزه به‌جایی رسیده است کـه سربـازان اسرائیل از به

اجرا درآوردن فرامین «کشتار عمومی» خودداری می‌کنند. آنها به‌خاطر دلایل انسانی، از فرماندهان اطاعت نمی‌کنند، و حتی اگر وزیر دفاع به‌آنها فرمان صادر کند، این کار را نمی‌کنند.

معاریو، ۷ ژانویه ۱۹۷۱

مقامات نظامی اسرائیلی درکرانه باختری، تهدید کرده‌اند که اگر ساکنان عرب به‌تحریم انتخابات ادامه دهند، شهرداران کنونی عرب را ازکار برکنار کرده و به‌جای آنها نمایندگان نظامی را برای اداره شهرداریها خواهند گذاشت.

این امر را کلنل رافائل وادی، استاندار نظامی ساحل غربی، به‌دنبال تصمیم شوراهای شهر نابلس برای تحریم انتخابات، تحت‌فشار اردن، اعلام کرد.

دیلی تلگراف، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

رجب‌العلمی، شهردار، به‌دنبال نگرانی روزافزون اسرائیلیها از رفتار خصمانه او و نیز عدم همکاری‌اش با دولت نظامی و انجام ندادن کاری برای بهبود بخشیدن به‌وضع جمعیت محلی، از شغل خود برکنار شد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

دولت نظامی در سرزمینهای اشغالی، «علی‌لطفی‌محمدخلف» اهل دهکده مکابه را به‌اقامت اجباری در شهر جنین برای یک سال، از ۸ سپتامبر ۱۹۷۱ مجبورکرده است. دولت نظامی قبلا هم وی را برای دوسال‌ونیم به‌همین مجازات محکوم کرده بود. آنها همچنین پدر و برادر او را به‌همان مجازات تهدید کرده‌اند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

فوزی‌نمرالبورینی، از شهرا کره، که در هیجدهم فوریه ۱۹۷۱ تبعید شد، فاش ساخت که دولت نظامی برای او یک محکومیت به

مدت ٦٢٤ سال صادر کرده است! به‌علاوه، او را تقریباً یک‌ونیم‌میلیون پوند اسرائیلی جریمه کردند. او همچنین سایر اعمال مشابه مضحک اسرائیلیها را نقل کرد. یک فلسطینی خواب دید که تعدادی کماندو به‌داخل یک غار درکوهستانها داخل می‌شوند. این خواب را برای دوستش تعریف کرد. داستان مزبور گسترش پیدا کرد تاجایی که به‌گوش مأموران سرویس مخفی اسرائیل رسید. او دستگیر شد، تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت، و به‌مدت ١٣ ماه در زندان بسر برد و پس از آن به کرانه باختری تبعید شد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

بنگاه خبرپراکنی اسرائیل، در دوم فوریه ١٩٧١، اعلام کرد که حاکم نظامی به‌خبرنگاران خارجی طی دیدارشان از گارد ساحلی در غزه اطلاع داده است که سربازان اسرائیلی به‌هنگام زدن ساکنان، به‌منظور تحقیق و بازجویی، کنترل خود را از دست داده‌اند.

ایستگاه رادیویی اسرائیل، ۲ فوریه ۱۹۷۱

فرمانده نوار غزه، در گزارشات خود اقدامات گوناگون احتیاطی را، که برای منزوی کردن فلسطینیهای عضو سازمانهای کماندویی انجام گرفته، فاش کرد. او اظهار داشت که، بیش از ١٩٠ نفر در یکی از اردوهای زندان در صحرای سینا، متهم به‌محکومیتهای مدنی و غیر قانونی شده‌اند. علاوه براین، ٢٧ خانواده از نوار غزه به‌صحرای سینا تبعید شدند، تا امکان کمک آنها به‌فراریان کمتر بشود.

المرصاد، ۲۱ آوریل ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک مبارزه ضد تروریستی را در نوار غزه، به منظور فشار آوردن به‌ساکنان برای مهاجرت به‌ساحل غربی رود اردن، آغاز کردند. هدف آنان پاك کردن منطقه بود. روزنامه هاآرتز در ١٩ ژانویه ١٩٧١ گزارش داد: «تعداد بسیار زیادی از ساکنان نوار غزه،

به‌خاطر دستگیریهای پی در پی و تروریسم به کرانه باختری (ساحل غربی) مهاجرت کرده‌اند. مقامات به‌آنهایی که آرزوی مهاجرت به کرانه باختری را دارند، چنین اجازه‌ای نداده‌اند. علاوه براین، مقامات اسرائیلی وسایل نقل و انتقال را فراهم کرده، و برای یافتن اقامتگاه و شغلهای امن، به‌آنها کمک می کنند. جابجا سازی از نوار غـزه مدتهاست ادامه دارد، اما در این اواخر به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. تخمین زده می‌شود که کمتر از ۲،۰۰۰ نفر منطقه را ترک کرده باشند.
هاتارتز، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

موشه‌دایان وزیر دفاع، در ۶ اکتبر ۱۹۷۱، به‌شورای شهرنابلس اطلاع داد که مقامات نظامی از دیدار ساکنان نابلس و بخصوص خانـواده‌های بـازداشت شدگان، بازندانیان برای یک ماه جلوگیری کرده‌اند. این ممنوعیت تنبیهی بود در جواب اعتصاب همبستگی بـا کسانی که در زندانهای اسرائیل بسر می‌برند.
آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

مقامات اسرائیلی، از ژوئیه ۱۹۷۱، شیوه جدیدی از مجازات دست جمعی را علیه بازداشت شدگان عرب در زندان شروع کردند.آنها یک نوع مادۀ پودری در سلولها می‌پاشیدند، که باعث رواج بیماریهای مسری پوستی و بیماری ضعف و غش می‌شد. برای اولین بار این کار در رام‌الله صورت گرفت و آن هنگامی بود کـه ۴۰۰ زندانی موجود در زندان، از شرکت در یکی ازجشنهای اسرائیلی خود داری کردند.
آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

روزنامه الاتحاد، در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۱، نامه‌ای از غزه منتشر کرد، که قتلهای مرتکب شده توسط گروههای سازمان داده شده بوسیلـه مقامات اشغالگـر را فـاش کرد. نـامه مزبور، همچنین می‌گفت «...ما توانستیم اخبار را توسط دو سربازاسرائیلی (که یکی از آنها مهم

بود)، و یک شهروند اسرائیلی، بدست آوریم. آنها شاهد یک چنین عملیاتی بودند. گروه مذکور به «آشپزفشار» معروف بود. یک گروه ۸ یا ۱۰ نفری از میان سربازانی که قبلا در غزه کار کرده یا داوطلب کار-کردن در آنجا بودند، انتخاب می‌گردید. رهبر عملیات، یک مأمور سرویس مخفی است، و دو عرب به‌همراه دارد، یکی از آنها یک عرب اسرائیلی از زندان جنایتکاران است، و دیگری یک عضو اخراج شده کماندوهای فلسطینی است، که در اثر عدم تحمل شکنجه‌ها با آنها همکاری می کند. به هردوی آنها قول داده شده که درصورت همکاری رضایتمندانه، به‌آنها عفو داده خواهد شد. عملیات به‌طرز زیر به‌اجرا درمی‌آید. دو عرب که غیرمسلح می‌باشند درجلو قرار می گیرند. مأمور مسلح سرویس مخفی، پشت سر آنها حرکت می کند، تا در صورتی که دو عرب بخواهند فرار کنند، به‌آنها شلیک نماید. یک خانه متروک انتخاب می‌گردد، و به‌اعراب اسلحه داده می‌شود تا هر مردی را که یافت می‌شود بکشند. آنها که به‌قتل نمی‌رسند، به‌یک انبار قدیمی در نزدیک ساحل دریا برده می‌شوند. وقتی که یک گروه ۶ تا ۷ نفری در آنجا تشکیل می‌شود، فوراً اعدام می‌شوند. جسد آنها به‌نقاط خاصی، که نزد سایر شهروندان شناخته شده هست، برده می‌شود. سپس در ارتش و رادیو و روزنامه‌ها اعلام می کنند که اعراب یکدیگر را کشته‌اند. طی یک عملیات تعدادی از زنان با گلوله کشته شدند، اما قاتلان افشا نگردیدند، زیرا خوف این بود که اسرائیلیها باور نکنند که چنین عملی توسط فلسطینیها انجام شده باشد.

الاتحاد، ۵ اکتبر ۱۹۷۱

شهر غزه، دراعتراض به کشته‌شدن ۶ عرب دراردوگاه جبلیه، در ۲۳ اکتبر، اعلام یک اعتصاب‌عمومی کرد. تمام شهر بسته‌بود، و جو متشنج شدیدی بچشم می‌خورد. وسایل خبر پراکنی اوضاع را نوعی رویارویی

بین ساکنان و مقامات اسرائیلی گزارش کردند. در طی روز، خیابانهای شهر پر از مـردان و زنـان سیاهپوش بود، کـه بر علیه دولت نظامی تظاهرات می کردند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

موشه‌دایان در جواب «امیل جیبی»، نمایندهٔ کنست، در ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ اعلام کرد، که تعداد بازداشت شدگان تامارس ۱۹۷۱، به ۵۰ نفر رسیده است. ۲۲۹ نفر ازکوهستانهای الکودز و السامره، ۳۰۳ نفر از نوار غزه، ۱٤ نفر از بیت‌المقدس و ۱٤ نفر از جوامع اسرائیلی عربی قبل‌از ۱۹٦۷، بودند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

ج: افشاگریهای بیشتر

مقامات اسرائیلی به‌دنبال کشف یک بمب در یک اتوبوس، ٦۰ نفر را درنابلس دستگیر کردند.

الاتحاد، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

در غزه، راه بین محل بـازرسی و ایستگاه پلیس، تقریباً بیابانی است. سربازان دراتوموبیلها و جیپهای مسلح و نیز سربازان پیاده، هرگز ازجلوچشم‌دور نمی‌شوند.

معلمان و وکلایی که موقعیت منطقه را با ما مورد بحث قرار دادند، تقاضا نمودند که نامشان فاش نشود. «دولت به‌طور آشکار تصمیم به‌رفتار خشونت آمیز گرفته است، و عملیات امنیتی تا اندازه‌ای یک عمل تلافی‌جویانه بحساب می‌آید.» وی به‌یک وکیل اظهارداشت که علت اعتصاب تجارتی، بروز حوادث اردوگاه الشاتی است، اما این اعتصاب نیز در حقیقت اعتراضی است برعلیه بیانیه‌های اخیر وزرای

اسرائیل، که در آن پیشنهاد شده که غزه به‌اسرائیل ملحق گردد. تاجران گفتند که به‌علت بسته شدن راه تل‌آویو، پرتقالهای بسته‌بندی شده در یک مرکز بسته‌بندی، پوسیده شده‌است.

گاردین، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

اردوگاه غزه، با حدود ۱۳۰۰۰ پناهنده، یک هفته است که توسط سربازان اسرائیلی که در جستجوی چریکها هستند محاصره ومورد بازرسی قرار گرفته است. به هیچ کس اجازه ورود داده نمی‌شود. هر کس که اردوگاه را ترک کند تا هنگام تمام شدن بازرسی حق بازگشت ندارد. در داخل اردوگاه، به‌پناهندگان دستور داده شده تا به‌جز ٤ ساعت صبح برای جمع کردن خواربار، بقیه روز را در داخل خانه‌ها باقی بمانند.

این اقدامات و اقدامات دیگر، که اعراب محلی آن را آغاز یک سیاست «سختگیرانه» قلمداد می‌کنند، متشنج‌ترین وضع را پس از هفته‌های بعد از جنگ شش روزه بوجود آورده است. هرچند که بعضی فروشگاهها بعد ازظهر پس از تحریک و تهدید پلیس و سربازان بازشد، اما بقیه فروشگاهها، ادارات ومدارس در چهارمین روز اعتصاب خود، که تقریباً امروز صبح حالت یک اعتصاب همه‌جانبه را داشت، بسر می‌برند. ۷۰ نفر از فروشندگان که به‌باز نکردن فروشگاههای خود متهم گردیدند، به‌دادگاه نظامی کشیده شده‌اند.

مهمترین جاده خارج از غزه، که به‌طرف تل‌آویو می‌رود، به‌روی ماشینها بسته شده است...

در بخش محاصره شده اردوگاه الشاتی حتی مقامات آژانس امداد سازمان ملل نتوانستند به‌مدت چهار روز خارج شوند. اما اکنون اجازه دارند برای توزیع خواربار به‌هنگام تخفیف شدت حکومت نظامی در هر روز صبح، از آنجا خارج گردند. علاوه بر اقدامات انجام شده در این

اردوگـاه، بعضی از خـانـواده‌های بازداشت‌شـدگان یا خانواده‌های چریکهای تحت تعقیب از غزه اخراج شده‌اند.

گاردین، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس، نیروهای امنیتی چند ساعت پس از پرتاب یک‌بمب دستی به‌طرف یک وسیله نقلیه، قانون‌منع رفت‌و آمد درمنطقه فروشگاهی بر قرار کردند... حدود ۹۰ نفر برای بازجویی دستگیر شدند که ۴۰ نفر از آنان بعداً آزاد گردیدند.

جرزالم پست، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

رهبران مسلمان بیت‌المقدس، که اخیراً علیه طرحهای دولت اسرائیل برای ساختن خانه‌های وسیع در زمین اشغالی متعلق به‌اردن پس‌از جنگ ۱۹۶۷، اعتراض کرده‌اند، تهدید شده‌اند که‌اگر از قوانین امنیتی تخلف کنند، با اقدام رسمی دولت روبرو خواهند شد. «وانیل باردی» رئیس کل و فرمانده پلیس بیت‌المقدس در ۱۳ ژانویه اعضای شورای اسلامی را به‌اداره‌اش فراخواند و به‌آنها اخطار کرد که پلیس دیگر اظهارات اخیر آنها را تحمل نمی‌کند، و اگر از محدودیتهای امنیتی تخلف شود دست به‌اقدام خواهد زد.

تایمز، ۱۴ ژانویه ۱۹۷۱

در اوایل ژانویه، مقامات اسرائیلی خالد امیر یکی از کارمندان آژانس امداد سازمان ملل را دستگیر کردند. وی که از اردوی کالاندیا بود، به‌نادیده گرفتن یک محفل جاسوسی متهم شد.

تعدادی از زنان نیز که بعضی‌از آنها معلم‌بودند دربیت‌المقدس و اردوگاههای پناهندگی دستگیر شدند.

الاتحاد، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

یک سخنگوی نظامی اظهار داشت که به‌هنگام آتش گشودن یک‌گشتی اسرائیلی برروی یک‌اتوبوس غیرنظامی، که‌راننده‌اش اخطار

توقف را نادیده گرفته بود، ۵ عرب مجروح شدند.

دیلی استار، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

اشخاصی که در منطقه منع عبور و مرور در غزه زندگی می کنند، اجازه داشتند برای کار خارج شوند. اما منابع دولت نظامی گفتند که اگر از منطقه خارج شوند، حق بازگشت به‌خانه های خودشان رانخواهند داشت. مدیر بیمارستان «ناصر» اظهار کرد زنانی که اخیراً بچه بدنیا آورده‌اند اجازه مرخصی نیافتند، زیرا این زنان از اردوی الشاتی بودند و اجازه بازگشت به‌آنجا را نداشتند.

جرزالم، پست ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

بخشی از اردوگاه الشاتی که در برگیرنده ۰۰۰،۳۰ پناهنده است امروز برای دوازدهمین روز پیاپی در محاصره بسر می‌برد. یک اردوگاه ویژه بازداشتی در صحرای سینا تأسیس شده است، زیرا در غزه جایی برای نگاهداری دستگیرشدگان وجود ندارد. خبرنگاران هنوز اجازه‌ورود به‌اردوگاهی راکه بدترین شایعات از آنجا سرچشمه می‌گرفت نیافته‌اند. اردوگاه بزرگ جبلیه در حومه غزه در ۲۰ ژانویه بدون هیچ گونه اخطار قبلی بسته شد، و مقامات آژانس امداد سازمان ملل که‌مسؤولیت توزیع خواربار را بعهده دارند، نمی‌دانند که این امر تا چه مدت طول خواهد کشید.

کاردین، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۱

موشه‌دایان وزیر دفاع، امروز فاش کرد که ۲۹ خانواده از تروریستهای مشکوک نوار غزه هنوز در صحرای سینا به‌حالت تبعید، بسر می‌برند. او با خشم زیاد ادعای کمونیستها را مبنی براینکه بازداشت آنها باعث لبریز شدن جمعیت اردوگاه شده تکذیب کرد.

ژنرال دایان، در جواب یک نماینده کمونیست در پارلمان گفت که ۱۶۰ مرد و زن و بچه، ۹ هفته پس از حمله وسیع علیه چریکها

در نوار غزه (سر چشمه اصلی مقاومت اعراب در برابر اشغال اسرائیل)، هنوز در بازداشت بسر می‌برند.

منابع آژانس امداد سازمان ملل می‌گویند که تبعید شدگان در «ابوزنیما»، یک بندر تخلیه شده منگنز در ۶۰ مایلی جنوب کانال سوئز در خلیج سوئز، و حدود ۱۵۰ مایلی غزه، بسر می‌برند. ژنرال دایان گفت که تبعید، بخشی از سیاست سنجیده مقامات اشغالگر اسرائیلی برای محروم کردن چریکها از دریافت کمک، پناهگاه، و محل آسایش، از خانواده‌هایشان می‌باشد.

انترناشنال هرالد تریبون، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

یک مقام فرماندهی نظامی اسرائیل اطلاع داد که حدود ۱۷۰ فدایی فلسطینی که اخیراً دستگیر گردیده‌اند، به زندان اردوگاه مستقر در صحرای سینا منتقل شده‌اند، زیرا زندانهای اسرائیل در غزه مملو از جمعیت هستند. او همچنین گفت: از ژانویه مقامات اسرائیلی ۳۰ خانواده فلسطینی را به ابوزنیما تبعید کرده‌اند. برطبق گفته این مقام، اقدام مزبور، فداییان را از داشتن یک محیط باز برای راه رفتن وغذا- خوردن و بدست آوردن پول و پناهگاه محروم کرد. از هنگام آغاز «سیاست تبعید»، ۵ خانواده صلاحیت یافته‌اند تا به نوار غزه بازگردند.

لوموند، ۱۱ مارس ۱۹۷۱

شش نفر از شهرهای بیت‌المقدس، هبرون، بیت‌اللهم، بیت‌ساهور ورام‌الله به اتهام تعلق به یک سازمان خرابکاری و محافل جاسوسی، در عرض سه هفته گذشته دستگیر شدند.

الاتحاد، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

پلیسهای مرزی اسرائیل، یک هفته پیش در خیابانهای غزه به روی ۱۲ نفر شلیک کردند و حداقل ۵ نفر را کشتند. بر طبق گفته دکترهای بیمارستانهای غزه، آنها شدیداً مورد ضرب و شتم و کتک-

کاری قرار گرفته‌اند.

ورود آنها به‌غزه بخشی از سیاست سنجیده «سختگیری» اسرائیل است، که توسط کابینه حدود دو هفته پیش، به‌دنبال افزایش عملیات چریکی در نوار غزه، اتخاذ شد.

مقامات، در مورد تیراندازیهای این هفته می‌گویند، که پس‌از عدم‌توقف افراد مورد سوءظن به‌هنگام درگیری، ماموران گشتی بروی‌آنها آتش گشودند. ٥ مرد در حالی که می‌خواستند سوار اتوبوس شده و فرار کنند، گلوله به‌پایشان اصابت کرد. سه نفر از آنها در بیمارستان «ناصر» گفتند اتوبوس هنگامی که آماج گلوله ها قرار گرفت، ایستاده بود.

ابزرور، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس، یک نارنجک دستی به‌داخل یک مرکز تجارتی پرتاب شد اما منفجر نگردید. بمب مزبور توسط مأموران امنیتی، که بلافاصله در آن منطقه ممنوعیت عبور و مرور برقرار کردند، خنثی شد. مقامات محلی گفتند که حدود ۵۰ نفر برای بازجویی بازداشت شدند.

جرزالم پست، ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

پانزده روز است که نه‌نفر از اعضای خانواده منصور، از شهر التیره، بازداشت شده‌اند. هنوز هیچ‌گونه اتهامی علیه آنان وارد نیامده است.

الاتحاد، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

در هفته گذشته چندین گزارش در مورد به‌گلوله بستن مردم وجود داشت. ظاهراً علت این تیراندازیها آن بود که افراد مذکور از فرمان ایست سرپیچی کرده‌اند، اما گزارشات رسیده از غزه حاکی از این است که در بعضی موارد، بدون مقدمه و هشدار قبلی، به روی مردم آتش گشوده شده است. اغلب مجروحین جراحاتی در پاهایشان داشتند،

اما یکی از اهالی اردوگاه پناهندگی که مقررات عبور و مرور را شکسته بود، در بیمارستان به‌خاطر جراحاتش درگذشت.

در بیمارستان گزارش داده‌اند که چند نفر در اثر ضرب و شتم، دریدگیهایی به‌روی بدنشان پیدا شده است.

دختری در یک اردوی پناهندگی شکایت می‌کرد که یکی از وسایل نقلیه ارتش او را به‌دیوار کوبیده است.

در اثر این حادثه دریدگی عمیقی در بازویش ایجاد شده و گویا جراحات داخلی نیز پیدا کرده است.

تایمز، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

۱۳ نفر از اهالی محله شرقی ساجیه در نوار غزه که مقررات عبور و مرور را شکسته بودند فوراً محاکمه و هریک ۷۰ لیره جریمه شدند.

جرزالم پست، ۲۰ ژانویه ۱۹۷۱

از زمانی که موج خشونت برای اولین بار در نوار غزه در دو هفته پیش شروع شد، روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ نفر برای بازجویی بازداشت شده‌اند، اما هنوزمعلوم نیست که چند نفربعداً آزاد گردیده‌اند. یک اردوی جدید بازداشتی برای بازداشت شدگان نوار غزه اخیراً در صحرای سینا درست شده است. اردوی جدید بازداشتی در مرکز شبه جزیره سینا قرار دارد.

اقدامات خشونت بار اسرائیلیها در هفته گذشته شامل هجوم خشونت بار پلیس مرزی به‌نوار غزه، و نیز برقراری مقررات منع عبور و مرور در بعضی نقاط، و انجام یک سری بازرسیها شد.

بعضی از ساکنان محل، در هفته گذشته شکایت کردند که توسط پلیس مرزی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند، اما منابع گفتند که پلیس مرزی «به‌آن خشونتی» که قبلا رفتار می‌کرده، رفتار نکرده‌است.

دیلی استارو داوار، ۲۱ ژانویه ۱۹۷۱

بیش از ۵۰ نفر از ساحل غربی رود اردن، توسط مقامات اسرائیلی درطی ۶ هفته گذشته دستگیر شده‌اند.

دستگیریها هنگامی بوقوع پیوست، که اطلاعاتی حاکی از افزایش عضویت افراد در گروههای مقاومت فلسطینی دریافت شده بود.

الاتحاد، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

یک بیانیه دولتی در ۲۰ ژانویه اعلام کرد، که مقامات نظامی اسرائیلی یک اردوگاه بازداشتی جدید در صحرای سینا برای جا دادن دستگیرشدگان فلسطینی در غزه، ایجاد کرده‌اند. این امر، پس‌از دستگیری عده زیادی از مردم به‌اتهام دست داشتن در «اعمال تروریستی»، یک اقدام ضروری بنظر می‌رسید. درحقیقت زندانهای غزه به‌اندازه کافی بزرگ نیستند. برطبق مقررات و قوانین دفاعی، که از دوران قیمومت بریتانیا اجرا می‌شود، اشخاصی که بدست داشتن «در اعمال تروریستی» مورد سوءظن باشند، می‌توانند بدون محاکمه برای مدتهای مدید بازداشت شوند.

لوموند، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس تعداد نامعلومی از مردم محل به‌دنبال انفجار یک کوکتل مولوتف درمیدان حسین درمرکز شهر بازداشت شدند. بمب مزبور به‌داخل یکی از دروازه‌های فولادین پرتاب گردید، که به دنبال موج فعالیتهای تروریستی اخیر در محل ورودی شهر قدیم توسط مقامات امنیتی ساخته شده است.

جرزالم پست، ۲۴ ژانویه ۱۹۷۱

یکی از روزنامه‌های معروف اسرائیلی، موردی را که تاکتیکهای شدید نظامی در نوار غزه اشغالی می‌خواند، مورد انتقاد قرار داد. روزنامه مستقل هاآرتز گفت که چنین شیوه‌هایی کلاً کارآیی ندارد و

«مسلماً نفرت مردم نسبت به‌اسرائیل را عمیق‌تر خواهد کرد.»

ژنرال حیم بارلو، رئیس ستادارتش اسرائیل، یک افسر ارتش را منصوب کرد تا به‌شکایات اعراب‌غزه،در مورد ضرب و شتم شهروندان بی‌گناه، توسط نظامیان، رسیدگی کند. هاثارتز گفت: «چنین برمی‌آید که ما در اجرای فرامینی که باید مشخصه‌یک رژیم منظم باشد، حتی درشرایط مراقبت بسیار شدید، چندان دقیق نبوده‌ایم.»

جیم ایزاك(اسحق)در روزنامه «داوار» نوشت: «طی دیدارمان از بیمارستان الشفی در نوار غزه، توانستیم شیوه‌های بکار رفته ارتش اسرائیل رامشاهده کنیم.یکی‌ازدکترها اظهارداشت که‌افراد موردسوءظن بدون دلیل مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. یک بچه از ناحیه پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود و یک پسر ۱۲ ساله دیگربازویش شکسته بود. یک جوان ۱۶ ساله هنوز به‌خاطر کتکهای وارده تحت معالجه قرار دارد. تمام این حوادث بین ۸ تا ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱ به وقوع پیوست.»

داوار، ۲ فوریه، ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، در ۲ فوریه ۱۹۷۱ ادعا کردند که طی یک جستجوی شدید، ۱۰۰ نفراز اشخاص مورد سوءظن را دستگیر کرده‌اند. آنها در اردوگاههای خارج شهر نگاهداری می‌شوند، زیرا زندانهای غزه پر است. این اردوگاهها در برگیرنده بیش‌از ۷۰۰ زندانی است.

گاردین، ۲ فوریه ۱۹۷۱

خشونت اسرائیلیها در نوار غزه درطی مدت «جستجوی شدید» برای یافتن چریکها که ۵ هفته قبل شروع شد، تا چه حد بوده است؟

تکان دهنده‌ترین گزارش، بعد از اولین هفته، به‌هنگامی که دهها نفر به‌بیمارستان برده شدند بدست آمد. این افراد توسط پلیس

مرزی اسرائیل به‌خاطر خودداری از ایست به‌هنگام درگیری، به‌گلوله بسته شده بودند. از میان حدود ۶ چریک که در اثر اصابت گلوله در اولین هفته مردند، یک دو نفر تماشاچی بی‌گناه بودند. یک سخنگوی ارتش در ۱۰ فوریه (در ساعات اواخر شب که ظاهراً برای علنی نشدن خبردر نظر گرفته شده بود) اعلام کرد که برطبق گزارش رسیده، سربازان یک واحد «از خشونت غیرضروری استفاده کردند»، از آن جمله استفاده از میله‌های آهنین و باتن برعلیه تعدادی از ساکنان، وخراب کردن ساختمانها به‌هنگام بازرسی، را می‌توان نام برد. افسران اضافه می‌کنند که سربازان در نتیجه درسهایی که از این حوادث آموخته‌اند، در آینده به‌تجربیاتی برای آماده کردن خودشان در اجرای وظایف در درگیری با جمعیت محلی، مجهز خواهند شد. آنها توضیح نداده‌اند که چرا پس از گذشت سه‌سال‌ونیم از اشغال مناطق عربی، یک چنین اصول و راهنماییهایی قبلا صادر نشده است.

روشنفکران عرب در غزه— دکترها، وکلا و معلمان— اعتقاد دارند که «سیاست ترور»، برای اسرائیل نتیجه معکوس ببار می‌آورد، زیرا این سیاست مردم بی‌گناه را از حکومت بیگانه می‌کند. اما افسران اسرائیلی می‌گویند که در میان ۲۰۰ هزار پناهنده در اردوگاههای غزه، چریکها هنوز از حمایت گسترده برخوردارند. یک افسر می‌گفت نکته مهم و اساسی سختگیری نبود، بلکه مسأله بازرسی بود. اگر بخواهید دیوار کسی را که فکر می‌کنید ممکن است در پشت آن یک انبار اسلحه پنهان باشد، خراب کنید، انجام این کار به‌طور مؤدبانه و به‌آرامی، آسان نیست. یک هفته پیش ادعا شد که ۱۵۰ نفر از افراد مورد سوءظن در طی عملیات جستجو، دستگیر شده‌اند.

گاردین، ۱۱ فوریه ۱۹۷۱

سخنگوی هلال‌احمر گفت که برطبق اطلاعاتی که در دست

هلال احمر می‌باشد، از آغاز سال حدود ۱۹۰ نفر در نوار غزه کشته یا مجروح شدند و حداقل ۲۰۰۰ نفر در طی مبارزه تروریستی اخیر در نوار غزه دستگیر شده‌اند.

ارتش اسرائیل قرار است یک افسر و ۱۰ سرباز را به‌اتهام رفتار خشن در نوار غزه اشغالی، تعقیب کند.

آنها اضافه کردند که طی مدت دو هفته در ماه ژانویه، ۷ عرب روانه بیمارستان شده و ۲۳ نفر دیگر از جمله یک زن به‌خاطر جراحات واردهٔ بعد از ضرب‌وشتم، تحت معالجه پزشکی قرار گرفته‌اند.

انترناشنال هرالدتریبون، ۱۲ فوریه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی ۴۰ نفر از اهالی نوبه، جوبه و هلهول را در منطقه هبرون به‌اتهام تعلق به‌سازمان مسلح فلسطینی، و ۱۹ فقره عملیات خرابکاری، دستگیر کرده‌اند.

روزنامه الاتحاد، ۱۲ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل امروز در پارلمان گفت ۳۰ نفر از ساکنان نوار غزه اشغالی به‌هنگام اعزام سربازان برای فرونشاندن حملات اعراب در ماه گذشته، در اثر «خشونت غیر مجاز» مجروح شده‌اند. او گفت در نتیجه یک افسر و تعدادی از سربازان در یک دادگاه انتظامی محاکمه می‌شوند.

سه‌افسر— که دو نفرشان ارشد هستند— توبیخ نامهٔ اداری دریافت کرده‌اند، و سه سرباز به‌جرم دزدی از اعراب به ۳۰ روز زندان محکوم شده‌اند.

ژنرال دایان گفت که اعمال «انحرافی» شامل استفاده زیاده از حد از چماق، وارد آوردن خسارت غیرضروری به‌ساختمانهای تحت بازرسی، و «بعضی موارد اندك از رفتار غلط توسط سربازان» می‌شد. علاوه براین، اشتباه بزرگ هنگامی رخ داد، که طی اولین روزهای

عملیات امنیتی نظارت مقام برتر وجود نداشت، و سربازان از خشونت غیر مجاز و نیز تهدید و ارعاب استفاده کردند. برای ۳ نفر از مجروحین لازم بود تا در بیمارستان معالجه شوند. دیگران پس از دریافت کمکهای اولیه آزاد گردیدند. یک زن نیز در میان کسانی که جراحات اندك دیده بودند، دیده می‌شد.

ژنرال موشه‌دایان گفت که اقدامات امنیتی شدید ماه گذشته، به‌طور قابل توجهی فعالیت چریکی را در منطقه از بین برد. طبق گزارشات، ۸ چریک عرب کشته و ۱۳۹ نفر دستگیر شده‌اند. مقادیر بزرگی از اسلحه نیز بدست آمد.

گاردین، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

اهالی شهر غزه از میان بسیاری از اظهاراتشان در رابطه با بازرسیها، ضرب‌وشتمها و انهدام اموال در طی اقدامات پلیس این گفته ها را برگزیده‌اند: «تمام سربازها چماق حمل‌می کردند. تمام‌مردان در غزه عملا مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند. دو فیزیکدان به‌نام دکتر حمدی‌جفراوی و عبدالله‌طرازی به هنگامی که توسط یک مأمور گشتی متوقف گردیدند، و کارتهای شناسایی‌شان خواسته شد، مورد ضرب‌وشتم واقع شدند.»

بشیررائیس، رئیس آموزش وپرورش، مشاهده کرد که سربازان یکی از چرخهای ماشین او را باز می کنند، آنها چرخ مزبور را به طرف پایین خیابان غلتاندند و او را مجبور کردند تا به‌دنبال آن بدود.

یک دختر دانش‌آموز که تنها با مادر بزرگش زندگی می کند به‌خانه آمد، تا مادر بزرگش و یک بچه کوچک را که مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته بودند پیدا کند.

ژنرال‌بارلو یک افسر ژنرال را که به هیچ وجه نزد مردم شهرت نداشت، منصوب کرد تا به‌بررسی اوضاع غزه بپردازد و به‌او گزارش

بدهد. در ۹ فوریه، یک سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که در نتیجه گزارش وی، ژنرال بارلو تصمیم گرفته است تا توبیخ نامه های اداری برای سه افسر که نامشان فاش نشد و از جمله دو مقام عالیرتبه، صادر نماید. این گزارشگر مردم را دید که به باغهای پرتقال می‌رفتند تا محصول مرکباتی را که در طی دورهٔ طولانی ممنوعیت عبورومرور شروع به فاسد شدن کرده بود، بچینند. سربازان گشتی اسرائیلی در حالی که تفنگهای خود را آماده شلیک کرده بودند، در خیابانها به گشت‌زنی مشغول بودند.

کار آژانس امداد سازمان ملل (UNRWA) در طی اقدامات تنبیهی دستجمعی، همچون اقدامات ماه قبل، در اثر خراب شدن پناهگاهها، دشوار و پیچیده شده، و خانواده‌های پناهندگان بی‌خانمان گردیده‌اند. کسربودجه، آژانس امداد سازمان ملل را ناچار کرده است تا محتوی اندك پروتئین ۱۵۰۰ کالری غذای روزانه را کاهش بدهد، و به‌جای حبوباتی که قبلا توزیع می‌شد، آرد توزیع کند.

کریستین ساینس مانیتور، ۲ مارس ۱۹۷۱

حسن بشاره دبیر دبیرستان دهکده التبا، برطبق قوانین قیمومت اضطراری در دهکده خودش حبس شده است. فرمان محبوسیت او هر سال به‌طور اتوماتیک تجدید می‌گردد. به‌بشاره نه‌اتهامی وارد آمده و نه او را به‌دادگاه برده‌اند.

الاتحاد، ۹ مارس ۱۹۷۱

پلیس اسرائیل «قصاب‌عمرقصاب»، «احمدعبدالرحمن» وتعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان «کفرقراء» را در ۸ فوریه دستگیر کرد. قرار است بازداشت آنها برای دوهفته دیگر ادامه‌پیدا کند. پلیس تعدادی از جوانان را احضار کرده و آنها را مورد ضرب‌وشتم قرار داده است.

مقامات اتهام آنان را نوشتن شعارهای انحرافی به‌روی در دبیرستان ذکر کرده‌اند.

الاتحاد، ۱۲ مارس ۱۹۷۱

۲۰ مرد جوان از منطقه جنین توسط نیروهای امنیتی اخیراً دستگیر شدند. آنها به‌عضویت در سازمان الفتح و درگیری در اعمال مختلف خرابکارانه مورد سوءظن قرار گرفته‌اند.

جرزالم‌پست، ۲۱ مارس ۱۹۷۱

در یازدهم آوریل، هانی‌عبدالله دانشجوی دانشگاه از ناصره به اتهام اختفای مواد منفجره در خانه‌اش دستگیر شد. اگر چه پس از جستجوی خانه هیچ گونه مواد منفجره بدست نیامد، اما پلیس وی را به‌زندان انداخت.

الاتحاد، ۱۶ آوریل ۱۹۷۱

عملیات امنیتی در غزه با شکست گرانقیمتی مواجه گردید. تا اوایل ماه ژوئیه، ۲۰۶ عرب و ٤۳ اسرائیلی کشته شدند،... یکی از بزرگترین اردوها در غزه، به‌مدت یک ماه برای جستجوی خانه به خانه در داخل و خارج در خیابانها به‌محاصره درآمد... سربازان و پلیس مرزی طی یک‌هفته بخشهای بیمارستان را پر کردند... سه‌افسر ارشد «توبیخ نامه‌ای اداری» دریافت کردند و این شانس ترفیع آنها را از بین برد. دادن توبیخها بدین خاطر بود که آنها نظارت و تعلیم کافی به‌افراد زیردستشان نداده بودند. سه‌افسر غیررسمی ازمدرسه آموزشی اخراج و به‌مدت ۳۰ روز زندانی شدند. پرونده‌های فرماندهی عالی اسرائیل در تل‌آویو، نشان می‌دهد که طی آن ماه ۳۰ شهروند غیرنظامی از غزه، بعد از رفتار خشونت بار اسرائیلیها، به‌بیمارستان روانه شده و یا به‌دکتر رفته‌اند. ۷ نفر در اثر انفجار شکستگیهایی در بدنشان پیدا کردند. یک نفر در اثر گلوله‌های اسرائیلی که بدون

هدف به‌سوی افراد در حال گریز شلیک شده بود، مرد. و بیش از ٥ نفر در اثر گلوله مجروح شدند.

ابزرور، اول اوت ۱۹۷۱

طی ملاقات بین ژنرال موشه‌دایان و شهردار طولکرم، در کرانه باختری اشغالی تشنج بشدت بالا گرفت. موشه‌دایان اجازه نداد تا شهرداری مقدار ۸۰ هزار دینار اردنی متعلق به‌خودش را که از جنگ ٦ روزه در یک بانک اردنی بلوکه شده بود، دریافت کند. دایان اصرار می‌ورزید که طولکرم باید به‌شبکه برق رسانی اصلی اسرائیل بپیوندد، و از شهردار خواست تا استعفا بدهد. وزیر دفاع همچنین از محدود کردن تعداد کارگران عرب در اسرائیل خودداری کرد.

الاتحاد، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۱

پلیس اسرائیل راههای اطراف دهکده عربی «تیره» در شمال شرقی تل‌آویو را پس از انفجار یک بمب در اتوبوسی که از دهکده می‌آمد، بست و تمام وسایل نقلیه و مسافرانی را که از «تیره» می‌آمدند کاملا بازجویی کرد. تحقیقات در خانه‌های اشخاص مشکوك، همچنان ادامه دارد. یک سخنگوی نظامی گفت در نوار غزه یک عرب ساکن اردوگاه پناهندگی الشاتی پس از اینکه به‌هشدار ایست پلیس، و شناساندن خودش بی‌توجهی کرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.

او اضافه کرد، سربازانی که در جستجوی کماندوهای عرب در اردوگاه بودند تعدادی گلوله هوایی شلیک کردند، و هنگامی که مرد مزبور هنوز در تلاش فرار بود، با شلیک گلوله بقتل رسید.

دیلی‌استار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

در طی عملیات جستجو در ۱۳ نوامبر در غزه، یک پلیس گشتی مرزی اسرائیل مردی را که کوشش می کرد یک نارنجک

دست‌ساز پرتاب کند، با شلیک گلوله به‌قتل رساند، و مرد دیگر را دستگیر کرد. هر دو نفر فوق در لیست افراد تحت تعقیب قرار داشتند.

جرزالم‌پست، ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱

به‌تلافی اعمال تروریستی اخیر در منطقه هبرون، دولت نظامی اسرائیل در کرانه باختری رود اردن محدودیتهایی برای مردم‌آن بخش بوجود آورده است، آنها اجازه ندارند به‌اردن مسافرت کنند و اجازه نخواهند داشت تا اقوام و دوستان خود را از اطراف، برای برگزاری عید فطر در پایان هفتهٔ آخر ماه رمضان دعوت نمایند. هیچ یک از زندانیان هبرون نیز جزو عفوشدگان کرانه باختری به‌مناسبت عید فطر به‌حساب نمی‌آیند.

تایمز، ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱

پلیس ادعا می‌کند که در شهر ناصره یک هسته سازمان‌الفتح را خلع سلاح کرده است. گفته می‌شود که رهبر این هسته یک زن ٤۰ ساله به‌نام «سعاده‌وهاب» است که به‌همراه سه‌نفر دیگر که یکی از آنها یک دانش‌آموز جوان از شهر ناصره می‌باشد، دستگیر گردید. مادر این دانش‌آموز اعلام کرد، تا جایی که می‌تواند بگوید، جرم پسرش تنها بردن سه‌نقشه برای «سعاده‌وهاب» بوده است. مادر وی همچنین گفت که این نقشه‌ها را می‌توان از تمام فروشگاههای لوازم‌التحریر خریداری کرد.

الاتحاد، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۱

گزارش می‌شود که مقامات‌از ۱۰ نفر از دهاتیان دهکدهٔ کبتیه، نزدیک جنین، در رابطه با تعداد زیادی سلاحهای غیرقانونی بازجویی کردند. اسلحه‌ها توسط مختارهای محلی به‌مقامات امنیتی تحویل گردید.

جرزالم‌پست، اول دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در نابلس، حدود ۱۰ نفر از ساکنان محلی را

در دو روز گذشته در رابطه با شعارهایی که اخیراً به‌روی دیوارها علیه انتخابات شهرداریها نوشته شده، دستگیر کردند.

جرزالم‌پست، ۶ دسامبر ۱۹۷۱

به‌هنگامی که یک گشتی ارتش به‌روی تاکسی‌ای که در راه‌بندان توقف نکرده بود شلیک کرد، یکی از ساکنان نوار غزه مجروح گردید. مرد مزبور سوار بریک وسیله نقلیه عمومی بود. چهار نفر بقیه مسافران، و نیز راننده تاکسی دستگیر شدند.

جرزالم‌پست، ۷ دسامبر ۱۹۷۱

در ۷ دسامبر، به‌هنگامی که گلوله‌ای به‌طور تصادفی از تفنگ یک پلیس مرزی به‌اتوبوسی که در جاده اصلی نوار غزه نزدیک «بیت‌هانون» حرکت می‌کرد، اصابت پیدا نمود، ابراهیم عبدالحمید از اردوگاه پناهندگی نصیرت کشته و دو زندانبان‌اسرائیلی مجروح‌شدند.

جرزالم‌پست، ۸ دسامبر ۱۹۷۱

در شهر ناصره «علی‌موسی‌عطاب»، به‌اتهام عضویت در الفتح و درگیری درفعالیتهای خصمانه به‌مدت ۱۰ روز بوسیله یک کلانتری‌محلی در بازداشت بسر برد.

جرزالم‌پست، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۱

یک سخنگوی نظامی گزارش داد که پسری در شمال صحرای سینا به‌هنگامی که از اطاعت فرمان ایست گشتی ارتش اسرائیل خودداری کرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و درگذشت. گشتی مزبور به‌روی گروهی از مردم که پس از شلیک گلوله هوایی توقف نکردند آتش گشود.

دیلی‌استار، ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱

یک دختر بومی در ۱۱ دسامبر در «ودیع‌خاریدین» در جنوب «العریش»، به‌هنگامی که از فرمان توقف یک گشتی ارتش اسرائیل

سر باز زد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح گردید.

جرزالم‌پست، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای پلیس در شب ۱۰ دسامبر به‌یک مسافرخانه کارگران عرب در یافا حمله بردند. وقتی که پلیس اسرائیل کارتهای هویت آنها را بررسی می کرد، کارگران به‌طور وحشیانه‌ای مورد ضرب‌وشتم وضربات مشت و لگد قرار گرفتند. چندین نفر دستگیر شدند و به‌مرکز پلیس برده شده و بار دیگر مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند و شکنجه شدند. آنها را مجبور کردند تا لباسهایشان را درآورده و زیر آب سرد دوش بگیرند. سن این کارگران بین ۱۳ و ۲۱ سال است. درطی این عملیات یک کارگر ۱۰ ساله جراحت عمیقی در چشم خودش پیدا کرد.

الاتحاد، ۲۴ دسامبر ۱۹۷۱

بخش سوم

نقل و انتقال اجباری و تبعید دستجمعی

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر، بازداشت یا تبعید کرد.

ماده ۴، اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر کس حق دارد تا هر کشوری منجمله کشور خودش راترك کند، و یا به‌آنجا بازگردد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، چهارمین توافق‌نامه ژنو

نقل و انتقالات اجباری فردی، یا دستجمعی و نیز تبعید اشخاص تحت‌الحمایه، از قلمرو اشغال شده به قلمرو قدرت اشغالگر، یا به هر کشور دیگری، چه‌آن کشور اشغال شده باشد و چه نباشد، بدون توجه به‌انگیزهٔ این کار، ممنوع می‌باشد.

ماده ۴۹، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هیچ کس را نمی‌توان از حق وارد شدن به کشور خودش محروم کرد.

ماده ۱۲، توافق‌نامه سازمان ملل دربارهٔ حقوق مدنی و سیاسی

ب: تخلفات ازقوانین

۲۷ خانواده (شامل ۱۲٤ نفر) به‌خاطر اینکه فرزندان آنها

متهم به‌خرابکار بودن هستند، از غزه به‌صحرای سینا تبعید شدند. فرمانده اسرائیلی در غزه، اظهار داشت که خانواده‌های تبعید شده تحت مراقبت هستند. و خدمات ضروری (مثل آموزش و پرورش، بهداشت و حتی غذا) به‌طور مجانی در اختیار آنها گذاشته می‌شود.

وقتی که خبرنگاران روزنامه خواستار اجازه برای دیدار با خانواده‌های تبعید شده گردیدند، تا صحت وسقم دادن خدمات مذکور به‌آنها را بررسی کنند، فرمانده نظامی به‌این بهانه که این امر ضد حیثیت عمومی اسرائیل است، از دادن اجازه به‌خبرنگاران خودداری ورزید.

فرمانده در رابطه با استفاده از شلاق اعلام کرد: «فرمانهایی به‌سربازان و گاردهای مرزی در غزه داده شده، تا از شلاق به‌هنگام گشت‌زنی استفاده نکنند. من شخصاً نمی‌دانم که آیا آنها شلاق داشته‌اند یا نه، اما راست است که آنها با خود باتون حمل می‌کنند، و این من هستم که به‌آنها می‌گویم چه وقت باتونها را با خود داشته باشند و چه وقت نداشته باشند.

اخیراً دستوراتی صادر شده که جوانان را از ترك کردن اردوگاههایشان، به‌جز در موارد تحصیل، معالجه پزشکی یا کارهای تجارتی، منع می‌کند. مقامات اسرائیلی می‌ترسند که آنها به‌کماندوها پیوسته و یا با آنها همکاری کنند.

کمیته اموداخلی کنست (پارلمان اسرائیل) به‌گاردهای مرزی یك تلگرام مخابره کرد. تلگرام مزبور می‌گوید:

> کمیتهٔ داخلی کنست، درودهای خود را به‌خاطر ورودتان به‌غزه، و پیوستن به‌دیگر نیروهای امنیتی شهر برای برقراری قانون و نظم در نواحی آشوب‌زده، به‌شما تقدیم می‌نماید. ما، برعکس بازرسانی که از جنبشهای جدید دست‌چپی حمایت می‌کنند، تلاشهای شما

را برای متوقف کردن موج تروریسم، خونریزی، و نجات مردم از چنگال‌قاتلان، تقدیر می‌نماییم. آرزو می کنیم، در وظیفه خطیرتان توفیق داشته باشید.

الاتحاد، ۲ فوریه ۱۹۷۱

تعداد کلی ساکنان عرب، که از محله یهودی‌نشین شهرقدیمی بیت‌المقدس (اورشلیم) تخلیه شده‌اند به ۲،۸۰۰ نفر رسیده است. هنوز تعداد ۲،۵۰۰ خانواده در حومه محله وجود دارند، که برخلاف میلشان از آنجا منتقل خواهند شد.

یدوات‌اهارونوت، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

جان‌ویلاس، خبرنگار روزنامه «دیلی‌تلگرام» نوشت:

«موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل، اظهارات یک عضو کمونیست پارلمان را، که گفته بود: اسرائیل برای خانواده‌های متعلق به خرابکاران در بخش ابوزیخا در سواحل بحراحمر دست به‌تأسیس اردوگاههایی زده است، تکذیب کرد.» این منطقه متروکه است. ۳۴ خانواده که مظنون به کمک به کماندوها هستند، بدانجا منتقل شده‌اند. تنها، ۵ خانواده اجازه یافته‌اند تا به‌غزه بازگردند.

«این تبعید و اخراجها، مخالف توافق‌نامه‌ای است که اسرائیل یکی از امضاکنندگان آن بوده است.»

دیلی تلگرام، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

تاکنون، ۳،۵۰۰ تا ۵،۵۰۰ عرب ازمحله یهودی اورشلیم قدیمی تخلیه شده‌اند. با دادن خانه‌های جدید، یا اسکان آنها در خانه‌های مشخص، بدانان پاداش داده می‌شود. این مسأله توسط یهوداتامیر از طرف رئیس «کمیته تعمیر محله قدیمی» اعلام شد. طرح نوسازی در نظر دارد ۶۰۰ خانواده یهودی (حدود ۳،۰۰۰ تا ۲،۵۰۰ نفر) را به‌این محله بیاورد. هزینه عملیات به‌حدود ۷۰ میلیون

لیره اسرائیلی خواهد رسید.

الهامیشمار، ۷ آوریل ۱۹۷۱

نیروهای اسرائیلی، در اوایل ماه مه، قبیله هبر راکه در شرق حیفا زندگی می‌کنند از محل خودشان بیرون کرد، و آنها را در جای دیگری مکان داد. قبل از اخراج، بدون اینکه به‌این حقیقت توجه شود که آنها حدود ۲۰ سال است درآنجا زندگی می‌کنند، خانه هایشان را درهم کوبیدند.

بعلاوه زمینهای آنها مصادره شد. دلیل این کار از نظر اسرائیلیها، این بود که زمین مذکور برای مقاصد امنیتی مورد احتیاج بوده است. وقتی که ساکنان در برابر این انتقال مقاومت نشان دادند، آنها را بزور در کامیونهای ارتشی گذاشتند و به‌بخش کارمل بردند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

تدی کولک، شهردار بیت‌المقدس، به‌اعضای شهرداری گفت که تعداد شهروندان عرب، که از محل یهودی شهر قدیمی انتقال داده شده‌اند، به‌رقم ۴۰۰ نفر می‌رسد، و عملیات بدون برخورد با هیچ‌گونه مشکل یا مانعی تمام شد.

جرزالم پست، ۱۸ مه ۱۹۷۱

روزنامه الاتحاد در ۲۰ مه ۱۹۷۱، اطلاعات زیر را تحت عنوان «مصیبتهای مردم ما» نقل کرد. عبدالرحمن عبدود ابوفتیش، یکی از ساکنان بخش لاترون است، که ۳ دهکده (عواث، بالو، و بیت نوبه) در آنجا ویران گردید. او نه تنها مجبور به‌ترک دهکده عواث گردید، بلکه از خانه‌ای که در «وادی‌الجوزه» اجاره کرده بود نیز اخراج شد، زیرا خانه مزبور متعلق به‌اموال یهودیان غایب بود. از خانه قبلی او در عواث چیزی به‌جز قلوه سنگ باقی نماند. زمینهای زراعتی او، در ابوغسن به‌عنوان اموال اسرائیلی‌مصادره شد. وقتی که او به‌وادی‌الجوز

در شهر قدیمی بیت‌المقدس رفت، بار دیگر اخراج شد؛ زیرا آنجا قبل از ۱۹۴۸ جزو اموال یهودی بوده است. دادگاهها او را به‌خاطر زندگی در آنجا تحت تعقیب قرار دادند، و اکنون هیچ محل سکونتی ندارد.

الاتحاد، ۲۵ مه ۱۹۷۱

روزنامه گاردین گزارش داد که عمل قاطع مقامات اسرائیلی، از برگزاری یک تظاهرات در اعتراض به‌منتقل کردن پناهندگان از غزه، جلوگیری بعمل آورد. اردوگاه جبلیه یک منطقه نظامی اعلام شد، و بولدوزرها کلبه را به‌منظورساختن یک جاده جدید ویران کردند. آنجا به عنوان یک منطقه نظامی، به‌روی روزنامه نگاران بسته اعلام شد. گفته شد که جبلیه و اردوگاههای دیگر بسته شده است، تا از تظاهرات مردم به‌نفع روزنامه‌نگاران خارجی جلوگیری بعمل‌آید. اغلب پناهندگان را به‌العریش در شمال صحرای سینا منتقل کردند.

گاردین، ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۱

در حوالی اواخر ژوئیه، مقامات اشغالی به‌پناهندگان العیزریه، ابودیس و سلوان و شوتات گفتند که هرچه زودترآن مناطق را، که راهشان به‌بیت‌المقدس بسته شده بود، ترک کنند و کارتهای شناسایی خود را تحویل دهند. در اقدام بعدی، اسرائیلیها هرکجا که دلشان می‌خواست می‌توانستند آنهارا جا بدهند. بهانه‌شان برای این کار این بود که هیچ نشانی در دست نیست که بگوید آنها در اصل از کجا هستند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

روزنامه داوار در ماه اوت، فاش کرد که اولین مرحله جادمسازی در نوار غزه ساخته شده است. این جاده از میان سه اردوگاه، جبلیه، الشاتی و رفح می‌گذرد. اغلب پناهندگان ناچار شدند تا به‌خاطر این جاده‌های امن، ازمحل خود نقل مکان کنند.

درجبلیه ۱۰۱۱ خانه درهم کوبیده شد. این خانه‌ها دربرگیرنده

۹۲٤ خانواده به‌تعداد ۳۰۳،٥،٦ نفر، یعنی ۸/۱ کل جمعیت پناهندگان، می‌شد. حدود یک سوم درالعریش، وبقیه در نزدیک اردوگاههای دیگر مستقر شدند. در اردوگاه الشاتی، ٥۹۸ خانه ویران شد، که ٥۹۱ خانواده، شامل یک جمعیت ٤۰۲۱ نفری را، اسکان می‌داد. در رفح، ۲٤۸ کلبه توسط بولدوزر ویران گردید. این کلبه‌ها، ۳۹۰ خانواده شامل ۲۸٥۸ نفر را در خود اسکان می‌دادند. در هر دو اردوگاه، پناهندگان جدید درجاهای دیگر مستقر شدند.

داوار، ۶ سپتامبر ۱۹۷۱

ج: افشاگریهای بیشتر

تیسیر قبعه، رئیس «اتحادیه دانشجویان فلسطینی»، پس ازسه‌سال زندان به‌اردن تبعید شد.

قبعه، دوره زندان خودش را ماه گذشته تمام کرده و تازمانی که تبعید او به‌اجرا درآمد در بازداشت باقی ماند. او توسط دادگاهی در رام‌الله محکوم به‌تبعید (به‌اردن) شد.

جرزالم پست، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

یحیی اسعدالغصین، یک دانشجوی دانشگاه، پس از گذراندن ۳٦ ماه باز داشت غیرقانونی به‌غزه تبعیدگردید.

الاتحاد، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

در یک حادثه دیگر، مقامات نظامی اسرائیلی ۸ عرب را از نوار غزه اشغالی به‌اردن اخراج کردند. به‌گفتهٔ دولت اردن، همه آنها دراثر شکنجه‌های وارده زخمهایی به‌روی بدنشان پیدا کردند.

دیلی‌استار، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

در ۲٤ فوریه، مقامات اسرائیلی ۹ نفر ازکرانه باختری رود اردن

و غزه را به‌ساحل شرقی تبعید کردند. تعداد تبعید شدگان از این‌مناطق تنها در یک هفته به ۳۰ نفر رسیده است.

الاتحاد، ۲۶ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال موشه‌دایان، در ۱۰ مارس به کنست (پارلمان اسرائیل) گفت که ۳۴ خانواده از غزه، که اقوام چریکهای «تحت تعقیب» می‌باشند، به یک بندر متروک که در غرب صحرای سینا «تبعید» شده‌اند.

موشه‌دایان، درجواب سؤال یکی از نمایندگان کمونیست اظهار داشت، که خانواده‌ها برای این تبعید شده‌اند که نتوانند به‌چریکها «کمک، پناهگاه و وسایل آسایش» بدهند. او این مسأله را که در صحرای سینا «اردوگاهها در یک‌جا متمرکز» شده‌اند، تکذیب کرد، و اضافه نمود که به ٤ خانواده از تبعیدیان اجازه داده شده تا به‌خانه هایشان باز گردند. طبق اخباری که از منابع دیگر بدست آمده، روشن شده است که، به‌جز بندر معدنی ابوزنیما، که دایان به‌آن اشاره کرد، یک ردوگاه بازداشتی دیگر در صحرای سینا برای ساکنان غزه و دیگر پناهندگان ساخته شده‌است.

یک منبع بسیار معتبر امروز تأیید کرد که این اردوگاه دربرگیرنده «۱٦۰ تا ۱۸۰» بازداشتی است، که برای آنها در زندانهای محلی جایی پیدا نمی‌شود. این تعداد، به‌اضافه تبعید شدگان ابوزنیما به حدود ۳۲۰ نفر می‌رسند، که در صحرای سینا بسر می‌برند.

گاردین، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

برطبق‌گفته روزنامه الهامیشمار شماره ۷ آوریل، بیش‌از ۳،۵۰۰ عرب تاکنون از محله یهودی بیت‌المقدس اشغال شده اخراج شده‌اند. بقیه ۲،۰۰۰ عرب دیگر بزودی اخراج خواهند شد، و ٦۰۰ خانواده یهودی، بین ۲،۵۰۰ تا ۳،۰۰۰ یهودی، جای اعراب اخراجی را خواهند

گرفت.

الاتحاد، ۹ آوریل ۱۹۷۱

بین ۳ تا ۶ رهبر برجسته در طی چهارسال اشغال نوار غزه توسط اسرائیل به‌صحرای سینا تبعید شده‌اند. تبعید آنها تا ۶ ماه طول کشید.

معاریو، ۱۱ مه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، تعداد فاش نشده‌ای از پناهندگان فلسطینی را از اردوگاه پرجمعیت جبلیه تخلیه کرده، و آنها را در جای دیگری در سرزمینهای اشغالی اسکان داده‌اند.

اقدام مزبور، هنگامی اتخاذ شد، که زمزمه هایی در مورد طرح کاهش جمعیت یک منطقه پرازدحام، بگوش می‌رسید.

انترناشنال هرالدتریبون، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۱

۳۰ خانواده از اردوگاه پناهندگی جبلیه، در ۲۷ ژوئیه به العریش منتقل شدند، و در ساختمانهایی که قبلا پناهندگان قنطره در آن سکونت داشتند، مستقر گردیدند. هر خانواده فوراً پس از ورود به العریش به استخدام در می‌آمد.

بیش از ۷۰۰ نفر تاکنون منتقل شده‌اند. بعضی از خانواده‌ها که قرار بود مجدداً اسکان داده شوند، ناپدید شده‌اند، و اعتقاد براین است که آنها با دوستان و اقوامشان در اردوگاه پنهان گردیده‌اند. اموال این خانواده‌ها — که اعلام کرده‌اند مردن در جبلیه را به انتقال به‌جاهای دیگر ترجیح می‌دهند — نابوده شده است.

جرزالم‌پست، ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۱

آمار منتشر شده در مقرسازمان ملل، توسط UNRWA (آژانس امداد سازمان ملل)، فاش می‌سازد که ۵۹۰،۰۰۰ نفر درنتیجه جنگ شش روزه بی‌خانمان شده‌اند. تنها، اسرائیلیها به ۱۵۰،۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰۰

نفر اجازه داده‌اند به‌خانه‌هایشان بازگردند.

الاتحاد، اول اکتبر ۱۹۷۱

شیخ محمدعلی‌جعبری شهردار هبرون از موشه‌دایان، وزیردفاع، خواسته است تا تبعید اعراب کرانه باختری را به اردن متوقف کند. روزنامه انگلیسی زبان جرزالم پست، به‌نقل از گزارشات امان، نوشت که دسته‌ای از اعراب تقریباً به‌طور یک ماه در میان به‌اردن تبعید می‌شوند. آنها پس‌از گذراندن محکومیت زندان در اسرائیل، که در اصل به‌دلایل امنیتی صورت می‌گیرد، به‌اردن تبعید می‌گردند.

دیلی‌استار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

کمیسیون سازمان ملل، که مسؤول بررسی وضع زندگی اعراب در سرزمینهای اشغالی است، می‌گوید که وضع جمعیت از زمان مأموریت گذشته کمیسیون به خاورمیانه در ۱۹۷۰، بدتر شده است. برطبق گزارشی که پس از سفر دوم هیأت در سال جاری انتشار یافت، اسرائیل سیاستی در پیش گرفته است که هدف آن وادار کردن جمعیت این سرزمینهای اشغالی به‌ترك منطقه، و جلوگیری از بازگشت کسانی است که به‌لبنان، سوریه و اردن رسیده‌اند. کمیسیون که گزارشش مورد تکذیب اسرائیلیها قرار گرفته است، اعتقاد دارد که این سیاست «بزرگترین تجاوز به‌حقوق بشر» تا حال حاضر بوده است.

لوموند، ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱

بیش از ۱۲ نفر توسط مقامات اشغالگر اخراج شدند. این، بخشی از یک مبارزه تروریستی است، که مقامات برای فشار گزاردن به‌روی مردم برای رأی دادن در انتخابات شهرداری ساحل غربی، آن را آغاز کرده‌اند.

الاتحاد، ۱۰ دسامبر ۱۹۷۱

لیست اسامی خانواده‌های عرب که مقامات اشغالگر نظامی آنها را از اول ژانویه ۱۹۶۹ تا اول مارس ۱۹۷۲، مجبور به‌تخلیه خانه-

هایشان از محله های عربی در بیت‌المقدس کرده‌اند.

نام خانواده	تعداد اعضا	صاحب ملک	محل
نوح بدوی ابوعصب	۱۲	قطب	تبونه
خلیل بدوی ابوعصب	٦	»	»
ادریس توفیق شویکی	۷	»	»
میسر، بیوه ابومحسن شویتی	٦	»	»
فایزابو حدوان	٦	»	»
بدویه، بیوه محمد ابوحدوان	۲	»	»
ابراهیم ابوحدوان	٤	»	»
اسماعیل خضیرالقواسمی	٤	»	»
ابراهیم خضیر القواسمی	۳	»	»
نعمان محمد سالم رجبی	٥	عسلی	»
عبدالرزاق شهاده النتشه	۷	صلاح	»
یوسف کرکش	۱۰	الحسینی	»
رجب ثقفی	۳	»	»
محمد هاشم نتشه	۹	»	»
زکریا عارف سلهب	۱۳	»	»
حربی عبدالحمید سلهب	٦	»	»
سامور حمید سلهب	۳	»	»
خلیل سامورسلهب	۳	سلهب	البشوش
محمدخلیل النتشه	٦	»	»
رشید محمد ابراهیم الشویکی	۸	»	»
عبدالقادر حجازی النتشه	۲	»	»
عبدالرحیم ابوسنینه	۱۰	داوودی	»
طالب ادهم جویحان	۹	»	»

داوود محمد رمضان	٦	داوودی	البشوش
صبحی فرح داوود	٥	»	»
عبدالقادر محمد الغیری	٨	»	»
انورتوفیق زهیده	٢	سلهب	»
یعقوب‌محمدالجعبری	٧	نماری	»
ابراهیم‌الجعبری	١٠	»	»
عبدالشکور رمضان حـریـز	٣	نشاشیبی	»
ولیدعبدالله‌الجعبری	٢	نماری	»
عبدالطیف‌نجم‌الدین‌العلمی	٨	العلمی	»
امین‌حمزه عجلونی	٢	قیس	»
نمر کر کش	٢	»	»
محمدسعید ابـوسنینـه	٤	رجانی	»
عبدالله رشیدبهتان	٢	ابوسنینه	»
سامح عوده‌ابوسنینه	١٣	»	»
محمدعوده الجعبری	٧	»	»
احمد محمدالجعبری	٢	»	»
ابراهیم عبدالعظیم ابورمیله	٤	ابورمیله	»
عبدالرحمن ابراهیم ابورمیله	٤	»	»
محمد ابراهیم ابورمیله	٣	»	»
عبدالعظیم ابراهیم ابورمیله	٥	»	»
عثمان نمرحریز	٣	نشاشیبی	»
ابراهیم طالب السکانی	٦	الموانیت	»
محمد خلیل‌الدبعی	٦	داوودی	»
قاسم اسماعیل الهتیدی	١	»	»
محمد حسین‌الغیری	٤	»	»

فیض محمدحسین الغیری	۹	داوودی	البشوش
ابراهیم محمدحسین الغیری	۵	»	»
عبدالله حسن الدیاب	۸	یهودیان	»
سلیم محمد الرجبی	۸	نشاشیبی	»
محمد یاسین ابورجب	۸	»	»
راجی موسی رجبی	۵	»	»
عبدالقادراحمدعبدالکریم	۲	»	»
محمد عبدالحافظ صالح	۵	»	»
عیسی رضوان الجعبه	۹	نماری	نزدیک البشوش
نورالدین محمدسعد	۹	»	»
یوسف خلیل اسماعیل	۷	»	»
هاشم یوسف القواسمی	٤	»	»
خدیجه حسین سعد	۱	»	»
حافظ عبدادریس	٤	الموقت	»
محمد عثمان غانم	۱۱	»	»
قاضی هلیل	۸	نشاشیبی	»
غالب صفدی	۸	قمعی	»
محی الدین علی قمعی	۲	»	»
حافظ بدوان ابوعصب	۸	»	»
لطیفه، بیوه محمد ابوعصب	۱	حدیدی	محله یهودی
انور رشید ابوسریه	۸	»	»
کامل مرشد سلهب	۸	»	»
یوسف جمیل صالحی	۷	»	»
شهده سلیمان بی بی	٤	»	»
منیره، بیوه سلیمان بی بی	۱	»	»

رفقه، بیوه‌ابوسنانه	۲	حدیدی	محله یهودی
سلیمان شهده، بی‌بی	۵	»	»
یعقوب عبدالفتاح شویکی	۹	مغاربه	»
رشید خامس‌قواسمی	۷	بشیتی	»
سعدی رشدی‌خیاط	٦	»	»
رشدی خلیل‌خیاط	۳	»	»
خیری شاکرابورمیله	۱	بودیری	»
ناجی عبدالفتاح ابونجمه	۷	مسعودی	»
شوکت‌عبدالرحمن‌عویس	۱	»	»
عبوده محمدعطیه طرطیر	٦	خطیب	»
عطاعبدالشکور طویل	۱۰	»	»
عمیر عبدالرحمن زعنا	٦	شهابی	»
عزیی عوادالله	۱	خلیدی	»
امینه عواد عبدالجواد	۱	»	»
محسن حسین‌حسن بصیله	٤	»	»
خلید عزابوغوش	۱	»	»
جورج علیه‌تیوذوسو	٤	»	»
عبدالرزاق حسنی عواد	٦	قمعی	»
عبدالحمید عبدالجبار شویکی	۸	»	»
عظمی عبدالحمید شویکی	۳	»	»
شاکر شکری‌خروات	۹	»	»
فرح‌ابراهیم جعبری	۷	»	»
سمیر صبری‌طهه	۳	»	»
یونس عبدالشکور زعتر	۷	داوودی	»

بخش چهارم

انهدام اموال، مصادره و تغییر اوضاع

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ شخص تحت‌الحمایه‌ای را نباید به‌خاطر جرمی که شخصاً مرتکب نشده مجازات و تنبیه کرد. مجازاتهای دسته‌جمعی و همینطور تمام اقدامات ارعاب و تروریسم ممنوع است.

چپاول ممنوع است.

اعمال تلافی‌جویانه علیه اشخاص تحت‌الحمایه و اموال آنها ممنوع است.

مادهٔ ۳۳، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هر گونه ویرانی اموال منقول یا غیر منقول فردی یا جمعی متعلق به‌اشخاص خصوصی، یا به‌ دیگر مقامات عمومی یا سازمانهای تعاونی اجتماعی ازسوی قدرت اشغالگر، به‌جز در جاهایی که یک چنین ویرانی‌ای توسط عملیات نظامی مطلقاً ضروری باشد، ممنوع است.

مادهٔ ۵۳، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هیچ کس را نباید به‌طور خودسرانه‌از اموالش محروم کرد.

مادهٔ ۱۷، اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸

هیچ یک از مواد موافقتنامه موجود نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که برای یک دولت، گروه، و شخصی حق انجام فعالیت یا اجرای عملی، به‌منظور از بین بردن حقوق و آزادی شناخته‌شده مندرج در این

توافق‌نامه، و یا فرا رفتن از محدودهٔ وظایف خودشان برطبق توافق‌نامه حاضر، رابوجود آورد.

ماده ۵، توافق‌نامه سازمـان ملل در مورد حقوق مدنی و سیاسی

قدرت اشغالگر نباید موقعیت مقامات دولتی یا قضات را، در سرزمینهای اشغالی، تغییر بدهد، و یامصوباتی بدین‌منظور بگذراند، و یا در صورتی که آنها به عللی، و یا از روی آگاهی، از انجام وظایف خودشان خـودداری کنند، دست بـه‌اقـدامات اجباری و تبعیض‌گرانه برعلیه آنها بزنند.

ماده ۴۵، چهارمین توافق‌نامه ژنو

ب: تخلفات از قوانین

مقامات یهودی بدون توجه به درخواستهای دبیر کل سازمان‌ملل، قطعنامه های مجمع عمومی، و حتی قوانین دولت‌یهود، با سرعت زیاد آماده جریان واگذاری زمین در محله عربی بیت‌المقدس‌و حومه آن می‌شوند.

در آغاز سال، مقامات اعلام کردند که مناطق وسیعی از زمینهای اعراب در حومه «بیت‌جالو» و «شرفات» مصادره شده است. آنها ادعا می کردند که برطبق نقشهٔ جدید اسرائیلی،مناطق به‌تملک درآمده در داخل محدوده شهرداری بیت‌المقدس قرار می گیرد.

مالکان زمینهای مصادره شده با تحویل زمینهایشان مـوافقت نکردند. در عوض تلگرامی در اعتراض به‌اقدامات اسرائیلیها بـرای دبیر کل سازمان ملل ارسال داشتند.در حقیقت، قوانین اسرائیلی ایجاب می کند که وزیر دارایی برای این‌منظور از دادگاه بخش یک دستور

دریافت کند. اما، اسرائیلیها به مقررات قانونی توجهی نکردند و بر روی زمینها، بعد از اخراج مالکان قانونی آنها، شروع به‌ساختمان‌سازی نمودند.

روزنامه الاتحاد تأکید کرد که این‌عمل، به‌وضوح نشانگر این است که اسرائیلیها با اقتدار هرکس دیگری مخالفت کرده، و به‌افکار عمومی‌جهانی وقطعنامه های سازمان‌ملل بی‌اعتنایی می‌نمایند، وبه‌علاوه هیچ گونه احساس عدالت از خود نشان نمی‌دهد و در تعقیب سیاست نابودی اعراب و توسعه‌طلبی وجدان ندارد.

روزنامه‌الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

رئیس شورای محلی در «طیبه» طی صدور اخطار نامه‌ای به ساکنان، آنها را ازگسترش زیاد زمین به‌جانب شرقی شهر باز داشت. زمینهای مزبور شامل ۳،۰۰۰ هکتار می‌شود. این زمینها بخشی از منطقه نظامی است که قرار است در آنجا تأسیس شود و بنابراین زمینهای مزبور غیر قابل استفاده می‌باشند. منطقه برای آموزش اسلحه، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

طرح مورد نظر به‌یک حقیقت مسلم، تبدیل شده است. بیش از ۲۰ نفر در نتیجه آموزش اسلحه مجروح شدند. هنوز نمی‌شود فهمید که آیا این کار به‌منظور آموزش اسلحه است یا اینکه هدف، ترساندن ساکنان برای ترك منطقه و در نتیجه تملك زمینهای آنان می‌باشد.

دهاتیان خواهان مداخله سازمان ملل، برای پایان دادن به‌این وضعیت مخاطره‌آمیز شده‌اند تا بتوانند برروی زمینهایشان بکار بپردازند.

روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

نیروهای اشغالگر اسرائیلی حدود ۱،۰۰۰ هکتار زمین را در دهکده طهون، در بخش نابلس برای ساختن اردوگاههای ارتش و آبادیهای یهودی به‌تملك خود درآوردند. ساکنان از کشاورزی و

چراندن دام بـه‌روی زمینها محروم شده‌انـد. آنها همچنین زمینهای منطقه «ماشمرو» در شهر «ظاهریه» را پس از خودداری ساکنان از فروختن زمینهایشان علی‌رغم پیشنهادات وسوسه‌آمیز، مصادره کردند. منطقهٔ مزبور حدود ۱۰۰ هکتار وسعت دارد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

مقامـات نظامی، به‌دنبال مصادره یک قطعه زمین بـه‌مساحت ۲۳۰ هکتار در محله‌الخلیل در داخل منطقه‌ای که بـه‌روی مردم بسته شد، فرمانهایی صادر کـردند. شهردار اعلام کرد که طرح فوق منطقه‌ای به‌مساحت یکهزارهکتار را در برمی‌گیرد.

بنگاه خبرپراکنی‌اعلام کرد، که زمینهای جدیدی برای تأسیس دهکده‌های تعاونی و دیگر آبادیهای یهودی‌نشین، در جنوب غزه پس گرفته شده است. خبرنگار بنگاه خبرپراکنی نیز گزارش داد، که حصار-بندی دهها هزار هکتاراز زمینهایی که به‌عنوان اموال دولتی قلمداد می‌گردد، در دست اقدام است. هدف این حصارکشی این است که جلو دسترسی ساکنان به‌این زمینها گرفته شود. او همچنین اضافه کرد که قطعه دیگری به‌مساحت ۴۰۰۰ هکتار بین غزه و دیرالبلا قبلاً حصاربندی شده است.

روزنامه داوار، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱

روزنامه معاریونقل کرد که کمیتهٔ امنای اموال وقفی مسلمانان در یافا، زمینهایی‌را به‌قیمت بیش از یک‌میلیون‌لیره‌اسرائیلی به‌شهرداری تل‌آویو خواهد فروخت. در عوض، خانه های «عام‌المنفعه‌ای» برای جامعهٔ اوقاف ساخته خواهد شد. فروش زمینهای فوق هنگامی امکان پیدا کرد، که دادگاه بخش در تل‌آویو فرمان منع فروش زمینها را زیرپا گذاشت. فرمان منع فروش این زمینها به‌تقاضای نمایندگان اقلیت در کمیته وقف مسلمانان یافا به‌تصویب رسیده بود.

معاریو در مورد فروش ۸۱ هکتار زمین در نزدیک گورستان ابوکبیر گزارش داد. همچنانکه در روزنامه الاتحاد در ۷ سپتامبر ۱۹۷۱ ذکر گردید، اعضای این شورا، هرچندکه اسلحه گرم حمل می‌کنند، حاضرند تا هرچیزی‌راکه به‌آنهاگفته شود امضا نمایند. جامعهٔ عرب به‌هیچ وجه آنها، یا نمایندگی آنها را قبول ندارد.

معاریو در ۲۰ نوامبر گزارش داد که ۳۰۰۰... هکتار زمین در منطقهٔ غزه برای ساختن کیبوتص و آبادیهای یهودی، در طی هفته‌های اخیر اختصاص داده شده و زمینهای بیشتری برای آبادیهای اضافی حصاربندی خواهد شد. معاریو اضافه کرد که انتقال ۴۰ خانواده به‌اتمام رسیده است، وکارها برای انتقال ۱۰ خانواده دیگر نیز آماده می‌شود. تماسهای بیشتر باکشاورزان غزه به‌منظور دادن پاداش یا انتقال زمین، به‌آنان درجریان است. بنگاه خبری اسرائیلی «آتیم» اظهار داشت‌که سرزمینهای مورد نظر (در جنوب غزه) توسط نیروهای اشغالگر به‌تملک درآمده است. حدود ۱۰۰۰... هکتار نیز بین رفح و خان یونس به‌تصرف درآمده ۱۰۰۰... هکتار آخری از زمینهای خط ساحلی بوده است.

معاریو، ۱۱۰ کتبر ۱۹۷۱

وزیر توریسم گفته است‌که دربودجه سال آینده گنجاندن منطقه روبروی «باب‌الخیل» در بیت‌المقدس شرقی، در خطوط طرح تأسیس یک مرکز عظیم توریستی و تجارتی، در نظر گرفته خواهد شد. کمپانی مسؤول اجرای طرح در بیت‌المقدس شرقی پروژه‌های زیر را به‌عهده خواهد گرفت:

۱ــ گشایش و اسفالت یک جاده جدید در اطراف باروی شهر. جاده مزبور از میان باب‌الرحمه و یوسفیه دو قبرستان مسلمانان خواهد گذشت. جاده مزبور، یک شاهراه توریستی خواهد بود و در

آن پلاکاردهای تبلیغاتی نصب خواهد گردید.

۲ــ تعمیر و ایجاد اردوگاههای جدید برای تفریح یهودیان محلهٔ طالبیت و تمام حومه‌های بیت‌اللحم. سرمایه‌دارانی در خارج و داخل اسرائیل هستند که حاضر به‌سرمایه‌گذاری در طرحهای توریستی در بیت‌المقدس می‌باشند. تاکنون ۳۰ میلیون لیره اسرائیلی در دو سال گذشته سرمایه‌گذاری شده است. ۱،۱۳۰ اتاق هتل در دست ساختمان است، که ۶۵ میلیون لیره اسرائیلی به‌آن اختصاص داده شده است.

یدیوت‌آهارونوت، ۳ دسامبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک مطالعه جغرافیایی از بعضی از مناطق کرانه باختری، به‌منظور از بین بردن اردوگاههای پناهندگی و ساختن اردوهای جدید به‌جای آنها، بعمل آورده‌اند. طرح مورد نظر که «خطوط اصلی توسعه منطقه» نام دارد، خواهان تغییر شکل کل منطقه، ساختن یک فرودگاه صنعتی و گشایش یک جاده جدید در دره اردن، که «آریها» را از طریق منطقه شمالی بیت‌المقدس به‌رام‌الله وصل می‌کند، شده است.

لوموند، اول ژانویه ۱۹۷۱

اداره ثبت‌نام در آکره، از شناسایی موجودیت یک منطقه به نام «مال»، که در آن اکثریت اعضای قبیله «صواعید» اسکان دارند خودداری کرده است. مدیریت ثبت نام، برتغییر نام محل از «مال» به «الکمانه»، و ثبت تغییر مزبور درکارتهای هویت، اصرار می‌ورزد. به گفتهٔ روزنامه الاتحاد، گویی با انجام این کار منطقه موجودیت خود را از دست می‌دهد. آشکار است که مقامات می‌خواهند قبیله صواعید را به‌بعضی بهانه‌های قانونی، تبعید کنند.

ساکنان «مال» به‌چنین طرحهایی، که باهمکاری مختارها ریخته

شده، اعتراض کردند، زیرا اعضای قبیله، آنها را نمایندگان خودشان نمی‌دانند. آنها بعداً اعلام کردند که حتی اگر مقامات مدرسه‌های آنان را ببندند، و یا کارتهای هویت را باطل نمایند و یا خانه‌هایشان را ویران کنند، انتقال خودشان را قبول نخواهند کرد، زیرا احساس می‌کنند که دعاوی بحقی در مورد زمین دارند.

روزنامه الاتحاد، ۹ فوریه ۱۹۷۱

رائیوشیرون، وزیر خانه‌سازی اسرائیل، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که طرحهای خانه‌سازی برای یهودیان در بیت‌المقدس، اهداف یهودی و آرزوهای صهیونیستی را برآورده می‌کند. طرح مزبور قید می‌کند که بیت‌المقدس تا سال ۱۹۷۵، تعداد ۲۷۰،۰۰۰ یهود را، در مقابل ۹۰،۰۰۰ عرب، در خود جای خواهد داد.

جرزالم‌پست، ۲۱ فوریه ۱۹۷۱
هاثارتز، ۱۷ فوریه ۱۹۷۱

شورای شهرداری بیت‌المقدس در ۲۱ فوریه ۱۹۷۱، به‌اتفاق آراء طرحهای وزارت مسکن را برای ساختمان‌سازی به‌روی زمین تحت‌تملک اعراب در حومه بیت‌المقدس، که قبلا مصادره شده است، تصویب کرد. این طرحها خواستار ساختن ۱۸۰ واحد مسکن در «نبی‌ساموئل»، و به‌روی شیب شرقی مسطح «مونت‌مکبر»، می‌باشند. برای اولین بار است، که احزاب سیاسی گوناگون اسرائیل به‌روی موضوع ساختمان سازی در شهرها به‌توافق رسیده‌اند. تدی کولک، شهردار بیت‌المقدس، تأیید کرد که «حق اسرائیل در ساختن بیت‌المقدس نباید مورد تردید قرار بگیرد.»

معاریو، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

وزیر مسکن، در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۲ فوریه ۱۹۷۱ در بئرشبع، اعلام کرد که ۵۰۰ واحد مسکونی برای زوجهای جوان در

طی یک‌سال ونیم آینده، و ۴۰ واحد اضافی دیگر در لقب در خارج بئرشبع، ساخته خواهد شد. حیم‌جیفانی، وزیر کشاورزی نیز در همان تاریخ درکنست (پارلمان اسرائیل) اعلام کرد که از جنگ ۱۹۶۷، ۳۷ اسکان جدید ساخته شده و دهکده‌های دیگری در زمینهای باتلاقی دره اردن تأسیس خواهد شد.

رادیو اسرائیل، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

در ۲۷ فوریه ۱۹۷۱، هنگامی‌که ساختن ۲۰ واحد مسکونی کامل شد، اسکان یهودیان در محله یهودی بیت‌المقدس به‌اتمام‌رسید. هزینه تعمیرات، به‌یک‌میلیون‌لیره اسرائیلی رسید. انتظار می‌رود که در عرض چندماه آینده، نوسازی ۱۰ اسکان اضافی کامل شود، و برای تحویل به‌خانواده‌هایی‌که خواهان استقرار در آن محله هستند آماده گردد.

معاریو، ۲۸ فوریه ۱۹۷۱

مقاله زیر توسط جان والیس، خبرنگار «ساندی تلگراف»، در ۲۸ مارس ۱۹۷۱ دراین روزنامه بچاپ رسید:

احساسات در بیت‌المقدس شرقی عربی و ساحل غربی اشغالی نسبت به‌عمل اسرائیل در درهم کوبیدن و با خاک یکسان‌کردن دهکده نبی‌ساموئل، در ۴/۵ مایلی بیت‌المقدس، شدیداً برانگیخته شده است. این دهکده، مشرف بر شهر و راههای شرقی آن می‌باشد. دهکده مزبور در سال ۱۹۴۹ و ۱۹۶۷ به‌طور وخیمی ویران شد. ۵۰ نفر هنوز در خانه‌ها و خرابه‌های آن زندگی می‌کنند، و ۱۸ نفر آنها می‌گویندکه اکنون خانه‌هایی را از دست داده‌اندکه ۱۰۰ سال قدمت دارند. دهکده در اطراف قلعه قدیمی‌که «مجاهدان» آن را مونت‌جوی می‌خواندند ساخته شد. سربازان اسرائیلی در شب ۲۱ و ۲۲ مارس، به‌طرف دهکده شروع به‌حرکت‌کردند، و راههای منتهی

به‌آن را محاصره نمودند (بستند). ۸ بولدوزر همراه آنان بود. در ساعت ۳ بعدازظهر بولدورزها شروع به‌نابودی خانه های اطراف قلعه کردند. دهاتیان می‌گویند که تنها مدت کوتاهی به‌آنان مهلت دادند تاخانه ها را ترک کنند. مردی که از ترك خانه‌اش خودداری می کرد، ادعا می کند که او را با زور از خانه‌اش بیرون انداختند. ساکنان می‌گویند که آنها را با اموال و داراییهایشان در کامیونهای ارتشی انداختند و به‌خانه های ویران شده در شمال شرقی دهکده بردند. یک مرد که برطبق گفته دوستانش ۱۲۰ لیره به‌او داده شده بود، مجبور شد تا کاغذی را امضا کند که نمی‌توانست آن را بخواند زیرا به‌زبان عبری نوشته بود، و نیز به‌او گفته شده بود که با روزنامه نگاران گفتگو نکند. هیچ کس اجازه نداشت وارد دهکده شود. سربازان اسرائیلی، زمین را با قلوه سنگها و پاره‌آجرهای خانه‌ها پوشاندند و تنها چیزی که از محل اسکان قدیمی باقی ماند، قلعه بود. توضیح رسمی مقامات برای این کار، این است که خرابه‌ها برای توریستها یک‌خطر بحساب می‌آید و افراد ناباب در آنجا پناهگاه گزیده‌اند. ممکن است این امر به‌پیدا شدن یک زوج اسرائیلی که مواد مخدر و اسلحه گرم در اختیار داشتند، اشاره بکند. این زوج در حال حاضر در انتظار محاکمه بسر می‌برند. در ابتدا، اعراب فکر می کردند که دهکده آنها بدین خاطر ویران شد، که مشرف برطرح خانه‌سازی عظیمی قرار دارد که به‌روی زمین مصادره شده اعراب ساخته می‌شود. دهاتیان، اکنون معتقدند که عمل مزبور به‌خاطر دلایل هنری و توریستی انجام گرفت. یک فضای بزرگ در جلو قلعه تبدیل به‌پارك اتومبیل خواهد شد، و دهاتیان از تاریخ ۱۰ مارس، که یک کشاورز عرب از بردن یک محموله الوار به‌مزرعه‌ای در پایین دهکده ممنوع شد، بیمناك شده‌اند. به‌وی گفته شد که زمین دیگر متعلق به‌او نیست، زیرا برای یک

طرح جدید توسعه، به‌آن احتیاج می‌باشد. جزئیاتی در مورد این مسأله بدست نیامد، اما به او پیشنهاد شد تا زمینش را برای ۹۹ سال اجاره بدهد.

ساندی تلگرام، ۲۸ مارس ۱۹۷۱

«زوشارف» وزیر مسکن اسرائیل، اعلام کرده است که از آغاز آوریل نام نبی‌ساموئل تبدیل به‌اسم عبری «راموت» خواهد شد.

نیویورک تایمز، اول آوریل ۱۹۷۱

اس. شارون رئیس کل وزارت مسکن، در اول آوریل ۱۹۷۱ اعلام کرد که وزارت مسکن مبلغ ۵۰ میلیون لیره اسرائیل برای سال ۱۹۷۱ اختصاص داده، که قرار است برای سازندگی در بلندیهای جولان صرف شود. او اضافه کرد که وزارت مسکن سعی می کند تا خانه های اضافی در هفت اسکان تازه ساخته شود، و نوسازی‌هایی در ۳ اسکان در بلندیهای جولان، در حال اجراست.

داوار، آوریل ۱۹۷۱

تعدادی از ساکنان عصیره، که یک دهکده قبیله‌ای در مجاورت نابلس می‌باشد، به‌صلیب‌سرخ بین‌المللی نامه نوشته و خواهان این شده‌اند که به‌دنبال ویران شدن خانه هایشان، برای آنها محل اقامت و مسکن فراهم گردد. آنها قبلا تلاش کردند تا بعد از ویران شدن خانه هایشان، منازل دیگری اجاره کنند، اما صاحبان این خانه ها از ترس اعمال تلافی جویانه جدید برعلیه آن افراد، از این کار خودداری کردند.

الاتحاد، ۹ آوریل ۱۹۷۱

رسماً اعلام شد که تا اواخر سال ۱۹۸۲ با کامل شدن اولین مرحلهٔ خانه‌سازی، جمعیت اسرائیل در شرم‌الشیخ به ۲،۹۰۰ خواهد

رسید.

رادیو اسرائیل، ۲ مه ۱۹۷۱

در ۵ مه ۱۹۷۱، تأسیس یک مرکز توسعه کشاورزی در دره اردن تکمیل شد. این نهمین مرکز از این نوع است. مرکز مزبور در محله حمراء در ۸ کیلومتری شمال پافالیک درامتدادرودخانه مقاریه قرار دارد. این مرکز شامل اعضای غیر نظامی کیبوتص و شهرها، خواهد بود.

لاانفرماسیون، ۶مه ۱۹۷۱

در حالی که نهادهای اسرائیلی از پرداخت غرامت به‌اموال غیر منقول واقعی اعراب در بیت‌المقدس اشغال‌شده سخن می‌گویند، مقامات اسرائیلی سرگرم مصادره زمینهای آنان برای تخلیه آنها از خانه هایشان می‌باشند.

یک روز صبح، ۵ بولدوزر مربوط به کمپانی راسکو، مشغول خراب کردن سمر، که ۳۰۰ عرب بیت‌المقدس درآن زندگی می کنند، شدند. هدف این کار بی‌خانمان کردن مردم و درهم کوبیدن خانه ها به‌منظور ساختن ساختمانهای جدید برای دانشگاه عبری، و تهیه خانه برای یهودیان تازه وارد، می‌باشد.

راههای منتهی به سمر با بشکه‌های بزرگ سیاه وگاردهای مسلح بسته شد، هدف این است که وسایل نقلیه به‌منطقه نرسند.

ساکنان عرب در حالی که سربازان اسرائیلی آنها را هل می‌دادند، ایستادند، تا به‌زمینها و خانه‌های خودشان که عمری را صرف آماده کردن و ساختن آن نموده بودند، نظر بیندازند. به‌هنگام از دست دادن خانه‌هایشان، قدرت انجام هیچ کاری را نداشتند. نفرت آتشینی در قلب آنها، علیه کسانی که با قدرت اسلحه، عدالت و حقوق بشر را زیرپا می‌گذاشتند، کاشته شد. نمی‌توانستند کاری انجام

بدهند، قبلاً دراین مورد به‌مقامات اعتراض کردند، اما سودی نبخشید.
روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

«سرجان‌رنه»، کمیسر کل «آژانس امداد سازمان‌ملل» درسپتامبر ۱۹۷۱ گزارشی به‌شماره (الف/۸۳۸۳) به‌اوتانت دبیر کل سازمان‌ملل متحد به‌تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ تسلیم کرد. آنچه در زیر می‌آید نکات مهم این گزارش است:

۱— نگرانی زیادی در مورد آنچه که در اردوگاههای «جبلیه»، «الشاتی» و در «نوار غزه» گذشته است و درحال حاضر نیز می‌گذرد، وجود دارد. در آنجا اسرائیلیها تعداد زیادی از پناهگاهها را ویران کردند، و پناهندگان را اخراج نمودند. در نتیجه، حدود ...،۷۵۰نفر، بی‌خانمان شدند. به‌بعضی از آنها اجازه دادند تا در نوار غزه بمانند، و دیگران را از آنجا تبعید کردند. بسیاری‌از آنها به‌دلیل نبودن آب و غذا، از تشنگی و گرسنگی‌رنج می‌برند. کمیسر کل طی ارسال نامه‌ای به‌تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۷۱ به‌اسرائیل، خواهان تهیه فوری خانه کافی برای اسکان پناهندگانی که پناهگاههایشان ویران شده، گردیده است.

۲— در یک جلسه به‌تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۱، موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل به«سرجان‌رنه» کمیسر کل گفت که دولت اسرائیل مبارزهٔ خود برای جنگیدن با پناهندگان فدایی در اردوگاه جبلیه را آغاز کرده است. به‌این دلیل دولت تصمیم گرفته است تا بعضی از پناهندگان را تبعید کرده و پناهگاههای آنان را ویران کند، و برای برقراری امنیت جاده‌ها را عریض نماید. از آنجایی که برای برقراری امنیت احتیاج به‌اقدام فوری می‌رفت، دولت نتوانست پناهگاههای تازه‌ای را برای اسکان پناهندگانی که از خانه‌هایشان بیرون انداخته شده‌اند، فراهم نماید.

به‌عنوان یک راه حل، تصمیم گرفت که آنها را به اردوگاههای

دیگر، چه در داخل و یا در خارج نوار غزه منتقل نماید. وزیر دفاع بعداً اظهار امیدواری کرد که آژانس امداد جهانی سازمان‌ملل به‌تهیه جیره معمولی برای پناهندگان بی‌خانمان در العریش ادامه دهد.

اما در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۱، بدون توافق قبلی آژانس امداد سازمان ملل، و قبل‌از اینکه این سازمان قادر گردد برای توزیع جیره مقدمات امر را فراهم کند، ویران کردن پناهگاهها بار دیگر آغازشد.

۳ــ در یک جلسه به‌تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۱ در غزه، فرمانده نظامی غزه به کمیسر کل گفت که عملیات درهم کوبی و ویران‌سازی در اردوگاه جبلیه همچنان ادامه خواهد یافت، تا تعداد پناهندگان به شمار اندکی برسند، و پناهندگانی که پناهگاهایشان خراب شده به خاطر کمبود پناهگاههای اضافی در نوار غزه، به‌العریش منتقل شوند. او اضافه کرد که عملیات، به‌دلیل به‌خطر افتادن اوضاع امنیتی، با سرعت فوق‌العاده‌ای انجام شده است، زیرا تعداد کشته‌شدگان در ۵ ماه گذشته به ۸۰ نفر رسیده است.

۴ــ با وجود وعده‌هایی که‌غلط ازکار درآمد، مقامات اسرائیلی در ۳ و ۱۰ اوت ۱۹۷۱ عملیات ویران‌سازی پناهگاهها، و تبعید پناهندگان را، در اردوگاه الشاتی و رفح اجرا کردند.

۵ــ در ۶ اوت ۱۹۷۱، کمیسر کل،توجه وزارت خارجهٔ اسرائیل را به‌مشکلات و گرفتاریهایی جلب کرد، که در اثر اعمال مکرر غیر قابل پیش‌بینی آنها برای پناهندگان و کارکنان آژانس امداد سازمان ملل بوجود آمده است. پناهندگان بدون اخطار قبلی انتقال داده می‌شوند، و کارکنان آژانس‌امداد سازمان‌ملل را از سرنوشت‌پناهندگان قبل‌یا بعد از انتقال‌آنها، خبردار نمی کنند. بدین‌خاطر کارکنان‌آژانس نمی‌توانند ترتیب‌تحویل‌جیره پناهندگان را که‌تنها منبع معاش آنهاست بدهند. در حقیقت آژانس امدادسازمان ملل این موضع قاطع را به‌این

خاطر گرفت، که در ۸ اوت ۱۹۷۱، به‌مقامات اسرائیلی برای اعمالی که برخلاف بخش ۲۰ قطعنامه شماره ۲۶۷۵ مجمع عمومی سازمان‌ملل انجام داده بودند، شدیداً اعتراض کرده بود. آن قطعنامه، اصولی برای تضمین حقوق غیر نظامیها در موارد نبرد مسلحانه پیش‌بینی می کرد. رفتار خصومت‌آمیز اسرائیل همچنین برخلاف ماده ۴۹ و ۵۳ موافقت‌نامه جهانی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق غیرنظامیان در دوران جنگها بود.

۶— در ۱۴ اوت ۱۹۷۱، بار دیگر کمیسر کل، توجه وزارت خارجه اسرائیل را به‌این حقیقت جلب کرد که تعداد خانه‌های خراب‌شدهٔ پناهندگان در اردوگاههای نوار غزه از تعداد خانه‌هایی که برای پناه دادن آنها ساخته شده بیشتر است. به‌همان دلیل آژانس امداد، از مقامات اسرائیلی خواست تا ویران‌کردن خانه‌ها و تبعید افراد را متوقف کنند، و در داخل نوار غزه پناهگاههای کافی به‌تعداد افرادی که تا کنون بی‌خانمان شده‌اند، برپا دارند.

۷— در ۱۹ اوت ۱۹۷۱، در جلسه‌ای که در وزارت دفاع برگزار گردید، به کمیسر کل گفته شد که عملیات ویرانسازی در اردوگاه جبلیه پایان یافته، در اردوگاه‌الشاتی نزدیک اتمام است و در اردوگاه رفح ادامه دارد. به او همچنین گفته شد که تعداد خانواده‌هایی که خانه‌هایشان ویران شده، و به‌مکانهای‌دیگر منتقل گردیده‌اند، تا آن تاریخ به‌۱٬۵۱۰ نفر بالغ می‌شود. مفهوم آن این است که تعداد پناهندگانی که‌منتقل شده‌اند بالغ بر ۱۰٬۰۰۰ نفر است. در اینجا کمیسر کل بار دیگر تقاضای‌خودش‌ در مورد توقف ویرانسازی‌وتبعید را تکرار کرد، اما مقامات اسرائیلی در پاسخ گفتند که قصد دارند عملیات خود را وسعت بدهند، تا مناطق دیگری مثل خان‌یونس، رفح، دیرالبلا، و نقطه‌ای بین دیرالبلا و غزه را، در برگیرد.

۸— عملیات‌ویرانسازی در اردوگاه رفح تا ۲۶ اوت ۱۹۷۱ ادامه پیدا کرد. تا این تاریخ حدود ۲،۹۰۰ خانوارکه شامل ۱۵،۰۰۰ پناهنده می‌شود،از اردوگاه جبلیه،الشاتی و رفح منتقل شده‌اند. خارج از این تعداد، ۳۵۰ خانواده به‌العریش، ۳۰ خانواده به‌ساحل غربی مهاجرت کردند و بقیه (حدود ۲،۵۲۰ خانواده) در نوار غزه اینجا و آنجا پراکنده شدند. محل اقامت آنها هنوز معلوم نشده است.

۹— کمیسر کل اظهار داشت که خانه ۷۰نفر از کارکنان آژانس امداد سازمان ملل، ویران شده‌است.آنها و خانواده‌هایشان بدون‌پناهگاه مانده‌اند. بعضیها مجبور شده‌اند خانواده‌ها و وسایل خودشان را به العریش، که از محل خدمت آنها بسیار دور است، ببرند.

۱۰— آژانس امداد توزیع جیره‌های پناهندگان شهر غزه و نیز تمام منطقه نوار غزه و کسانی راکه به‌ساحل غربی رفته‌اند تأمین می‌کند. اما نسبت به‌آنهایی که به‌العریش رفتند...!

۱۱— در نتیجه، خانه‌ها و پناهگاهها ویران شده‌اند، درحالی که هیچ گونه دلیلی برای خرابی آنها وجود نداشت. از بین خانه‌ها و پناهگاههایی که در۳ اردوگاه ویران شد، ۴،۳۶۰ عددشان توسط آژانس امداد سازمان‌ملل و یا با همکاری آن و ۲،۰۰۰ عدد نیز توسط خود پناهندگان، و به‌دست خودشان، ساخته شده بود. کمیسر کل از دولت اسرائیل خواست، تا غرامت خانه‌هایی راکه توسط آژانس ساخته شده و یا سازمان در ساختن آن از نظر مالی شرکت داشته، بپردازد. او همچنین بهبود وضع پناهندگانی راکه از خانه‌هایشان منتقل شده‌اند تقاضا کرد، و همچنین خواستار شد تابه‌آنهاخانه‌هایی بهتر از خانه‌های قبلی، بدهند. و نیز خواهان بهبود تسهیلات بهداشتی برای کسانی شدکه در اثر عملیات ویرانسازی و تبعید، که آژانس هیچ دلیل مقبولی برای آن نمی‌دید، به‌وضع بدی دچار شده بودند.

ج: افشاگریهای دیگر

نیروهای امنیتی در ۳ ژانویه دو خانه را در نابلس منفجر کردند، و خانه سوم را مهروموم نمودند. آنها این عمل را پس از متهم کردن صاحبان خانه ها به همکاری با تروریستها، انجام دادند.

جرزالم‌پست، ۴ ژانویه ۱۹۷۱

در ژانویه یکی از گزارشگران مجله تایم به‌سرزمینهای اشغالی شرقی سفر کرد و نوشت: «تا سال ۱۹۶۷ سربازان سوریه از بلندیهای (جولان) به‌عنوان یک سکوی توپخانه علیه ساختن کیبوتص، از سوی اسرائیلیها در شمال دره جلیله در پایین بلندیها، استفاده می کردند. در حال حاضر بلندیهای جولان بیشتر تبدیل به‌بیابان شده است. قنیطره، که زمانی ۲۰،۰۰۰ جمعیت داشت، حالا فقط ۳۰۰ نفر در آن ساکن هستند... دهکده‌های کوچکتر سوری بوسیله بولدوزر با خاك یکسان می‌شوند. این دهکده‌ها پناهگاه سگان و گربه‌های ولگرد و همچنین فداییان فلسطینی می‌باشد.

تایم، ۵ ژانویه ۱۹۷۱

منابع عرب در نابلس گزارش دادند، که نیروهای اشغالگر اسرائیلی چهارخانه متلعق به کماندوهای فلسطینی را ویران کرده‌اند. آنها می‌گویند پس از اینکه کماندوها از خانه‌ها بیرون انداخته شدند، مهندسان ارتش خانه‌ها را منفجر کردند. صاحبان خانه‌ها چندماه قبل به‌اتهام تعلق به‌سازمانهای کماندویی فلسطینی و داشتن بمبهای دست‌ساز دستگیر شدند.

دیلی‌استار، ۵ ژانویه ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در بیت‌اللحم یک خانه چهار اتاقه را ویران کردند. گفته می‌شود که صاحب آن خانه مسؤول تعدادی از اعمال

تروریستی و داشتن اسلحه بوده است.

جرزالم‌پست، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک خانه را در دهکده «نیاسیر» نزدیک شهر جنین ویران کردند. صاحب آن که در بازداشت بسر می‌برد، به همکاری با سازمانهای فلسطینی متهم می‌باشد. دو خانه در آن نزدیکی نیز هفته گذشته (توسط اسرائیلیها) منفجر شد.

الاتحاد، ۱۲ ژانویهٔ ۱۹۷۱

هفت ساختمان، شامل دو اصطبل گاو و ٥ ساختمان مسکونی اخیراً توسط نیروهای امنیتی در کفر «تایسر» ویران شد. ساختمانها متعلق به کسانی هستند که همکار تروریستها شناخته شده‌اند.

جرزالم‌پست، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در اول فوریه خانهٔ یکی‌از ساکنان «بیت‌ساهور» در نزدیک بیت‌اللحم را منفجر کردند. صاحب‌خانه متهم به‌این بود که به‌تروریستهایی که از اردن به ساحل غربی رخنه کرده‌اند، کمک نموده است. در بازرسی خانه، قبل از ویران کردن آن، مقداری اسلحه و مهمات، که زیر کف منزل پنهان شده بود، بدست آمد... نیروهای امنیتی همچنین در دو خانه دیگر را که مالک آنها به‌عضویت در یک سازمان تروریستی، و نیز کمک به‌تروریستهای نفوذی از اردن متهم شده بود، تخته کردند.

جرزالم‌پست، ۷ فوریه ۱۹۷۱

روزنامه کریستین ساینس‌مانیتور فکر می کرد که مقاومت‌فلسطینیها در ساحل غربی در نتیجه اقدامات متقابل سخت اسرائیلیها، مثل ویران‌کردن خانه های افراد مورد سوءظن، درهم شکسته است. اما مقامات هنوز هدفهای مورد نظر را مورد حمله قرارنداده‌اند.

کریستین ساینس مانیتور، ۲۵ فوریه ۱۹۷۱

به‌دنبال جمع‌آوری یک هسته الفتح در منطقه نابلس خانهٔ دیگری در این شهر منفجر شد. این بار سه‌ساختمان ویران شد. دو ساختمان دیگر نیز ده روز قبل ویران شده بود. تازه‌ترین ویرانسازی در «هواره» در خارج از اینجا رخ داد. فرزند صاحب ساختمان... به‌عضویت در هسته‌الفتح که یک ماه قبل درهم کوبیده شد، مشکوك بوده است.

جرزالم‌پست، ۲۸ فوریه، ۱۹۷۱

کریستین ساینس مانیتور، به‌نقل از «عارف‌العارف» مورخ فلسطینی که در حال گردآوری تمام حوادث در رابطه با جنگ ۱۹۶۷، و اشغال اسرائیل بعد از آن جنگ می‌باشد، گزارش داد که اسنادی که وی در همین رابطه دارد شامل نام صاحب هر خانه و تاریخ ویرانی آن می‌شود. اسناد مذکور نشان‌دهنده این است که تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۰، ۷،۱۳۱ خانه درمناطق اشغالی ویران شده، که شامل بلندیهای جولان نیز نمی‌شود.

کریستین ساینس مانیتور، اول مارس ۱۹۷۱

چندماه قبل مقامات اعلام کردند که در حال مصادره مناطق وسیعی از زمینهای اعراب در حومه «بیرجلا» و «شارفت» می‌باشند. برطبق یک طرح جدید اسرائیلی، مناطق فوق در قلمرو شهرداری بیت‌المقدس قرار خواهد گرفت. صاحبان این زمینها دستور مصادره را قبول نکردند. دو روز قبل مقامات بزور صاحبان زمین را از آنجا بیرون انداختند و طرحهای ساختمانی را به‌روی آن مناطق آغاز کردند. برخلاف رویهٔ قانونی، مقامات از دادگاه مرکزی دستوری برای این کار نداشتند.

الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

«توفیق توبی» در یک جلسه کنست (پارلمان اسرائیل) مسأله نابودی چهارخانه را زیر مراقبت شدید پلیس در دهکده «عین‌الاسد» مطرح ساخت. وزیرکشاورزی ادعا کرد که خراب کردن خانه‌ها بر-اساس دستور دادگاه بوده است و «فایزسلیمه» مالک قانونی خانه‌ها این دستور را گرفته بود.

الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

اینطور برمی‌آید که دستور ویرانی حدود ۲۰ خانه نیمه‌مخروبه یا نیمه‌ویران در بیت‌المقدس، که به‌توصیه نیروهای امنیتی و پلیس برای سلامت امنیت شهرخطرناك بحساب می‌آمد، صادرشده است. گرچه تعدادی از آنان مستأجران غیر مجاز داشت، اما خانه‌های مزبور غیر مسکونی قلمداد گردید. اعراب منطقه اظهار می‌دارند خانه‌های مزبور بدین خاطر ویران گردید که یک خطر امنیتی بحساب می‌آمد. خانه‌ها در بالای محل یک طرح‌توسعه مسکن قرار داشت که‌دولت می‌خواست برای ...،۱۰ خانواده یهودی آن را به‌اجرا درآورد.

تایمز، ۲۵ مارس ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی دوخانه را در شب ۲۳ مارس، در دهکده‌ای نزدیک جنین منفجر کردند. صاحبان آن خانه دو ماه قبل، به‌جرم همکاری با سازمانهای کماندویی دستگیر شدند. نیروهای اسرائیلی دوازده خانه دیگر را از ژانویه گذشته منفجر کردند، خانه‌ها متعلق به افرادی بود که در همان زمان دستگیر شدند.

النهار، ۲۵ مارس ۱۹۷۱

منابع عرب در نابلس و جنین گزارش دادند که دوخانه متعلق به کماندوهای عرب توسط نیروهای امنیتی اسرائیل در ساحل غربی اشغالی، منفجر شد. یکی‌از خانه‌ها چهار اتاقه ودر «سیلت الظهر» نزدیک جنین وخانه دیگر، شش اتاقه و در «التسیرالقبلیه» قرارداشت.

خانه دیگری که متعلق به کماندوها بود، در اواخر هفته گذشته در «کفرقلیل» نزدیک نابلس منفجر شد. منابع مزبور گفتند که به‌دنبال ویران شدن ۱۰ خانه متعلق به‌اعضای شبکه کماندویی «الفتح» در دهکده‌های مختلف، در ماه گذشته هیأتی از سران دهکده تشکیل شد و خواهان ملاقات با «موشه‌دایان» وزیر دفاع گردید. منابع عرب اظهار داشتند که نیروهای امنیتی اسرائیل تعدادی از خانه‌ها را در دو روز گذشته ویران کرده‌اند.

دیلی‌استار، ۳۰ مارس ۱۹۷۱

بولدوزرهای اسرائیلی بیش از ۳۰ خانه در اطراف مسجد دهکده عربی قدیمی «نبی‌ساموئل» را ویران کردند، تا اجرای طرحهای پرسروصدای خانه‌سازی برای مهاجران یهودی در تپه‌های «جودین» در خارج بیت‌المقدس را شروع کنند. حداقل دو نماینده کنسولی از دولت که به طرحهای ساختمان‌سازی اسرائیلی در مناطق اشغالی جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، انتقاد شدید داشتند، از محل راه‌بندان برگردانده شده و از مشاهده آثار ویرانی محروم گردیدند. چهار خانواده عرب که هنوز در خانه‌های روستایی محقر زندگی می‌کنند، توسط ارتش از خانه‌ها بیرون انداخته شدند. حتی به‌مردم محل نیز هیچ‌گونه اخطار قبلی دربارهٔ خراب شدن خانه‌ها داده نشد. یک کشاورز در پایین جاده گفت: «سربازان درست درساعت ۵ صبح روز دوشنبه وارد شدند.»

انترناشنال هرالدتریبون، اول آوریل ۱۹۷۱

النهار، روزنامهٔ لبنانی در یک مقاله طولانی سیاست یهودی‌کردن بیت المقدس ازسوی اسرائیل را مورد بررسی قرار داد.

معاریو در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۱ نوشت که مقامات اسرائیلی...۱۴۰۰

هکتار زمین را درحومهٔ بیت‌المقدس شرقی مصادره کردند. اوایل هفته گذشته بولدوزرهای اسرائیلی تمام خانه‌های اعراب در دهکده نبی‌ساموئل را، به‌عنوان یک گام مقدماتی برای ساختن یک حومهٔ یهودی در اطراف بیت‌المقدس— به‌نام راسوت— که برای ده‌هزار خانواده یهودی خانه تهیه می‌کند، ویران کردند. اعلامیهٔ رسمی که در «گازته» (روزنامه رسمی) اسرائیل — در هبرون— در ۳۰ اوت ۱۹۷۰ توسط وزیر دارایی «پیناس‌ساپیر» امضاء شد، براین دلالت می‌کند که اسرائیلیها ۴۷۰ هکتار زمین را در«بیت‌حنیتا» نزدیک اردوی «بنی‌یعقوب»، و ۴۸۴ هکتار از زمینهای غربی «بیت‌حنینا» و منطقه «بنی‌ساموئل»، ۱،۲۰۰ هکتار در بخش «قلندیا» نزدیک فرودگاه بیت‌المقدس، ۲،۲۴۰ هکتار از «کوه‌المکبرو» دهکده «سورباهر»، ۲،۷۰۰ هکتار از دهکده «بیت‌صفافه»، ۱۰۰ هکتار در امتداد دیوارهای بیت‌المقدس، ۱۳۰ هکتار درمحله «برکت‌السلطان» به‌طرف غرب دیوار را، تصرف کرده‌اند.

در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ «هائارتز» ذکر کرد، در حالی که کمپانیهای اسرائیلی بیش از ۵۰۰ واحد مسکونی در قسمتهای مختلف شهر می‌سازند، وزارت مسکن ۳،۰۰۰ واحد مسکونی را در شرق بیت‌المقدس در دست ساختمان دارد. انتظار می‌رفت که تا پایان سال ۱۹۷۰، ساختن ۶۹۸ واحد در «رمات‌اشکول» تکمیل شود، و این در حالی بود که ۱۵۰ واحد در «مونت‌اسکوپس» و ۱۲ ساختمان در «کرم‌لوئیس» در دست ساختمان قرار داشت.

در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۰، روزنامه «معاریو» نوشت که به‌گفته رئیس کل وزارت مسکن اسرائیل ساختن ۳۳،۰۰۰واحد ساختمانی در زمین مصادره‌ای‌اعراب،درحومه‌بیت‌المقدس، در ۱۹۷۱ تکمیل‌خواهد شد. هائارتز در ۲۵ نوامبر ۱۹۷۰، ذکر کرد که ۱۷۲ خانه در محله

یهودی در حال ساختن است، و خانه‌های بیشتری برای آینده نزدیک طرح‌ریزی شده است، و این در حالی است که تاکنون ۳،۰۰۰ نفر از اعراب داخل دیوارهای شهر تبعید شدند.

در ۸ ژانویه ۱۹۷۱، هاثارتز همچنین ذکر کرد که تنها ۲،۵۰۰ خانواده عرب در محله یهودی باقی مانده‌اند، و تلاشهایی در دست انجام است تا همه آنها را از آنجا بیرون کنند. اخیراً ۵۰ فروشگاه تخریب و ۳،۰۰۰ ساکن عرب از آن محله اخراج شده‌اند.

النهار، ۹ آوریل ۱۹۷۱

روزنامه الدفا، چاپ عمان اعلام کرد که برطبق گفته یک منبع محلی «مقامات اشغالگر، خانه‌های چهار ساکن دهکده «التسیره‌القبلیه» (در منطقه نابلس) درکرانه باختری اشغالی» را با دینامیت منفجر کردند. روزنامه مزبور دلیل این ویرانسازی را ذکر نکرد.

لاوورینت لوژور، ۷ مه ۱۹۷۱

به‌گفته منابع عرب نیروهای امنیتی اسرائیل دو خانه را منفجر نمودند، و در خانه دیگری را درکرانه باختری تحت‌اشغال اسرائیل، تخته‌کردند. آنها گفتند که دو خانه متعلق به‌اعراب متهم به فعالیتهای کماندویی، در دهکده «بنک‌الهطب» نزدیک نابلس، ویران شد. درها و پنجره‌های خانه سوم را نیز با بتن بستند.

دیلی‌استار، ۱۵ مه ۱۹۷۱

چهار خانه دیگر در منطقه جنین توسط نیروهای امنیتی اسرائیلی به‌دنبال دستگیری ساکنان آن خانه‌ها، به‌اتهام فعالیتهای تروریستی، منفجر شد. چهار خانه— سه تا در جنین و یکی در نزدیکی کبتیه — جزو دسته خانه‌های دیگر بود که پس‌از برچیدن یک شبکه تروریستی در منطقه، در ۶ هفته قبل برای ویرانسازی علامت گذاری شده بود. آقای «حسنی‌السوکی» شهردار جنین و عضو مختارهای دهکده‌هایی

که خانه‌ها در آن علامت‌گذاری شده بود، از وزیر دفاع خواسته است تا جلوی ویرانیهای بیشتر را بگیرد. آنها ادعا کردند که در اغلب موارد تروریستها فقط مستأجر بوده‌اند و صاحبان خانه‌ها مجازات شده‌اند. احتمالاً به‌تقاضای مزبور رسیدگی نخواهد شد.

جرزالم‌پست، ۱۸ مه ۱۹۷۱

آقای «روحی‌الخطیب» شهردار تبعیدی بیت‌المقدس غربی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ۹ مه در عمان، مقامات اسرائیل را متهم کرد که «سیاست یهودی کردن و اخراج ساکنان عرب در بیت‌المقدس هنوز ادامه دارد، و بدین ترتیب به‌قطعنامه‌های سازمان‌ملل بی‌اعتنایی می‌شود.» کنفرانس مطبوعاتی برای تغییربیانیه «تدی کولک» که‌می‌گفت ازسال ۱۹۶۷، ۴۰۰۰ عرب ازمحله یهودی‌تبعید شده‌اند، برگزارشد.

الخطیب گفت که ۶۵۰ نفر از این ۴۰۰۰ نفر، در طی اولین هفتهٔ اشغال اسرائیل، به‌هنگامی که بولدوزرهای نظامی ۱۳۵ ساختمان را با اموال داخل آن نابود کردند، بدون ملک شدند. او اضافه کرد که بیش از ۲۱۵ ساختمان وقفی در محلات عربی نزدیک محله یهودی و «دیوار ندبه» (دیواری است در حرم‌الشریف در جوار مسجد الاقصی) ویران شده است. او اشاره کرد که سیاست مصادره، محله «المقربه» و محله «الشرف» و بخش بزرگی ازمحلهِ «باب‌السلسله» و بخشهایی از محله‌های «سریانیها» و «ارمنیان» به‌اضافه تمام اموال عرب در محله یهودی را (شامل ۷۰۰ ساختمان، که ۱۰۵ تای آن متعلق به‌یهودیان و ۵۹۵ ساختمان بقیه متعلق به‌اعراب و مسلمانان بود) در برمی‌گرفت. او مقامات اسرائیلی را به‌ادامه یک طرح توسعه‌طلبانه برای یهودی کردن تمام بیت‌المقدس و گسترش مرزهای آن متهم کرد. بر اساس این طرح رام‌الله در شمال و بیت‌اللحم در جنوب بیت‌المقدس واقع می‌شود و مساحت آن نیز ۸ برابر منطقه سال ۱۹۶۷،

و جمعیت آن حدود ۶۰۰۰۰ نفر می‌گردد.نیروهای اشغالگر حدود ۱۷۰۰۰ هکتار از زمینهای اعراب بیت‌المقدس را به‌تملك خود درآورده و ۱۰۰۰۰ عرب را مجبور کردند تا در نتیجه عملیات ترور و تعقیب، یا به کشورهای دیگر پناهنده شوند.

النهار، ۲۰ مه ۱۹۷۱

خشونت بارترین سیاست نظامی، ادامه سیاست انفجار خانه‌هایی است که چریکها در آن زندگی می‌کرده، و یا هنوز از آن استفاده می‌کنند. خشونت وقتی مورد تأکید قرار گرفت که یك فرد مورد سوءظن پس از اینکه بیگناه تشخیص داده شد، پس از آزادی‌اش در خانه ویران شده سکونت گزید. اخیراً وقتی که صاحب یك خانه ویران شده، شهرداربیت ساهور از کار درآمد، گرفتاری مخصوصی پیش آمد. اعراب با خشم زیاد از «مجازات و تنبیه دستجمعی» شکایت می‌کردند.

گاردین، ۶ ژوئن ۱۹۷۱

به‌مناسبت چهارمین سالگرد جنگ شش‌روزه، روزنامه‌النهار لیست تمام ویرانیهای وارده توسط اسرائیل درکرانه باختری را از مقامات اردن خواستار شد. در زیر ارقام مزبور آمده است.

انهدام دستجمعی:

نابلس: ۳۶ خانه در ۱۹۶۷ بعد از جنگ ژوئن منفجر شد.

دهکده بدرس: در ۹ ژوئن ۱۹۶۷، اغلب خانه‌ها (حدود ۵۰ خانه) منفجر گردید.

بیت‌المقدس: محله‌های باب‌الاسیات، باب‌حطه، حرات‌السعدیه، عقبه‌درویش، المقربه، و محله‌های یهودی و منطقه وسیعی از دیوار

غربی در ۱۲ ژوئن ۱۹٦۷ همگی ویران شدند.

دهکده زیتا: در ۱۸ ژوئن ۱۹٦۷ قسمت بزرگی از خانه‌های آن (۹۰ خانه) ویران گردید.

دهکده یعبد: در ۱۸ ژوئن ۱۹٦۷ بخش شمالی دهکده ویران شد.

دهکده بیت‌آور: در ۲۱ ژوئن ۱۹٦۷ کاملا ویران شد.

بیربسام: در ۲۱ ژوئن ۱۹٦۷ کاملا ویران شد.

خربت‌السکه، سوریف، ازنا، بیت‌اولا: در ۲۱ ژوئن ۱۹٦۷ کاملا ویران گردیدند.

حباله: قسمت زیادی از آن ویران شد.

عمواس، بیت‌سیره، یالو، بیت‌نوبه: کاملا خراب شد و مردمش در ۲۰ ژوئن ۱۹٦۷ اخراج شدند.

الطیبه: در ۲۰ ژوئن ۱۹٦۷ سی خانه ویران گردید.

تمام دهکده‌های نزدیک خط «شارکه» در نزدیک «قلقیلیه» و «باب‌الواد» در ۲۰ ژوئن ۱۹٦۷ کامل خراب شد.

دهکده‌البرج: در ۲۸ ژوئن ۱۹٦۷ کاملا درهم کوبیده شد.

دهکده الار: در ۳۰ ژوئن ۱۹٦۷ بیست‌خانه منفجر شد.

الشیوخ (هبرون): در ۱۲ نوامبر ۱۹٦۷ منفجر گردید.

تمام خانه‌های منطقه بین «عینی‌البیده» و «مخاضه‌ام‌السوس»، و بین ایستگاه «الشاکیه» و «رود اردن» در ۱۳ نوامبر منفجر گردید.

دهکده کفرقدوم: در ۲۲ نوامبر ۱۹٦۷ ده خانه منفجر شد.

دهکده‌های «مرج‌نعجه» و«المخروق»: در ۲٦ نوامبر ۱۹٦۷ تمام خانه‌های کشاورزان منفجر گردید.

النصیرات (العوجه— جریکو): در ٦ دسامبر ۱۹٦۷ تمام خانه‌ها منفجر گردید و مردم آن تبعید شدند.

قلقیلیه: بین ۹ و ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷، ۱۸۷ خانه ویران گردید و ۱۵۳ خانه درهم کوبیده شد.

الطل الحمروالعمیری: ۳۰۰ خانه در یک زمان منفجر گردید.

حلحول: ۴۰ خانه منفجر گردید.

بیت‌فجار و بیت‌اللحم: در ۹ دسامبر ۱۹۶۹، ۱۴۰ خانه ویران گردید.

بیت‌المقدس: در ۱۶ ژوئن، ۱۴ خانه نزدیک دیوار ندبه، و ۱۲ خانه در «سلواد» منفجر گردید.

دهکده عوجه: در ۱۳ فوریه ۱۹۷۰، ۳۰ خانه منفجر گردید.

اردوی البراعی: ۴۵۰ واحد مسکونی در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۰، منفجر گردید.

موج النعجه: ۱۰۰ واحد مسکونی در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰ منفجر گردید.

کفراتزیون: در ۲۸ مارس ۱۹۷۰، پانزده خانه منفجر گردید.

السیرت‌الحباله: ۱۵ خانه در ۲۸ مارس ۱۹۷۰ منفجر گردید.

«نبی‌ساموئل» و بیت‌الکمه: ۳۰ خانه در ۲۸ مارس ۱۹۷۰ منفجر گردید.

انهدام انفرادی:

نابلس: مقامات اسرائیلی نام ۲۱۷ نفر را که خانه‌های آنان در محدوده‌های شهرداری منفجر شد منتشر کردند. ۱۲۰۰، خانه و واحدهای مسکونی خارج از محدوده‌های شهرداری در دهکده‌های مجاور منفجر گردید.

جنین: ۲۵ خانه در داخل شهر و ۲۱۳ خانه در دهکده‌های مجاور منفجر شد.

قلقیلیه و طولکرم: ۸۵۲ خانه‌در دو منطقه مجاور که ۱۸۷ عدد آنها در قلقیلیه است، ویران شد و ۱۵۳ تای آنها برای زندگی نامناسب گردید.

البیره‌ورام‌الله: ۳۳ خانه درمحدوده‌های شهرداری و ۵۰۰ خانه در مناطق مجاور منفجر گردید.

بیت‌المقدس: ۳۰۰ خانه در شهر قدیمی و ۳۵۴ خانه در مناطق مجاور منفجر شد.

حدود ۵۰۰ واحد مسکونی در اردوگاههای پناهندگی، و خانه‌های کوچک کشاورزان در منطقه القور بدون ذکر نام صاحبان آنها منفجر شد. تعداد خانه‌های منفجر شده درکرانه باختری به ۳،۶۳۹ و ۱،۵۰۰ واحد مسکونی رسید. تعداد تقریبی خانه‌های منفجر شده در غزه به ۲،۵۰۰ می‌رسد.

مصادره اموال:

بیت‌المقدس: ۱۴،۰۰۰ هکتار تا سال ۱۹۷۰.

کفراتزراون: ۳،۰۰۰ هکتار.

لاترون: ۳،۰۰۰ هکتار.

هبرون: بخشهای بزرگی از شهر برای تأسیس یک محلهٔ صنعتی یهودی مصادره شد.

النهار، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

تئودورروسی، اسقف‌ارتدوکس یونانی عمان، اسرائیل را متهم کرد که به کلیساهای بخش شرقی بیت‌المقدس بی‌حرمتی کرده است. او یکی از پنج شاهدی بود که در یک جلسه کمیتهٔ بررسی سازمان‌ملل اتهامات وارد بر اسرائیل در مورد «تخلفات از حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی» را تصدیق کرد. او یک سرباز اسرائیل را متهم

کرد که اخیراً به‌کلیسای اسپولچر مقدس وارد شده و شمعدانها و نقاشیهای مذهبی در قبر مسیح را بهم ریخته، و به‌مسیح توهین کرده است. او اضافه کرد که مقامات اسرائیلی ادعا کرده‌اند که شخص مزبور دیوانه بوده است. آنها در رابطه با مردی که مسجد الاقصی را به‌آتش کشید همین ادعا را کردند. اسقف مزبور گفت که جوانان دختر و پسر یهودی وارد کلیساها شدند و اعمالی انجام دادند که گویی در یک مشروب فروشی هستند.

جرزالم‌پست، ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۱

چند روز قبل مقامات، خانه مصطفی‌سعر را در بیت‌المقدس عربی، در حالی که خود وی در زندان کفریونا تحت بازجویی بسر می‌برد، ویران کردند. اتهام وی عضویت در سازمانهای کماندویی و شرکت در فعالیتهای خصمانه است. محله ابودیس به‌خاطر ویران‌شدن جمعی خانه‌های آن، از دو سال قبل، معروف است.

الاتحاد، ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۱

صدها زن عرب در ۲۸ ژوئیه در غزه در خارج دفتر آژانس امداد سازمان‌ملل، در اعتراض به‌طرحهای اسرائیلیها برای تبعید تعدادی از خانواده‌ها از اردوگاه جبلیه به‌بخشهای دیگر نوار غزه، دست به‌تظاهرات زدند. مقامات‌اسرائیلی به‌این خانواده‌ها تذکر داده‌اند که خانه‌های آنها برای ساختن جاده‌های وسیع در اردوی ۳۵،۰۰۰ نفری، ویران خواهد شد.

النهار، ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۱

رادیو اسرائیل با ژنرال «شلوموگازیت»، هماهنگ‌کننده سرزمینهای اشغال شده توسط اسرائیل، در مورد تخلیه و عملیات ویرانسازی در اردوگاههای غزه مصاحبه کرد. او ادعا کرد که ۲۰۰

خانه در اردوگاه ویران شده و ۱۰،۰۰۰ نفر اخراج شدند.

دیلی استار، اول اوت ۱۹۷۱

دیلی‌استار از غزه گزارش داد که: اسرائیلیها به‌ویران کردن خانه‌ها در اردوگاه پناهندگی «جبلیه» برای ساختن جاده‌ای امنیتی ادامه دادند. ساکنان اخراج‌شده ازخانه‌ها، درجاهای دیگرنوار غزه در العریش در شمال صحرای سینا و درکرانه باختری اشغالی اردن، استقرار داده شده‌اند.

ایجاد یک کمربند بهداشتی به‌طول ۳ مایل در اطراف اردوگاه به‌اتمام رسید. بخشی از این نوار (کمربند) در نهایت سنگفرش خواهد شد وسه تا چهار مایل دیگر جاده‌ها، در داخل اردوگاه درست در شمال شهر غزه، پاک‌سازی خواهد گردید.

دیلی‌استار، ۴ اوت ۱۹۷۱

آقای «جان پیرمانور، معاون دبیرکل صلیب سرخ بین‌المللی» ادعا کرد که اسرائیل تقاضای صلیب سرخ را برای توقف تبعید ساکنان از سرزمینهای تحت اداره و ویران کردن خانه‌های خرابکاران، نادیده گرفته است. وی همچنین شکایت کرد که اسرائیل به‌نمایندگان وی اجازه نداده است با خرابکاران به‌هنگام بازجویی آنها از سوی نیروهای امنیتی اسرائیل، ملاقات کنند. تمام اینها، تخلف از ماده چهار مربوط به‌رفتار با غیر نظامیان در سرزمینهای تحت اداره نظامی می‌باشد.

جرزالم‌پست، ۲۹ اوت ۱۹۷۱

اوتانت دبیرکل‌سازمان‌ملل، طی گزارشی به‌مجمع‌عمومی در۱۹ اکتبر، گفت که حدود ۱۰،۰۰۰ پناهنده عرب در نتیجه ویران شدن خانه‌هایشان در اردوگاههای نوار غزه از سوی اسرائیلیها، بی‌خانمان شده‌اند. گزارش مزبور را «لاورنس‌میشل‌مور» کمیسر آژانس امداد

سازمان ملل تهیه کرده بود.

جرزالم‌پست، ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۱

مقامات، اخیراً دو خانه چوبی را در دهکده غابول (در جلیله غربی) که متعلق به «خلیل‌محمدالشوقی» است ویران کردند و زنها و بچه‌های دو خانواده را بدون خانه رها نمودند. مقامات ادعا می‌کنند که این دو خانه در زمین اداره «ارتز اسرائیل» قرار دارد. خبرنگار ما در جلیله تذکر داد که این عمل، یک گام در مبارزه سازمان یافته‌ای است که هدفش تبعید پناهندگان دهکده‌های «میعار» و «دامون» می‌باشد، زیرا آنها از تسلیم زمینهایشان خودداری کردند.

یک نیروی بزرگ پلیس با بولدوزرها و یک هلی‌کوپتر به خانه‌های عرب «السواعید» نزدیک شدند و دو خانه متعلق به خانواده‌های «محمدحسین قاسم» و «سالف‌حافظ‌علی» را ویران کردند. بدین ترتیب دو خانواده مزبور را در حالی که زمستان نزدیک می‌شود، بدون خانه‌رهانمودند. طبق‌معمول، بهانه‌مقامات این بود که‌ساختمانها بدون مجوز بوده‌اند. اما این عمل، برداشتن یک گام در پروسه دراز مدتی است که به‌سال ۱۹۶۷ که مقامات اسرائیلی طرح تجاوزطلبانه خود برای تبعید ساکنان عرب السواعید از موطنشان را شروع کردند باز می‌گردد. آنها همچنین دهکده را از داشتن یک مدرسه و بسیاری خدمات عمومی دیگر، محروم کردند.

الاتحاد، ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱

اسرائیل قطعنامهٔ هیأت اجرایی یونسکو را، برای تأمین یک مرکز یونسکو در شرق بیت‌المقدس، به‌منظور حفظ مکانهای فرهنگی و تاریخی شهر، رد کرد.

جرزالم‌پست، ۲۴ اکتبر ۱۹۷۱

در ماه نوامبر به«عیسی‌نخله»، رئیس هیأت نمایندگی فلسطینی

در نیویورك، اجازه داده شد تا درکمیته ویژه سیاسی مجمع عمومی سازمان‌ملل متحد صحبت کند. او گزارش «آژانس امداد سازمان‌ملل» را، دایر بر ویران شدن حدود ۴۳۱۰ اتاق ساخته شده توسط آژانس، و حدود ۲۰۰ اتاق ساخته شده توسط افراد را در طی ماههای ژوئیه و اوت، در کمیته مزبور بازگو کرد.

جرزالم‌پست، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

کاردینال استفانو، اسقف بزرگ قبطی، اسرائیل را متهم کرد که عمداً در دهم دسامبر ۱۹۷۱ در تپه‌های «مونت‌سینا» به‌روی صومعه ارتدوکس یونانی «سنتا کاترینا» آتش گشوده است. وی گفت که شلیك گلوله برای این شروع شد تا شرایط را به‌رای دزدیدن مجموعه‌های گران قیمت صومعه آماده کنند. ساختمانهای صومعه در محل سنتی «بوته‌مشتعل» — جایی که خدا به‌حضرت‌موسی وحی کرد — قرار گرفته‌اند.

انترناشنال هرالدتریبون، ۲ دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای اسرائیلی در شب ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱، به «بلیده» در بخش «مرجعیون» در جنوب لبنان، حمله‌ور شدند و دو خانه را منفجر کرده و دو خانه دیگر را نیز چپاول نمودند... سربازان اسرائیلی با لگد درخانه‌ها می‌کوبیدند و به‌ساکنان دستور می‌دادند که از خانه‌ها خارج شوند و سپس آنها را در محلی حدود ۲۰۰ متری شهر گرد آوردند. بعد از آن اسرائیلیها خانه‌ها را با مبلمان و دیگر اثاثه داخل آن منفجر کردند.

دیلی‌استار، ۲۲ دسامبر ۱۹۷۱

ساختمان شهر قدیم، در مجاورت «معبد مونت» که پنج خانواده عرب در آن ساکن هستند، در طی حفر یک تونل توسط وزارت امور

مذهبی، در شمال قسمت غربی منطقه «دیوار ندبه»، منهدم شد. اداره مهندسی شهرداری اعلام کرد که ساختمان در معرض سقوط است و دستور تخلیه آن را صادر نمود.

حرکت مزبور به‌دستور «بنوسیتی» مسؤول امور شهرداری بیت‌المقدس شرقی، که به‌حفظ ساختمان مذکور اصرار می کرد، متوقف شد.

جرزالم‌پست، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۱

آقای روحی‌الخطیب، شهردار برکنار شده بیت‌المقدس عربی، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در عمان بار دیگر خطرات ناشی از حفاریهای منطقه «الحرم‌الشریف» را که‌صدها ساختمان درون و بیرون منطقه را تهدید می کند یادآور شد. او به‌این مسأله اشاره کرد که این حفاریها که هدف آن (بظاهر) بیرون آوردن بخشهای غربی دیوار ندبه و خرابه‌های معبد یهودی از زیر خاك است، در واقع به‌منظور نابود کردن مکانهای فرهنگی اسلامی‌در شهر مقدس، برنامه ریزی شده است.

النهار، ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱

د: افشاگریهای بیشتر

بولدوزرهای زرد در همه جای سرزمینهای اشغالی سنگها را زیرورو کرده و یا زمینها را عریض و یکراست می کنند. گفته می‌شود که اسرائیل بیشتر از سایر کشورها دارای بولدوزر می‌باشد. شهر قنیطره که زمانی دارای یک جمعیت ۲۰،۰۰۰ نفری بود، اکنون فقط ۳۰۰ نفر ساکن دارد که اغلب آنها اعضای کیبوتصهای اسرائیلی می‌باشند که یک قهوه فروشی را می گردانند. دهکده‌های کوچکترسوریه

توسط بولدوزرها در حال ویران شدن می‌باشند. در امتداد مرز اردن، دولت یک کمربند از آبادیهای شبه نظامی تأسیس کرده است. در مجاورت «مصادره» سه‌هتل وجود دارد، و در کنار بحرالمیت ساختمان هتل پان‌امریکن در عرض ۳۰ ماه تمام خواهد شد. جاده جریکو به ایلات، تقریباً در حال اتمام است ومتلهای جدید درکناره آن احداث شده و هیپیها سواحل آن را اشغال کرده و به‌عیاشی مشغول هستند.

در شرم‌الشیخ کارهای مقدماتی برای ساختن یک مرکز دیگر توریستی فراهم شده است. تلاش بسیار عظیمی که صرف شده است، نمی‌تواند هدفی جز حضور دائمی اسرائیل در سمت غربی خلیج عقبه داشته باشد.

تایم، ۴ ژانویه ۱۹۷۱

بزودی یک دهکده کاملا غیر نظامی اسرائیلی‌در نزدیک رفح، بین شبه‌جزیره سینا و نوار غزه، تأسیس خواهد شد. قبلاً نیز سه‌اسکان شبه نظامی در این منطقه ساخته شده است. یک ماه قبل، مقامات نظامی اسرائیل تأسیس یک «موشاو» (دهکده تعاونی که اعضایش در سودها سهیم هستند) در درهٔ اردن در سرزمینهای اشغالی را اعلام کردند.

لوموند، ۴ ژانویه ۱۹۷۰

شورای مسلمانان بیت‌المقدس به‌طرحهای دولت‌اسرائیل برای‌ایجاد واحدهای مسکونی در «نبی‌ساموئل» در بخش عربی شهر شدیداً حمله کرد. طرح ساختمانی دولت چند هفته قبل از جانب معماران یهودی و اعضای شورای زیباسازی اسرائیل در یک اجتماع عمومی مورد انتقاد قرار گرفت. اعلامیه شورای مسلمانان از دولت اسرائیل خواست، تا طرحهایی را که به‌منظور پشتیبانی‌از راه حل انضمام تجاوزگرانه یک طرفه مقامات اشغالگر ریخته شده، کنار بگذارد.

تایمز، ۷ ژانویه ۱۹۷۱

مصر و اردن، طی ارسال یک نامه مشترك به اوتانت دبیرکل سازمان‌ملل، اسرائیل را متهم به‌انجام اقدامات غیر قانونی برای تغییر کاراکتر (وضع) سرزمینهای عرب کردند. در نامه مزبور آمده بود که اسرائیل نقشه دارد تا حدود ۲۰۰،۰۰۰ یهودی را در ۵ سال آینده در بیت‌المقدس امکان بدهد.

دیلی‌استار، ۱۰ ژانویه ۱۹۷۱

ژنرال موشه‌دایان گفت که دولت اسرائیل می‌تواند نوار غزه را «اسرائیلی» کند. این عمل می‌تواند از طریق یک تلاش اقتصادی طولانی‌مدت برای حاصل‌خیزکردن آن زمین به‌انجام برسد. دایان افزود که ما قادر هستیم پناهندگان را به‌شهروندان کاملا مناسب‌تبدیل کنیم «ما باید اسکانهای یهودی نشین در نوار غزه تأسیس کنیم و آنها را در آنجا گردآورده و به‌آنها شغل بدهیم و تابعیت (شهروندی) اسرائیلی را به کسانی که آن را می‌خواهند، اعطاء کنیم.»

این سخنان به‌یک طرح طولانی مدت، که کمی فاش شده، برای تخلیه تدریجی اردوگاههای پناهندگی تحت اشغال اسرائیل، از طریق ایجاد مشکلات اقتصادی اشاره می کند.

گاردین، ۱۱ ژانویه ۱۹۷۱

تعداد بسیار زیادی از اسرائیلیها در مورد مقاصد سیاسی طرح دولت برای ایجاد یک قوس از اسکانهای اسرائیلی در اطراف شهر (بیت‌المقدس) به‌منظور رساندن‌جمعیت اسرائیلی شهر به ۲۰۰،۰۰۰ نفر در طی ۵ سال آینده اظهار نگرانی می کنند. هدف مزبور که رهبران اسرائیل تلاشی برای اختفای آن انجام نداده‌اند، حقایقی را دربارهٔ انضمام بیت‌المقدس عربی از سوی اسرائیل، برخلاف قطعنامه‌های سازمان ملل، روشن می کند.

انترناشنال هرالدتریبون، سرمقاله نیویورك‌تایمز، ۱۶ تا ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

آژانس یهود سال گذشته یک طرح برای ایجاد یک جمعیت ۵۰،۰۰۰ نفری در بلندیهای جولان و ساختن یک «شهر جولان» را اعلام کرد. اولین مرحله ۵ ساله، ۳،۵۰۰ مهاجر را اسکان می‌دهد. در هبرون ساختن یک اسکان یهودی‌نشین روی تپه‌ای نزدیک شهر آغاز شده است.

تایمز، ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

تلاش اسرائیل برای یهودی کردن بیت‌المقدس مواجه با مقاومت فزاینده‌ای می‌شود. اعتراضات به‌ایجاد تغییرات در کاراکتر قومی و شهری بیت‌المقدس نه‌تنها از جانب اعراب متخاصم با اسرائیل، بلکه از جانب دیگر غربیهای دوست و، حتی بعضی از لیبرالهای اسرائیلی، درحال آشکار شدن است.

این مسأله، اخیراً با معرفی طرحهایی به‌شورای شهرداری بیت‌المقدس، برای ساختن آپارتمانهای مرتفع‌تر در تپه‌های صخره‌ای اطراف بخش عربی شهر قدیمی، به‌اوج خود رسید. اما مباحثات و مجادلات شدیدتری پیرامون طرحی برای ساختن یک‌شهر جدید در «نبی‌ساموئل» در منطقه شمالی بیت‌المقدس وجود دارد. حدود ۱۰۰،۰۰۰ یهود، در نهایت در این آبادیها یا آبادیهای دیگر در بیت‌المقدس شرقی اسکان داده می‌شوند، و بدین ترتیب بیت‌المقدس به‌طور قاطعانه‌تری در چهار-چوب دولت اسرائیل وارد شده و باعث تغییر دائمی کاراکتر معماری، قومی و سیاسی شهر مقدس خواهد گردید. امتیازات نظامی محاصرهٔ بیت‌المقدس عربی، بوسیله یک حلقهٔ دفاعی وسیع از طرحهای خانه-سازی یهودی، از نظر استراتژیستهای اسرائیلی بدور نمانده است.

نیوزویك، ۲۵ ژانویه ۱۹۷۱

در بلندیهای جولان که در جنگ ۱۹۶۷ از خاك سوریه به تصرف اسرائیل درآمده، یازده آبادی یهودی‌نشین تأسیس شده است،

که ۹ عدد آنها غیرنظامی می‌باشد.

دیلی‌استار، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱

گروهی از جوانان اسرائیلی، اخیراً به‌خانه‌های جدید در یک آبادی اشتراکی در صحرای سینای اشغالی، نقل مکان کردند. این آبادی در چند کیلومتری شهر رفح در نوار غزه قرار گرفته است. آنها این آبادی را «پیتات‌رفح» (دروازه‌رفح) می‌نامند. مهاجران مزبور، برعکس دیگر مهاجران مزارع جدید التأسیس در سرزمینهای اشغالی، غیرنظامی هستند. اردوگاههای ارتشی، قرار است وقتی به‌اهدافشان رسیدند، خلع‌سلاح گردند، و این به‌مفهوم این است که کشاورزان غیرنظامی به‌جای آنها باقی می‌مانند.

سه‌آبادی دیگر که همگی در این مرحله شبه‌نظامی هستند، (هر چند که قرار است دوتای آنها بعداً غیر نظامی شوند) در شمال صحرای سینا تأسیس شده است. در خود «شرم‌الشیخ» هتلها، مراکز نفت و دیگر مراکز خوشگذرانی توریستی در حال ساختن است. و آبادی دیگری در جاده جدید بین این پایگاه و ایلات بندر اسرائیل در بحراحمر، در دست طرح‌ریزی است.

در ساحل غربی اشغال شده، هفت آبادی جدید در دره اردن احداث شده است: که پنج‌تای آن شبه‌نظامی و دوتای آن غیرنظامی می‌باشد. دو آبادی دیگر نیز در نزدیک شهر عربی هبرون، و یک جامعهٔ شهری یهودی در خود هبرون، که یک جامعه قبلی به‌مدت ده سال قبل از تأسیس دولت اسرائیل در آن می‌زیست، وجود دارد.

دیلی‌استار، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱

دانشگاه عبری‌طرحهایی را به‌منظور توسعه یک‌محوطه دانشگاهی به‌هزینه ۱۰۰ میلیون دلار در تپه مونت‌اسکوپس در بیت‌المقدس، طی ۶ سال آینده، اعلام کرد.

آقای یوسف‌هارپز، رئیس دانشگاه، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که کار شدید به‌روی تپه در سال جاری آغاز خواهد شد. علی‌رغم ظواهر امر، کار طاقت‌فرسایی که قبلا انجام شد تنها یک مرحله مقدماتی برای یکی از عظیم‌ترین پروژه‌های ساختمانی است که تاکنون در این کشور ریخته شده است. در نهایت، انتظار می‌رود که یک سوم کارگران ساختمانی مناسب در بیت‌المقدس جذب این پروژه شوند.

محوطه دانشگاهی جدید، که در برگیرنده ۱۴،۰۰۰ دانشجو تا سال ۱۹۷۶ می‌باشد، قرار است قسمتی از یک مجموعه عظیم ساختمانی باشد. که تمام بخشهای آن برای تشکیل یک ساختمان واحد که تقریباً تمام منطقه بالای‌تپه را می‌پوشانند، به‌هم متصل گردد. مجموعه فوق شامل دوسطح اصلی خواهد بود که چهار طبقه کوچکتر به‌روی آن ساخته شده و ۲۰۰،۰۰۰ متر مربع از فضای کف را می‌پوشاند.

بیشتر مساحت محوطه دانشگاهی در حاشیه پارک ملی بیت‌المقدس قرار خواهد گرفت. محوطه دانشگاهی فوق شامل دانشکده‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، حقوق و امور تربیتی و نیز اولین سال علوم‌طبیعی خواهد بود. محل مجموعه علوم در«گیوت‌رام» می‌باشد. دانشگاه عربی همچنین دارای یک محوطه دانشکده پزشکی در «عین کرم» و دانشکده کشاورزی در «رهووت» است. «تدی کولک» شهردار بیت‌المقدس، در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۱ گفت که یک کمیته مشترك شهری ـ دولتی تشکیل خواهد شدتا طرح اصلی شهر را مورد بررسی قرار دهد... شهردار گفت که ۷۰ تا ۸۰ درصد ۱۴،۰۰۰ هکتار زمینی که در شهر به‌تملك شهرداری درآمده، متعلق به‌اعراب بوده است.

جرزالم‌پست، ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱

«ناپتا» و «لاپیدوث» دو کمپانی اکتشاف نفت اسرائیل، در یک

کنفرانس مطبوعاتی در تل‌آویو اعلام کردند که قصد دارند در نوار غزه و منطقه بیت‌المقدس دست به حفاری برای اکتشاف نفت بزنند.

لاورینت لوژور، ۳ فوریه ۱۹۷۱

صحرای سینا از دلتا چندان دورنیست. هرچند که بسیاری از مردم هنوز آن را ندیده‌اند. سینا یک استان با ارزش است که از نظر زغال‌سنگ احتیاجات صنعت فولاد مصر و نیز نفت این کشور را تأمین می کند. گزارشات رسیده از صحرای‌سینا، مبنی برحفاریهای اسرائیل از طریق ساختن جاده و آبادیهای جدید، نشان می‌دهد که اسرائیل کشوری نیست که آماده اجرای معامله— عقب‌نشینی از سرزمینهای اشغالی به‌خاطر صلح— برطبق قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل باشد.

تایمز، ۴ فوریه ۱۹۷۱

برطبق گزارشات واصله به‌عمان (پایتخت اردن)، مقامات اسرائیلی طرح ایجاد یک شهر را در مجاورت بیت‌المقدس ریخته‌اند. آنطورکه از گزارشات مزبور برمی‌آید، شهر فوق قرار است به‌روی زمینهای اعراب در داخل و اطراف دهکده «نبی‌ساموئل»، حدود ده کیلومتری شمال غربی بیت‌المقدس ساخته شود.

این منطقه از حومه غربی بیت‌المقدس امتداد یافته و «نبی‌ساموئل» زیارتگاه تاریخی مسلمانان را احاطه می کند. تاکنون حدود ۲،۰۰۰ هکتار از زمینهای اعراب به‌بهانه‌های مختلف تصرف شده و به وزارت مسکن اسرائیل برای ساختن واحدهای مسکونی برای یک جمعیت ۷۰،۰۰۰ نفری تحویل گردیده است.

دیلی‌استار، ۴ فوریه ۱۹۷۱

روزنامه اردنی‌الدفاع، گفت که «کنست» اسرائیل بزودی‌قانون جدیدی، در رابطه با مکانهای متبرکه در بخش اشغالی اردنی بیت‌المقدس، خواهد گذراند. روزنامهٔ مزبوربه‌نقل از یک گزارش ویژه

از بیت‌المقدس، اظهار داشت، که طبق قانون فوق تنها مسجدالاقصی و گنبد صخره جزو بخشی از مکانهای متبرک که بحساب می‌آید، و دیگر قسمتهای تکمیل کننده این دو مکان متبرك بحساب نخواهد آمد.

روزنامه الدفاع می‌افزاید که، قانون مزبور به‌مقامات اسرائیلی اختیار می‌دهد تا در این قسمتهای تکمیل کننده، و زمینهای مربوط به آن، به‌این بهانه که اینها جزو مکانهای مقدس نیستند، دست به حفاری بزنند.

«هدف این کار اجرای یک طرح، به‌منظور تصرف این مناطق و انجام حفاریها برای یافتن معبد سلیمان (از زیر خاك) می‌باشد.»

دیلی‌استار، ۵ فوریه ۱۹۷۱

مطالعه دوسالهٔ پروفسور «ساموئل.ان.ایسنتات»، رئیس مدارس علوم‌اجتماعی دانشگاه‌هبرون‌وهمکارش دکتر «یوهناپرز»، نشان می‌دهد که دبیرستانهای‌اسرائیلی«آشکارا برای‌نادیده‌گرفتن‌ارزشهای ملی عرب» تمایل نشان می‌دهند، و تأکید نامتناسبی به‌روی فرهنگ یهودی می‌نمایند. در این کتاب که «مطالعه‌ای در آموزش یک اقلیت ملی» نام دارد، ایسنتات می‌گوید: «دبیرستانهای یهودی ۴۰ درصد مطالعه تاریخی خود را به‌تاریخ یهود اختصاص می‌دهند و تنها ۲۰ درصد مطالعه تاریخ عرب دارند. از دبیرستانهای غیرمذهبی یهودی دانش‌آموزان ۴۶۰ ساعت دوره تحصیلات سالیانه خود را به‌مطالعه انجیل و سنتهای زبانی یهودی، بدون هیچ گونه ذکری از اسلام، اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر، در دوران تحصیلی سالیانه دانش‌آموزان عرب، ۲۵۶ ساعت به‌مطالعه انجیل و مطالعات یهودی اختصاص داده می‌شود، و تنها ۳۰ ساعت برای مطالعه قرآن گذاشته شده است.»

نیوزویك، ۸ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال «مناخیم‌آویرام»، فرمانده نظامی غزه و شمال صحرای سینا، شورای شهر غزه را روز یکشنبه منحل کرد. شورای شهر در اعتراض به‌برکناری شهردار، توسط مقامات نظامی، به‌مدت ٦ هفته تشکیل جلسه نداده است. ژنرال آویرام یک افسر را منصوب کرده است تا وظیفه امور شهرداری را بعهده بگیرد.

لاوارینت لوزور، ۱۵ فوریه ۱۹۷۱

روحی‌الخطیب شهردار تبعیدی بیت‌المقدس عربی، در یک یادداشت ویژه به وزیراردنی امور مذهبی مسلمین، شکایت کرد که «خاخام‌لیب هوویته»، سر خاخام سابق افریقای جنوبی، اخیراً نمازهای ویژه و مراسم مذهبی یهودی را در منطقه حرم (الحرم‌الشریف در بیت‌المقدس) و نزدیک درشمالی مسجدالاقصی برگزار کرده است.

به‌گفته وی، این نمازها احساسات مسلمانان را جریحه‌دار کرد و نمونهٔ زنده پوچ بودن بیانیه‌های مکرر اسرائیل، مبنی برمحترم داشتن زیارتگاههای مقدس مذاهب دیگر را، نشان داد. یادداشت مزبور می‌افزاید که حفاریهای عمیق در پایین قسمت غربی دیوار ندبه، مسجدالاقصی را در معرض خرابی قرار داده است.

برخلاف اصول پذیرفته شده، مبنی بر حرمت تقدس مقبره‌ها، یک جاده شوسه از میان گورستان مسلمانان در دروازه صلیبیون کشیده شده است.

در حالی که مقامات اسرائیلی و سازمانهای جهانی یهود در شکایت علیه هرگونه تجاوزکوچک به‌گورستان یهودیان، در فلسطین یا جاهای دیگر جهان، از هیچ فرصت و اقدامی فروگذار نمی‌کنند، خطیب خواهان تسلیم یک شکایت فوری به‌شورای امنیت سازمان‌ملل علیه این تجاوزات اسرائیلیها گردید.

دیلی‌استار، ۱۶ فوریه ۱۹۷۱

زیوشارف، وزیر مسکن اسرائیل، اشاره کرد که ممکن است براثر اختلافی که برسر طرحهای توسعهٔ قسمتی از بخش سابق اردنی شهر، بین وزارت وی و شهرداری بیت‌المقدس بوجود آمده، استعفا بدهد.

موضوع مورد اختلاف طرح ساختن ۱۰،۰۰۰ واحد مسکونی در زمین مصادره شده نزدیک تپه تاریخی «نبی‌ساموئل» می‌باشد.

برطبق طرحهای اصلی خانه‌سازی، جمعیت یهودیان به ۲۷۵،۰۰۰ و اعراب به ۹۰،۰۰۰ نفردرسال ۱۹۷۵ خواهد رسید، که به‌گفته شارف درست مخالف جمعیت ۲۰۰،۰۰۰ نفری یهودیان و ۷۰،۰۰۰ نفری اعراب درحال حاضر خواهد بود.

شارف افزود: تمام مصادره‌های زمینهای اعراب با اطلاع کامل کولک شهردار شهر، صورت گرفته است. طرحهای عمومی برای توسعه بیت‌المقدس شدیداً از سوی معماران بین‌الملل، و شورای زیباسازی اسرائیلی مورد انتقاد قرار گرفت.

دیلی‌استار، ۱۶ فوریه ۱۹۷۱

اولین خط مستقیم از ایلات به‌شرم‌الشیخ، از طریق راه ساحلی جدید، در ۱۷ فوریه افتتاح شد. تصمیم افتتاح در حالی اتخاذ شد که جاده هنوز به‌اتمام نرسیده، ودکتر «یارینگ» قصد دارد شرم‌الشیخ را به‌مصر باز پس دهد. ناظران می‌گویند این حادثه نشانگر تصمیم اسرائیل برای ادامهٔ اشغال شرم‌الشیخ است.

لااورینت لوزور، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

دولت اسرائیل امروزتصمیم گرفت تعداد دهکده‌های بلندیهای جولان را تا تابستان ۱۹۷۲، از ۱۲ به‌۱۷ برساند و جمعیت کنونی را نیز تا همان تاریخ به دو برابر افزایش دهد.

لااورینت لوزور، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

«تدی کولک» شهردار بیت‌المقدس شب گذشته گفت، که

حق اسرائیل برای ساختن طرحهای توسعه خانه‌سازی در سرزمینهای تحت اداره‌اش در اطراف بیت‌المقدس، «حتی غیرقابل تزلزل است.»

شهردار، گرچه جنبه‌های طرح ریزی چهار پروژه پرسروصدای خانه‌سازی جدید را که توسط وزارت مسکن اسرائیل اعلام شد، مورد انتقاد قرار داده، اما پیشنهادات وزارت خارجه امریکا را که خواهان توقف پروژه‌ها به‌نفع صلح بین‌اسرائیل و همسایگان عرب آن کشور می‌باشد، رد کرده است.

انترناشنال هرالدتریبون، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

شهرداری بیت‌المقدس و وزارت مسکن اسرائیل اختلافات خود را طی یک توافق، در مورد مناسب بودن ادامه ساختن فزاینده بخشهای مسکونی یهودی در بیت‌المقدس شرقی، کنار گذاشته‌اند.

توافق مزبور، بنای فوری ٦٥٠ آپارتمان در «نبی‌ساموئل»، ٤٠٠ آپارتمان در آرمون‌هنسی و ٥٠٠ آپارتمان در «شارالفتح» را پیش‌بینی کرده است.

لوموند، ۱۹ فوریه ۱۹۷۱

کمیته فرعی شورای طرح‌ریزی شهر در ١٧ فوریه، سه‌طرح (نگاه کنید به‌لوموند، ١٩ فوریه ١٩٧١) را تصویب کرد. آقای کولک شهردار بیت‌المقدس گفت که تصویب طرحها بـه‌طور آشکار در اثر مداخله خارجی تسریع شده است. تمام طرحها به‌روی زمین مصادره شده، اعراب ساخته خواهد شد. او اعلام کرد که یهودیان... ٢، سال در انتظار بازگشت به‌بیت‌المقدس بوده‌اند، و نباید مانع زندگی آنان در آنجا شد.

گاردین، ۲۱ فوریه ۱۹۷۱

وزارت خارجه امریکا پروژه مزبور را مورد انتقاد قرار داده، و

می‌گوید که موقعیت سیاسی بیت‌المقدس را تغییر خواهد داد.

تدی کولک شهردار بیت‌المقدس در ابتدا از طرحهای فوق ناراضی بود، و با بسیاری از متخصصان اسرائیلی که می‌گفتند طرح فوق چشم‌انداز مقدس شهر را برهم می‌زند، موافق بود.

اما آقای کولک گفت که طرز تفکر امریکا نسبت به‌طرح، او را وادار به‌حمایت از آن کرد. او توضیح داد که اگر شهرداری از تصویب طرح طفره می‌رفت، عمل آن نشان دهنده یک طرز تفکر سیاسی متفاوت با نظریات داخلی اسرائیل در مورد موقعیت بیت‌المقدس بود.

تعدادی از اسرائیلیها با ساختن خانه‌های یهودی در نواحی تپه های اطراف بیت‌المقدس مخالف هستند. آنها احساس می کنند که انجام چنین عملی به‌حفظ دائمی نواحی اطراف شهر به‌عنوان بخشی از بیت‌المقدس جدیدالواحد کمک‌خواهد کرد. ساختن واحدهای مسکونی در نزدیک مقر سازمان‌ملل، که به‌خانه دولت معروف است، مواجه با اعتراض اوتانت دبیر کل سازمان‌ملل گردید. وی گفت که طرح فوق مصونیت سازمان‌ملل را مورد تجاوز قرار داده است. اما اسرائیل این اتهام را رد کرد، و گفت که هیچ گونه کاری در مجاورت مجموعه سازمان ملل دردست انجام نیست. یک بولدوزر در آخر هفته دیده شده که زمین نزدیک ساختمان سازمان ملل را هموار می کرده است.

انترناشنال هرالد تریبون، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

اگد، شرکت اتوبوسرانی اسرائیل، قصد دارد یک هتل ۳۰۰ تختی در شرم‌الشیخ و یک مسافرخانه در نزدیک صومعه کاترین در پای تپه مونت‌سینا، بسازد. شرکت اگد، اخیراً یک خط اتوبوسرانی،

بین ایلات و شرم‌الشیخ، افتتاح کرد.

لاورینت لوژور، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

مناره مسجد نبی‌ساموئل توسط تعدادی از طراحان اسرائیلی و متعصبان مذهبی مورد تهاجم و حمله قرار گرفت.

طبق یک گزارش رسیده از بیت‌المقدس، اسرائیلیها به‌ساکنان عرب دهکده گفتند که:«مناره مسجد بزودی شاهد یک طرح خانه‌سازی برای ۰۰۰،۰ه مهاجر یهود، خواهد بود.»

ساکنان عرب که از تهدید مزبور بخشم آمده بودند مزاحمان را دفع کردند، اما بعداً مقامات اسرائیلی به‌آنها اطلاع دادند که ۱۶۹ هکتار زمین برای طرحهای خانه‌سازی، به‌تملک دولت درآمده است. برطبق طرح،مساحت کل منطقهٔ زمینهایی که قرار است به‌تملک دولت درآید ۰۰۰،۱۲ هکتار می‌باشد.

یک مهندس عرب گفت که ساختمانهای مورد نظر، شامل واحدهای بزرگ ۸ طبقه‌ای است که به‌شکل «سیگارهای داخل پاکت» پهلوی هم بناخواهد شد. وی افزود:«این یکی از خشونت‌بارترین و ضد انسانی‌ترین تهاجمات اسرائیل است. زیرا اعراب را از زمینهای مربوط به‌خودشان محروم می‌کند. این طرح زیبایی و چشم‌انداز منطقه را ناقص می‌کند و شیوه‌های عربی زندگی را از بین می‌برد.»

دیلی‌استار، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی دست به‌حفاریهایی در اطراف مسجدالاقصی، در بخش اشغال شده بیت‌المقدس، زده‌اند. حفاران در جستجوی بقایای «دیوار ندبه» هستند و اعراب پوسترهایی چاپ کرده‌اند، که هشدار می‌دهد در صورت ادامهٔ حفاریها، دیوار در معرض سقوط خواهد بود.

پوسترهای مزبورازیهودیان وفادار خواسته‌است به‌حفاریها، که

یک نوع توهین به‌مکانهای مقدس می‌باشد، اعتراض نمایند. اخیراً ده یهودی نمازهایی‌در مجموعه‌مسجدالاقصی به‌پیشنمازی «اسقف‌اعظم دبوویچ» برخلاف احساسات اعراب برپا داشتند.

دیلی‌استار، ۲۴ فوریه ۱۹۷۱

مصر و اردن امروز مشترکاً طی ارسال یادداشتی به‌اوتانت دبیرکل سازمان‌ملل به‌طرحهای توسعه شهری در بیت‌المقدس اعتراض کردند، و آنها را عامل زیرپا گذاشتن ه قطعنامه سازمان ملل، که یک‌چنین اعمالی را ممنوع کرده، دانستند. مصر و اردن طی اعتراض خود اظهار داشتند که طرحهای اخیر اسرائیل خواهان مصادره ۳،۰۰۰ جریب زمین اعراب در شمال و جنوب بیت‌المقدس و اطراف دیوار شهر قدیمی متعلق به‌اعراب می‌باشد، که در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تصرف شده است.

انترناشنال، هرالدتریبون، ۲۴ فوریه ۱۹۷۱

منابع آگاه، در۲۳ فوریه فاش کردندیک کمیته ویژه که‌از طرف گلدامایر نخست‌وزیر اسرائیل منصوب شده، کشیدن نقشه‌هایی که مرزهای جدید در صحرای سینا بعد از عقب‌نشینی اسرائیل، راپیشنهاد می‌کند تمام کرده‌اند.

دیلی‌استار، ۲۶ فوریه ۱۹۷۱

ترجمه دستور اخیر اسرائیل، برای مصادره ۱،۶۸۰ هکتار زمین متعلق به‌اعراب در بیت‌المقدس و نواحی اطراف آن، که به‌تازگی به عمان (پایتخت اردن)رسیده، جزئیات نواحی تصرف شده توسط مقامات اسرائیل را دربرگرفته است.

دستور مزبورکه توسط «پیناس‌ساپیر»، وزیر دارایی، امضا شده می‌گوید:«از آنجایی که زمینهای مورد بحث برای منافع عامه ضروری

قلمداد گردید، وزیر بی‌درنگ دستور مصادره آنها را صادر کرد.»

زمینهای مورد بحث، شامل این مناطق می‌باشد: ۴۷۰ هکتار در شمال بیت‌المقدس درجاده بیت‌المقدس به‌رام‌الله، ۴،۸۴۰ هکتار درشمال شرقی بیت‌المقدس، ۲،۲۴۰ هکتاردرجنوب شرقی بیت‌المقدس، ۲،۷۰۰ هکتار در جنوب غربی بیت‌المقدس، ۱،۲۰۰ هکتار درقلندیا، که به‌فرودگاه بیت‌المقدس متصل است، ۲۳۰ هکتار در داخل بیت‌المقدس و اطراف دیوارهای شهر. تصرف زمینهای اعراب برای به اصطلاح خدمات و منافع عامه به‌منظور ساختن آپارتمانهایی که قرار است به‌مهاجران فروخته شود مورد استفاده قرار گرفته است.

دیلی‌استار، دوم مارس ۱۹۷۱

«شازار» رئیس جمهوراسرائیل که برای ۲،۰۰۰نفر درکنفرانس میامی در فلوریدا سخنرانی می‌کرد، خواهان یک صلح عادلانه شد که به‌تنفر و جنگ بین اعراب و یهودیان خاتمه دهد. وی تأکید کرد که مشکل پناهندگان نباید به‌قیمت «شخصیت یهودی اسرائیل»، که مستلزم قرار گرفتن تمام بیت‌المقدس در تحت‌کنترل اسرائیل می‌باشد، تمام شود.

جرزالم‌پست، ۸ مارس ۱۹۷۱

خانم‌میر، در یک مصاحبه با «لوئیس هرن» معاون سردبیر روزنامه تایمز، در تل‌آویو گفت که حاضر است با اعراب در مورد هر چیزی مذاکره کند. اما به‌هیچ‌کس اجازه نخواهد داد تا شرایط مذاکره را به‌وی دیکته کنند. او گفت که اسرائیل باید «شرم‌الشیخ» راکه برتنگه تیران مسلط است، در اختیار داشته باشد، و باید بیت‌المقدس راکه به‌طور واحد باقی خواهند ماند، حفظ نماید، و از بلندیهای جولان دست نکشد.

مرزهای کرانه باختری رود اردن باید مورد مذاکره قرار بگیرد،

و مرزهای نهایی‌نباید اعراب و اسرائیلیها را تقسیم کند، بلکه‌می‌بایستی آنها را به‌هم ربط بدهد. اعراب و اسرائیلیها باید به‌مکانهای مقدس سرزمین طرف دیگر دسترسی داشته باشند. صحرای‌سینا هم می‌بایستی غیر نظامی گردد.

جرزالم‌پست، ۱۴ مارس ۱۹۷۱

«محمدفره»، سفیراردن طی ارسال نامه‌ای به‌اوتانت دبیرکل سازمان‌ملل، گفت که «۲۰ روز قبل مقامات اسرائیلی ۱۰۰ هکتار از زمینهای جنگلی متعلق به‌دهکده‌های «سالور» و «جباء» درساحل غربی اردن را مصادره کردند.»

دیلی‌استار، ۱۴ مارس ۱۹۷۱

ابا ابان، در ۱۹ مارس در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که اسرائیل از تمام سرزمینهای اشغال شده اعراب در ژوئن ۱۹۶۷، عقب‌نشینی نخواهد کرد، و به‌تضمینهای نیروهای بین‌المللی صلح راضی نخواهد شد. ابان ادامه داد که: «به‌نفع ماست که شرم‌الشیخ، بلندیهای جولان و تمام بیت‌المقدس را تحت سلطهٔ نظامی خود درآوریم.»

النهار، ۲۱ مارس ۱۹۷۲

به‌گفته آقای عرزوایزمن، رودخانه اردن بهترین مرز شرقی برای اسرائیل بحساب می‌آید. جودیه و سامریه باید تحت کنترل اسرائیل باقی بماند، و شرم‌الشیخ برای محافظت هوایی اسرائیل حیاتی‌می‌باشد، و هرکس که شمال صحرای سینا یا «بیرقفقافه» را درکنترل داشته باشد، کنترل امنیت اسرائیل دردست اوست.

جرزالم‌پست، ۲۱ مارس ۱۹۷۱

شبکه جاده‌های داخل شهر درعرض ۱۰ سال آینده، چه با ساختن جاده‌های جدید، یا عریض کردن جاده‌های موجود، ۵۰ درصد

بزرگتر خواهد شد. آقای گودال (دبیر کل وزارت کار) گفت که پس از اتمام جاده بخش کوهستانی بیت‌المقدس، کار برای بهبود بخشی از جاده‌هایی که از وسط دشت می‌گذرد، ادامه خواهد یافت. در عرض دوماه راه فرعی «رمله» تکمیل خواهد شد و در نهایت به‌جادهٔ جدید سریعی که از فرودگاه لود به‌تل‌آویو کشیده شده، متصل خواهد گردید. در یک تاریخ بعد، جادهٔ جدیدی از طریق بخش لاترون کشیده خواهد شد. اما در اینجا مشکلات خاص مالی وجود دارد، زیرا وامهای خارجی کمکی بانک جهانی را نمی‌توان برای کار در سرزمین اشغال شده‌ای که سابقاً به‌اردن تعلق داشت، مورد استفاده قرار داد. بعلاوه، حدود ٦٤ کیلومتر از جاده‌های روی بلندیهای جولان، مجدداً مسطح خواهد شد.

جرزالم پست، ۲۲ مارس ۱۹۷۱

داویدبن‌گورین، نخست‌وزیر تبعیدی اسرائیل در نیویورک در مصاحبه‌ای با روزنامه «ساتردی‌رویو» گفت که اسرائیل باید از تمام سرزمینهای اشغالی عرب، در عوض صلح دائمی، به‌جز بیت‌المقدس و بلندیهای جولان عقب‌نشینی کند.

النهار، ۲۶ مارس ۱۹۷۱

یک اردوی تعطیلاتی و یک هتل، به‌دو دهکده تعطیلاتی در شرم‌الشیخ اضافه خواهد شد. و بدین ترتیب تعداد تختخوابهای مورد استفاده را از ۸۰۰ عدد کنونی به ۹۸۰ عدد خواهد رسانید. «یهوداشعاری»، معاون وزیر، به‌اعضای کمیته مالی کنست (پارلمان اسرائیل) در یک ملاقات در آخر هفته گفت که دو پروژهٔ جدید که سرمایه‌اش ۸ میلیون لیره اسرائیلی است، اخیراً توسط وزارت توریسم (جهانگردی) تصویب شده است.

تا زمانی که جاده‌ای که به‌شرم‌الشیخ می‌رود پایان یابد،

مسافرخانه های مسکونی نیز در «نویبه» و «زهاب» و نیز در خود «شرم‌الشیخ» ساخته خواهد شد. و افزود که وزارتخانه در حال حاضر، سرگرم ترتیب دادن تسهیلات حمام در بعضی از سواحل در کرانه دریا می‌باشد.

آقای «موشه کول» که برای اعضای کمیته در ایلات صحبت می‌کرد گفت که ٤٠ در صد مزد بگیران شهر درآمد خود را از امور توریستی بدست می‌آورند. وی افزود که این در صد پس از اتمام کار جاده، افزایش می‌یابد.

جرزالم‌پست، ۵ آوریل ۱۹۷۱

خانم‌میر، در یک سخنرانی در مجمع عمومی حزب کارگر در بیت‌المقدس، گفت که «پایتخت دولت اسرائیل واحد خواهد ماند و هرگز بار دیگر تقسیم نخواهد شد.»

او ادامه داد که رودخانه اردن مرز امنیتی اسرائیل بحساب می‌آید. بدین مفهوم به‌هیچ نیروی نظامی عرب اجازه عبور از آن داده نخواهد شد. بعلاوه، بلندیهای جولان و غزه در تحت کنترل اسرائیل باقی می‌ماند، در حالی که ناحیه «شرم‌الشیخ» نیز تحت کنترل اسرائیل باقی خواهد ماند، و توسط یک نوار زمینی به‌قلمرو اسرائیل متصل خواهد شد. عرض این نوار زمینی بستگی به‌مقداری دارد که برای دفاع آن لازم می‌باشد.

لاورینت لوژور، ۵ آوریل ۱۹۷۱

مقامات صندوق ملی یهود فاش کردند که صندوق، حداقل در سه‌سال گذشته مشغول خرید زمین در امتداد «خطسبز» قبلی بوده است. این منطقه شامل بیت‌المقدس، «بلوك اتزیون» و «نبی‌ساموئل» می‌باشد. یک سخنگوی صندوق ملی یهود در ٤ آوریل گفت که بودجه مالی سال آینده دومیلیون لیره اسرائیلی است، که به‌خرید زمین در سه منطقه

اختصاص داده شده است. او همچنین فاش کرد که این مقدار علاوه بر ۷/۰ میلیون بودجه‌ای است، که مخصوص خرید زمین در دو سال گذشته بوده است.

طرح جنجال برانگیز وزارت مسکن، به‌روی پروژه‌های عظیم خانه‌سازی در نزدیک نبی‌ساموئل، متضمن مصادره زمینهایی در محدوده‌های شهر می‌باشد. هنوز مشخص نیست که زمین مورد احتیاج صندوق ملی یهود، به‌چه منظوری بکار برده می‌شود. یا کوف‌تسور، رئیس صندوق ملی یهود، گفت که تملک زمین در سه‌منطقه به‌منظور «وسعت دادن مجاورت زمین تحت تملک یهودیان» می‌باشد.

جرزالم‌پست، ۵ آوریل ۱۹۷۱

آقای محمود ریاض وزیر خارجه مصر به هنگام ورود به‌تهران اعلام کرد که «اسرائیل رسماً به‌ایالات متحد امریکا و سازمان‌ملل گفته است که قصد انضمام تمام سرزمینهای اشغالی اعراب ازجنگ ژوئن ۱۹۶۷ را دارد.»

لاوورینت لوژور، ۶ آوریل ۱۹۷۱

منابع موثق غیرنظامی امور هوایی فاش کردند که فرودگاه مونت‌سینا، در حدود ۲۰ کیلومتری سنتا کاترینا، در نیمهٔ دوم ماه مه به‌روی خطوط هوایی غیرنظامی بازخواهد شد. روز شنبه یک هواپیمای آرکیا، حامل متخصصان غیرنظامی امور هوایی، به‌نوار غزه پرواز کرد تا شرایط نشستن و برخاستن را در باند فرودگاه جدید آزمایش کند. این فرودگاه حدود ۳/۰ میلیون لیره اسرائیلی خرج برداشته، و یک باند پرواز ...،۲ متری با یک بنای سنگی و سطح آسفالته دارد. فرودگاه ...،۲متری با هدیه یک توریست یهودی امریکایی در سال گذشته، که‌طبق یک‌گزارش به‌یک میلیون‌دلار می‌رسید،ساخته شد. توریست مزبور که می‌خواست نامش فاش نشود، از این شکایت

داشت که یک صومعه و یک مسجد را به‌روی کوه مقدس دیده است ولی هیچ کنیسه‌ای در آنجا به‌چشمش نخورده است. مقامات گفتند که او برای تأمین امور مالی فرودگاه، به‌شرطی که یک کنیسه به‌روی کوه ساخته شود، یک چک امضا کرد.

جرزالم‌پست، ۱۴ آوریل ۱۹۷۱

تصمیم به‌مسکونی کردن شرم‌الشیخ غیر منتظره نیست، زیرا مسکونی کردن باشدت‌زیاد در مناطق دیگری که اسرائیل می‌گوید دست از آنها برنمی‌دارد، بویژه بیت‌المقدس شرقی و بلندیهای جولان، ادامه یافته است. آبادیهای مسکونی غیرنظامی و نظامی در امتداد رود اردن و صحرای سینای شمالی تأسیس شده است.

رهبران اسرائیلی اصرار کردند که شرم‌الشیخ باید بوسیله یک نوار زمینی ممتد، که ظاهراً آن را به‌ایلات متصل می‌کند، به‌خاك اسرائیل بپیوندد. در نیمه راه بین ایلات و شرم‌الشیخ در واحه «بدوی‌نویبه» یک آبادی مسکونی در ماه گذشته تأسیس شد. اما مهاجران جوان آن را دوست ندارند و بزودی گروه دیگری جای آنها را خواهند گرفت.

گاردین، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

زیوشارف، وزیر مسکن، گفت که اسرائیل در نظر دارد، تا خانه‌سازی در شرم‌الشیخ، یعنی قلعه نظامی‌ای که راه ورود به‌لنگه تیران در نوك شبه‌جزیره‌سینا را حفظ می‌کند، ودر هبرون در ساحل غربی اشغالی رود اردن را به‌جلو اندازد.

خانه‌های فوق، سربازان، کارگران و هرکسی را که خواهان زندگی در آنجا باشد، در خود جا خواهد داد. آقای شارف در جواب به‌این سؤال که آیا کابینه اعتبار این طرحها را تصویب کرده گفت: «اعتبار این طرحها توسط مؤسسه معتبر تضمین شده است.»

اسرائیل اخیراً ساختن یک جاده که شرم‌الشیخ را به ایلات متصل می‌کند، به انجام رساند. یک فرودگاه غیرنظامی در آنجا در حال ساخته شدن می‌باشد.

اظهارات آقای شارف، اولین اشاره به این مسأله بود که بر اساس آن اسرائیل نقشه توسعه قلعه شهر را، که دسترسی اسرائیل به بحراحمر و اقیانوس هند از طریق بندر ایلات را حفاظت می‌کند، ریخته است.

آقای شارف اخیراً به‌خاطر طرحهای وزارتخانه‌اش برای ساختن ۲۱،۰۰۰ واحد مسکونی در بلوکهای آپارتمانی رفیع در بخش غربی بیت‌المقدس، در داخل و خارج اسرائیل شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.

انترناشنال هرالدتریبون، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

اسرائیل با گشایش یک جاده جدید در امتداد ساحل غربی بحرالمیت، اقتدار خودش به‌روی سرزمین اشغالی اعراب را مستحکم کرده است.

جاده مزبور، یک آبادی مسکونی مرزی سابق در انتهای جنوبی بحرالمیت را به‌ساحل غربی اشغالی رود اردن در انتهای شمالی دریای شور متصل می‌کند. اعراب نوار غزه اشغالی اکثریت نیروی کارگر را تشکیل می‌دهند. شاهراه جدید آخرین حلقه از یک شبکه جاده‌ای است که در حال حاضر از شرم‌الشیخ، یعنی دژ بحر احمر درجنوب تا قنیطره، یعنی دژ بلندیهای جولان اشغالی متعلق به سوریه در شمال، گسترش یافته است.

گاردین، ۲۸ آوریل ۱۹۷۱

به هنگام ورود راجرز وزیر خارجهٔ امریکا، چندین هزار نفر در

یک تظاهرات خیابانی در بیت‌المقدس علیه عقب‌نشینی از مرزهای کنونی حضور یافتند. آقای مناخیم‌بگین گفت «وقتی یک ملت کوچک خواهان کمکی که قدرتهای بزرگ به‌آن وعده داده‌اند می‌شود... نمی‌تواند صلح جهان را بخطر اندازد. عقب‌نشینی! مساوی است با دادن امتیازات! او ادامه داد و گفت تنها تضمینی که اسرائیل توانست روی آن اعتماد کند، قدرت خودش بود. دادن امتیازات، اشتها را برای امتیازات بیشتر برمی‌انگیزد...

«اسقف هوشه‌زوی نریا» گفت که... حقوق اعراب در بیت‌المقدس محترم داشته خواهد شد...، اما آن حقوق، حقوق فردی هستند و نه حقوق یک ملت.

جرزالم‌پست، ۵ مه ۱۹۷۱

یک گروه صنعتی ناهال به‌نام «جنت» متعلق به «جنبش هاپوئل هامی‌زارشی» آبادی یهودی‌نشین کفر جیلاد— دوازدهمین آبادی یهودی‌نشین در بلندیهای جولان— را در ۱۰ مه تأسیس کرد.

جرزالم‌پست، ۱۱ مه ۱۹۷۱

گلدامایر نخست‌وزیر، به ۲،۰۰۰ نفر از اعضای جوان ناهال از جنبشهای جوانان سراسر کشور در ۱۳ مه گفت که: «شما بهترین تضمین امنیتی ممکن برای اسرائیل هستید.» خانم مایر در پاسخ به کف‌زدنهای پرشور به‌پسر بچه‌هایی که در استادیوم «مشعل روشن» به صف ایستاده بودند گفت: «شما پاسخ تمام کسانی هستید که در ماههای اخیر ما را در مورد مناسبترین تضمین امنیتی سؤال‌پیچ کرده‌اند. شما جوانان بهترین چیزی هستید که این کشور بدان احتیاج دارد. مرزها، تنها خطوط نیستند. هیچ مرزی گویاتر از آن زمینی که یک مهاجر به‌روی آن کار می‌کند نیست.» یک دختر جوان مهاجر طوماری به‌نخست‌وزیر تقدیم کرد که لیست تمام گروهها و محل

آبادیهای مسکونی آنها، دربلندیهای جولان، دره اردن، اروه، بلوك اتزیون و صحرای سینا، در آن آمده بود.

جرزالم‌پست، ۱۴ مه ۱۹۷۱

کمپانی حمل‌ونقل جاده‌ای اسرائیل، ٤ جریب زمین درشرم‌الشیخ را به‌منظور تأسیس یک مرکز حمل‌ونقل و تجارت با طرح سرمایه‌گذاری یک میلیون دلار، اجاره کرده است. آنها قرار است آنجا را برای ٤٩ سال اجاره کنند. روزنامه «یدیوت‌اهارونوت»، که این خبر را گزارش داد، به‌اهمیت سیاسی این مسأله این چنین اشاره کرد: «اقتدار اسرائیل بر شرم‌الشیخ هرروز نیرومندتر می‌شود و تخلیه این قلمرو مصری خیلی بعید بنظر می‌رسد.»

لوموند، ۱۸ مه ۱۹۷۱

آقای ابااِبان وزیر امورخارجه اسرائیل به‌پارلمان گفت که: «هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند ما را مجبور کند تا موقعیت کنونی بیت‌المقدس را، که عبارت از حاکمیت اسرائیل بر بیت‌المقدس واحد با مرزهای واقعی آن است، تغییر بدهیم.»

لاوورینت لوزور، ۲۷ مه ۱۹۷۱

در طی ٤ سال، اسرائیل ۱٤،۰۰۰ هکتار زمین در بیت‌المقدس و منطقه اطراف آن را مصادره کرده است. از دیگر اقدامات غیرقانونی اسرائیل برای یهودی کردن شهر، می‌توان از مصادره اموال افراد غایب، انهدام خانه‌ها، اعمال فشار اقتصادی به‌روی ساکنان عرب، انتقال بعضی از آنها به خارج بیت‌المقدس، و دادن پول به‌دیگران، برای دست کشیدن از اقامت در شهر نام به‌میان آورد.

النهار، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

معاون وزیرکار امریکا گفت: «اگر من یک اسرائیلی بودم و در یک کیبوتص در پایین بلندیهای جولان زندگی می‌کردم، برای

اطمینان از اینکه آن منطقه در اختیار اسرائیل باقی بماند، حاضر بودم بجنگم. من با چشمان خودم دیدم که آن منطقه یک قطعه زمین معمولی نیست. آن منطقه را طبیعت طوری تراشیده که یک نقطه مهم برای تجاوز بحساب می‌آید و نه صلح.»

جرزالم‌پست، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

وزارت خارجه امریکا، در ۹ ژوئن اعلام کرد که به‌مخالفت با هر اقدام دولت اسرائیل در مناطق اشغال شده که «به‌توافق صلح لطمه بزند»، ادامه می‌دهد. «چارلزبرای» افسر مطبوعاتی وزارت خارجه امریکا، اسرائیل را متهم کرد که مقررات چهارمین توافق‌نامه ۱۹۴۹ ژنو که یک قدرت اشغالگر را از انتقال بخشی از جمعیت در سرزمین اشغال شده منع می کند، زیر پا گذاشته است. او گفت که «ما ساختن تسهیلات دائمی را که به‌منظور آسان کردن انتقال جمعیت صورت می‌گیرد، جزو این کارقلمداد می کنیم.» آقای «چارلزبرای» گفت که ساختن احتمالی کارخانه‌های اسرائیلی به روی بلندیهای جولان، با توافق‌نامه ژنو ناسازگار است.

جرزالم‌پست، ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱

نتایج یک همه‌پرسی منتشره در مجله تایم، که توسط مؤسسهٔ امریکایی لوئیس هاریس و مؤسسهٔ سنجش افکار عمومی اسرائیل بعمل آمده، نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از ۱،۱۷۷ اسرائیلی که به‌دقت برای این سنجش افکار انتخاب شده‌اند، موافق انضمام بیت‌المقدس، ۸۷ درصد موافق انضمام بلندیهای جولان، و ۲۷ درصد موافق نگاهداری شرم‌الشیخ هستند. نتیجه فوق، همچنین نشان می‌دهد که ۱۸ درصد موافق باز گرداندن صحرای‌سینا به‌مصر، ۲۹ درصد خواهان انضمام آن و ۳ درصد خواهان حفظ بی‌طرفی آن به‌عنوان یک

منطقه بی‌طرف می‌باشند.

النهار، ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱

آقای تولدانو، مشاور نخست‌وزیر در امور اعراب، در رابطه با پرداخت غرامت به‌اعراب بیت‌المقدس برای مصادره اموال‌آنها، به‌جرزالم‌پست گفت که ملاحظه نهایی «پولی خواهد بود، نه سیاسی». وی در ادامه سخنانش گفت: «مشکل اصلی تکنیکی خواهد بود، یعنی حل مواردی که صاحب ملک‌مرده، و وارثان او در اسرائیل، کرانه باختری، در کشورهای دشمن و در کشورهای بی‌طرف پراکنده‌هستند.» آقای تولدانو «تراژدی» مسألهٔ مالکیت راکه به‌گفتهٔ او «یکی از مهمترین مشکلات و نه مشکل اصلی است» مورد تأکید قرار داد. وی گفت «می‌توان بعضی خانواده‌ها راکه هرهفته برای دیدار ملک قدیمی خودشان به بکاء وکاتامون می‌آیند دید... مقدار زیادی از این تلخیها (مشکلات تلخ) وقتی‌که مسألهٔ غرامت روشن شود، از بین خواهد رفت.»

جرزالم‌پست. اول ژوئیه ۱۹۷۱

دکتر مردخای‌هن، رئیس شرکت اکتشاف نفت «نفتا» اعلام کرده است که اسرائیل در حال حفاری نوار غزه، برای یافتن نفت خام می‌باشد.

لاوورینت لوزور، ۲ ژوئیه ۱۹۷۱

آقای «نوح‌پلد»، از دفتر بخش صندوق ملی یهود اعلام کرد که ادارهٔ جنگلبانی صندوق ملی یهود تعداد دومیلیون و چهارصد هزار درخت کاج و اوکالیپتوس در ساحل غربی کاشته است. وی گفت که «در طی فصل آینده ما قصد داریم تا یک جنگل در تپه های افیرام، در امتداد خط سبز، که یک منطقه ...،۳۰ هکتاری را می‌پوشاند، بکاریم. کار مزبور توسط کارگران و مباشران ساحل غربی،

تحت هدایت جنگلبانان صندوق ملی یهود، انجام شد.

جرزالم‌پست، ۵ ژوئیه ۱۹۷۱

عده‌ای از خانواده‌های عرب، که می‌گویند تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسد، ادعا کردند که اخیراً مجبورشان کرده‌اند تا خانه‌های خودشان را در سراشیبی «مونت‌اسکوپس» تخلیه کنند، ولی آنها از این کار خودداری کردند. زمینی که خانه‌های آنان به‌روی آن ساخته شده بود، حدود ۳ سال پیش مصادره گردید، اما گزارش شد که فقط خانه‌ها از مصادره مستثنی شده‌اند. یک هیأت که نماینده خانواده‌ها می‌باشد، قصد دارد تا با کولک، شهردار شهر، ملاقات کند.

جرزالم‌پست، ۷ ژوئیه ۱۹۷۱

در ساعت ۲ بعداز نیمه‌شب روز دوشنبه، پنج بولدوزر شدیداً به‌بهم ریختن شکل زمین السمسار در جاده العصامیه، که ۳۰۰ عرب در آن سکونت داشتند، مشغول بودند. خانه‌های آنها برای آماده‌کردن منطقه، به‌منظور ایجاد ساختمانهای جدید برای دانشگاه عبری یا مهاجران جدید یهودی، ویران خواهد شد.

الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

بر طبق آخرین گزارش (مارس ـ آوریل ۱۹۷۱) یک بررسی مداوم در مورد افکار عمومی، توسط مؤسسهٔ تحقیقاتی ـ اجتماعی و مؤسسهٔ ارتباطات دانشگاه عبری، یهودیان اسرائیلی تقریباً به‌اتفاق آراء از تسلیم بیت‌المقدس، بلندیهای جولان یا شرم‌الشیخ، خودداری می‌کنند. به‌منظور برقراری صلح، تعدادی حاضر خواهند شد از ساحل غربی و نوار غزه و حتی صحرای‌سینا (به‌استثنای شرم‌الشیخ) دست بکشند. فقط ۲۰ درصد طرفدار عقب نشینی جزئی هستند و ۲۱ درصد حاضر نیستند از هیچ چیز دست بکشند.

جرزالم‌پست، ۱۲ژوئیه ۱۹۷۱

بیت‌المقدس از یک شهر زیبا، تبدیل به‌شهری می‌شود که حومه‌های زشت دارد. به‌خاطر ملاحظات استراتژیک‌وسیاسی، بلوکهای وسیع زمینهای مسطح جزو زمینهای مصادره شده عربی در شمال، شرق وجنوب شهر قرار می‌گیرند.

طبیعتاً اعتراضاتی نیز به‌این موارد وجود داشته است: در زمینه سیاسی اوتانت و وزارت‌خارجه امریکا به‌این کار شکایت کرده‌اند. در زمینه مذهبی واتیکان، مسیحیان محل و جوامع مسلمان تقریباً در هر زمینه‌ای اعتراض کرده، و همچنین بسیاری از اسرائیلیها مخالفت خود را بیان کرده‌اند. این اعتراضات صرفاً ناموفق نبوده است— زیرا مقامات را، حتی به‌طور فی‌المجلس، به‌فعالیت بیشتری برانگیخته است.

تایمز، ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۱

وجود دلگیری شدید در میان پناهندگان زمین از دست داده و یا سلب‌مایملک شده، هرگونه امید پذیرش حکومت اسرائیل را از بین برده است. از ۱۹۶۷، چهار مورد تملک اضافی زمین در بیت‌المقدس شرقی، به‌مقدار بیش از ۳،۰۰۰ جریب، رخ داده است.

تایمز، ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۱

تعدادی از پسر بچه‌های وابسته به‌گروه «بیتار»، به‌هنگامی که کوشش می‌کردند سرودهای زبور را نزدیک مسجدالاقصی با صدای بلند از بربخوانند، در حالی که فریاد می‌زدند «اسرائیلیهای» (مردم یهود زندگی می‌کنند) بزور از معبد مونت بیرون انداخته شدند. یک نماینده بیتار گفت که افراد او به‌نماز خواندن به‌روی مونت ادامه خواهند داد، تا افکار را به‌نفع برگرداندن آن به‌دست یهودیان و برپایی خدمات یهودی در آنجا برانگیزند. تظاهرات مزبور بخشی از تظاهرات روز «ژابوتینسکی»، به‌مناسبت سی‌ویکمین سالروز مرگ او بود.

جرزالم‌پست، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۱

کمیته دولتی مسؤول نامگذاری محله های اسرائیل، تصمیم گرفته است تا بعد از ترور ژنرال اسرائیلی در استانبول در اواخر ماه‌مه، نام یک کیبوتص جدید را «الرون» بگذارد.

کمیته مزبور همچنین تصمیم گرفته است تا نام شرم‌الشیخ را به «افیر»، یعنی نام کهنهٔ آن در انجیل، تبدیل کند.

لاوورینت لوزور، ۹ اوت ۱۹۷۱

دولت نظامی در بلندیهای جولان، قرار است در عرض یک ماه یک دادگاه مذهبی دروزی برای منطقه تأسیس کند. دادگاه فوق که دوقاضی دارد، درمجدالشمس مستقر خواهد شد.

جرزالم‌پست، ۱۳ اوت ۱۹۷۱

به‌گفته سخنگوی صندوق ملی یهود، چندین هزار درختی که به عنوان تجربه در بهار گذشته در شرم‌الشیخ کاشته شده، خوب از کار درآمده و صندوق ملی یهود قصد دارد در بهار آینده درخت‌کاری دیگری براه اندازد. او گفت که درختهای بعدی در نواحی غیرنظامی، درمکانهای توریستی و تفریحی درشرم‌الشیخ کاشته خواهد شد.

در شمال کشور، ۳۰۰ سرو آزاد لبنانی که از یک «کشور همجوار» خریده شده است، به‌آب و هوای درختستان صندوق ملی یهود در قنیطره در بلندیهای جولان، جور درآمده است. این سروها بزودی در آبادیهای یهودی در جولان و در محلهای مختلف در جلیله‌علیا، کاشته خواهد شد.

جرزالم‌پست، ۱۸ اوت ۱۹۷۱

یک نماینده آژانس یهود برای پذیرایی مهاجران در بیت‌المقدس، اعلام کرد که بلندیهای جولان توانایی پذیرش ۱۵ تا ۲۰ هزار یهودی را در ۷ سال آینده دارد. او اظهار داشت که ۵ آبادی یهودی جدید در عرض دو سال آینده در بلندیهای جولان تأسیس می‌شود و

تا پایان ۱۹۷۱، ۱۳ آبادی موجود دارای خانه‌های بسیار محکم خواهند شد.

لوموند، ۲۰ اوت ۱۹۷۱

امروز ژنرال موشه‌دایان وزیر دفاع، به‌افسران ارشد ارتش در دانشکده فرماندهی وستاد گفت: از آنجا که اعراب مایل به‌برقراری صلح نیستند، اسرائیل باید برای اشغال کامل سرزمین اشغالی دست به اقداماتی بزند.

«ما همچنین باید به‌نقش خودمان در سرزمینهای تحت اداره (اشغالی) به‌عنوان یک دولت پابرجا، توجه داشته باشیم و اقدامات لازم را بعمل آوریم تا برای روز صلح کار انجام داده نشده‌ای باقی نمانده باشد.»

«به عبارت دیگر، باید بدون اعتماد به همکاری از سوی همسایگان، یا انتظار آمادگی آنان برای یک‌چنین کاری، بر انجام اقدامات یک جانبه و فوری خودمان تأکید داشته باشیم.»

گاردین، ۲۰ اوت ۱۹۷۱

سربازان دختر، آموزش زبان عبری به‌خردسالان دروزی در مدارس دولتی در جولان را به‌عنوان بخشی از وظیفه نظامی خودشان آغاز کرده‌اند. دو سرباز دختر نیز در دبیرستان «مصاده» زبان عبری درس می‌دهند.

جرزالم‌پست، ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۱

اسرائیل مناطق جدیدی از زمینهای وقفی اسلامی را در یافا تصرف کرده است.

معاریو، ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۱

...، ۱ اسرائیلی دربلندیهای جولان زندگی می‌کنند. پروژه‌ای نیز برای ایجاد آبادی در «مونت‌هرمون» و پروژه دیگری در تپه‌های

شمالی دریاچه کزت، در دست است. در مورد آبادی کشاورزی در جولان، ۲۰۰ هزار هکتار مورد بررسی قرار گرفته و تصمیم گرفته شده تا ۱۰۰ هزار هکتار زمین احیا گردد.

داوار، ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۱

۷ دهکده جدید در سرزمینهای اشغالی در سال یهودی که در ۱۹ سپتامبر پایان می‌یابد، ساخته شده است، و بدین ترتیب شمار کلی دهکده‌ها در سرزمینهای اشغال شده اعراب را از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به ۳۳ عدد رسانده است. در عرض سال آینده نیز شش دهکده جدید ساخته خواهد شد. به‌گزارش هاآرتز، ژنرال موشه‌دایان در یک مصاحبه اعلام کرد که اسرائیل هرگز هیچ یک از این دهکده‌ها در سرزمینهای اشغال شده را تخلیه نخواهد کرد.

لوموند، ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱

۳۰ خانواده از یهودیان مذهبی، در عرض چندروز گذشته، به اولین آبادی بزرگ یهودی‌نشین که از زمان اشغال شدن در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ در کرانه باختری ساخته شده، وارد شده‌اند. درمورد این‌حادثه که می‌توانست اعتراضات اعراب در سازمان‌ملل را برانگیزد، هیچ گونه خبری منتشر نشد.

۲۵۰ آپارتمان در آبادی مزبور به‌طور کامل ساخته شده و ۲۵۰ آپارتمان دیگر در دست ساختمان است. قرار است در نهایت یک جامعه شامل ۹۰۰ خانواده در آبادی فوق اسکان داده شوند.

ساندی‌تایمز، ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱

کابینه اسرائیل، برخلاف قطعنامه شورای امنیت، به‌اتفاق آراء تصمیم گرفته تا به‌اجرای طرحهای توسعه‌خودش برای بیت‌المقدس، از جمله بخشی از شهر که طی جنگ ۱۹۶۷ اشغال شده ادامه بدهد. کابینه، یک قطعنامه شورای امنیت را که از اسرائیل می‌خواهد

اقدامات خودش برای واحد کردن بیت‌المقدس در حکومت اسرائیلی را لغو کند، مطلقاً رد کرد. طی بیانیه‌ای که بعداً منتشر شد، گفته شد که: «اسرائیل توسعه شهر برای تمام ساکنان آن را، ادامه خواهد داد.»

قطعنامه شورای امنیت که با ١٤ رأی موافق در مقابل هیچ‌گونه رأی مخالف به‌تصویب رسید، تمام اقدامات اسرائیل برای تغییر موقعیت بیت‌المقدس را بی‌اعتبار خواند. این اقدامات شامل «مصادره زمین و اموال، انتقال جمعیت و قانونگذاری برای یکی کردن ومتحد کردن بخش اشغالی» می‌شود. «بحی‌طوقان»، سفیر اردن گفت که صدها خانه در بخش عربی ویران می‌شود، و اعراب از خانه‌های خود اخراج می‌شوند تا یهودیان جای آنان را بگیرند.

تایمز، ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۱

«شیخ محمدعلی‌جعبری»، شهردار هبرون، به‌دولت نظامی، به خاطر تملک ۱۰۰۰ هکتار زمین برای توسعه‌آبادی یهودی‌نشین «کریات عربه» در منطقه هبرون، رسماً اعتراض کرد. مقداری از زمین مصادره شده متعلق به‌قبیله جعبری بود.

در اصل حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین به‌تملک درآمده. تاکنون حدود ٤٠ خانواده به ۲۵۰ واحد مسکونی در آبادی‌نشین منتقل شده‌اند. انتظار می‌رود که ساختن ۲۵۰ واحد مسکونی بزودی آغاز شود.

جرزالم‌پست، ۶ اکتبر ۱۹۷۱

اسرائیل از دستورات سازمان‌ملل در مورد بیت‌المقدس سرپیچی می‌کند. اسرائیل به‌منافع طولانی‌مدت خود صدمه می‌زند. از زمان اشغال نیمه شرقی شهر و بقیه سرزمین اردن در کرانه باختری در جنگ ژوئن ۱۹٦۷، شورای امنیت طی صدور سه قطعنامه از اسرائیل خواسته است تا موقعیت شهر را تغییر ندهد. اسرائیل درست بعد از جنگ، بر

طبق قوانین خود بیت‌المقدس را ضمیمه کرده و به‌طور سرسختانه سه قطعنامه سازمان‌ملل را رد کرده است.

گاردین، ۸ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی حصارکشی ۴،۰۰۰ هکتار از زمین نزدیک «دیرالبلا» در جنوب غزه را به‌عنوان بخشی از یک پروژه بزرگتر برای تأسیس شش آبادی یهودی در نوار غزه، به‌اتمام رساندند. مساحت تمام منطقه به ۳۴،۰۰۰ هکتار می‌رسد.

حدود ۱۴،۰۰۰ هکتار از کل منطقه زمین زراعی، و بقیه شن و ماسه است. بنا به‌گزارشات، مقامات به ۴۰ خانواده عرب که دارای اموالی در منطقهٔ مورد نظر برای ساختن آبادی بودند، غرامت پرداخته‌اند. آنها قبلا از آنجا رفته بودند. گزارش می‌شود که ده خانواده باقی مانده بزودی غرامت خواهند گرفت و به‌جای دیگری انتقال خواهند یافت.

جرزالم پست، ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱

دولت اسرائیل‌طرحی تصویب کرده‌است که‌برطبق آن ۳۵،۰۰۰ پناهنده فلسطینی را از اردوگاههای غزه به‌واحدهای مسکونی جدید انتقال می‌دهد.

هاثارتز، ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات عالی‌رتبه اسرائیل روشن ساختند، که ازهرگونه فعالیت هیأت مسؤول بررسی اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، جلوگیری خواهند کرد. قطعنامه شورای امنیت از اسرائیل خواسته است که توسعه بخش سابق اردنی بیت‌المقدس را متوقف کند.

تایمز، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی اجازه ساختن دو هتل جدید در بخش سابق اردنی بیت‌المقدس را، صادر کرده‌اند. یکی از آنها در داخل شهر

حصاربندی شده قدیمی قرار دارد.

یک هتل که قرار است به‌روی فرنچ هیل (تپه فرانسوی) ساخته شود، از نظرمالی از جانب یک گروه امریکایی- اسرائیلی تأمین خواهد شد. هتل دوم را یک تجارتخانه اسرائیلی با شرکت سرمایه‌گذاران امریکایی خواهد ساخت.

انترناشنال هرالدتریبون، ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱

دولت اسرائیل طرح آلون برای ساختن یک زنجیرهٔ آبادیها در منطقه الغور را تکمیل کرده است.

هاآرتز، ۴ نوامبر ۱۹۷۱

ال‌روم، که توسط کیبوتص «هاموشاد» تأسیس شد، سیزدهمین آبادی در بلندیهای جولان در دره قنیطره می‌باشد.

جرزالم‌پست، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱

وزیر مسکن اسرائیل از تمام کمپانیهای مقاطعه‌کار درخواست کرده است تا امکان ساختن یک شهر را در(افیر)— نام‌عبری شرم‌الشیخ— مورد مطالعه قرار دهند. تا کنون ۳۰۰ خانواده برای اقامت در شهر مورد نظر ثبت نام کرده‌اند.

النهار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

یک سخنگوی کمپانی آبرسانی «مکروت» اعلام کرد، که کمپانی وی مشغول حفر آب و کارهای ساختمانی در بلندیهای جولان می‌باشد. آنها یک ایستگاه پمپ آب در سواحل دریاچه کرت نصب کرده‌اند، که قرار است سالانه ۱۰ میلیون‌متر مکعب از آب دریاچه را برای بخش جنوبی بلندیهای جولان، به‌منظور حل مشکلات آب سه آبادی در آنجا، بالا بکشد. پروژه دیگری در دریاچه «برکت‌رام» در بخش-

شمالی بلندیهای جولان در دست اجراست.

جرزالم‌پست، ۱۳ دسامبر ۱۹۷۱

کار آماده کردن دومین آبادی اسرائیلی در نوار غزه، که قرار است بزودی تأسیس شود، آغاز شده است. این آبادی یک مقر شبه‌نظامی (ناهال) از منطقه «ابومدیان» در جنوب غزه خواهد بود. در ابتدا از منابع آب محلی استفاده خواهد شد، اما در نهایت قرار است آبادی فوق به‌سیستم آبرسانی ملی متصل شود.

جرزالم‌پست، ۱۵ دسامبر ۱۹۷۱

آقای یاکوب‌تزور رئیس «سازمان توسعه صندوق ملی یهود» اعلام کرد که در ۱۹۷۲، اسرائیل حدود ۱۰ آبادی در سرزمینهای اشغال شده تأسیس خواهد کرد که ده تای آن بین «رفح» و العریش در ساحل مدیترانه‌ای صحرای‌سینا قرار دارد.

او گفت که یک کیبوتص در «مونت‌هرمون» (قلمرو سوریه)، دو کیبوتص دیگر در «خلیج عقبه» بین «ایلات» و «شرم‌الشیخ»، و کیبوتص دیگری در «ماورای اردن» بین دریای احمر و بیت‌المقدس تأسیس خواهد شد.

لوموند، ۲۹ دسامبر ۱۹۷۱

بخش پنجم

جسارت و بی‌حرمتی به مکانهای تاریخی و مقدس

۱ـ قبل از بررسی جسارات و بی حرمتی مقامات نظامی اسرائیل به مکانهای تاریخی ومقدس به‌گزارش سازمان بهداشت جهانی در مورد اوضاع آموزشی اعراب در سرزمینهای اشغالی، و آنچه در مورد فوق ذکر گردیده، نظر خواهیم افکند.

الف- گزارش سازمان بهداشت جهانی

سازمان بهداشت جهانی مقامات اشغالگر اسرائیل را متهم کرد که مانع عملیات صلیب سرخ بین‌المللی شده‌اند. اما ویکتور شاکتوب، وزیر بهداشت اسرائیل، که از شرکت در جلسات نهایی سازمان خودداری کرد، اظهار داشت که اهمیتی برای تصمیم سازمان بهداشت جهانی قائل نمی‌شود.

جرزالم‌پست، ۲۷ مه ۱۹۷۱

ب- شرایط آموزشی در سرزمینهای اشغالی

روزنامه داوار، در ماه اکتبر طی انتشار گزارشی کمبودهای آموزشی اعراب را در اسرائیل فاش ساخت. در گزارش فوق ذکر گردید که در سالهای دهه ۱۹۵۰، هیچ کتاب مناسبی در دبستانهای مختلف عربی وجود نداشت که ارزش ذکر کردن داشته باشد. طبق گزارش مزبور، وزارت آموزش و پرورش هیچ گونه اهمیتی برای بالا بردن سطح کتابهای دبستانهای عربی که قابل مقایسه با

کتابهای دبستانهای یهودی باشد قائل نمی‌شد. دوره تحصیلات کنونی برای آموزش زبان عربی احتیاجات دانش‌آموزان عرب را که مشتاق مطالعه فرهنگ و تمدن خودشان هستند، برآورده نمی‌کند. نیمی از معلمانی که در بخش عربی هستند برای این کار مناسب نمی‌باشند و ثبت نام معلمان براساس تواناییهای تدریسی انجام نمی‌گیرد.

برطبق قطعنامه‌ای که در ۱۸ مه توسط مجمع بهداشت جهانی در ژنو به‌تصویب رسید، اسرائیل متهم شد که «از توزیع مواد دارویی» توسط صلیب‌سرخ بین‌المللی جلوگیری می‌کند. این قطعنامه که در ضمن از اسرائیل خواسته است تا اجازه بازگشت فوری پناهندگان عرب و اشخاص بی‌خانمان را صادرکند، اسرائیل را تهدید کرد که اگر به «تجاوزات به‌حقوق اصلی انسانی» پناهندگان ادامه بدهد، سرویسهای سازمان بهداشت جهانی را تعطیل می‌کند.

دیلی تلگراف، ۱۹ مه ۱۹۷۱

کسانی که دارای شایستگی و تجربه تدریس بودند، به‌خاطر عقاید سیاسی‌شان رد شدند، ولی در همان حال دهها معلم دیگر، بدون توجه به کمبودهای محسوس در تواناییهای آموزشی وشغلی‌شان، پذیرفته شدند. گزارش به‌فقدان تعداد ساختمانهای مدرسه برای اعراب اشاره کرد. دانش‌آموزان دهکده‌های عربی در کلبه‌های کهنه، که درمقابل آب باران در زمستان و گرمای طاقت‌فرسا در تابستان حفاظی ندارد، مشغول درس خواندن می‌باشند.

دولت به‌آبادیهای مسکونی یهودی برای هر نفر ۶۰ لیره اسرائیلی کمک آموزشی می‌دهد. کمک مزبور به‌دهکده‌های عرب حدود ۵ تا ۷ لیره اسرائیلی است. بدین خاطر، شورای محل در دهکده‌های عرب ازکمبود بودجه رنج می‌برند، و قادر به‌فراهم آوردن خدمات

ضروری برای جامعه نمی‌باشند.

ساکنان علوتیه در بلندیهای جولان در سوریه در ۲۱ مه ۱۹۷۱ به‌وزارت آموزش‌وپرورش اسرائیل خبر دادند، که کتاب جغرافی منتشر شده ازطرف دولت اسرائیل را قبول ندارند.

درکتاب فوق ساکنان جولان را «وحشیها» توصیف کرده‌بودند. آنها به‌وزیر آموزش‌وپرورش اسرائیل گفتندکه توصیف مزبور «یك کلمه پوچ توخالی» است، که اساسی از واقعیت ندارد. آنها خواهان برداشتن کلمه مزبور ازکتاب جغرافی، که به‌دو زبان عربی و عبری چاپ شده، و رسماً برای مطالعه جوامع عربی و عبری در سرزمینهای اشغالی تعیین گردیده است، شدند.

۲ـ جسارت به زیارتگاههای مذهبی و مکانهای تاریخی:

پوسترهای چسبیده به‌دیوارهای بیت‌المقدس هشدار می‌دهد که دیوار ندبه در صورت ادامه حفاریهای اطراف آن برای در آوردن بقایای مکانهای مقدس از زیر خاك، خراب خواهد شد. امضاکنندگان این پوسترها از یهودیان وفادار خواسته‌اند تا با پروژه مزبور مخالفت کرده و آن را از بین ببرند.

معاریو، ۷ دسامبر ۱۹۷۰

شورای اسلامی «اوقاف» خواهان وصل برق به‌مسجد جدیدی که در زمینهای «عونت‌اولیو» و «راس عامود» ساخته شده است گردید، اما مقامات طی صدور یك دستور وصل برق به‌مسجد را ممنوع اعلام کردند.

معاریو، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۰

یهودیان، پس از یك روز روزه گرفتن، در گوشه غربی حرم

بیت‌المقدس درجوار مسجدالاقصی نمازهایی برپا کردند. «لیب دهوویته» اسقف‌اعظم سابق جامعه یهودی در جنوب افریقا، و عضو کنونی شورای شهرداری بیت‌المقدس، پیشنمازی آنها را بعهده داشت.

اسقف‌اعظم که تمام روز را روزه گرفته بود، در حوالی ظهر حمام کرد و برطبق مراسم مذهبی خودش را برای رهایی از ناپاکی و آلودگی در یک استخر فرو برد. قبل از وارد شدن به‌حرم مقدس، کفشهای نعلین خودش را از پایش درآورد. سپس پیشنمازی نمازگزاران را بعهده گرفت و شروع به‌از برخواندن یک پیام از تورات کرد. در میان افراد شرافتمند موجود در آنجا، سخنرانان و استادان دانشگاه عبری و دانشگاه «لاری‌لان» تل‌آویو بچشم می‌خوردند.

وقتی‌که «اسرائیل رانیا» بازپرس پلیس به‌آنجا وارد شد، از نمازگزاران خواست محل را ترک کنند و آنان نیز پس از اتمام نمازهایشان این کار را کردند.

معاریو، ۸ دسامبر ۱۹۷۱

باستانشناسان، وقتی‌که یک لوحه سنگ در زیر دیوار حرم کشف کردند، گفتند: «این بزرگترین اکتشافی است‌که تاکنون در حفاریهای انجام شده برجوار دیوار ندبه شده است.» به‌روی لوحه‌سنگ این کلمات نوشته شده بود «به‌خانه شیپورزن» تاریخ لوحه به‌دورانهای معبد دوم بازمی‌گشت.

لوحه‌سنگ مزبور در دوران «راپودین» در یک جاده، در ۳۰ متری زیرزمین نصب گردید.

یدیوت‌آهارونوت، ۱۵ژانویه ۱۹۷۱

اخیراً فاش گردیده است‌که بخش نمایان دیوار ندبه، که تماماً ۶۰ متر می‌باشد، به‌اندازه ۱۰۰ متر بیشتر توسعه خواهد یافت، تا پروژه محو کردن ساختمانهای کهنه زیر دروازه «مغاربه» در ابتدای

ورود به‌حرم بیت‌المقدس کامل گردد. سخنگوی وزارت مذهب که سخنان بالا را اظهار داشت، گفت که یک تصمیم مقدماتی در این مورد گرفته شده و او از اداره امور عمومی خواسته است تا طرحهای خودشان برای از بین بردن خرابه‌های ساختمانهای «دارالسعید»، و ساختن یک پل بین صحن دیوار ندبه و حرم مقدس از میان دروازه مغاربه را به‌جای آن خرابه‌ها، ارائه دهند.

هاآرتز، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

مسجد کوچک محله «عجمی» در یافا، تنها مسجد مسلمانان برای برگزاری نماز است. ساختمان مسجد کهنه است و سقف آن دارای شکافهایی است که از آنها به‌روی نمازگزاران آب باران می‌ریزد.

شکافهای فوق مسجد را تهدید به‌سقوط و خرابی می‌کند. نمازگزاران به‌همین خاطر به‌یک راهروی کوچک مجاور که سقف‌آجری دارد متوسل شده و در آنجا نماز بپا می‌دارند.

طی یکی از طوفانهای اخیر، تعدادی از آجرها افتاده و آب باران شروع به‌پایین ریختن کرد، و همین مسأله باعث شد که جمعیت نمازگزاران مسجد را رها کنند.

لازم به‌یادآوری است که مسجد مورد نظر، که تنها مسجد محل برگزاری دائمی نمازهاست، در حال حاضر در معرض خطر سقوط قریب‌الوقوع قرار دارد. «اکنون ما متحیریم که‌این وزارت‌مذهب کجاست و کمیته مسؤول وقف اسلامی در کجا بسر می‌برد؟ شاید هم بعد از آنکه برای مسجد فاجعه‌ای رخ بدهد آنها بدان توجه خواهند کرد!»

المرصاد، ۲۲ آوریل ۱۹۷۱

سالهاست، که طرحهایی برای ساختن هتلها و مراکز تفریحی در امتداد خط ساحلی بین تل‌آویو، یافا و بیت‌یاسین در جنوب، ریخته‌

شده است. قصور در اجرای پروژه مزبور به‌دو علت بود: اول، دربدر کردن ساکنان، بویژه اعراب محله عجمی یافا که در میان خرابه‌ها و درخانه‌های در معرض سقوط زندگی می‌کردند، و وادارکردن آنان‌به پذیرش غرامت‌ناچیز کمپانی مقاطعه کار. غرامتهای مزبوربه‌آنها توانایی خرید خانه‌های دیگر را نخواهد داد. دلیل دوم این بود که مقامات، سرگرم سازندگی سرزمینهای اشغالی بودند و به‌تخصیص وام و قرضه اولویت دادند. پروژه مزبور، علاوه برخلاص شدن از دست ساکنان، مستلزم ویران کردن قبرستانها و مساجد میان راه بود.

در حقیقت، در حالی‌که پروژه در دست اقدام بود، عملیات حفاری در نزدیک مسجد بوسیله یک بولدوزر بزرگ، باعث خراب شدن آن گردید.

گزارشات روحی الخطیب

حوضه‌های ارتدوکس یونانی در بیت‌المقدس گفتند که مقامات اشغالگر اخیراً یک منطقه بزرگ متعلق به‌کلیسای اسقفی ارتدوکس یونانی را، که بین هتل «کینگ‌دیوید» و ایستگاه راه‌آهن بیت‌المقدس قرار دارد، مصادره کرده‌اند. کلیسای اسقفی، بنا به‌این گزارش، یک اعتراض شدید تسلیم مقامات کرد و علیه عمل مزبور که آن را یک تجاوز آشکار به‌هویت وتمامیت‌دین مسیح در بیت‌المقدس می‌دانست، شکایت نمود. هویت مزبور تاکنون به مدت صدها سال تحت حکومت اسلامی، عربی و عثمانی و حتی در دوران قیمومیت بریتانیا مورد حمایت وحفاظت‌قرارگرفته است... کلیسای اسقفی خواهان بازگرداندن فوری‌زمین‌مصادره شده گردیده است، (متن اعتراض‌مذکور درشماره۱۶ مارس ۱۹۷۱ روزنامه یدیوت‌آهارونوت مورد تأیید قرارگرفته است).

اخبار رسیده از بیت‌المقدس حاکی از آن بوده است، که‌نیروهای

اشغالگر اسرائیل اخیراً یک هتل متعلق به کلیسای اسقفی‌ارتدوکس امریکایی را به‌بهانه اینکه‌ساختمان هتل‌سالم نیست، مصادره کرده‌اند. بدین ترتیب، مقامات اسرائیلی هتل را خراب کردند و قطعه زمین آن را به‌یک کمپانی اسرائیلی برای ساختن یک هتل جدید، فروختند.

کلیسای اسقفی امریکایی این عمل را یک مصادره غیرقانونی خواند. کلیسا برعلیه مقامات اقامه دعوی کرد اما دعوی فوق هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است.

اخبار دیگری وجود دارد، حاکی از اینکه مقامات اسرائیل به فکر دست‌درازی بر اموال کلیسای ارتدوکس یونانی در وسط شهر بیت‌المقدس، که به‌مسکوبیه معروف است، می‌باشند. اموال مزبور شامل تعدادی ساختمانهای بزرگ می‌شود که بیمارستان دولت، دادگاه حقوقی، مقر پلیس و زندان بخش قیمومیت بریتانیا را در برمی‌گیرد. ساختمانهای مزبور بخش مهمی از بیت‌المقدس را تشکیل می‌دهند. انتقال مالکیت به‌مقامات اسرائیلی، تغییر هویت آشکار وضع موجود سیاسی و مذهبی شهر مقدس بحساب می‌آید.

۱۰ آوریل ۱۹۷۱

اخبار رسیده از بیت‌المقدس حاکی از آن است که مسجدوابسته به‌مدرسه عثمانی، در نتیجه حفاریهای مقامات اسرائیلی، در زیر مسجد واملاك وقف‌متصل به‌دیوار ندبه، شکافهایی برداشته است. خوف این است که شکافهای موجود، برای ویران کردن مسجدومحو ساختمانهای مجموعهٔ فوق، به‌دست مقامات اسرائیلی بهانه بدهد، چنانکه همین حادثه برای محله معروف به«زاویه فاخوری» در ٤ ژوئن ۱۵۶۹ اتفاق افتاد.

مقامات اشغالگر نظامی اسرائیل، اعضای ساختمانهای وقفی مسلمانان در بیت‌المقدس را احضار کرده و به‌آنها اطلاع داده‌اند که

اسرائیل در صدد گشایش یک جاده در امتداد بخش شرقی بیت‌المقدس است، که از میان دو قبرستان مسلمانان به‌نام «یوسفیه» و «باب‌الرحمه» خواهد گذشت. این قبرستانها، یک بخش جداناپذیر و ضروری از تاریخ اسلامی بیت‌المقدس بحساب می‌آیند. در این دو قبرستان مقبره تعداد زیادی از صحابه معاصر حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام، و مردان علم و مذهب وجود دارد که سالها برای گسترش فرهنگ اسلامی از دورهٔ خلافت عمر تا کنون زحمت کشیده‌اند.

۲۹ ژوئن ۱۹۷۱

آنچه در زیر می‌آید، اظهارات تعدادی از شاهدان تجاوزات اسرائیل به‌حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی است، که از ۸ تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۱ به کمیته بررسی سازمان‌ملل تسلیم شده است.

۱- اسقف تئودوروس از کلیسای ارتدکس یونانی

من خوشحالم، که می‌توانم برای سومین بار در حضور کمیته حقوق بشر در رابطه با اعمال مقامات اشغالگر در فلسطین عربی، که بدون شک تجاوز آشکار به‌حقوق بشر، و بویژه آن اعرابی است که در زیر یوغ خشن‌ترین اشغال تاریخی بسر می‌برند، سخنرانی کنم...

یکی از حوادث تازه در رابطه با کلیساهای ما این است که کلیسای اسقفی ضرورت تعمیر کلیساها و پاك کردن آنان از آلودگیهای اشغالگرانی که، آنها را به‌خاطر اهدافی به‌جز اهداف حقیقی آن مورد استفاده قرار داده‌اند، احساس کرده است. به‌این منظور کلیسای اسقفی لازم دید تا پنجره‌ها را ببندد و آنها را با تخته میخکوب کند و بدین‌ترتیب جلوی‌جسارت عابرین به‌مصونیت کلیساهای خدا را بگیرد. حادثه جدید دیگر، حادثه کلیسای «عین کریم» است که کلیسای اسقفی تا کنون ٤ بار آن را تعمیر کرده و هربار اسرائیلیها آن را درهم کوبیده

و به‌آن بی‌حرمتی کرده‌اند. سپس کلیسای اسقفی ناچار شد برای حفظ کلیسا و تقدس آن‌پنجره‌ها را ببندد و جلو آنها را دیوار بسازد. هدف کلیسای اسقفی از این کار این بود تا جلو استفاده از کلیسا را به عنوان یک مستراح، چنانکه قبلا سابقه داشته است، بگیرد.

کلیسای اسقفی در جلو در و پنجره‌های کلیسای «جرجیوس-مونته‌فیور» در پشت هتل کینگ دیوید، که ساکنان کنونی فلسطین (اسرائیلیها—م.) چندین بار به‌آن بی‌حرمتی کردند، دیوارهایی ساخت. اندکی قبل، یکی از ساکنان وارد «مقبره مقدس» که مقدس‌ترین مکان روی زمین بحساب می‌آید شد، و شروع به‌شکستن فانوسها و لامپهای گرانقیمت و پاره کردن تمثالها و دادن دشنامهای زشت به حضرت‌مسیح نمود و سپس با کشیش ارتدوکس حافظ زیارتگاه گلاویز شد. حادثه مزبور از آنجا که در روزنامه‌ها منتشر شده، از نظر مخفی نمانده است. دولت ادعا کرد که متهم دیوانه بوده است. دولت قبلا نیز به‌همین ترتیب ادعا کرده بوده که شخصی که مسجدالاقصی را به‌آتش کشیده، دیوانه بوده است. با توجه به‌این اوضاع چنین برمی‌آید که ارزشهای مقدس ما در معرض خطر قرار دارند، و بهانه‌های گوناگون در مورد دیوانه‌بودن یاغیان ادامه یافته، و در نتیجه ارزشمندترین مقدسات ما تابع رحم یا ابلهی دیوانه‌ها و حامیان آنها قرار گرفته است. این احتمال وجود دارد که روزی برسد که آنها مکانهای مقدس را به‌بهانه‌های مشابه منفجر کنند. طبیعتاً، این امر بستگی به‌این دارد که اسرائیلیها، سیاست تبدیل مکانهای مقدس به موزه را، بپذیرند یا نه.

به‌تازگی جوانان پسر و دختر یهودی وارد زیارتگاهها شده و چنان بی‌پروا در آن رفتار می‌کنند که گویی در استریوها و بارهای مشروب‌فروشی هستند.

۲ـ اسقف نعمت‌السمعان کاتولیک

من به‌توصیف تبعیض نژادی مقامات اشغالگر برعلیه اعراب زیاد طول نمی‌دهم. اسرائیل آنها را شهروندان درجه دوم بحساب می‌آورد. در دانشگاهها، تنها ٥ درصد دانشجویان عرب هستند و فقط اجازه دارند در رشته‌های تئوریک درس بخوانند. این تبعیض در تمام زمینه‌های زندگی توسعه یافته و حتی در کارتهای شناسایی اعراب بچشم می‌خورد.

یک شهروند عرب از جلیله، به‌مرکز پلیس که با وی به‌عنوان شهروند درجهٔ دوم رفتار کرده بود، اعتراض کرد. پلیس اسرائیل به‌او جواب داد که: «درحقیقت‌شما شهروند درجهٔ دوم نیستید بلکه درجه پنجم بحساب می‌آیید.»

در ٢٤ فوریه ١٩٧١، یک یهودی‌امریکایی وارد مقبره مقدس شد، و همچون یهودیان دیگر به‌هنگام ورود به‌زیارتگاههای‌مقدس، هیچ گونه ادای احترام از خود نشان نداد. او پس از ورود لحظه‌ای به طور مردد ایستاد، و بعد به‌طرف محراب رفت و شروع به‌نابود کردن لامپها، فانوسها، و تمثالهایی که به‌دیوار آویزان بود نمود. یکی از روحانیون که سرو صدا را شنیده بود وارد مقبره شد و جوان مزبور را دید که دارد همه‌چیز را ویران می‌کند. وی سعی کرد که جلو او را بگیرد، اما جوان یهودی خشمگین به‌طرف کشیش برگشت و با مشت به‌صورت او کوبید و به‌او توهین کرد. پلیس تنها کاری که کرد این بود که جوان یهودی را به‌آرامی ازآنجا دور نمود.

روزنامهٔ هاٱارتز، در شماره ٣ مارس ١٩٧١ خود نوشت که یهودی امریکایی مزبور دستگیر شد و سپس آزاد گردید. احتمالا پلیس او را یک یهودی تشخیص داده است، درست مثل همان کاری که نسبت به‌یهودی ـ استرالیایی آتش زننده مسجدالاقصی، انجام داده‌بود.

این حادثه نشان می‌دهد که، مقامات اسرائیلی نتوانسته‌اند یهودیان را متقاعد به‌احترام گذاشتن به‌مکانهای مذهبی کنند، و شاید هم عمداً این کار را نکرده‌اند. طبق آمار بدست آمده ۱۰ درصد اسرائیلیها از مذهبهای فاناتیک هستند، و ۵۰ درصد آنها از وطن‌پرستان متعصب بشمار می‌آیند.

در اوت ۱۹۷۰، مقامات اشغالگر برخلاف تمام قوانین و معیارهای عرفی، ۳۲۰۰ هکتار از زمینهای اعراب را مصادره کردند. بعداً در ژانویه ۱۹۷۱ دوازده هزار هکتار دیگر مصادره شد. این مصادره‌های وسیع انسان را به‌این نتیجه می‌رساند که اعراب فلسطینی (چه‌مسلمان و چه مسیحی) دیر یا زود مجبور خواهند شد تا خانه‌ها و زمینهای خودشان را رها کنند. از طرف دیگر مکانهای مقدس تبدیل به‌موزه خواهد شد تا فقط توریستها در آن رفت‌وآمد کنند و نه افراد مذهبی.

۳ـ آقای روحی‌الخطیب شهردار بیت‌المقدس قدیم

این برای دومین بار است که درحضور کمیته فعلی، یک سری دیگر از تجاوزات اسرائیل را به‌حقوق بشر در بیت‌المقدس، برای‌شما بازگو می کنم. من دربارهٔ آن تجاوزاتی که بعد از اظهارات اول من، صورت پذیرفته است با شما سخن می گویم.

اولین تخلف، در ۱۷ مه ۱۹۷۱ توسط رادیو اسرائیل اعلام شد، و آن هنگامی بود که رادیوی مزبور از قول شهردار بیت‌المقدس قدیمی اعلام کرد که ۴۰۰۰ نفر از اعراب از سال ۱۹۶۷ از آنجا اخراج شده‌اند. منابع عرب در بیت‌المقدس فاش کردند که ۷۰ درصد آنها، که ۲۰۰ نفرشان در دهکده نبی‌ساموئل زندگی می کردند، سال گذشته اخراج شدند. ژنرال موشه‌دایان در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ دستور

داده بود تا خانه‌های آنها را، که به ۵۲ خانه می‌رسید، ویران کنند.

دومین تخلف، ضمیمه کردن زمینهای اضافی اعراب در اطراف بیت‌المقدس است که به‌دستور «پیناس‌ساپیر» وزیر دارایی صورت‌گرفت. دستور مزبور در گازت (روزنامه دولتی اسرائیل— م.) شماره ۱۶۵۶ در ۳۰ اوت ۱۹۷۰ منتشر شد. مقدار زمین ۱،۶۸۰ هکتار است و متعلق به ۱۰،۰۰۰ نفر از اعرابی که در ۷ دهکده اطراف بیت‌المقدس زندگی می‌کنند، می‌باشد. این اعراب برای بدست آوردن معاش روزانه خودشان متکی به کشت و زرع زمینهایشان می‌باشند.

سومین تخلف، حفاریهای غیرقانونی مداوم اسرائیل در اطراف دیوارهای دور مسجدالاقصی می‌باشد. تازه‌ترین گزارشات رسیده از منابع عرب فاش می‌کند که مسجد مدرسه عثمانی که نزدیک دیوار غربی بیت‌المقدس قرار دارد، در نتیجه حفاریهای «وزارت مذهب» اسرائیل شکاف برداشته است.

حفاریها در برگیرنده بیش از ۲۰ ساختمان مذهبی، مراکز فرهنگی وساختمان مسکونی که ۳۰۰ نفر در آنها زندگی می‌کنند می‌باشد. نزدیک این ساختمانهای مسکونی ۸۰ ساختمان هست که ۷۰۰ شهروند عرب در آن ساکن می‌باشند و گمان می‌رود که طی طرح ویرانسازی، این ساختمانها صدمات وخیمی ببینند، و شاید هم در نهایت ویران گردند.

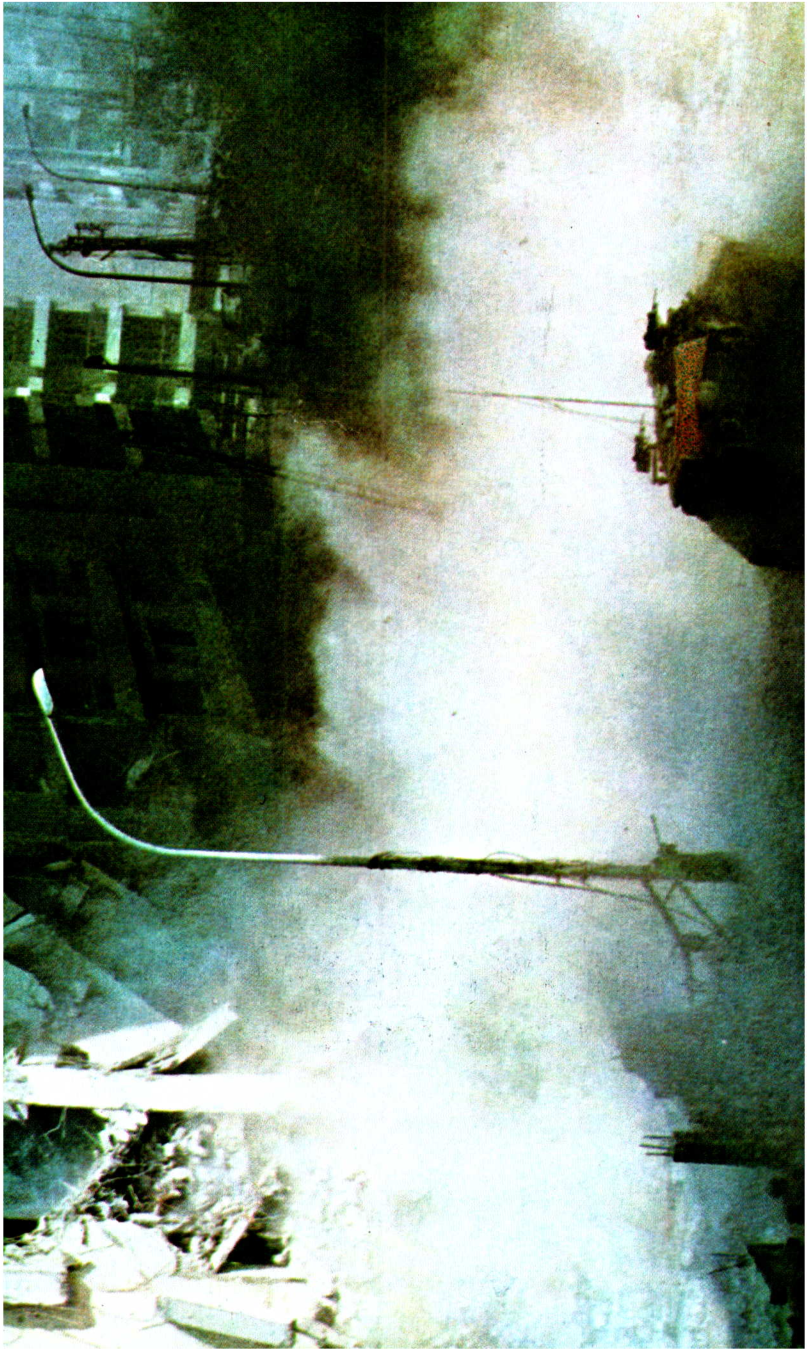
چهارمین تخلف، طرح تازه‌ای است که شهردار بیت‌المقدس اشغال شده آن را در نوامبر ۱۸۷ فاش کرد. براساس آن قرار است وزارت کشور، یک بیت‌المقدس جدید احداث کند. هدف طرح مزبور این است که منطقه بیت‌المقدس را، ۸ برابر مساحت فعلی وسعت دهند تا ۳ شهرعربی و ۲۳ دهکده به‌جمعیت ۱۰۰،۰۰۰ نفر را دربر بگیرد. برای اجرای این طرح، تمام زمینهای سابق‌الذکر باید تحت

حاکمیت اسرائیل قرار بگیرد.

پنجمین تخلف، عبارت است از طرحهای اسرائیل برای اسکان‌دادن اسرائیلیها در بیت‌المقدس، و تأسیس مراکز صنعتی به‌روی زمینهایی که طرح مصادره و اخراج ساکنان آن ریخته شده است.

تصمیم اسرائیل برای دادن‌غرامت به‌ساکنان‌عرب بیت‌المقدس، که اموال غیرمنقول خودشان را پس از جنگ ۱۹٤۸ از دست‌داده‌اند، در واقع محروم داشتن اعراب از تمام حقوق شهروندی است.





۱- چهارشنبه ۱۵ سپتامبر:

تانکهای اسرائیلی صبرا وشتیلا رامحاصره کردند، وگشتی‌ها خانه به خانه به جستجو پرداختند. در قسمت‌های شمالی جائیکه احتمالاً مرکز مقاومت چریکهای فلسطینی وشبه نظامیان چپ‌گرا با اسرائیلی‌ها بود نبرد درگرفت.

۲- پنجشنبه ۱٦ سپتامبر:

اردوگاهها امن هستند وشهروندانی که روز قبل گریخته بودند بازگشتند. تانکها ونیروهای اسرائیلی نیز منطقه را تخلیه کرده‌اند. طی روز نیروهای مسیحی متشکل از شبه نظامیان سعد حداد از جنوب، وفالا نژیست‌ها از شرق بیروت از خطوط اسرائیلی گذشته ودر جنوب فرودگاه جمع شدند.

۳- آنها بطرف شمال حرکت کرده ودر همسایگی یک پست ناظر اسرائیلی مشرف به اردوگاهها یک پست فرماندهی تأسیس کردند.

٤- با استفاده از روشنائی گلوله‌های نورانی اسرائیلی حدود ٦۰۰ شبه نظامی مسیحی وارد اردوگاهها شدند. در تمام طول شب صدای تیراندازی وانفجار بگوش میرسید.

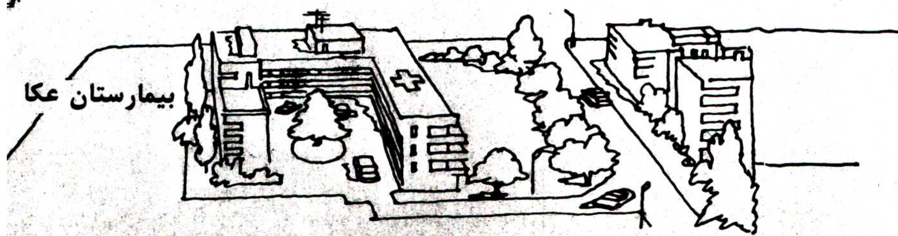
۵- جمعه ۱۷ سپتامبر:

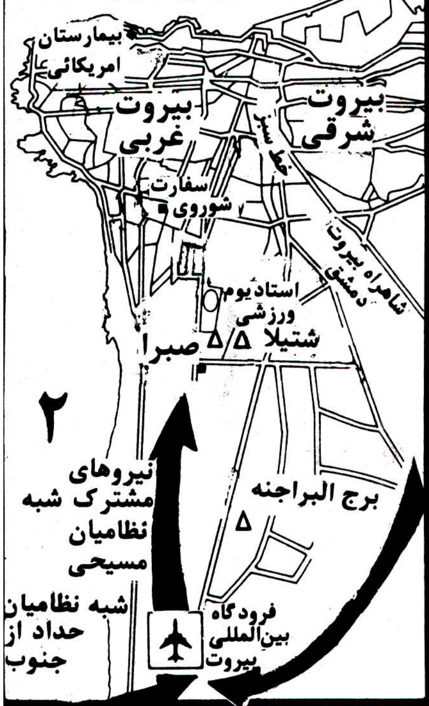
شبه نظامیان مسیحی داخل اردوگاهها میشوند، ونیروهای اسرائیلی با شبه نظامیان گفتگو می‌کنند. درحالیکه صدای تیراندازی هنوز ادامه دارد، بلدوزرها با حفر قبرهای عمومی اجساد را از منطقه خارج می‌کنند.

٦- روز جمعه شبه نظامیان مسیحی وارد بیمارستان عکا میشوند وپزشکان وپرستاران را می‌کشند.

روز شنبه ۱۸ سپتامبر، شبه نظامیان بیمارستان غزه را از کارکنان، بیماران وآوارگان خالی می‌کنند وآنها را با پای خود بطرف نقاط تیراندازی می‌برند.






دریای مدیترانه
بیمارستان امریکائی
بیروت غربی
بیروت شرقی
سفارت شوروی
شاهراه بیروت دمشق
استادیوم ورزشی
شتیلا
صبرا
۲
نیروهای مشترک شبه نظامیان مسیحی
برج البراجنه
شبه نظامیان حداد از جنوب
فرودگاه بین‌المللی بیروت


استادیوم ورزشی
خیابان کامیل شمعون
پست ناظر ارتش اسرائیل
گاه صبرا
۱
پست ارتش لبنان
تانکهای اسرائیلی
۵
پست شبه نظامیان مسیحی
سفارت کویت
۳



نتیجه بمبارانها و گلوله بارانهای بدون هدف غرب بیروت. طبقه دوم این ساختمان به یک موزه هنر فلسطینی تعلق داشت.



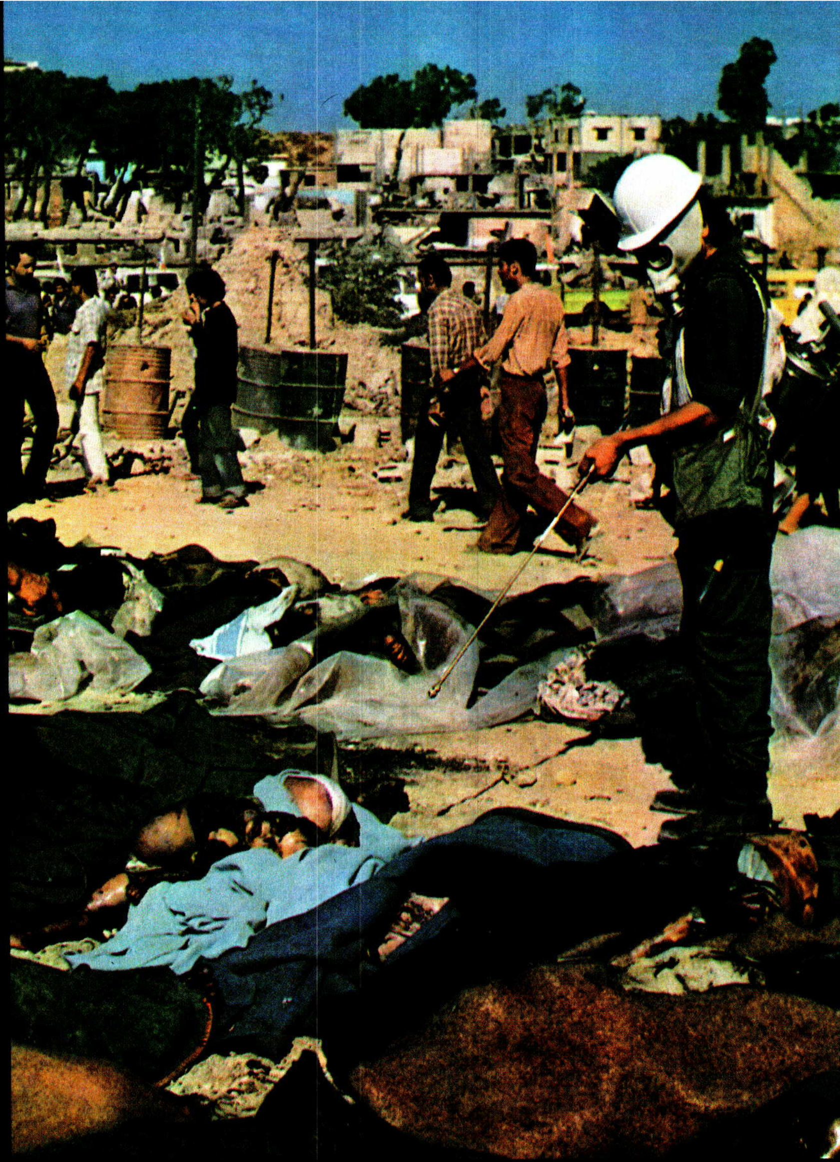
هیجدهم سپتامبر، اردوگاه شاتیلا. پیرمرد از مسجد بازمی‌گشت، تازه از راز و نیاز باخدایش فارغ شده بود که جلویش راگرفتند، نخست گلوله هارا در شقیقه‌اش خالی کردند و سپس چشمهایش را از کاسه درآوردند.

پیرمرد را کشتند، و سپس باتبر سرش را چاک دادند. آنوقت یک نارنجک دستی را باضامن کشیده زیر بدنش گذاشتند تا اگر حرکت کند، منفجر شود.

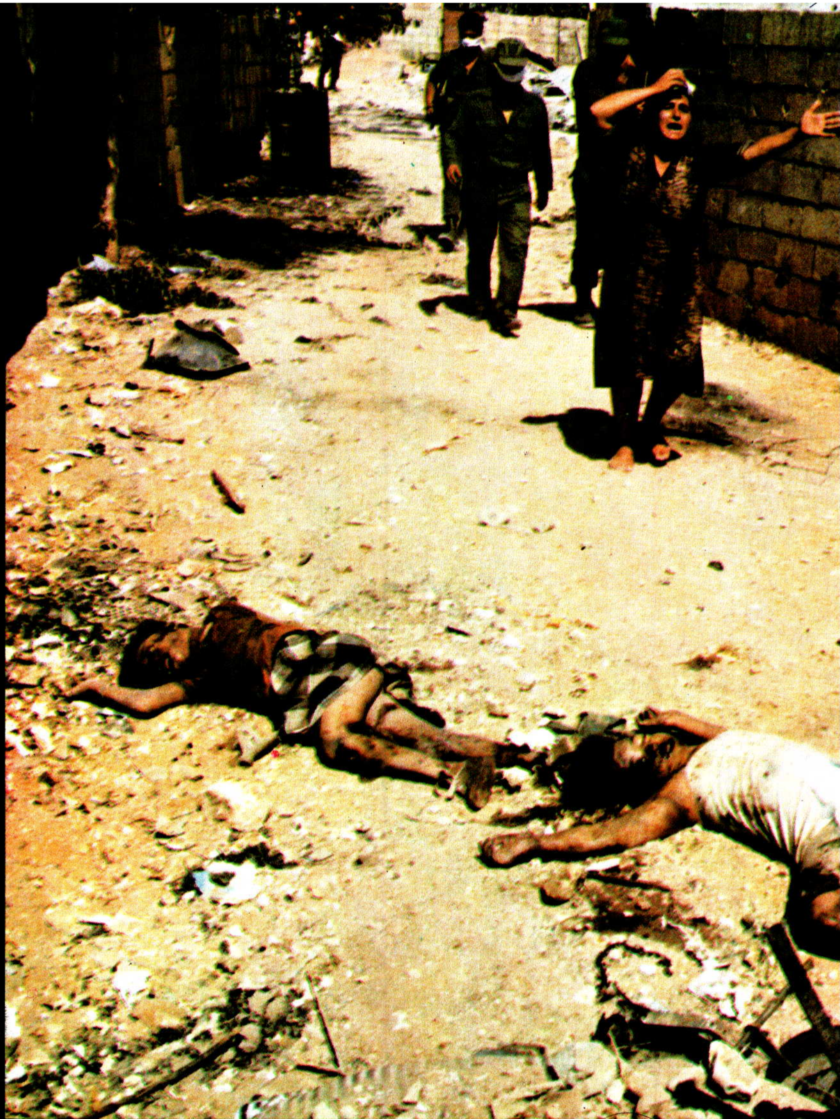
این پسرک ،زنجیری به گردن داشت ، وبنظر می‌رسدکه‌بوسیله همین زنجیر او را خفه کرده‌اند.



زن فریاد می‌کشد و بسر می‌زند. او بتازگی از نتیجه قتل عام ۱۸ سپتامبر باخبر شده است.



صبح روز ۲۰ سپتامبر حدود ۶۰ جسد از اردوگاه شاتیلا جمع آوری کردند.
پزشکان داوطلب به ضدعفونی احساد مشغولند و اقوام قربانیان جمع شده‌اند تا اعضاء خانواده های گمشده راشناسایی کنند.



زن فریاد می‌زند: «ای خدا! بیا و ببین! بیا و این جنایت را تماشا کن!» قاتلان
جنایتکار، حتی از دختران معصوم فلسطینی نگذشتند، به آنها تجاوز کرده



مادر شناسنامه های دوفرزندش را به خبرنگاران نشان می دهدآنها دراردوگاه



فرزند یکی از شهدای فلسطین برسر قبر پدر خود.











ما هنوز ایستاده‌ایم! آوارگی را می‌پذیرند، دیریاسین‌ها، کفرقاسم‌ها و شاتیلا و صبراها را تحمل می‌کنند اما رؤیای بازگشت به فلسطین را هرگز از یاد نمی‌برند. شاید زنان، مردان، کودکان و پیران بیشتری را قتل عام کنند اما، "سرانجام شیربچه‌ای از این انقلاب پرچم فلسطین را برفراز بیت‌المقدس خواهد افراشت".

ضمیمهٔ شماره یک

گزارش کمیتهٔ ویژه سازمان ملل-۱۹۷۱

۱ـ گزارش کمیتهٔ ویژهٔ مأمور بررسی اعمال اسرائیل در رابطه با زیرپا گذاشتن حقوق‌بشر ساکنان سرزمینهای اشغال شده:

مفاد گزارش:	شمارهٔ پاراگرافها:
۱ــ سازمان کار کمیته ویژه	(ذکر نشده)
۲ــ حکم (قیمومت) کمیته ویژه	۳۳ تا ۳٤
۳ــ تحلیل مدارك و شواهد	۳۵ تا ٤۳
الف: انضمام سرزمینهای اعراب، و تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین	٤٤ تا ٤۸
ب: تبعید (فلسطینیها)	٤۹ تا ۵۱
ج: ویران کردن خانه‌ها و درهم کوبیدن دهکده‌ها	۵۲ تا ۵۸
د: بدرفتاری با فلسطینیهای تحت بازداشت	۵۹ تا ٦۷
هـ: بازداشت غیر قانونی	٦۸
و: کارهای خلاف حقوق بشر دیگر	٦۹ تا ۷۱
٤ــ نتایج بدست آمده از بررسیها	۷۲ تا ۸۳
۵ــ توصیه‌ها	۸٤ تا ۹۱
٦ــ دادن گزارش	۹۲

۲ـ حکم (قیموميت) کمیته ویژه

۳۳ــ اولین گزارش کمیته ویژه به‌دبیرکل (بخش دوم، شماره الف /۸۰۸۹)، در برگیرنده تفسیر کمیتهٔ از حکم (قیمومیت) خود برطبق قطعنامه‌های مربوطهٔ مجمع عمومی و دیگر اسناد بین‌المللی، می‌باشد. کمیته ویژه برای چندمین بار تفسیری را که از حکم(قیمومتش) در آن گزارش، کرده است تکرار می‌کند، و دومین مأموریت خود را به طور دقیق برطبق آن تفسیر انجام داده است.

۳٤ــ کمیته ویژه، اعتبار این تفسیر را مطابق با روح و متن اعلامیه‌سازمان‌ملل به‌مناسبت‌بیست‌وپنجمین سالگرد تأسیس این‌سازمان، (که در چهارم اکتبر ۱۹۷۰ در هزاروهشتصدوهشتادوسومین (۱۸۸۳) جلسه تمام اعضای مجمع عمومی— درقطعنامه شماره۲۶۲۷ توسط این مجمع صادر شد) مورد تأیید قرار داده و توجه خاصی به عبارت زیر از پاراگراف هشتم این قطعنامه— ۲۹۲۷— که چنین اظهار می‌کند، مبذول می‌دارد:

سازمان‌ملل‌متحد در نخستین ۲۵ سال تأسیس خود، کوشش کرده است تا اهداف منشور سازمان‌ملل را مبنی برافزایش احترام و رعایت آزادیهای انسانی و اساسی تمام مردم جهان برآورده کند. توافق‌نامه‌ها و اعلامیه‌های صادر شده درتحت توجهات این سازمان، بیانگر آگاهی معنوی بشریت، و ارائه دهنده معیارهای انسانی برای تمام اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد. صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و توافق‌نامه‌های بین‌المللی در مورد حقوق بشر...، یک سر فصل تاریخی در همکاری بین‌المللی، و شناسایی و حفظ حقوق بدون تمایز همه افراد بشر بحساب می‌آید.

۳ـ تحلیل مدارک و شواهد

۳۰ــ درطی سال ۱۹۷۰، کمیته ویژه‌شواهد شفاهی و کتبی‌ای بدست آورد، که اساس و پایه گزارش (شماره الف/۸۰۸۹) این کمیته را به‌دبیر کل، تشکیل می‌داد. به‌منظور انجام اقدامات لازم برای اجرای مؤثر مسؤولیت حکم (قیمومیت) مندرج در قطعنامه ۲۷۲۷ (xxv) مجمع عمومی، کمیته ویژه، نامه‌هایی برای دولتهای اسرائیل، اردن، لبنان، سوریه و جمهوری متحده عربی ارسال داشت، و از آنان خواستار اطلاعات بیشتر و نیز اطلاعات دیگر در مورد بعضی موارد خاصی که توجه کمیته ویژه را درطی سال ۱۹۷۰ به‌خود جلب کرده، گردید... دولت اسرائیل از طریق نماینده‌اش در سومین کمیته، در جریان بحث پیرامون مسأله «احترام به‌حقوق بشر در برخوردهای مسلحانه»، در بیست‌وپنجمین اجلاس مجمع عمومی، به‌این موضوع اشاره کرد که اسرائیل اطلاعاتی در اختیار دارد که سخنان ایراد شده در حضور کمیته ویژه، و بخصوص سخنان مربوط به‌بدرفتاری با زندانیان را رد می‌کند. نماینده اسرائیل درسومین کمیته، به‌مورد آقای «محمد درباس»، که به‌عنوان شاهد در حضور کمیته ویژه اظهار داشته بود که به‌هنگام بازداشتش در زندان «آتلیت» اسرائیل در حوالی ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ یک جراح اسرائیلی، از طریق یک عمل جراحی او را اخته کرده بود، اشاره نمود. کمیته ویژه‌نامه‌ای در ۲۰ فوریه ۱۹۷۱ به‌دولت اسرائیل نوشت، و در آن به‌اظهارات نمایندهٔ اسرائیل در حضور سومین کمیته در جلسه ۱۷۸۲ مجمع عمومی اشاره کرد، که گفته بود دولت او یک گزارش پزشکی به‌تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶ از «پروفسور محمدصفوت» در اختیار دارد مبنی براینکه در همان تاریخ عمل جراحی مشابهی صورت گرفته است. کمیته ویژه از دولت اسرائیل

دعوت کرد تا تمام‌مدارك موجود را در رابطه با آقای «درپاس» و نیز موارد اشاره شده در گزارش کمیته‌ویژه (نگاه کنید به‌پاراگراف ۹ در بالا)، در اختیار این کمیته قرار بدهد.

کمیته ویژه همچنین طی درخواستی از جمهوری متحده عربی، خواهان کسب اطلاعـات در رابطه بـا محل «پروفسور محمدصفوت» گردید. دولت اسرائیل تا کنون اطلاعاتی را که ادعا می کرد در رد اتهامات وارد شده به‌خود دارد، به کمیته ویژه ارائه نداده است. و کمیته ویژه‌هم نتوانسته است محل پروفسور محمدصفوت را پیدا کند (نگاه کنید به‌پاراگراف ۶۵ درصفحات بعد).

۳۶— کمیته ویژه، در پی این بوده است تا از اشخاصی که شاهدان در حضور این کمیته‌در طی سال ۱۹۷۰ از آنان اسم برده‌اند، خبری بدست آورد. زیرا یك‌چنین‌مدرکی از ارزش تأیید کننده زیادی برخوردار بوده، و به‌در دست‌داشتن یك ارزیابی و تشخیص صحیح دربارهٔ اظهارات گفته شده در حضور ایـن کمیته، و بخصوص درباره اتهامات وارده مبنی بر بدرفتاری با زندانیان به‌هنگام بازداشت آنان، کمك خواهد نمود. به‌منظور رسیدن به‌یك چنین هدفی، تا آنجا که به‌مسأله بدرفتاری باافراد مربوط می‌شود، کمیته ویژه وظیفه‌خوددانسته است تا در عوض جمع کردن و انبوه نمودن اظهارات مازاد براظهارات شنیده شده در طی سال ۱۹۷۰، بیشتر سعی خود را متوجه بدست آوردن مدارکی که جنبهٔ کیفی و تـأیید کننده داشته باشند، بنماید. کمیته ویژه برلزوم داشتن شواهد سندی، بخصوص به‌شکل گزارشات پزشکی در رابطه با موردقبل (اخته کردن از طریق عمل‌جراحی—م.) تأکید ورزیده است.

۳۷— براساس گفتگوهـای شفاهی ایراد شده در حضور کمیتـهٔ ویژه در سال جاری، مواردچندی پیرامون اخراج اجباری یا تبعید

ساکنان، بدرفتاری به‌هنگام بازداشت،و ویرانسازی خانه‌ها ذکرگردید. دیگر مدارك بدست آمده توسط کمیته ویژه به‌این موارد،و نیز مواردی نظیر سیاست انضمام و ساختن اسکانهای یهودی در سرزمینهای اشغالی مصادره شده، تأسیس اسکانهای‌اسرائیلی، تبعید ومحروم کردن آن دسته از ساکنان سرزمینهای اشغالی، از حق بازگشت مجدد به سرزمینهای متروکه خود، مربوط می‌شده است. این مدارك در همین بخش (پاراگراف ٤٤تا ٧١ صفحات بعدی) مورد تجزیه وتحلیل‌قرار گرفته است.

۳۸— کمیته ویژه، اظهارات موجود در نامه‌هایی راکه به عنوان اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی منتشر گردید، و توسط نمایندگان دائمی اردن، سوریه و جمهوری متحده‌عربی برای دبیرکل سازمان‌ملل و رئیس شورای امنیت فرستاده شد، مورد توجه قرار داد. بسیاری از این اظهارات بنا به‌درخواست مصرانهٔ دولت مربوطه، از مدنظر کمیته ویژه گذشت. کمیته ویژه درضمن، پاسخهای دولت اسرائیل به‌این اظهارات راکه جزو اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی نیز بحساب می‌آید، مورد توجه قرار داد.

۳۹— اظهارات ذکر شده در این نامه‌ها، عمدتاً به‌تبعید افراد، تأسیس آبادیهای اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی، اعمال وحشیانه پلیس مرزی در آغاز سال ۱۹۷۱، اقدامات اسرائیل در بیت‌المقدس و مصادرهٔ زمین و نیز وارد آوردن جراحات عمیق جسمانی، و ایجاد تغییرات در ترکیب جمعیت سرزمینهای اشغالی، مربوط می‌گردد.

٤۰— علاوه برنکات بالا، کمیته ویژه، مذاکرات کمیته سیاسی ویژه در طی بیست و پنجمین اجلاسیه این کمیسیون در مورد مسألهٔ تجاوز به‌حقوق بشر درسرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، ومواد اشاره شده به‌گزارش کمیته ویژه در قطعنامه شماره ۹ کمیسیون حقوق بشر

را، از مد نظر گذرانیده است.

۴۱— کمیته ویژه تعدادی مکاتبات کتبی از سازمانها وافراد در اختیار دارد، که در آنجا به‌تجاوزات به‌حقوق بشر اشاره شده است. در میان این مکاتبات، گزارشات روزنامه‌ای اسرائیلی و عربی در رابطه با جنبه‌های مختلف تجاوز به‌حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی، و اظهار نظر مقامات مذهبی درباره دیگر موارد اشغال بچشم می‌خورد.

۴۲— یک فیلم مستند که در داخل سرزمینهای اشغالی ساخته شده، به کمیته ویژه نشان داده شد. کمیته ویژه هیچ گونه زمینه‌های منطقی برای زیر سؤال قرار دادن صحت و سندیت فیلم در اختیار نداشت. این فیلم مدارك کمیته ویژه از موقعیت سرزمینهای اشغالی، بخصوص در رابطه باساختن آبادیهای اسرائیلی،ویران کردن دهکده‌های عرب، و احساس موجود میان اعراب واسرائیلیهای سرزمینهای اشغالی را، تکمیل کرد. در این فیلم با اعراب و اسرائیلیها، چه از رهبران و چه از مردم عادی، مصاحبه شده و نظرات و اعتقادات آنها در مورد مسألهٔ اشغال سرزمینها، ضبط گردیده است.

۴۳— وظیفهٔ (حکم قیمومیت) کمیته ویژه، بررسی سیاستها و اعمال اسرائیل در رابطه با حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی می‌باشد. با در نظر داشتن این مسأله، کمیته ویژه مدرك موجود را به طریق زیر مورد تجزیه وتحلیل قرار داده است: کمیته ویژه در ابتدا برطبق «معیار شک منطقی»، گفته‌های افراد را مورد بررسی قرار داد، و به‌هنگامی که این بررسی به‌انجام رسید، به‌این کار پرداخت که آیا گفته‌های آنان منعکس کننده یک سیاست یا یک عمل ناقص حقوق بشر است یا نه. در بعضی موارد، مدرك به‌طور کلی افشا کننده یک الگوی روشن ازسیاست مزبور بوده است. مثلا، میزان تأسیس آبادیهای اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی با تبعید ساکنان، و مخالفت با بازگشت

مجدد تعداد مهمی از ساکنان سرزمینها، که این مناطق را در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ ترک کرده‌اند، رابطه دارد. کافی است نتیجه بگیریم که دولت اسرائیل سیاست انضمام طلبانه‌ای درپیش گرفته است، کـه افراد را از حق اساسی بازگشت به‌سرزمین خودشان محروم کرده و یا احقاق این حق را عقیم ساخته است.

الف: انضمام سرزمینهای اعراب و تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین

۴۴ــ شواهد، و منجمله مدرك موجود در نزد کمیته ویژه در رابطـه با انضمام سرزمینـها و تـأسیس آبـادیها، اظهارات موجـود، پیـرامون سیاست انضمام و تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین درسرزمینهای اشغالی ازسوی اسرائیل، به‌منظور از بین بردن تمام امکانات استـرداد مالکیت قانونی اعراب رامورد تأیید قرار می‌دهد. به‌نظر کمیته ویژه، نشانه انضمام، در رابطه بـا بعضی مناطق مثل بیت‌المقدس قوی‌تر است. در حالی که در بعضی مناطق دیگر که در اثر جنگهای شش روزه ۱۹۶۷ به‌اشغال درآمده، شواهد حاکی از این است که دولت اسرائیل دست به‌اعمالی می‌زند که نوعی تجاوز به‌حقوق بشر بشمار می‌آید.

۴۵ــ فرق بین انضمام سرزمین مفتوحه، و اشغال سرزمین در دوران جنگ، درمتن زیر در تفسیری که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از چهارمین توافق‌نامه ژنو، منتشر شده آمده است:

همانطورکه در تفسیر ماده چهار تأکید گردید، اشغال سرزمین در دوران جنگ لزوماً یک وضع موقت و دو فاکتو دارد، و براساس آن قدرت تحت‌اشغال را از داشتن حق حکومت و حاکمیت در آن سرزمین محروم نمی‌کند، و قدرت تحت اشغال تنها با مداخله قدرت، حقوق خودش را در آن سرزمین اعمال می‌کند. این چیزی است که

اشغال را از انضمام، که درآن قدرت اشغالگر تمام و یا بخشی از سرزمین اشغال شده را گرفته و به‌قلمرو خودش الحاق می‌کند، مشخص و متمایز می‌سازد. در نتیجه، اشغال ناشی از جنگ، گرچه به‌ظاهر نشان دهندهٔ مالکیت واقعی است، اما نمی‌تواند هیچ‌گونه حقی رابرای‌دولت اشغالگر به‌منظور مصرف،فروش یا واگذاری‌سرزمین مزبور، فراهم آورد. بنابراین مادامی که تخاصمات ادامه دارد،قدرت اشغالگر، حتی در صورتی که تمام سرزمین را به‌اشغال خود درآورد، نمی‌تواند سرزمین مربوطه‌را به‌خاك خود ضمیمه کند. تنها از طریق یک معاهده صلح می‌توان چنین تصمیمی را اتخاذ کرد. این یک قانون شناخته شده جهانی است، که‌بوسیله هیأتهای منصفه امضا شده، و مورد تأیید قوانین متعدد دادگاههای بین‌المللی و ملی قرار گرفته است.

. . . .

از ملاحظات بالا یک اصل اساسی مشتق می‌شود: و آن این است که یک قدرت اشغالگر حتی به‌هنگامی که برخلاف قوانین حقوق بین‌المللی، ادعا می‌کند که در طی یک برخورد تمام یا بخشی از یک سرزمین اشغال شده را ضمیمه خاك خود کرده، به‌طورکلی موظف است که توافق فوق‌الذکر را به‌مرحله اجرا بگذارد...

٤٦— کمیته ویژه اعتبار این پیشنهاد را مورد تأکید و تصدیق مجدد قرار می‌دهد. بعلاوه، کمیته ویژه، بار دیگر تکرار می‌کند که هرگونه کوششی از جانب دولت اسرائیل برای در پیش گرفتن یک سیاست انضمام و اسکان آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی، انکار حقوق انسانی اساسی ساکنان محلی، بخصوص حق خود گردانی و حق اعاده وطن آنها، و رد معیارهای پذیرفته شده و مسلم حقوق بین‌المللی از سوی دولت اسرائیل، بحساب می‌آید.

٤٧— حقایق زیر نشانگر تأیید این مسأله است که هدف سیاست دولت اسرائیل انضمام و اسکان سرزمینهای اشغالی می‌باشد:

الف: وجود یک «کمیته وزارتی برای ساختن آبادیها در

سرزمینهای اشغالی» در دولت اسرائیل.

ب: بیان اظهاراتی حاکی از این مسأله (انضمام و اسکان سرزمین– م.) از سوی وزرا و رهبران اسرائیلی.

ج: یک یادداشت در ۸ ژوئیه ۱۹۷۱ توسط آقای روحی الخطیب، شهردار بیت‌المقدس در دوران جنگ ۱۹۶۷، به کمیته ویژه تسلیم گردید که حقایق آن براساس مدارك دیگر تأیید می‌گردد.

د: وجود گزارشات متناقض، در رسانه های اطلاعاتی اسرائیل، در مورد تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی.

ه: بیانات موجود در چندین نامه ارسالی توسط دولتهای اردن و سوریه، در رابطه با اقدامات دولت اسرائیل در تجاوز به‌حقوق انسانی اشخاص ساکن در سرزمینهای اشغالی.

و: در میان نبودن هیچ گونه تلاش جدی برای بازگرداندن پناهندگان به‌خانه هایشان در سرزمینهای اشغالی.

ز: اخراج دسته‌جمعی و تبعید مداوم افراد از سرزمینهای اشغالی.

ح: انتقال مداوم جمعیت سرزمینهای اشغالی به‌دیگر مناطق این سرزمینها.

۴۸– اکنون، کمیته ویژه هریک از موارد ذکر شده را باآوردن مدرك مورد بررسی قرار خواهد داد.

الف: وجود یك کمیته وزارتی برای ساختن آبادیها در سرزمینهای اشغالی در دولت اسرائیل

به‌نوشتهٔ جرزالم‌پست در سوم ژانویه ۱۹۷۱، رئیس این کمیته وزارتی، آقای «اسرائیل جلیلی» وزیر مشاور می‌باشد. از نظر کمیته ویژه،

وجود یک‌چنین کمیته‌ای به رهبری شخصی از مقامات وزارتی، بدون شک نشاندهنده سیاست دولت برای اسکان سرزمینهای اشغال شدهٔ ناشی از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ می‌باشد.

ب: بیانات وزرا و رهبران اسرائیل

در حالی که افراد عادی، که هیچ گونه مقام رسمی در دولت اسرائیل ندارند، این اظهارات را بیان کرده‌اند، بعضی از این بیانات نیز، حتی به هنگامی که توسط وزرا و رهبران اسرائیل اظهار می‌شود، حاکی از افکار شخصی است. از طرف دیگر، کلیت این بیانات، تکرار پی در پی آنان و اقدامات گوناگون متخذه از سوی دولت اسرائیل، از جمله تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین، از نظر کمیته ویژه تأیید کننده این است که بیانات‌مذکور انعکاس دقیق سیاست‌رسمی‌اسرائیل می‌باشد.

بیاناتی که از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشد در زیر آمده است:

۱— زائوشارف وزیر مسکن، در ۱۸ فوریه ۱۹۷۱، طی سخنانی که در تلویزیون پخش‌گردید، و در روزنامه واشنگتن‌پست در ۱۹ فوریه ۱۹۷۱ گزارش شد، اظهار داشت که دولت اسرائیل در مقابل فشارهای بین‌المللی برای متوقف کردن طرحهای توسعه خانه‌سازی در امتداد خط آتش‌بس در بیت‌المقدس، سرفرود نخواهد آورد. در همان گزارش از قول‌وزیر گفته شد که، این طرحهای توسعه خانه‌سازی در روی سرزمینهای مصادره شده ساخته خواهد شد.

۲— اظهارات سخنگوی صندوق ملی یهود، که در شماره آوریل ۱۹۷۱ در جرزالم‌پست گزارش شد. برطبق اظهارات وی «صندوق ملی یهود» در عرض دو سال گذشته در حال خرید زمین در سرزمینهای اشغالی بوده است. مناطق ذکر شده شامل نبی‌ساموئل، بیت‌المقدس

و بلوک تزیون می‌شود.

۳ــ بیانات وزیر سابق حمل ونقل، و عزروایزمن رئیس کنونی هیأت اجرائی هیروت، در یک مصاحبه تلویزیونی، که در شماره ۲۱ مارس ۱۹۷۱ روزنامه جرزالم‌پست به‌طور خلاصه گزارش شد، حاکی از این است که، «رود اردن بهترین مرز شرقی اسرائیل بحساب خواهد آمد، جودیه و سامریه (کرانه باختری) باید تحت کنترل اسرائیل باقی بماند، شرم‌الشیخ برای حفاظت هوایی اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، و هرکسی که شمال صحرای سینا را کنترل کند... امنیت اسرائیل را تحت کنترل خود در می‌آورد.»

٤ــ موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل، طی بیاناتی که در ۷ ژانویه ۱۹۷۱ در جرزالم‌پست منتشر شد، خطاب به دانشجویان دانشگاه حیفا وتکنیون، گفت:

ما قادر هستیم تعداد ۲۰۰،۰۰۰ پناهنده را در غزه به‌شهروندان مستعد تبدیل نماییم. باید آبادیهای یهودی‌نشین در نوار غزه تأسیس کنیم. توده‌های شن را تبدیل به‌زمین زراعی حاصلخیز کرده، آنها را در اقتصاد خودمان جذب نموده وبه‌آوارگان شغل، خدمات بهداشتی، و خدمات آموزشی بدهیم. شهروندی اسرائیلی را نیز به‌تمام کسانی که مایل هستند، باید اعطا نماییم.

۵ــ در ۱۹ اوت ۱۹۷۱، موشه‌دایان وزیر دفاع طی بیاناتی (به‌عنوان نظرات شخصی خود)، که در ۲۰ اوت ۱۹۷۱ در جرزالم‌پست منتشر شد، خواهان «تأکید بروی اقدامات یکجانبه و سریع در سرزمینهای اشغالی شد.» طبق گزارش جرزالم‌پست، دایان گفته است که «ما باید به‌نقش خودمان در سرزمینهای تحت اداره به‌عنوان یک دولت پابرجا توجه نماییم، تا برای روز صلح، که ممکن است فاصله زیادی تا آن موقع وجود داشته باشد، کار انجام نشده‌ای باقی

نگذاشته باشیم.» در ۲۷ اوت ۱۹۷۱، جرزالم‌پست یک مصاحبه با موشه‌دایان چاپ کرد که در آن وی تلاش کرد تا در مورد اشارات قبلی خودش که در بالا آمده توضیح بدهد. در این مصاحبه آقای دایان اظهار داشت که: «پس از ترتیب امور، ما در اغلب مناطق، مثل بلندیهای جولان، و کرانه باختری، باقی خواهیم ماند.» دایان از اسرائیلیها خواست تا «بیشترین تلاش خود را اختصاص به‌این مناطق بدهند.» آقای دایان در اشاره به‌مسألهٔ پناهندگان در نوار غزه گفت:

> آنچه که ما می‌توانیم و باید انجام بدهیم، و در حال حاضر نیز در نوارغزه مشغول انجام آن هستیم، حل مسأله «موقعیت انسانی» پناهندگان است...
>
> وقتی آنها کار می‌کنند ومزد می‌گیرند، سطح زندگی آنها بالا خواهد رفت. سبک سکونت آنها می‌بایستی تغییر کند، تا فقط بتوانند در محله‌هایی که مناسب انسان است زندگی کنند. در حال حاضر، ما نمی‌توانیم موقعیت قانونی پندهندگان را تغییر بدهیم... اما می‌توانیم و باید تغییراتی در موقعیت انسانی آنها بوجود آوریم، یعنی نشانه «پناهندگی» را از آنان رفع کنیم — و نشانه زندگی در شرایط حقیرانه را ازبین ببریم... این چیزی است که ما می‌توانیم تغییر بدهیم —انسانیت اقتضا می‌کند که موقعیت پناهندگی آنان را از بین برده و آنها را به‌مردم فعال تبدیل نماییم.
>
> . . . .
>
> من انضمام آنها را پیشنهاد نمی‌کنم، و نظرم این نیست که وضع شهروندی (تابعیت) ساکنان کرانه باختری و نوار غزه را تغییر بدهیم. اینها موارد قانونی هستند. چیزی که من از آن سخن می‌گویم محتوی زندگی آنهاست، و نه وضع قانونی آنها. آنچه من پیشنهاد می‌کنم این است که حداکثر تلاش خودمان را انجام بدهیم، و من خیلی خوشحالم که آنها نیز یک چنین آرزویی دارند.
>
> آنها حاضرند از اردوگاهها بیرون بیایند و کار کنند، و مثل انسانها زندگی نمایند. بگذارید این کار را انجام بدهیم، و درباره اسناد،

پاسپورتها و کارتهای پناهندگی آنان نگرانی نداشته باشیم.

. . . .

من دلیلی برای اخراج ساکنان عرب هبرون نمی‌بینم، به همان ترتیب که نمی‌توانم تصور کنم که یهودیان از استقرار دائم درمناطق مختلف کرانه باختری محروم گردند.

. . . .

اما تا زمانی که یک توافق صلح‌آمیز بوجود آید، من فکر می کنم که یک «اقدام نهایی» باید انجام بگیرد.

. . . .

فکر نمی کنم آن مسأله بتواند اساس گفتگوها قرار بگیرد. من فکر نمی کنم که باید تصمیم‌گیری درباره آینده مناطق بین رود اردن، کوهستانها و اسرائیل کوچک را به‌آنها واگذار کنیم.

. . . .

اما گذشته از آن، در محیط زندگی روزمره، من طرفدار انجام سخت‌ترین تلاش ممکن برای رسیدن به‌مذاکره با آنان و دادن خود-مختاری تا حد ممکن، در سطح زندگی اجتماعی، در امور آموزشی و... و زندگی مشترک خودمان به‌آنها می‌باشم.

۶ــ روزنامه جرزالم پست درسوم دسامبر ۱۹۷۰ گزارش داد که «ایگال‌آلون» معاون نخست‌وزیر در ۲ دسامبر ۱۹۷۰، در جریان بحث در مورد «تأسیس حومه‌های یهودی در شهرها» در سرزمینهای اشغالی در کنست (پارلمان اسرائیل—م.) ،با تأسیس چنین حومه هایی به‌علل سیاسی و دلایل دیگر مخالفت کرد. به‌گزارش روزنامه مزبور، آلون اظهار داشت که دولت اسرائیل «یک سیاست واقع‌گرایانه براساس امکانات سیاسی خاورمیانه و امکانات سیاسی بین‌المللی» در پیش گرفته است. بنابه‌همین گزارش وی گفت: «دولت قبلا تصمیم گرفته است تا چهارآبادی‌شبه نظامی (ناهال) دیگر و یک آبادی نیمه شهری، به روی ۱۱،٤۰۰ هکتار زمین توقیف شده در بیت‌المقدس شرقی و نواحی جنوبی، به‌منظور تأسیس‌مناطق مسکونی برای یهودیان واعراب

بسازد، و نیز یک محله یهودی در هبرون تأسیس کند. در جریان مباحثه به‌آن «اصول اساسی» که توسط حزب کارگر، حزب مذهبی ملی و گمال، امضا شده، نیزاشاره گردید. بنابه گفته مناخیم بگین، که موضوع بحث‌راارائه‌داده بود این«اصول اساسی» خواستار «افزایش آبادیهای دائمی—چه روستایی و چه‌شهری —به‌روی خاك وطن» می‌باشد. به‌گزارش جرزالم پست، آقای‌آلن وزیر مشاور با مراجعه به‌اشارات بگین در مورد «حقوق تاریخی‌نسبت به‌سرزمین اسرائیل» اظهار داشت که: این امر اساس معنوی رنسانس دولت یهود می‌باشد، اما «مطلقهای تاریخی و دینی نمی‌تواند به‌سیاست پاسخ بگوید. نقشه آینده اسرائیل در چهارچوب یک پیمان صلح، باید براساس حقوق تاریخی به‌عنوان پایه‌های معنوی، مرزهای قابل دفاع به‌عنوان پایه‌های امنیتی، و یک دولت یهودی دمکراتیک به‌عنوان پایه‌های ملی و اجتماعی بنیان نهاده شود.»

این گزارش اشاره بیشتری به‌اظهارات آقای‌بگین درطی این مباحثه می‌کند. گزارش مزبور می‌گوید:

«آقای بگین، که طرح خود را معرفی می‌کرد، گفت: تجربه ثابت کرده است که دلیلی ندارد که یهود و عرب نتوانند با یکدیگر زندگی، کار و تجارت کنند، و بچه‌های خودشان را به‌یک مدرسه بفرستند. وی اظهار داشت که این مسأله به‌نفع ایجاد صلح، امنیت، وتفاهم بین مردم می‌باشد. هیچ یک ازمردم تاریخ همانندااسرائیلیها اینقدر به‌خاطر سرزمین خودشان رنج نبرده‌اند. وی گفت که اخیراً مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد یک «تصمیم چرند و بی‌معنی» گرفته است که در آن گویا گفته شده که اسرائیل کسی (اعراب فلسطینی) را از داشتن حق خود گردانی محروم کرده است. اسرائیل تنها به‌روی همین یک سرزمین دارای حق است. درحالی که اعراب چهارده کشور مستقل دارند ما سرزمین اسرائیل را آزاد کردیم، و دلیلی ندارد که یهودیان نتوانند در جریکو، هبرون، بیت‌اللحم،

شیشم، طولکرم ورام‌الله، زندگی نمایند.

در بطن مشکل خاورمیانه، «دکترین وطن» وجود دارد که دولت اسرائیل آن را اعلام کرده و از سوی اوپوزیسیون (مخالفین) تحت حمایت قرار گرفته. برطبق این دکترین، حتی قطعنامه سازمان ملل در مورد تقسیم فلسطین، و ایجاد دولت اسرائیل، چیزی را که یهودیان آن را به‌عنوان کشور خودشان قلمداد می‌کردند، برای آنان بازنیاورد. کشور اسرائیلی که بوسیله سازمان‌ملل بوجود آمد، از نظر قلمرو سرزمینی درطی زمان توسعه یافته است. به‌گفته دولت اسرائیل، این توسعه به‌خاطر ملاحظات امنیتی صورت گرفته است. کمیته ویژه، سازش و تطبیق این ادعا را با اظهارات رهبران اسرائیل، که می‌گویند به‌آنچه که به‌عنوان مرزهای باستانی سرزمین اسرائیل قلمداد می‌شود، ایمان دارند، یک مسأله مشکل می‌داند. حقوق بین‌المللی و یا حتی عرف بین‌الملل می‌تواند پوچی و بی‌فایدگی یک چنین عقیده‌ای را ثابت کند.

در هر صورت، کمیته ویژه قادر نیست تا به‌دلایل امنیتی، کاهش جمعیت سرزمینهای اشغالی و محروم کردن، صدها هزار نفر ازوطن اجدادی‌شان را، به‌این بهانه که می‌توانند در خاك ۱۲ کشور عرب دیگر پذیرفته شوند، قبول کند.

با توجه به‌سیاست اعلام شده دولت اسرائیل، که به‌طور ضمنی توسط رهبران اسرائیل بیان شده، کمیتهٔ ویژه شکی ندارد که سیاست انضمام وساختن آبادیهای یهودی، ناشی از ملاحظاتی می‌باشد، که با امنیت ملی مغایر است. اما هیچ یک از ملاحظات فوق نمی‌تواند کوچکترین تأییدی برای اقدامات مخالف با شرایط چهارمین توافق‌نامه ژنو، فراهم آورد.

هدف موشه‌دایان وزیر دفاع، در مورد تبدیل تپه‌های شنی به

زمینهای حاصلخیز، و ایجاد شغل، خدمات بهداشتی، و آموزشی،چنانکه در بند شماره ٤ بالا نقل شد، اگر مطابق شرایط چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌بود، یک سیاست قابل تحسین، و مقبول بحساب می‌آمد. حتی بهترین سیاستها، اگر غیرعادلانه بنا شود، و تملک اجباری سرزمین و مصادره اموال را بوسیله یک دولت اشغالگر فاتح، باعث گردد، نمی‌تواند تضمینی دربر داشته باشد. همین نظر در مورد اظهارات آقای دایان نیز که در بند ٥ —درصفحات قبل— نقل شد، مصداق پیدا می‌کند.

ج: آقای روحی‌الخطیب شهردار بیت‌المقدس در دوران تخاصمات ژوئن ۱۹۶۷، یك یادداشت به‌کمیتهٔ ویژه ارائه داد

آقای خطیب عقیده دارد که هنوز عهده‌دار واقعی پست‌شهرداری است. این یادداشت دربردارندهٔ اظهارات بیشتری در رابطه با تجاوز به‌حقوق بشر در بیت‌المقدس است، که در دوره بین ۱۲ آوریل ۱۹۷۰ و ۳۰ ژوئن ۱۹۷۱ انجام شده است. یادداشت فوق، تخلفات مذکور را به‌شرح زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱ـ اخراج اعراب از بیت‌المقدس (اشغال شده)

این یادداشت،اظهارات «تدی کولک»شهردار کنونی بیت‌المقدس را که در رادیو اسرائیل اعلام شد، و روزنامه جرزالم‌پست در ۱۷ مه ۱۹۷۱ آن را گزارش داد، نقل می‌کند. برطبق این اظهارات ...،٤ عرب از سال ۱۹٦۷ خانه‌هایشان را در بیت‌المقدس ترک کرده‌اند. یادداشت مزبور از قول منابع عرب در بیت‌المقدس فاش می‌کند، که حدود ۷۰ درصد این اشخاص سال گذشته از خانه‌هایشان بیرون

انداخته شدند. ... ۲ نفر از دهکده نبی‌ساموئل، حومه عربی شمال بیت‌المقدس، نیز جزو آنان می‌باشند. یادداشت فوق می‌افزاید که وزیر دفاع فرمان ویران کردن ۲۰ خانه را، در ۲۲ مارس ۱۹۷۱، در «نبی‌ساموئل» صادر کرد. روزنامه «هاآرتز» در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱، نابودی ۱۰۴ خانه از این خانه‌ها را گزارش داد.

۲- تملک بیشتر زمینهای عربی در بیت المقدس (اشغال شده)

یادداشت روحی‌الخطیب، به‌نقل از «گازت» (روزنامه رسمی اسرائیل)، شماره ۱۶۵۶، ۳۰ اوت ۱۹۷۰، می‌گوید که: آقای «پینهاس‌ساپیر»، وزیر دارایی اسرائیل فرمان تملک زمینهای عربی در بیت‌المقدس و اطراف آن را صادر کرد. برطبق این یادداشت مساحت تمام منطقه زمینهای جدیدالمصادره براساس این فرمان، به ۱۱،۶۸۰ هکتار، معادل ۲،۹۲۰ جریب، می‌رسد. یادداشت، همچنین می‌گوید که این زمینها به‌بیش از ۱۰،۰۰۰ عرب، در ۷ دهکده اطراف بیت‌المقدس تعلق دارد که، برای کسب معاش خودشان، عمدتاً بردرآمد حاصله از کارشان در باغهای مرکبات این مناطق به‌زراعت به‌روی بعضی از این زمینها، متکی هستند. برطبق یادداشت، مردم مزبور، همانند ساکنان دهکده نبی‌ساموئل، که در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ خانه‌هایشان ویران شد، محکوم به‌ترک خانه‌هایشان می‌باشند.

۳- ادامه حفاریهای باستانشناسی غیرقانونی دراطراف دیوارهای مسجدالاقصی، تهدیدات بیشتری را متوجه جمعیت عربی شهر می‌کند

این یادداشت می‌گوید که «مسجد مدرسه عثمانی» در نزدیک

دیوار غـربی دربیت‌المقدس، دراثر حفاریهای زیر آن، توسط یک تیم باستانشناسی از وزارت مذهب اسرائیل، شکاف برداشته است. این حفاریها تاکنون از زیر زمین بیش از ۲۰ ساختمان بزرگ مذهبی، فرهنگی یا مسکونی عرب کـه ۳۰۰ نفرجمعیت دارد گذشته و به ۸۰ ساختمان دیگر که بیش از ۷۰۰ نفر را در خود اسکان می‌دهد،متصل است. یادداشت روحی‌الخطیب می‌گوید که این ساختمانها نیز در معرض خطر ویرانی قرار دارد وساکنان آنها نیز همانند ۴۰۰۰ نفری که بوسیله «تدی کولک» شهردار بیت‌المقدس، در ۱۷ مه ۱۹۷۱ از خانه‌هایشان بیرون انداخته شدند، در معرض خطر پراکندگی قرار دارند. به‌گفته یادداشت فوق، این اعمال ناقض قطعنامه ۱۰ اکتبر ۱۹۶۹ یونسکو، می‌باشد.

۴ـ طرح اساسی جدید بیت المقدس حقوق اعراب را مورد تهدید قرار می‌دهد.

یادداشت، به «طرح اساسی» جدید بیت‌المقدس اشاره می کند، که در دسامبر ۱۹۷۰ توسط «تدی کولک» شهردار بیت‌المقدس، اعلام شد. یادداشت، می‌افزاید که براساس این «طرح اساسی»،منطقه بیت‌المقدس به ۸برابر اندازه کنونی وسعت یافته وسه شهرعربی و ۲۳ دهکده عربی را، که‌رویهم رفته ۱۰۰،۰۰۰ عرب درآن ساکن هستند، دربر می‌گیرد.

۵ـ منازعه جدید برسر غرامت

یادداشت روحی‌الخطیب، به‌یک «اعلامیه اخیر» که در ۲۹ ژوئن ۱۹۷۱ ازسوی آقای شاپیرو، وزیر دادگستری اسرائیل، صادرشد

اشاره می کند. برطبق آن اعلامیه دولت اسرائیل تصمیم خود را برای دادن غرامت به‌اعراب بیت‌المقدس، که اموالشان بعد از ۱۹٤۸ مصادره شد، اعلام نمود. ازاین اعلامیه می‌توان پی‌برد که حقیقت مصادره اموال اعراب پذیرفته شده است. یادداشت‌فوق، به«فرمان حقوقی و اجرایی ۱۹٦۸» اشاره می کند. برطبق ماده ۵ آن قانون، اموال غیرقابل انتقال یهودیان، که دولت اردن بین سالهای ۱۹٤۸ و ۱۹٦۷ آنها را اداره‌می کرد، باید به صاحبان اصلی و یا وارثان آنها بازگردانده شود. یادداشت اشاره می کند، که‌قانون فوق‌اموال اعراب بیت‌المقدس را که برطبق «قانون شخص‌غایب» سال ۱۹۵۰ اسرائیل، مصادره شد، به صاحبان اصلی‌اش بازنمی‌گرداند، وبدین ترتیب شکلی از تبعیض نژادی را در اینجا اعمال می کند. این یادداشت به‌قطعنامه شماره ۱۹٤ ، مجمع عمومی در ۱۱ دسامبر ۱۹٤۸ اشاره می کند. این قطعنامه تعهدات مقامات اشغالگر نسبت به‌بازگشت به‌وطن خودشان و دادن غرامت، به‌جای ترك خانه، وواگذاری آنها را، معین می کند. این یادداشت می‌گوید که، سیاست غرامت حق انسانی اعراب بیت‌المقدس برای بازگشت به‌خانه‌هایشان، را مورد انکار قرار می‌دهد. این گزارش به «مزخرفترین تناقض» دراین سیاست اشاره می کند، زیرا از یك طرف دولت اسرائیل ادعای حق‌بازگشت به‌سرزمین اجداد ۲۰۰۰ سال پیش خود را می کند، و درهمین حال از طرف دیگر، پناهندگان عرب بیت‌المقدس‌را —که بخشی از پناهندگان عرب فلسطینی هستند —ازحق طبیعی‌آنها برای بازگشت به‌خانه‌های‌خودشان محروم می کند. گزارش مزبور می‌افزاید که «غرامت پیشنهاد شده تقریباً به‌یك‌سوم جمعیت اصلی، یعنی کسانی که درحال حاضر هم در بیت‌المقدس زندگی می کنند، محدود می‌شود، اما کسانی را که از خانه‌هایشان بیرون انداخته شدند، یاکسانی را که به‌دلایلی، درزمان

اشغال بخش بزرگی از بیت‌المقدس در ۱۹٤۸، در این شهر نبودند، شامل نمی‌شود.» گزارش مزبور اظهار می‌دارد: «از آنجایی که قانون غرامت در مورد کسانی که در طی تخاصمات ۱۹٦۷ از خانه‌هایشان بزور بیرون انداخته شدند، ویا کسانی که به‌علت دیدارهای موقت در خارج بیت‌المقدس غایب بودند، اعمال نمی‌شود، این چنین افرادی جزو افراد غایب بحساب می‌آیند. برطبق این یادداشت، تعداد اشخاصی که تحت‌پوشش قانون غرامت‌اسرائیل قرارنمی‌گیرند، به‌بیش‌از ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌رسد. بنابه‌اشاره این یادداشت، آقای «شاپیرو» در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۱، اظهار کرد که: «غرامت براساس ارزش این اموال در ۱۹٤۸، بعلاوه ۲۵ درصد اضافی، از طریق اقساط سالیانه در عرض ۲۰ سال از تاریخ وضع این قانون، به‌مالکان عرب پرداخت خواهد شد». یادداشت، توجه کمیته ویژه را به‌نتایج ممکن این قانون بطریق زیر جلب می‌کند:

۱ــ این قانون، بقیه اعراب بیت‌المقدس را به‌طور دائم تحت اجبار قرار می‌دهد، تا اموال مصادره شده خودشان بعد از ۱۹٤۸ را، از طریق به‌اصطلاح یک «معامله قانونی»، به‌اسرائیل بفروشند.

۲ــ این قانون، بعداً در حضور محافل بین‌المللی و افکار جهانی به‌عنوان سدرکی استفاده خواهد شد، تا بدان وسیله ثابت گردد که اعراب بیت‌المقدس باکمال میل اموال خود را به‌شهروندان اسرائیلی فروخته‌اند.

۳ــ مراحل قبلی، ممکن است به‌نحو وسیعی توسط مقامات اشغالگر منتشر شود، تا ادعای آنان را برای انضمام بیت‌المقدس و درنتیجه، اعلام بیت‌المقدس بـه‌عنوان پایتخت اسرائیل، تقویت کرده و موجه جلوه دهد.

٤ــ این قانون، حقوق بازگشت و غرامت اموال اعراب بیت‌المقدس را پایمال خواهد کرد.

٥ــ این قانون، به‌عنوان سابقه‌ای برای اعمال همان قوانین، درمورد بقیه سرزمینهای اشغالی در نظر گرفته خواهد شد.

٦ــ این قانون، به‌مسأله اسکان دادن جمعیت عربی بیت‌المقدس،

وسپس بقیه جمعیت عربی فلسطین در سرزمینهای اشغالی در گتوهای عربی، صورت قطعی خواهد داد.
۷— سرانجام، این قانون، مردم عربی بیت‌المقدس، مردم فلسطین و قضیه فلسطین را نابود خواهد کرد.

د: وجود گزارشات متناقض، در رسانه‌های اطلاعاتی اسرائیل، در مورد تاسیس آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اشغالی

در اینجا به‌یک نمونه از یک چنین گزارشاتی اشاره می‌شود:

۱— طرح اصلی برای ساختن واحدهای مسکونی در بیت‌المقدس اشغالی، که اوایل سال جاری اعلام گردید. این طرح نه‌تنها دربرگیرنده ساختن تقریباً ۲۱،۰۰۰ واحد در داخل سرزمین اشغالی است، بلکه این واحدها به‌روی زمین مصادره شده‌ای ساخته می‌شود که ۷٤ تا ۸۰ درصد آن متعلق به‌اعراب است.

اطلاعات درمورد واحدهای مسکونی را، «زیوشارف»، طی یک کنفرانس مطبوعاتی که درجرزالم پست شماره ۵ مارس ۱۹۷۱ گزارش شد، اعلام کرد. اطلاعات مربوط به‌زمینهای مصادره شده نیز در یک گزارش ازکنفرانس مطبوعاتی «تدی کولک »شهردار بیت‌المقدس در ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱ ذکر گردید. در این زمینه کمیته ویژه همچنین فرصت یافت فیلمی را بررسی کند که گویا اخیراً ازمنطقه بنای واحدهای مسکونی، برداشته شده است.

۲— به‌گزارش جرزالم‌پست شماره اول مارس ۱۹۷۱، طرح‌ساختن دوآبادی یهودی دیگر برای بلندیهای جولان درطی سال ۱۹۷۲، و یک آبادی دیگر در رفح، ریخته شده است.

۳— بنابه گزارشات منتشره در روزنامه جرزالم‌پست ۵ ژانویه ۱۹۷۱، اولین «موشاوشی توفی» (آبادی) در ٤ ژانویه ۱۹۷۱ در

صحرای سینا تأسیس شد. آبادی مزبور، نزدیک رفح بنا گردید.

٤– بنابه‌گزارش جرزالم پست، در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۱، قرار است ساختمانهای صنعتی در هبرون، در محله جدید یهودی که در دست بنا است، ساخته شود. بنا به‌اظهارات «پینهاس‌ساپیر»، وزیر دارایی، منطقه بنای این ساختمانها به ۱۰۵۰۰ متر مربع وسعت یافته است. برطبق یک گزارش دیگر، وزیر دارایی اظهار داشت که این مقدار تنها برای مرحلهٔ اول است و هنگامی که بخشی ازاین ساختمانها مسکونی بشود، ساختن ساختمانهای اضافی، که کلا به ٤۰۰۰ متر مربع می‌رسد، آغاز می‌گردد.

٥– در ۳ دسامبر ۱۹۷۰، اعلام شد که یک آبادی در «کفرداروم»، در نوار غزه تجدید بناشده است. برطبق این گزارش آبادی مذکور که قبل از۱۹٤۸ وجود داشته، در طی جنگ ۱۹٤۸ بوسیله ارتش مصر خراب شده بود.

٦– برطبق گزارش روزنامه «جرزالم‌پست» شماره ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱، اولین آبادی غیرنظامی دائمی یهود در هبرون افتتاح گردید. گزارش مزبور همچنین می‌گوید که اولین خانواده‌ها که تعدادشان به ۵۰ خانواده می‌رسد، درآغاز سپتامبر ۱۹۷۱ به‌آنجا نقل‌مکان خواهند کرد. برطبق این گزارش، در حال حاضر آنها در محله‌های موقتی زمینهای ساختمانهای دولت نظامی، ساکن هستند. کمیتهٔ ویژه، به عنوان مدرك و شاهد این مسأله، یک فیلم را مورد بازبینی قرارداده‌است.

۷– برطبق گزارش منتشره در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ روزنامه جرزالم‌پست، «ایگال‌آلون» فاش کرد که دولت اسرائیل تصمیم به تأسیس ٥ آبادی یهودی‌نشین دیگر، درسرزمینهای اشغالی گرفته است.

ه: بیانات موجود در چندین نامه ارسالی توسط دولتهای اردن و سوریه، در رابطه با اقدامات دولت اسرائیل در تجاوز به‌حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی

این بیانات در اسناد شماره اس/۹۹۶۹، اس۱۰۱۲۳، اس/۱۰۱۳۰، اس/۱۰۱۳۹، اس/۱۹۱۹٤، و اس/۱۰۱٦۹ آمده است. دولت اسرائیل به‌بعضی از اظهارات موجود در نامه‌ها که به‌عنوان اسناد شماره اس/۱۰۱۳۸، اس/۱۰۱۲٤، و اس/۱۰۱٤٦ منتشرشد، پاسخ داد و سعی کرد که آنها را رد کند. از آنجا که رویه دولت اسرائیل براظهارات دولت اردن، متکی براین ادعاست که بیت‌المقدس اشغالی به‌اسرائیل ضمیمه شده، و از آنجا که شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل این ادعا را رد کرده‌اند، کمیته ویژه احساس می‌کند که رویه فوق عاری از اهمیت و استحکام می‌باشد.

تعدادی از نامه‌ها نیز به مسألهٔ ساختن آبادیها در بلندیهای جولان مربوط می‌شود. این نامه‌ها در اسناد شماره، اس/۱۰۲۱۳ و اس/۱۰۳۰۰ آمده است. نامه به‌عنوان سند شماره اس/۱۰۲۱۳ منتشر شد، تا مایه ارتباطات بیشتر اسرائیل و سوریه با مجمع عمومی شود. نامه‌های سوریه در اسناد شماره اس/۱۰۲۲٤ و اس/۱۰۲۳٤ و اس/۱۰۲۳۸ منتشر شده است. نامه‌های اسرائیل نیز در اسناد شماره اس/۱۰۲۲۰ ،اس/۱۰۲۲۸ و اس/۱۰۲۳٤ آمده است. کمیته ویژه مدارك قابل ملاحظه‌ای دارد که نشان می‌دهد اخراج جمعیت غیر-نظامی به‌میزان زیادی در دوره بعد از تخاصمات ۱۹٦۷، صورت گرفته است، هرچند که جریان مزبور حتی در طی تخاصمات شروع شده بود. کمیتهٔ ویژه بـه‌این جنبه از تجاوز به حقوق بشر اهالی غیرنظامی

بلندیهای جولان، در اولین گزارشش به‌مجمع عمومی (الف/۸۰۸۹) اشاره کرد. کمیته ویژه از اظهارات رهبران اسرائیل مبنی براینکه بلندی جولان به‌اسرائیل ضمیمه خواهد شد، مطلع است.

این کمیته همچنین مدارکی در اختیار دارد، که نشان می‌دهد در منطقه بلندیهای جولان (نگاه کنید به‌پاراگراف شماره ٤٨ بند الف و ب در صفحات قبل)، یا در مجاور دهکده‌هایی که (ساکنان آن) طی تخاصمات و یا بعد از آن بزور بیرون انداخته شده بودند، آبادیهایی تأسیس شده است. کمیتهٔ ویژه این را نقض حق‌بازگشت کسانی می‌داند که قبل، همزمان و بعد از تخاصمات ژوئن ١٩٦٧ از منطقه فرار کرده بودند. بدون توجه به‌وجود هرگونه توافق سیاسی چه در حال حاضر یا در آینده، مردمی که خانه‌هایشان دربلندیهای جولان قرار دارد، دارای یک حق فوری و بلامنازع برای بازگشت به‌خانه‌هایشان می‌باشند.

و: در بین نبودن هیچ‌گونه تلاش جدی برای بازگرداندن پناهندگان به خانه‌هایشان در سرزمینهای اشغالی

براساس شهادت چند شاهد در ١٩٧٠ در دمشق، که بزور از خانه‌هایشان اخراج شدند، و براساس گزارش کمیته بین‌المللی‌صلیب‌ـ سرخ در مورد فعالیتهایش در خاورمیانه (از ژوئن ١٩٦٧ تا ژوئن ١٩٧٠) که در مجله بین‌المللی صلیب‌سرخ در اوت و سپتامبر ١٩٧٠، شماره‌های ١١٣ و ١١٤ منتشر گردید، کمیته ویژه به‌این نتیجه رسیده است که هیچ تلاش جدی ازطرف مقامات اسرائیلی، برای بازگرداندن غیرنظامیانی که خانه‌هایشان در بلندیهای جولان قرار دارد، بعمل

نیامده، و مطمئناً سیاستی نیز در آن جهت بچشم نمی‌خورد. بیانات مطبوعاتی بعدی کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ نشان می‌دهد که، به‌جز تلاشهای پراکنده از خلال طرحهای بازگشت اعراب که برای بهم‌پیوستن خانواده‌ها ریخته شد، و طرحهایی که به‌جز چند نفرکس دیگری را دربر نمی‌گرفت، از ژوئن ۱۹٦۷ هیچ‌گونه بازگشتی به‌میزان مهم وجود نداشته است، تا بتوان به‌این نتیجه رسید که دولت‌اسرائیل در شناسایی حق انسانی پناهندگان برای بازگشت به‌خانه‌هایشان، اقدامی بعمل آورده است.

ز: اخراج دستجمعی و تبعید مداوم افراد از سرزمینهای‌اشغالی

کمیته ویژه با تأیید نتایج اولین گزارش خودش (به‌شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۷٥ تا ۷۷)، اظهار می‌دارد که در چندین مورد، بویژه در بلندیهای جولان و منطقه لاترون (درکرانه باختری)، تمام جمعیت دهکده توسط نیروهای اسرائیل بزور از خانه‌هایشان اخراج شده و تاکنون اجازه بازگشت به‌خانه‌های خود را نیافته‌اند. کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که اظهارات دولت اردن در نامه‌ای که به‌عنوان اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل منتشر گردید، توسط دولت اسرائیل مورد تکذیب قرارنگرفته‌است،(نگاه کنید به‌پاراگرافهای ٤۹ تا ٥۱ درصفحات قبل).

ح: انتقال مداوم جمعیت سرزمینهای اشغالی به‌دیگر مناطق این سرزمینها

یک چنین انتقالاتی در مورد چندین دهکده، که در سال۱۹٦۷

به‌طور سیستماتیک ویران گردید، رخ داده است. جمعیت این دهکده‌ها یا اخراج گردیدند و یا مجبور شدند تا در جای دیگری در سرزمینهای اشغالی زندگی کنند. همان عمل بعداً در بیت‌المقدس اشغال شده بوقوع پیوسته است. برطبق گزارش جرزالم‌پست در ۱۷ مه ۱۹۷۱، آقای تدی کولک شهردار اسرائیلی بیت‌المقدس گفت که: ۴۰۰۰ عرب از بیت‌المقدس بیرون انداخته شده‌اند. به‌همین ترتیب برطبق گزارشات مندرج در چند روزنامه و نامه‌های رسیده توسط دولتها، در غزه نیز چندین هزار نفر از سه اردوگاه مهم بی‌خانمان شده‌اند. منابع رسمی اسرائیلی اظهار داشته‌اند که این انتقالات جمعیت به‌خاطر اقدامات‌جدید امنیتی، مثل بنای جاده‌های عریض‌تر درداخل اردوگاهها برای بوجود آوردن تسهیلات درپاسداری ازآنها، وحفظ قانون ونظم دراردوگاهها، ضروری تشخیص داده شده است. اغلب اشخاصی که محل پناهندگی آنها برای ساختن‌این جاده‌ها ویران شده، ناچار شدند به کرانه باختری والعریش بروند و به‌عده کمی‌نیز گفته شده است تا به خانواده‌های دیگر در غزه پناه ببرند.

کمیتهٔ ویژه، انتقالات مزبور را بدون مجوز قلمداد می کند و حتی اگر ساختن جاده‌های جدید برای حفظ قانون و نظم ضروری بحساب آید، انتقال خودسرانه جمعیت غیرضروری، بیمورد، وناقض چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌باشد.

ب: تبعید (فلسطینیها)

۴۹— اظهارات موجود درباره تبعید افراد ازسرزمینهای اشغالی‌در نامه‌های دولت اردن، که در اسناد شماره اس/ ۹۸۶۸، اس/۹۸۸۰، اس/۹۹۰۴، اس/۹۹۱۹، اس/۱۰۰۷۳، اس/۱۰۰۷۴، اس/۱۰۱۶۵

و اس/ ۱۰۲۰۳ منتشر شده، آمده است. برطبق این نامه‌ها، اخراج اجباری افراد، به‌دنبال بازداشت و بدرفتاری خودسرانه صورت گرفته است. دولت اسرائیل تنها به‌این اظهارات در سند شماره اس/۹۸۷۹ جواب داد. این سند به‌اظهارات دولت اردن در سند شماره اس/ ۹۸۶۸ اشاره می‌نماید. اما، ازنظر کمیتهٔ ویژه اظهارات مزبور را رد نمی‌کند. دولت اسرائیل تنها اظهار می‌دارد که «نامه‌هایی چون نامه نماینده دائمی اردن، به‌طور وضوح، به‌منظور رفع مسؤولیت سنگین خونریزی و ضرر مداوم از جانب هردو طرف (اردن اسرائیل)، طرح‌ریزی شده است. کمیتهٔ ویژه اشخاصی را که در اسناد شورای امنیت نامشان ذکر شده، از نزدیک مشاهده کرد و آنها اظهار داشتند که از سرزمینهای خود تبعید گردیده‌اند. کمیتهٔ ویژه نامه‌هایی از صلیب سرخ بین‌المللی به رئیس «جامعه هلال‌احمر» اردن در اختیار داشت که، در آنها گفته شده بود: «صلیب‌سرخ بین‌المللی عمیقاً از مسأله (اخراج غیرنظامیان از کرانه باختری) اظهار تأسف می‌کند.» و «نمایندگان صلیب‌سرخ در کرانه باختری در عرض سه سال آخر (سه سالی که تا نوامبر ۱۹۷۰ پایان می‌یابد)، ضمن مداخلات زیاد در این مورد به‌اخراج ساکنان اعتراض نموده و (گاهی) نیز مانع اخراج بعضی افراد شده‌اند.» در دنباله نامه آمده است که: «می‌توانم به‌شما اطمینان بدهم که آنها به‌طور مصرانه به‌مداخله به‌نفع اشخاص اخراج شده، ادامه خواهند داد. برای کمیته ویژه جای هیچ شکی باقی نمانده است، که تعداد زیادی توسط مقامات اسرائیلی، بتدریج از سرزمینهای اشغالی بزور تبعید شده‌اند.»

حقیقت تبعید برای کمیته ویژه همچون روز روشن است و در این زمینه‌جای شکی ازنظر این کمیته وجود ندارد، و تکرار این عمل‌اززمان برخوردهای ژوئن ۱۹۶۷ (جنگ شش‌روزه— م.)، کمیته ویژه را به‌این

باور معتقد می‌سازد که این مسأله بخشی‌از سیاست دولت‌اسرائیل می‌باشد. دولت اسرائیل‌تفسیری در مورد تبعیدهای افراد برطبق نامه‌های دولت اردن نکرده است، و به‌همان‌اظهارات‌مندرج درسند اس /۹۸۷۹ که در اول همین پاراگراف توضیح داده شده اشاره نموده است.

۵۰- اعضای دولت اسرائیل و رهبری اسرائیل، برخلاف سیاست انضمام زمینهای اعراب، که آشکارا آن را قبول کرده و اعلام داشته‌اند، تبعید ساکنان عرب را قبول نداشته و در مورد آن اظهار نظر نمی‌کنند. اظهارات شفاهی شاهدان در حضور کمیته ویژه، باتوجه به‌این حقیقت مسلم که تعداد عمده‌ای از افراد تبعید شده‌اند، بروشنی وجود سیاست تبعید از جانب دولت اسرائیل را نشان می‌دهد. اگرچه در توجیه این تبعیدها، دولت اسرائیل مقررات دفاعی (اضطراری) سال ۱۹۴۵ را که به‌سرزمینهای اشغالی گسترش یافته، پیش می‌کشد، اما یک چنین تبعیدهایی ناقض مفاد ماده ۴۹ چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌باشد. کمیتهٔ ویژه قبلا در مورد این مقررات در اولین گزارش خود (شماره‌الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۵۷ تا ۶۰) اظهار عقیده کرده و به‌همان امر، یعنی تناقض مقررات مزبور با چهارمین توافق‌نامه ژنو، هنوز هم معتقد است.

۵۱- در مورد مسأله تبعید، کمیتهٔ ویژه همچنین تصمیم‌دیوان‌عالی (تمیز) اسرائیل را، که به‌عنوان دادگاه عالی عدالت در مورد دعوی «عزمی ابراهیم مرار» برضد وزیر دفاع تشکیل جلسه داده بود، مورد توجه قرار می‌دهد. مرار، طی عرضهٔ یک دادخواست به‌دادگاه عالی عدالت، خواستار احضاریه وزیر دفاع گردید تا نشان بدهد که به‌چه علت وی تصمیم خود در مورد تبعید شاکیان از کشور را ملغی نکرده است. شاکیان برطبق ماده ۳ مقررات (اضطراری)دفاعی‌سال ۱۹۴۵، که می‌گوید «یک فرمانده نظامی، حسب‌الامر می‌تواند

دستور بازداشت هر شخصی را صادر نماید»، برای مدت زیادی بازداشت شده بودند. بعداً وزیر دفاع، به‌موجب اختیاراتی که برطبق ماده ۱۱۲ مقررات اضطراری به‌وی محول شده، فرمان تبعید او را صادر نمود. ماده ۱۱۲ می‌گوید که «وزیر دفاع باید برای تبعید هر شخصی ازاسرائیل قدرت صدور دستور داشته باشد. شخصی که دستور تبعید در مورد او صادر شده، می‌بایستی مادامی که دستور فوق به‌قوت خود باقی است، دور از اسرائیل نگاه داشته شود.» ماده مزبور همین شرایط را برای تشکیل کمیته مشورتی، که بر طبق مقررات اضطراری منصوب شده، مقرر می‌دارد، تا با توجه به‌دستور تبعید، در صورتی که شخص تبعید شده بخواهد، بتواندبه‌دولت توصیه‌هایی بکند. در این مورد، شخص شاکی ازکمیته مشورتی خواسته بود تا دستور تبعید را مورد ملاحظه قرار دهد. کمیته مشورتی با ملاحظه دستورفوق، توصیه کرد که‌دستور مذکور به‌قوت خود باقی بماند. دادگاه به‌این بهانه که ملاحظه بحث پیشنهاد شده توسط شاکی درصلاحیت دادگاه عالی نیست، دادخواست عزمی ابراهیم را نادیده گرفت. زیرا، به‌گفته دادگاه عالی، این امر، «چه مورد پسند باشد چه نباشد» منحصراً برحسب ماده ۱۱۲ به‌کمیته مشورتی محول گردیده است. تصمیم در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۱ اتخاذ گردید.

ج: ویران کردن خانه‌ها و درهم کوبیدن دهکده‌ها

۵۲— کمیته ویژه علاوه بر ملاحظه مدارك موجود در جریان بررسی ۱۹۷۰، در رابطه با ویران کردن خانه‌ها،مدارك بیشتری در ۱۹۷۱ در مورد همان موضوع بدست آورد. کمیته ویژه بخصوص گزارشات منظم مطبوعات اسرائیلی، راجع به ویران کردن خانه‌ها را،

مورد توجه قرار می‌دهد.

۵۳– بعضی از شاهدین در حضور کمیته ویژه در رابطه با ویران کردن خانه‌ها اظهاراتی کردند:

۱– شفیق احمدحسن‌شتیوی، ۲۰ ساله در ۲۴ آوریل ۱۹۷۰ دستگیر شد. بنابه‌گفته شتیوی: برادر وی عضو جنبش مقاومت است و اسرائیلیها تهدید کرده‌اند در صورتی که در مورد برادرش اطلاعاتی ندهد، با مادر و دو خواهرش، که دستگیر شده‌اند، با خشونت رفتار خواهند نمود. شتیوی تصدیق کرد که خانه آنها ویـران شده، مادر و یک خواهرش کشته شده و خواهر دیگرش در زندان در بازداشت بسر مـی‌برد. او همچنین تصدیق کرد که خانه‌اش جزو هفت خانه‌ای بوده است که توسط ارتش اسرائیل ویران شد.

۲– صابرمحمد عبداللطیف، رئیس‌شورای‌محلی دهکده «بیرفجار»، در بخش هبـرون، تصدیـق کرد کـه پس از دستگـیری در اول نـوامبر ۱۹۶۹، دهکده‌اش حدود ۴ ماه به‌محاصره درآمده، واجازه داده نشده تا آب به‌داخل دهکده بیاید، حدود ۷۰ خانه نیز در این دهکده منفجر گردیده است. عبداللطیف در ۲۸ اوت ۱۹۷۰ تبعید شده بود.

۵۴– کمیته ویژه همچنین گزارشات زیر رادر مورد ویران کردن خانه‌ها، که در مطبوعات اسرائیل چاپ شده، مورد توجه قرار داده است. لیست مذکور، لیست کامل گزارشات فوق نیست، زیرا این گزارشات به‌طور مصور نقل شده است.

هاثارتز، ۱۰ مه ۱۹۷۰، سه خانه در هبرون.

هاثارتز، ۲۰ مه ۱۹۷۰ — ۷۰ خانه—مرج‌نوجه. (شمال‌دره‌اردن)

جرزالم‌پست، ۲۷ مه ۱۹۷۰ —۵ خانه —اردوی اشکر نزدیک نابلس.

جرزالم‌پست، ۲۱ دسامبر ۱۹۷۰ —۵ خانه، در غزه.

جرزالم پست، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱ —۷ خانه — کرانه باختری، کفر تیسیر. (نزدیک جنین)

جرزالم‌پست، ۲۸ فوریه ۱۹۷۱ —٦ خانه دهکده بورین. (منطقه نابلس)

جرزالم‌پست، ۲ آوریل ۱۹۷۱ —۱۰ خانه در غزه.

۵۵— کمیته ویژه همچنین یک‌بیانیه حاوی لیستی‌از ۳٤خانه ویران شده، به همراه‌جزئیات‌وضع مالکیت آنها، اندازمساختمانها، وتاریخهای ویران شدن خانه ها، از دولت جمهوری متحده عربی دریافت کرد. برطبق این لیست، این ویرانیها در طی دسامبر ۱۹۷۰ صورت‌گرفت.

۵٦— کمیته ویژه قادر نبوده است تا تعداد دقیق خانه های ویران شده را مشخص کند، اما حقیقت ویران شدن خانه ها انکارناپذیر است. در ۱۳ نوامبر ۱۹٦۹، نخست وزیر اسرائیل در حضور مطبوعات اعلام کرد که ویران کردن خانه‌ها در الحلمول و غزه، در تعقیب سیاست دولت در خراب کردن خانه های اشخاصی که به‌اعضای الفتح کمک می کنند، صورت گرفته است. برطبق گزارش کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، همین بیانیه، بوسیله وزارت امور خارجه در ۲۳ دسامبر ۱۹٦۹، به هیأت نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ابلاغ شد (مجلهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ، سپتامبر ۱۹۷۰ شماره ۱۱٤ صفحات ٤۸۸ و ٤۸۹).

۵۷— علاوه براظهارات موجود پیرامون ویرانسازی خانه‌ها، کمیته ویژه گزارشاتی دریافت کرد مبنی براینکه تعدادی از دهکده‌ها کاملا توسط مقامات اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی خراب شده است. این مسأله، در گزارش سابق‌الذکر کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، (صفحات ٤۸٦ —٤۸۵ گ) وگزارشات روزنامه ها، مثل گزارشات منتشر شده درساندی تایمز (لندن) در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۰، ذکر گردیده است.

(گزارش ساندی تایمز نه تنها به‌دهکده‌های جالو، بیت‌لونه، واعمواس اشاره دارد، بلکه به‌اولین گزارش کمیته ویژه به‌دهکده‌های سوریت، بیت عوه، بیت مرحم و الشیوخ در منطقه هبرون و جفلیک، آگاریت و حوصیرت در دره اردن، اشاره می‌کند). کمیتهٔ ویژه اعلام کرده است که این دهکده‌ها کاملا خراب شده است. کمیته ویژه همچنین مورد حلمول را با توجه به مسأله‌ای که در اولین گزارشش (به شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۷۳) گفته شده، یادآوری خواهد کرد:

این یک حقیقت مسلم است، که حلمول صحنه ویرانی وسیعی بوده، و این ویرانی بعنوان یک مجازات دسته جمعی ازطریق تلافی اعمال شده، و مقامات اسرائیل مسؤول خرابی فوق بوده‌اند.

کمیته ویژه اظهاراتی در مورد نابودی بیش از ۴۰۰۰ دهکده عربی شنید، اما هیچ مدرکی برای اثبات این امر به‌این کمیته داده نشده است.

۵۸— کمیته صلیب‌سرخ بین‌المللی، طی یک نامه که در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۱ به جامعهٔ هلال‌احمر اردن نوشته شد، اظهار می‌دارد که:

میل‌دارم به‌اطلاع شما برسانم که به‌گفته هیأت نمایندگی ما در کرانه باختری، دهکده نبی‌ساموئل درحقیقت در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ توسط نیروهای مسلح اسرائیل خراب شد.
آقای نویله، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، اخیراً نامه‌ای به خانم گلدامایر نوشت و در آن نگرانی شدید کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را درباره ویران کردن ساختمانها در سرزمینهای اشغالی بیان نمود. در این نامه، که در پایان ماه مه مبادله گردید، وی تأثیر منفی این ویرانیها را به‌روی خانواده‌ها متذکر گردید، و موضع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را —که قبلا نیز بارها بیان شده بود— در مورد تجاوز جدی به‌اصول انسانی از طرف آنها، بار دیگر مورد تأکید قرار داد.

د: بدرفتاری به هنگام بازداشت

کمیته ویژه در اولین گزارش خود به‌شهادت بعضی شاهدان اشاره کرد، که در حضور کمیته ویژه اظهار کرده بودند به‌هنگام بازداشت مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. کمیته ویژه در جریان سفرش به‌عمان و بیروت در ۱۹۷۱، اظهارات بیشتری در مورد بدرفتاری با افرادی که نزد این کمیته آمده بودند، شنید. کمیته ویژه تعدادی مکاتبات کتبی دریافت کرد که در آن در مورد بدرفتاری حرفهایی زده شده بود.

۶۰— کمیته ویژه در انجام بررسیهایش در ۱۹۷۱، در پی مدارکی بوده است، که بجای تکرار اظهارات شنیده شده در جلسات این کمیته، در سال ۱۹۷۰ ماهیت تقویتی و اثباتی داشته باشد. کمیتهٔ ویژه تا آنجا که ممکن است، اظهارات شاهدان زیادی را در زمان مناسب شنیده است، و از اظهارات تعداد زیاد دیگری که ظاهراً حاضر بودند تجربیات شخصی خود را در زندان و اردوگاههای بازداشتی در سرزمینهای اشغالی در حضور این کمیته بازگو کنند، مطلع شده است. در بعضی موارد خاص، این گفته‌ها بوسیله مدارك دیگر، مثل گزارشات پزشکی یا نشانه‌های قطع اندام، جراحت بدنی یا آسیب نیروی جسمی، مورد تأیید قرار گرفت. کمیته ویژه در صورت عدم وجود مدارك تقویتی بیشتر، نمی‌تواند این اظهارات را پذیرفته یا آنها را رد کند.

۶۱— کمیته ویژه مشکلات عملی بدست آوردن مدارك موجود، در رابطه با اظهارات افرادی را که مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، درك می‌کند. زیرا این اعمال، در شرایطی بوقوع می‌پیوندد که دسترسی به مدارك تأیید کننده مقدور نمی‌باشد. درك ماهیت جدی اظهاراتی از این نوع، ملزم به این است که قبل از اظهار نظر کمیته ویژه در مورد

اثبات اظهارات فردی و انجام یک بررسی اولیه راجع به‌آنها و مجسم‌کردن این حوادث به‌عنوان الگوی اقدامات منظم مقامات اسرائیلی، پایه تمام مدارك مربوط را مورد بررسی کامل قرار بدهد.

۶۲ــ کمیته صلیب‌سرخ بین‌المللی در گزارش خود (در مجله بین‌المللی صلیب‌سرخ، سپتامبر ۱۹۷۰، شماره ۱۱۴) مشکلات مشابه ویژه‌ای در رابطه با تقریباً ۳۰۰ زندانی که برای بازجویی نگاه داشته می‌شوند، و صلیب‌سرخ هیچ‌گونه دسترسی به‌آنها ندارند، بیان کرده است. در آن گزارش، کمیته صلیب‌سرخ بین‌المللی اظهار داشت که، در مه ۱۹۶۹ نماینده‌اش از جانب وزیر دفاع اختیار یافته بود تا به‌طور خصوصی با زندانیانی که بازجویی آنها تمام شده صحبت کرده، و در حضور یک افسر اسرائیلی زندانیان بازداشت شده برای بازجویی را دیده، و بدین وسیله وضع بهداشتی آنها را بررسی نماید. درضمن او نتوانست با تعدادی از بازداشت شدگانی که نامشان اعلام نشده بود، ملاقات کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، همچنین اعلام کرد که این رویه فقط نسبت به‌زندانها اعمال می‌شود، و مراکز پلیس و اردوگاههای نظامی به‌روی هیأتها بسته است. کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ گزارش می‌دهد که از آوریل تا سپتامبر ۱۹۶۹ ملاقاتها طبق همین رویه صورت گرفته است. گزارش مزبور می‌گوید که:

> به‌هرحال، در پاییز ۱۹۶۹ مقامات اسرائیلی به‌کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ خبر دادند که بعلت افزایش بیش از حد زندانیان، ناچار شده‌اند ترتیبات ملاقاتی خودشان را تغییر بدهند. از آن موقع به‌بعد، هیأتهای (صلیب‌سرخ) قادر نیستند تا بازداشت شدگانی را که نام آنها اعلام نشده، ملاقات کنند...
>
> کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پاسخ داد که چنین رویه‌ای قابل قبول نیست و کوشش کرد راه‌حلی پیدا کند، که با سند نوشته و روح

چهارمین توافق نامه ژنو سازگار باشد. هرچند که هیأتهای صلیب‌سرخ فکر می‌کردند که در شرایط بازجویی بهبود حاصل شده اما کمیتهٔ صلیب‌سرخ ملاحظه کرد که رویه ملاقاتی وضع شده توسط مقامات اسرائیلی، دیگر نمی‌تواند به آنان اطمینان بدهد که شیوه‌های بازجویی برخلاف قانون انسانی نمی‌باشد.
در ۱۹ آوریل ۱۹۷۰، دولت اسرائیل به‌هیأتهای صلیب‌سرخ اجازه داد تا ملاقاتهای خود با زندانیان را با شرایط زیر متناسب کنند:
هر زندانی باید فقط در ماه یک‌بار ملاقات داشته باشد، هیچ شخص بازداشت شده‌ای را بدون دوبار ملاقات با هیأتهای صلیب‌سرخ پس از دستگیری، نمی‌توان در یک مرکز بازداشتی نگاه داشت، مگر اینکه در شرایط استثنائی و به‌خاطر دلایل امنیتی، او را از یک‌چنین حق ملاقاتی محروم کنند و با این وضع هم، نام او به هیأت صلیب سرخ داده خواهد شد.

۶۳— کمیته ویژه اظهار می‌دارد که بخش بزرگتر اظهارات راجع به‌بدرفتاری به‌هنگام بازداشت، از جمله بازداشت شدگان امسال، به تجربیات زندانیان یا بازداشت‌شدگان به‌هنگام بازجویی آنها در مرکز پلیس یا اردوگاههای نظامی، مربوط می‌شود. زندانی که در این اظهارات بیشتر به‌آن اشاره شده، زندان «سرافد» است. شاهدانی که ادعا می‌کردند در اردوگاه نظامی سرافد مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، اینها بودند: «سلیمان محمد ابوتایر» ۴۲ ساله که در ۲ فوریه ۱۹۶۹ دستگیر شد و در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱ تبعید گردید، یک شاهد که در ژوئن ۱۹۷۰ دستگیر و بعداً تبعید شد؛ «محمد علی عمر ابوبکری» ۳۰ ساله که در ۹ فوریه ۱۹۷۰ دستگیر و در ۱۸ مارس ۱۹۷۱ تبعید گردید، «حمدی خلیل محمد قصاب»، ۵۰ ساله که در ۶ آوریل دستگیر و در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱ تبعید شد.

۶۴— کمیتهٔ ویژه میل دارد تا از میان موارد ذکر شده، در اولین گزارش خود به‌مورد «مؤید عثمان‌بداوی‌البهش» ۲۲ ساله که

در دسامبر ۱۹٦۷ درنابلس دستگیر و در ۷ سپتامبر ۱۹۷۰ تبعید شد، اشاره کند. البهش در ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۱، در بیروت به‌حضور کمیتهٔ ویژه رسید. در آن موقع او در لندن تحت معالجه پزشکی قرار داشت.

هنگامی که وی به‌حضور کمیتهٔ ویژه رسید، علامتهای روی بازوی چپ او، نشان می‌داد که بازویش فلج است. وی اظهار داشت که این امر ناشی از بدرفتاری‌ای می‌باشد که بعد از دستگیری با او شده است، و همچنین گفت که بازوی چپ او در ۹ مارس ۱۹٦۸ فلج گردیده است. البهش گفت که بوسیله گیره‌هایی که برگوش و آلت تناسلی او وصل می‌گردید، و بندی که بدور سرش پیچیده می‌شد، در معرض شکنجه الکتریکی قرار می‌گرفت، و نیز اظهار داشت که آنها یک بازوی او را به‌نقطه‌ای بسته و بازوی دیگر را به‌یک «در» که دائماً باز وبسته می‌شد وصل کردند، و بدین ترتیب وی را در معرض شکنجه قرار دادند. کمیتهٔ ویژه زخمهایی را به‌روی پاها، زانوها، قوزک‌پا و آلت تناسلی شاهد، مشاهده کرد، که می‌توانست ناشی ازسوزاندن آنها با سیگار باشد. شاهد اظهار داشت که او را از مچهایش از یک پنجره آویزان کردند، و یک سرباز، زنجیری را که پاهایش را بهم نگاه داشته بود بالا وپایین می کشید، و همین امر بود که باعث فلج شدن بازوی چپ او گردید. شاهد همچنین گفت که وی در ۱۹٦۸ با یک نماینده عفو بین‌المللی ملاقات کرده است. نجیب الاحمد، که در حضور کمیته ویژه در ۱٦ آوریل ۱۹۷۰ شهادت داد، گفت که او البهش را در سال ۱۹٦۸ در بیمارستان زندان نابلس، که با یکدیگر در آنجا ۳۰ روز بسر برده بودند، ملاقات کرد. و نیز گفت که البهش «دارای فلج جزئی» درسمت چپ بدن، تا نزدیکی شانه‌هایش بود، «و این مسأله از نظر او ناشی از شکنجه‌هایی بوده که البهش در زندان سرافند تحمل کرده است.» گفته می‌شود که عفو بین‌المللی در این

مورد گزارشی برای دولت اسرائیل فرستاده است. اگر چه خود این گزارش منتشر نشده، اما کمیتهٔ ویژه یک نسخه از برداشت دولت اسرائیل در مورد این گزارش را، از عفو بین‌المللی دریافت کرده است.

از نظر دکترهای اسرائیلی «آزمایشات پزشکی ثابت کرده است آنچنانکه ادعا می‌گردد، هیچ‌گونه علامت فلجی یا جراحت وارده به روی بازوی چپ او مشاهده نگردیده است. و وضع «البهش» ظاهراً یکی از امراض تشنجی می‌باشد» که در آن، حالت روحی مریض ظاهراً بدون اینکه هیچ‌گونه نشانه عینی و خارجی از ایراد آسیب به‌اعصاب در آن دیده شود، باعث فلج شدن می‌گردد. این گزارش می‌گوید:

از نتیجه آزمایش اشعه ایکس در ۱۸ فوریه ۱۹۶۸ وآزمایشات پزشکی بعدی از مؤید (البهش)، چنین برمی‌آید که هیچ اساس وپایه‌ای وجود ندارد که نشان بدهد بازوی چپ او بین ۲٤ و ۲۹ ژانویه ۱۹۶۸ «دراردوگاه» شکسته باشد.

به همین نحو مدارك پزشکی ثابت کرد که طی مدت بین ۲٤ ژانویه و ۸ مارس ۱۹۶۸، مؤید دارای یک شکستگی در شانه یا بازوی چپ نبوده است.

به هنگام نوشتن این سطور، کمیتهٔ ویژه هنوز در انتظار گزارشات دکترهایی است که البهش به هنگام حضورش در کمیتهٔ ویژه، بوسیلهٔ آنها تحت معالجه قرار گرفته بود.

٦٥— کمیتهٔ ویژه قبلا در اولین گزارش خود، به‌ذکر بعضی موارد در مورد بدرفتاری بازندانیان و بازداشت شدگان پرداخت. نماینده دولت اسرائیل در کمیته سوم در جلسه بیست وپنجم مجمع عمومی (شماره ۱۹۸۲ /۳ اس.ار.آ.ث) اظهار داشت، که آنها اطلاعاتی در رد این اظهارات دراختیار دارند. نماینده اسرائیل به‌مورد آقای محمد درباس، که به کمیته ویژه گفته بود که بوسیله عمل جراحی توسط یک

دکتر اسرائیلی مقطوع‌النسل شده (شماره الل/۸۰۸۹، پاراگراف ۱۰۴) اشاره کرد. نماینده اسرائیلی گفت که او اطلاعاتی دارد که ثابت می کند که آقای درباس قبلا توسط یک دکتر مصری عمل شده است. کمیته ویژه برطبق این گفته از دولت اسرائیل خواست تا این اطلاعات را در اختیار کمیته بگذارد. (نگاه کنید به‌پاراگراف ۹ در صفحات قبل). دولت اسرائیل تاکنون این مدرك را در اختیار کمیته نگذاشته است.

۶۶— موارد دیگری وجود دارد که سال گذشته ذکر گردید، و آن موارد در رابطه با آقای «سعدالدین کمال» (شماره الف ۸۰۸۹، پاراگرافهای ۷۸ و ۷۹)، «آقای یوسف سلهب» (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۱۰۰ و ۹۶ و ۷۸) آقای «ابورأس» (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۹۳ تا ۹۵)، آقای «نجیب محمدعیسی الخطاب» (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۹۶ و ۱۰۰)، آقای «سلیمان م، شیخ عید» (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۹۸ و ۹۹)، آقای «منیرعبدالله غانم» (شماره الف /۸۰۸۹ پاراگراف ۱۰۲)، آقای «ابورمیله» (شماره‌الف/ ۸۰۸۹ پاراگرافهای ۸۰ و ۸۶)، آقای «اسماعیل ابومیاله» و همسرش «خانم عباطه» (شماره الف ۸۰۸۹ پاراگرافهای ۷۸، ۸۵ و ۱۰۱)، می‌باشد. این موارد فراهم آورنده مدرك موثق و نیرومندی است، که قضاوت کمیتهٔ ویژه را چنانکه دراولین گزارش این کمیته بیان شده، مبنی براینکه در چندین زندان، بویژه در اردوگاه نظامی سرافند، با زندانیان و ساکنان بخصوص به‌هنگام بازجویی بدرفتاری می‌شود، تصدیق و تأیید می کند.

۶۷— از زمانی که اولین گزارش کمیته ویژه منتشر شد، آقای «ابورمیله» در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۰ به ۱۰ سال زندان محکوم گردید. این محکومیت، به‌گفتهٔ رئیس دادگاه‌وبه‌گزارش‌جرزالم‌پست، یک‌محکومیت

سبک بودِ «زیرا رمیله» اتهامات را قبول کرده و در طی بازداشتش مریض شده بود.» مدارك موجود در نزد کمیتهٔ ویژه، نشان می‌دهد که ابورمیله که در ۸ مارس ۱۹۶۹ دستگیر شد، آنقدر مورد بدرفتاری قرار گرفت که ذهنش معیوب شد، (نگاه کنید به‌شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۸۶). خانم «فیلیسیا لنگر» وکیل آقای «رمیله» طی نامه‌ای به‌تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۰ که به‌ضمیمه شماره ۷ گزارش کمیته ویژه آمده است، به‌وزیر امنیت نوشت:

«موکل من در ۸ مارس ۱۹۶۹ دستگیر شد، و در لیدا توسط دادستان کل نظامی (اسکان‌آلوف) برطبق مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹۴۵ به‌جرمهای گوناگون متهم گردید. برطبق مدارکی که به خانواده او داده‌اند، و برطبق اظهارات وکیل قبلی او قوه ذهنی موکل من، تا بیستم ژوئن ۱۹۶۹ کامل بوده است. وی ادعا کرد که در دوره بین دستگیری‌اش و بیستم ژوئن به‌هنگام بازجویی، بشدت شکنجه شده، و دچار جراحات بدنی و ذهنی گردیده است. او شرح داد که چگونه مورد ضرب وشتم قرار گرفته و با وسایل الکتریکی شکنجه و بدنش با سیگارهای روشن سوزانده شده است. نشانه‌های سوزاندن بدن او با سیگارهای روشن، هنوز هم حقیقتاً به‌روی بازوی چپ او دیده می‌شود. برطبق مدارك، موکل من از صدمه شدید ذهنی رنج برده وقوای ذهنی خودش را پس از ۲۰ ژوئن ۱۹۶۹ از دست داده، و هنوز هم تا امروز دچار این وضع می‌باشد. آزمایش پزشکی دکتر ج. ژ. استریش، معاون روانشناسی بخش، و رئیس مؤسسهٔ بهداشت روانی در «پتاتیکوه»، فاش کرد که موکل من دیگر قادر به کنترل حرکات درونی خود نیست، و نمی‌تواند اطرافیان خودش را بشناسد، و قادر نیست به‌طور پیوسته و منسجم صحبت کند. در نتیجه دکتر استریش اعلام کرد که وی برای حضور یافتن در دادگاه آمادگی ندارد. در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۹، دادگاه نظامی در لیدا اعلام کرد که ظاهراً به‌خاطر وضع روانی متهم امکان این نیست که او را بتوان برای محاکمه به‌دادگاه آورد. موکل من، هم قبل از دستگیری، وهم مدتی بعد ازدستگیری،

از وضع روانی خوبی برخوردار بود. شاهدانی—چه یهودی و چه عرب—وجود دارند که او را قبل از دستگیری‌اش به‌عنوان یک تاجر موفق می‌شناختند. همچنین شواهدی هستند که می‌توانند در مورد وضع او پس از اینکه به‌دنبال بازجویی به‌سلول خودش آورده شد، گواهی بدهند. سلامت موکل من بهبود نیافته است. او نه‌تنها تاکنون در یک بیمارستان مناسب بستری نشده، بلکه هنوز هم در زندان رمله بسر می‌برد. در ۱۶ ژانویه، او را دیدم که مثل یک دیوانهٔ کامل شده و درهم شکسته بود. بر اساس ادعاهای موکل من، به‌هنگامی که از نظر ذهنی و روانی سالم بود—و براساس ادعاهایی که خانواده او، و همچنین شاهدان سابق‌الذکر آنها را تأیید می‌کنند، وضع کنونی او ناشی از شیوه‌های بازجویی غیرقانونی، منجمله ضربات و شکنجه‌ها، حاصل شده است. با توجه به‌جدی بودن این مورد، یعنی موردی که در آن پلیس و یا سرویس امنیتی، مرد سالمی را تبدیل به‌یک انسان خردشده از نظر جسمی و روانی می‌کنند، من مصرانه از شما درخواست می‌کنم تا یک کمیسیون تحقیق منصوب کرده و کسانی را که مسؤول این کار هستند مجازات نمایید. من هروقت که شما میل داشته باشید، می‌توانم نام شاهدان را به‌همراه آدرسهای آنان در اختیارتان بگذارم.

ه: بازداشت غیرقانونی

کمیتهٔ ویژه می‌گوید که بازداشت غیرقانونی افراد همچنان ادامه دارد. براین اساس، هنوز افراد بی‌شماری، بدون اینکه اتهامی به آنها وارد بیاید، از آزادی محروم هستند. برطبق گزارش جرزالم‌پست در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۱، موشه‌دایان وزیر دفاع به‌کنست (پارلمان اسرائیل) اطلاع داد که درمه ۱۹۷۰ تعداد بازداشتیهای غیرقانونی، ۱،۱۳۱ نفر بوده، و در ژوئیه ۱۹۷۱ تعداد مزبور به ۵۶۰ نفر کاهش پیدا کرده است. از این تعداد، ۲۲۹ نفر ازکرانه باختری، ۳۰۳ نفر از نوار غزه، ۱۴۲ نفر از بیت‌المقدس و ۱۴ نفر از اسرائیل بودند. فرمانده

نیروهای اسرائیلی در غزه، مناخم‌آویرام، در یک کنفرانس مطبوعاتی در اوایل فوریه ۱۹۷۱ گفت:... ظرفیت بازداشتگاههای ۷۰ تختهٔ محلی در غزه، پرشده است، و ۱۶۰ فلسطینی اهل غزه، که اغلب آنها از بازداشت شدگان غیرقانونی هستند، در اردوگاه زندان صحرای سینا نگاه داشته می‌شوند. بعلاوه برطبق همان گزارش (جرزالم‌پست ۲ فوریه ۱۹۷۱) و همان منبع، ۲۴ خانواده از اشخاص تحت تعقیب، در دو محله ساخته شده ویژه، در صحرای سینا بسر می‌برند. برای اینکه جلو کمک وهمکاری این خانواده‌ها به‌اقوام تحت تعقیب‌شان گرفته شود، تبعید گردیده، و به‌محض دستگیری اشخاص تحت تعقیب مذکور، به‌خانه‌های خودشان بازگردانیده خواهند شد. گزارش‌مزبور می‌گوید که «فرمانده شلوموگازیت»، فرمانده نظامی سرزمینهای اشغالی، خواسته‌های روزنامه‌نگاران را برای بازدید اردوگاه بازداشتی سینا، مطلقاً رد کرد. این گزارش به‌نقل از او می‌گوید که: «این کار به صلاح حیثیت اسرائیل نخواهد بود.»

و: اظهارات دیگر

۶۹— اظهارات دیگری در مورد ارعاب مردم محلی از طریق تحمیل منع رفت وآمدهای شدید برای مدتهای نامعین، دستگیریهای دسته‌جمعی، و ایجاد تغییر وتحولات در اوقات تحصیلی بچه‌های عرب، درحضور کمیتهٔ ویژه ایراد شده است. کمیتهٔ ویژه بخصوص به‌ممنوعیت رفت وآمدی اشاره می‌کند، که به‌دنبال پرتاب دو بمب دستساز در یک خیابان عمومی و قتل دو بچه اسرائیلی، در ژانویه ۱۹۷۱ در اردوگاه پناهندگی‌الشاتی در غزه برقرار گردید. ممنوعیت مزبور ۲۲ ساعت در روز بود و به‌مدت چهار هفته بطول انجامید. برای تکمیل

این کار، مقامات اسرائیلی پلیس به‌اصطلاح مرزی را به‌منطقه فراـ خواندند، و بنابه‌اظهاراتی رفتار آنها با جمعیت غیرنظامی به‌طور وسیعی خشن و گاهی وحشیانه بوده است. اظهارات راجع به‌رفتار پلیس مرزی، چنانکه در جرزالم‌پست ۲ فوریه ۱۹۷۱ گزارش گردید، باصدور اعلامیه‌ای از سوی دولت اسرائیل به‌دنبال برقراری منع رفت وآمد در اردوگاه پناهندگی الشاتی و دادن اجازه به‌روزنامه‌نگاران برای سفر به منطقه، مورد تأیید قرار گرفت. گزارش جرزالم‌پست می‌گوید: فرمانده آویرام در حضور روزنامه‌نگاران تأیید کرد که در چندین مورد سربازان اسرائیلی اعراب مورد سوءظن را کتک زده و غارت کرده‌اند. وی همچنین گفت مأموران مذکور، پس از اثبات اتهامات وارده، تأدیب خواهند شد.

۷۰— کمیته ویژه مذکور می‌دارد که دستگیری دسته‌جمعی افراد بین ۲۱ تا ۵۰ سال ادامه دارد. این دستگیریها معمولا به تلافی بعضی اعمال خشونت‌بار که به‌جنبش مقاومت نسبت داده می‌شود، صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از این نوع دستگیریها در اینجا ذکر شده است: دستگیری ۲۵ جوان در جنین که در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱ در روزنامه جرزالم‌پست گزارش شد، دستگیری ۲۸ مرد در غزه که در ۲۵ فوریه ۱۹۷۱ گزارش گردید، و ۵۴ نفر از هبرون که در ۱۰ فوریه ۱۹۷۱ دستگیر شدند. مدارك شفاهی موجود در نزد کمیتهٔ ویژه نشان می‌دهد که این دستگیریها بدون هشدار قبلی و به‌طور اتفاقی صورت می‌گیرد.

۷۱— مواردی از تغییرات و تحولات سریع در ساعات تحصیلی سالیانه بچه‌های عرب، که‌ظاهراً برای تضعیف آگاهی ملی آنان، و یا ازبین بردن موجودیت خلق فلسطین برنامه‌ریزی شده، توجه کمیتهٔ ویژه را بخود جلب کرده‌است.

۴ـ نتایج بدست آمده از بررسیها

مدارکی که به‌دست کمیتهٔ ویژه رسیده است، نشان می‌دهد که دولت‌اسرائیل سیاستی طرح‌ریزی کرده است تابدان وسیله تغییرات‌عمیقی در شخصیت فیزیکی و ترکیب‌جمعیتی چندین منطقه قلمرو تحت اداره، از طریق محو تدریجی و سیستماتیک هرگونه حضور فلسطینیها در این مناطق، بوجود آورد. این‌سیاست باعث نابودی‌فرهنگ عربی، وشیوه زندگی عربی در منطقه می‌گردد، و برخلاف حقوق بین‌الملل، باعث تبدیل آن به‌یک منطقه یهودی خواهد شد. اقدامات انجام شده براساس این سیاست، شامل تأسیس آبادیهای یهودی نشین اسرائیلی، مثلا در بیت‌المقدس اشغال‌شده، هبرون، بخشهای خاصی از دره اردن، بلندیهای جولان، غزه، شمال صحرای سینا، و شرم‌الشیخ می‌گردد. یک چنین سیاستی مشکلات بیشتری در سر راه استرداد اموال خلق فلسطین و دیگر حقوق آنها بوجود می‌آورد. این سیاست علاوه براینکه حق فلسطینیهایی را که از سرزمینهای اشغالی فرار کرده‌اند، برای بازگشت مجدد به‌آنجا نادیده می‌گیرد، حق فلسطینیهای باقی مانده در سرزمینهای اشغالی را نیز تهدید می‌کند. از نظر کمیتهٔ ویژه حق ساکنان سرزمینهای اشغالی برای باقی ماندن در وطن خودشان، یک حق بدون قید وشرط و غیرقابل انتقال می‌باشد.

۷۳ـ نظر کمیتهٔ ویژه براین است که تبعید اشخاص از سرزمینهای اشغالی، که توسط اسرائیل انجام شده، نه‌تنها برخلاف ماده ٤٩ چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌باشد، بلکه همچنین بخشی از یک سیاست کلی است که مردم سرزمینهای اشغالی را از حق خودشان برای باقی‌ماندن در وطنشان محروم می‌کند. کمیتهٔ ویژه درباره عمل انتقال ملتهای اسرائیلی به‌سرزمینهای اشغالی، مثل بیت‌المقدس شرقی، هبرون،

بلندیهای جولان، بخشهای خاصی از دره اردن، غزه، شمال سینا و شرم‌الشیخ نیز به‌همان نتیجه رسیده است.

۷٤– در بحث گزارش کمیتهٔ ویژه درکمیته سیاسی ویژه، طی بیست وپنجمین اجلاسیه مجمع عمومی، هیأت اسرائیل در اشاره به سیاست دولتش در سرزمینهای اشغالی، اظهار داشت که چندین هزار نفر از ملاقات‌کنندگان عرب اجازه یافتند تا در طی تابستان ۱۹۷۰ به‌سرزمینهای اشغالی بروند. برطبق گزارشات‌مطبوعات اسرائیل،چندین هزار بازدید کننده دیگر، امسال اجازه یافتند به آنجا بروند. اگرچه این امر می‌تواند به‌عنوان یک جنبهٔ مثبت سیاست اسرائیل نسبت به سرزمینهای تحت اشغال این دولت قلمداد گردد، اما با این ترتیب هیچ‌گونه علاجی برای‌مسأله نیست. برنامه تابستانی بازدید کنندگان، جای شناسایی حق بازگشت پناهندگان به‌میهن خودشان را که به‌طور مداوم توسط دولت اسرائیل از آنان دریغ داشته شده، نمی‌گیرد و بر سیاست معروف دولت اسرائیل در اسکان یهودیان در سرزمینهای اشغالی، و تبعید صدها نفر از سرزمینهای اشغالی، و برفرامین تبعید رسمی که براساس مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹٤۵ توسط مقامات اسرائیلی صادر شده، هیچ‌گونه تأثیری نخواهد داشت. هیچ‌گونه آماری درمورد تعداد افرادی که بدون حساب و بزور اخراج شده‌اند وجود ندارد.

حقایق مذکور علی‌رغم ادعای مقامات اسرائیلی، مبنی برپیش گرفتن یک سیاست آزادی خواهانه برای دادن اجازه بازدید، یابرداشتن محدودیتهای سفر، وجود دارد و باقی می‌ماند. همین ملاحظه در مورد دیگر اظهارات مکرر اسرائیلیها، مبنی بر بی‌ضرر بودن حضور اسرائیل در سرزمینهای اشغالی، عدم مداخله درکارهای محلی، وکاهش مداخله دولت اشغالگر به‌حداقل ممکن، مصداق پیدا می کند مشکل

است که بتوان اظهارات اخیر اسرائیلیها را با مسألهٔ برقراری ممنوعیت عبور ومرور به‌مدت ۲۲ ساعت در روز، و مداخله سربازان اسرائیلی برای مقابله با مقاومت فلسطینیها دربرابر اشغال، سازگار داشت. حقیقت امر این است که الف: دولت اسرائیل هنوز حق ساکنان سرزمینهای اشغالی را برای بازگشت به‌خانه خودشان انکار می کند. ب: سیاست محلی دولت اسرائیل، براسکان دادن شهروندان اسرائیلی درسرزمینهای اشغالی استوار است. ج: دولت اسرائیل به‌طور مرتب غیرنظامیان را از سرزمینهای اشغالی تبعید می کند.

۷۵– کمیته ویژه در پاراگرافهای ۵۲ و ۵۸ صفحات قبل، نشان داد که سیاست مشخص اسرائیل، درمحور نابود کردن خانه‌های افراد مشکوك به کمك به اعضای جنبش مقاومت، دور می‌زند. این سیاست ناقض مواد ۳۳ و ۵۳ چهارمین توافق‌نامه ژنو است. این سیاست همچنین حق اساسی اشخاص تحت‌الحمایه را مورد تجاوز قرار می‌دهد. علاوه براین، مدارك موجود درنزد کمیتهٔ ویژه، نشان می‌دهد که ویران کردن خانه‌ها به‌طور خودسرانه رخ می‌دهد و هنوز قطع نشده است. کمیتهٔ ویژه تلاشهای کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را در فراهم‌آوردن تدارکات رفاهی و پناهگاه موقت، برای کمك به‌قربانیانی که خانه‌هایشان ویران شده، مورد توجه قرار می‌دهد. کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که بسیاری ازاشخاصی که خانه‌هایشان ویران‌شده، سرزمینهای اشغالی را ترك کرده‌اند. نظر کمیتهٔ ویژه براین است که سیاست ویران‌کردن خانه‌ها به‌این طریق، و سیاست آشکار تبعید، به‌عنوان بخشهایی از یك سیاست کلی انضمام و ساختن آبادیهای یهودی، نمی‌تواندبه‌جز یك نتیجه داشته باشد و آن عبارت از محو هرگونه امکان اعمال حق خودگردانی خلق فلسطین درمحدوده‌های میهن خودش می‌باشد.

۷۶– روشن است که حق خلق فلسطین برمیهن خودش، توسط

سازمان ملل متحد در تمام قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت شناخته شده است. از جمله این قطعنامه ها، می‌توان به‌قطعنامه شماره ۱۸۱ اشاره کرد که برطبق آن مجمع عمومی سازمان ملل، طرح تقسیم فلسطین و تشکیل اتحادیه اقتصادی را برطبق آن قطعنامه، توصیه نموده است. طرح تقسیم همانند دیگر قطعنامه ها و اعلامیه های سازمان ملل در مورد مسألهٔ فوق، حق خلق فلسطین را برای خود گردانی به‌رسمیت شناخته است. علاقه جامعه بین‌المللی به‌این حق اساسی، به‌هنگامی آشکار شد، که مجمع عمومی توافق‌نامه های بین‌المللی مربوط به‌حقوق بشر را که مادهٔ اول آن دربرگیرنده شناسایی حق خودگردانی است، تصویب نمود. سیاست اسرائیل، حق خلق فلسطین را برای خودگردانی زیرپا می‌گذارد. کمیتهٔ ویژه هرگونه اقدام برای پیش‌بردن سیاست مذکور را یک تجاوز اساسی به‌حقوق‌بشر، قلمداد می‌کند.

۷۷ــ در حضور کمیتهٔ ویژه، اظهارات متعددی در مورد بدرفتاری به‌هنگام بازداشت ایراد شده است. کمیتهٔ ویژه در صورت‌نداشتن مدارك تأیید کنندهٔ کافی، قادر نیست به‌یک نتیجه قاطع راجع به‌این موارد برسد. اما کمیتهٔ ویژه تأیید می‌کند که به‌جز شرایط موجود در زندانهای عمومی، که بنابه‌گزارشات در حال بهبود است، شرایط در سایر زندانها و بازداشتگاهها، اسفناك می‌باشد. این امر اساساً ناشی از شلوغی بیش از حد زندانها، و شیوه‌های بازجویی مکرر می‌باشد، که خشونت فیزیکی ـشکنجه، ضرب وشتم و... را نیز دربر می‌گیرد (نگاه کنید به‌مجله بین‌المللی «صلیب‌سرخ» سپتامبر ۱۹۷۰، شماره ۱۱٤ صفحات ۵۰٤ و ۵۰۵، و نیز نگاه کنید به«صلیب سرخ در عمل»، بولتن خبری، شماره ۱٦٤، ۱٤ ژوئیه ۱۹۷۱).

۷۸ــ مدارك موجود نشان می‌دهد که برقراری مقررات منع

رفت وآمد شدید، هنوز هم ادامه دارد. در رابطه با برقراری منع رفت‌و آمد چهار هفته‌ای در اردوی پناهندگی الشاتی، به‌دنبال حادثه انفجار نارنجک در ژانویه ۱۹۷۱ شرایط و مقررات منع رفت وآمد حکایت می‌کندکه این امر بیشتر نوعی عمل تلافی‌جویانه است تا یک وسیلهٔ ضروری برای جلوگیری از حوادث مشابه، یا دستگیری مجرمان.

۷۹— راجع به‌دستگیریهای دسته‌جمعی، کمیتهٔ ویژه به‌این نتیجه رسیده است که دستگیریها بروشنی نوعی وسیله تضعیف روحیه مردم سرزمینهای اشغالی، بحساب می‌آید.

۸۰— به‌علت فقدان مدارك، کمیتهٔ ویژه قادر نیست تا در مورد اظهارات موجود در رابطه با تغییرات وسیع در دورهٔ تحصیلی سالیانه بچه‌های عرب در سرزمینهای اشغالی، به‌نتیجه‌ای برسد. کمیتهٔ ویژه می‌داندکه یونسکو در تأمین کیفیت و نوع آموزش وپرورش مورد استحقاق بچه‌های سرزمینهای اشغالی، از خود اظهار علاقه نشان داده است.

۸۱— کمیتهٔ ویژه، براساس مدارکی که‌از جریان بررسیهایش بدست آورده، و یا دیگران در اختیارش گذاشته‌اند، نتیجه گرفت که دولت اسرائیل به‌طور آگاهانه سیاستهایی را در پیش می‌گیرد که هدف آن جلوگیری از بازگشت جمعیت سرزمینهای اشغالی به‌خانه‌هایشان، و وادارکردن ساکنان سرزمینهای اشغالی به‌ترك این خانه‌ها می‌باشد. این روش ازطریق شیوه‌های مستقیم مثل تبعید و شیوه‌های غیرمستقیم مثل تضعیف روحیه آنان، و پیشنهاد انگیزه‌های خاص صورت می‌گیرد، و در نهایت به‌انضمام این سرزمینها و ساختن آبادیهای یهودی در آنها، منجر می‌شود. کمیتهٔ ویژه اقدامات دولت اسرائیل را برای درپیش گرفتن این سیاستها، شدیدترین تجاوز به‌حقوق بشر قلمداد می‌کند. مدارك نشان می‌دهدکه این وضع از زمان مأموریت گذشته کمیتهٔ

ویژه در ۱۹۷۰، بدتر شده است.

۸۲— کمیتهٔ ویژه باید بار دیگر اهمیت رعایت مفاد موافقتنامه ژنو را که مورد قبول تمامی طرفین است مورد تأکید مجدد قرار دهد، زیرا بدین وسیله حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی به بهترین وجه تأمین خواهد شد. کمیته ویژه علی‌رغم وجود بعضی مشکلات سیاسی و حقوقی که لزوماً از ماهیت مسأله خاورمیانه به‌عنوان یک کل ناشی می‌شود، وظیفه خود را ضرورتاً یک وظیفهٔ انسانی می‌داند و نه سیاسی. اما، روشن است که برای حفظ حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی، باید طرح مورد نظر کمیتهٔ ویژه، که در گزارش این کمیته به‌دبیر کل سازمان‌ملل (شماره الف ۸۰۸۹ پاراگراف ۱۰۰) توصیه گردیده، به‌مرحله اجرا درآید. کمیتهٔ ویژه میل دارد تا به‌توصیه فوق، که عرضحال جمعیت وسیع سرزمینهای اشغالی است توجه خاصی مبذول گردد. کمیتهٔ ویژه به‌هیچ‌عنوان قصد ندارد خود را درگیر امور و مواضع دولتهای متخاصم کند و نیز طرح پیشنهادی این کمیته به‌هیچ‌وجه به‌مفهوم ضربه زدن به‌مواضع سیاسی این دولتها در رابطه با یکدیگر، نمی‌باشد. طرح مورد نظر کمیتهٔ ویژه، برای این پیشنهاد شده تا به‌افراد سرزمینهای اشغالی اطمینان بدهد که حفظ حقوق ابتدایی آنها برای باقی‌ماندن یا بازگشتن به‌خانه‌هایشان مورد تضمین قرار می‌گیرد.

۸۳— کمیتهٔ ویژه قبلا در اولین گزارش خود (به شماره الف/ ۸۰۸۹، پاراگراف ۱۴۶) اعلام کرد که مسأله اشغال، یک تجاوز اساسی به‌حقوق بشر بشمار می‌آید. بنابراین، مؤثرترین راه حفظ حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی، پایان دادن به‌اشغال این سرزمینها می‌باشد. اشغال، یک نوع تخطی از اصل تمامیت ارضی است که از سوی خانواده ملل پذیرفته شده و در منشور سازمان‌ملل متحد محترم

نگاه داشته شده است. همان اصل بعداً توسط سازمان ملل در اعلامیه «اصول حقوق بین‌المللی» مربوط به‌روابط دوستانه و تعاون میان دولتها بر طبق منشور سازمان ملل که توسط مجمع عمومی در بیست و پنجمین اجلاس آن (قطعنامه ۲۶۲۵) در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ تصویب گردید، به‌رسمیت شناخته شده است، و اصل مربوط به‌ناپسند بودن تملک زمین با توسل به‌زور، توسط مجمع عمومی در پاراگراف اول قطعنامه ۲۶۲۸ در رابطه با اوضاع خاورمیانه، مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

مدارك بدست آمده توسط کمیتهٔ ویژه از هنگام اولین مأموریتش در خاورمیانه در ۱۹۷۰، نظریه کمیته را تقویت می کند، نظریه‌ای که براساس آن کمیتهٔ ویژه می‌گوید: «با توجه به‌اینکه به‌مسألهٔ اشغال پایان داده نشده، اگر قرار باشد شرایط و مفاد توافق‌نامه های ۱۹۴۹ ژنو به‌مرحله اجرا درآید، کشورهای مربوط ناچار خواهند بود در مورد پیاده کردن یک طرح به‌توافق برسند، طرحی که هرگونه سوءظن مربوط به‌تجاوز به‌حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی را برطرف خواهد کرد.»

ح: توصیه‌ها

۸۴– کمیته ویژه، با بررسی مدارکی که در اختیار دارد، اموری را که در اولین گزارشش (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگرافهای ۱۰۴ تا ۱۰۶) توصیه کرده است با اصلاحات زیر بار دیگر تکرار می کند.

۸۵– کمیته ویژه مذکور می‌دارد که سیاست مشهور انضمام بیت‌المقدس، با ساختن پروژه‌های بزرگ خانه‌سازی در محدوده‌های شرقی اشغال شده شهر، به‌عنوان ابزار آشکار آن سیاست، بیشتر مشخص

می‌شود.

کمیتهٔ ویژه توصیه می کند که مجمع عمومی از دولت اسرائیل بخواهد تا از تمام اقدامات جاری برای انضمام بخش اشغالی بیت‌المقدس، دست بکشد.

۸۶ــ کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که از زمان‌ارائه اولین گزارش خود، به‌وجود و ادامه سیاستها و اعمال خاصی در سرزمینهای اشغالی پی برده که در بعضی موارد حتی میزان آن وسیع‌تر از قبل‌می‌باشد. این امر بویژه در رابطه با سیاست تشویق انتقال مهاجران اسرائیلی‌به آبادیهای یهودی‌نشین،مصداق پیدامی کند. کمیتهٔ ویژه توصیه می کند که از دولت اسرائیل‌خواسته شود تا به‌این سیاست ادامه ندهد.

۸۷ــ کمیتهٔ ویژه همچنین نظرها را به‌این حقیقت جلب می کند که تبعید غیرنظامیان از سرزمینهای اشغالی بدون وقفه ادامه یافته است. این کمیته همچنین باید نگرانی شدید خود را از این عمل و نیز سیاست تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی، که هدف آن محو جامعه دارای هویت فلسطینی از سرزمینهای اشغالی می‌باشد، اظهار دارد. بنابراین کمیتهٔ ویژه توصیه می کند که مجمع عمومی از دولت اسرائیل بخواهد تا بدون قید و شرط، به‌تمام اشخاصی که از سرزمینهای‌اشغالی گریخته، یا از آنجا تبعید یا اخراج گردیده‌اند، اجازه دهد تا به‌خانه هایشان باز گردند.

۸۸ــ کمیتهٔ ویژه، هنوز عقیده دارد که طرح موجود برای اجرای سومین و چهارمین توافق‌نامه های ژنو، در شرایط حاضر، کافی نیست. زیرا، این طرح نه‌بررسی کامل و جامعی از تخلفات به‌این توافق‌نامه ها را بدست می‌دهد، و نه‌اینکه می‌تواند انجام دقیق آنها را از جنبهٔ مثبت تأمین کند. یک چنین بررسی‌ای، تنها اگر طرفهای مربوطه همکاری دلخواهانه خودشان را توسعه بدهند، می‌تواند مؤثر

واقع شود.

۸۹— مدارك موجود نزد کمیتهٔ ویژه نشان می‌دهد که اقدامات و سیاستهای موجود در سرزمینهای اشغالی در ۱۹۷۰ قطع نشده، و به این دلیل کمیتهٔ ویژه توصیه خود را، که در پاراگراف ۱۰۰ اولین گزارشش آمده، در رابطه با برقراری یك مکانیسم برای تأمین حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، تکرار می کند.

کمیتهٔ ویژه تأکید می کند، که توصیه مذکور در رابطه با حمایت از منافع جمعیت فلسطینی، که حق خودگردانی به‌آنها داده نشده، از بیشترین اهمیت برخوردار است. کمیتهٔ ویژه آرزو دارد، تا نیاز به اجرای مؤثر توافق‌نامه‌های ژنو را مورد تأکید قرار دهد، و اظهار دارد که ملاحظات انسانی می‌بایستی برتمام اختلافات و مشکلات سیاسی فایق آید.

ملاحظات انسانی و اهمیت حفظ حقوق، برطبق حقوق‌بین‌الملل باید، جدا و متمایز از مسائل سیاسی نگاه داشته شود. کمیتهٔ ویژه خشنود است که طرح پیشنهاد شده‌اش به‌هیچ راه حل نهایی برای مسائل سیاسی، مطابق با شرایط قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷) شورای امنیت سازمان‌ملل، صدمه و آسیبی وارد نکرده و نمی‌تواند بکند.

۹۰— بنابراین، کمیتهٔ ویژه به کشورهای درگیر در تخاصم خاور- میانه توصیه می کند، تا طرح پیشنهاد شدهٔ این کمیته را که در اولین گزارشش آمده، قبول کنند. امتیاز پیشنهاد فوق این است که با روح سومین وچهارمین توافق‌نامه‌های ژنو سازگاری دارد، و در همین حال عاری از مشکلات سیاسی موجود در وضع کنونی می‌باشد. برای اینکه این طرح مؤثر باشد، سه عامل زیر اساسی بنظر می‌رسد:

الف: شرایط اشغال باید تحت نظارت قرار بگیرد.

ب: این نظارت بایدتوسط یك ارگان (ساخت) مستقل وبی‌طرف

اعمال شود.

ج: ارگان ناظر باید مطابق با روح توافق‌نامه های ژنو، از آزادی عمل برخوردار باشد.

۹۱— طرح پیشنهادی کمیتهٔ ویژه درگزارش این کمیته، که بار دیگر مورد توصیه قرارگرفت، بدین قرار است، مجمع عمومی توصیه می کند که:

الف: کشورهایی که سرزمین آنها بوسیله اسرائیل اشغال شده برای حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، بسرعت یک ارگان یا ارگانهای بی‌طرف، یا یک سازمان بین‌المللی منصوب کنند تا تمام تضمینهای بی‌طرفی و مؤثر بودن را پیشنهاد نماید.

ب: برای حمایت از منافع یک جمعیت بزرگ درسرزمینهای اشغالی، که فرصت اعمال حق خودگردانی به‌آنها داده نشده، اقدامات لازم بعمل آید.

ج: یک ارگان، یا سازمان بین‌المللی بی‌طرف، به‌ترتیبی که در بند (الف) در بالا توصیف گردید، توسط اسرائیل تعیین گردد، و در این طرح شرکت کند. کمیتهٔ ویژه توصیه می کند که ارگان یاارگانها، و یا سازمان بین‌المللی مذکور باید تعهدات زیر را به‌عهده بگیرند:

۱— اجرای دقیق و موشکافانه مقررات مربوط به‌حقوق بشر مندرج درسومین و چهارمین توافق‌نامه ژنو را به‌عهده‌گرفته و حقیقت اظهارات مربوط به تخلف از مفاد حقوق بشر در این توافق‌نامه‌ها یا دیگر اسناد بین‌المللی قابل اجرا را بررسی و تعیین کند.

۲— اطمینان بدهد که با جمعیت سرزمینهای اشغالی برطبق قانون قابل اجرا رفتار می‌شود.

۳— کار خود را به‌دولتهای مربوطه و به‌مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش بدهد.

۶ـ تصویب گزارش

۹۲ــ (گزارش فوق‌الذکر) برطبق ماده ۲۰ قوانین آیین کار، توسط کمیتهٔ ویژه بدین شرح تصویب، و امضا گردید:

(امضا) ه.اس. آمراسینگه (سیلان)

(امضا) حسین نور ــ علمی (سومالی)

(امضا) ب‌بوهِته (یوگسلاوی)

(ضمایم بار دیگر ذکر نگردیده)

ضمیمهٔ شماره ۲

پیوست به گزارش سال ۱۹۷۱ کمیتهٔ ویژه

۳ـ پیوست به‌گزارش ۱۹۷۱ کمیتهٔ ویژه در مورد بررسی اعمال اسرائیل، در زیر پاگذاشتن حقوق انسانی (بشر) جمعیت سرزمینهای اشغالی[1] در ۹ دسامبر ۱۹۷۱.

مفاد گزارش	پاراگرافهای
۱ـ تحلیل مدارك اضافی و نتایج مترتب برآن	۱۱ تا ۳۳
الف: انضمام‌سرزمینهای‌اعراب‌وساختن‌آبادیهای‌یهودی‌نشین	۱۱ تا ۱۶
ب: انتقال جمعیت و انکار حق بازگشت	۱۷ تا ۲۲
ج: بدرفتاری به هنگام بازداشت	۲۳ تا ۳۰
د: اظهارات دیگر	۳۱ تا ۳۳
۲ـ الحاق به‌توصیه مندرج در بخش ه دومین‌گزارش کمیتهٔ ویژه	۳۴ تا ۳۸
۳ـ تصویب گزارش	۳۹

۱. سازمان ملل، مجمع عمومی، اجلاسیه بیست و پنجم، ۹ دسامبر ۱۹۷۱، گزارش کمیتهٔ ویژه در مورد بررسی اعمال اسرائیل در زیر پاگذاشتن حقوق انسانی (بشر)جمعیت سرزمینهای اشغالی، شماره الف/۸۳۸۹. صفحات، ۷ تا ۱۹. (مقدمه و ضمائم در اینجا نیامده است).

۱ـ تحلیل مدارك اضافی و نتایج مترتب برآن

الف: انضمام سرزمینهای اعراب و ساختن آبادیهای یهودی نشین

۱۱ــ کمیتهٔ ویژه در دومین گزارش خود، عقیده‌اش را در مورد اینکه سیاست دولت اسرائیل انضمام و اسکان سرزمینهای اشغالی است، بیان کرد. کمیتهٔ ویژه در آن گزارش حقایقی را بیان نمود که‌این نتیجه را تأیید می‌کرد(شماره الف/۸۳۸۹، ۱، پاراگراف ٤۷). از جمله آن حقایق، اظهارات آشکار وزرا و رهبران اسرائیلی بود که از نظر کمیتهٔ ویژه، نشان دهنده و تأییدکننده این سیاست دولت اسرائیل می‌باشد.

کمیتهٔ ویژه از زمان پذیرش گزارش خود، از اظهارات و سخنان دیگری در همان رابطه، مطلع شد، که از جمله آنها می‌توان بیانات خانم‌گلدامایر نخست‌وزیر اسرائیل را ذکر کرد، که در روزنامه جرزالم‌پست، به‌تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱، گزارش گردید. برطبق این گزارش، نخست‌وزیر اظهار داشت:

> «مرزهای ما توسط مردمی که در امتداد آنها زندگی می‌کنند تعیین می‌شود. اگر عقب‌نشینی کنیم سرزها نیز با ما عقب‌نشینی خواهند کرد. خطر اینجاست که، بعد از آن، کس‌دیگری سرزها را برای ما تعیین کند.»

۱۲ــ کمیتهٔ ویژه گزارشات جدیدی از تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی توسط دولت اسرائیل، دریافت کرده است. کمیتهٔ ویژه اطلاعات مشابهی در گزارش دوم خود(شماره الف ۸۳۸۹، پاراگراف ٤۸، بند «د») ذکرکرده بود. کمیتهٔ ویژه احساس می‌کند که گزارشات اضافی زیر باید به‌عنوان مدارك بیشتر، در مورد سیاست انضمام واسکان سرزمینهای اشغالی از سوی اسرائیل،

ذکر گردد:

۱— گزارش ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۱ روزنامه اسرائیلی معاریو، به نقل از رئیس بخش ساختن آبادیها در سازمان جهانی صهیونیستی می‌گوید که: از زمان تخاصمات ژوئن ۱۹۶۷، ۳۲ آبادی یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی تأسیس گردیده، که هفت تای آن در سال گذشته ساخته شده است. همان گزارش می‌گوید که ۶ آبادی یهودی‌نشین دیگر برای سال آینده در حال ساختن است که سه‌تای آن در بلندیهای جولان، ۲ تا در درهٔ اردن و یکی در نوار غزه قرار دارد.

۲— روزنامه جرزالم‌پست در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۱ در مورد تأسیس آبادیهای یهودی در «کفراتزیون» گزارش داد.

۳— گزارش روزنامه جرزالم‌پست در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱، می‌گوید که مقامات اسرائیلی دیوارکشی ۴۰۰۰ هکتار زمین در نزدیکی «دیرالبلا» در نوار غزه به‌عنوان بخشی از یک پروژه بزرگتر برای تأسیس ۶ آبادی یهودی‌نشین در نوار غزه، تکمیل کرده‌اند. گزارش فوق می‌گوید که تمام منطقه آبادیهای یهودی‌نشین به ۳۴۰۰۰ هکتار می‌رسد.

۴— روزنامه جرزالم‌پست در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱ در مورد توسعه مداوم آبادیهای یهودی در هبرون که «به کریات عربه» معروف است، گزارش داد. برطبق این گزارش، وزارت مسکن اسرائیل، یک طرح اساسی برای اسکان دادن ۹۰۰ خانواده در دست دارد. همان گزارش به بنیانگذار و سخنگوی گروه اصلی اشاره می‌کند که برای عید فطر در ۱۹۶۸ به‌پارک هتل در هبرون رفت و در آنجا باقی ماند. در این زمینه، کمیتهٔ ویژه نامه نماینده اردن را به‌دبیرکل سازمان‌ملل (شماره الف/۳۰۱/۷) به‌تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۸ مورد توجه قرار می‌دهد. نامه مذکور می‌گوید:

در آوریل ۱۹۶۸، حدود ۸ یهودی ارتدوکس، به پارك هتل در حومه شمالی شهر (هبرون) آمدند، تا ظاهراً تعطیل عید فطر را جشن بگیرند. اما بعداً اعلام کردند که برای اقامت به‌آنجا آمده‌اند. بزودی شروع به‌اجارهٔ خانه‌ها وفروشگاهها کردند. اهالی‌شهر این خواسته‌ها را اجابت‌نکردند. شهردارالخلیل (هبرون) به‌نخست‌وزیر اسرائیل تلگرام زد و خواهان اخراج این گروه از یهودیان شد. در نتیجه، آنها به‌شهردار فحاشی کردند، و از او خواستند تا تلگرام مزبور را پس بگیرد. پس از اینکه این خواستهٔ آنها رد شد، در خیابانها به تظاهرات پرداختند و ادعا کردند که باید باقی بمانند و این وظیفهٔ آنها بخشی از آزادسازی سرزمین اسرائیل می‌باشد. اقدامات تحریک‌آمیز آنها ادامه پیدا کرد و دولت اسرائیل هیچ‌گونه اقدامی در این باره بعمل نیاورد.

۱۳— نامه مزبور می‌گوید که یك هیأت منصوب از سوی ساکنان هبرون، با فرماندار نظامی در ۹ مه ۱۹۶۸ ملاقات کرد، و علیه تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در شهر اعتراض نموده و تأکید کرد که حضور آنها برای امنیت شهر بالقوه خطرناك است و باقی ماندن آنها نتایج وخیمی را در پی خواهد داشت. «نامه نماینده اردن به‌ملاقات ایگال‌آلون، وزیرکار اسرائیل اشاره می‌کند که، با گروه مذهبی فوق دیدار کرد و حمایت کامل خود را از آنان اعلام‌نمود.»

۱۴— کمیتهٔ ویژه همچنین پاسخ دولت اسرائیل را به‌اظهارات مندرج در نامه دولت اردن که در نامه دولت اسرائیل آمده است، مورد توجه قرار داد. نامه مزبور (شماره الف/۷۱۰۵) می‌گوید:

این نامه در مورد مسأله مورد بحث اغراق کرده و آن را بدجلوه داده است. گروهی از یهودیان مؤمن و خانواده‌های آنها از جانب خود در شهر هبرون، که‌آثار تاریخی و مذهبی یهودی مقدسی در آن هست، اقامت گزیده‌اند.

دلیلی ندارد که همسایگانشان نباید با آنها به‌طور مسالمت آمیز و دوستانه زندگی کنند، وبدین ترتیب به‌التیام خاطرات غم‌انگیز

قتل‌عام یهودیان هبرون در ۱۹۲۹ کمک نمایند.

۱۵ــ علاوه برگزارشات بالا، جرزالم‌پست در ۶ اکتبر ۱۹۷۱ گزارش داد که «شیخ محمد قلی‌جعبری» شهردارهبرون، به‌تملک. . . ۱،۰ هکتار زمین اعراب «برای توسعه آبادی یهودی‌نشین «کریات‌عربه» در منطقه» اعتراض کرد. اما همان گزارش، به‌نقل از یک گزارش رادیوی اسرائیل از قول یک مقام دولت نظامی، اظهار داشت که: تنها ۲۳۰ هکتار «به‌دلایل امنیتی گرفته شده» و در حقیقت، تنها ۶ هکتار واقعاً تصرف گردیده، که صاحبان این ۶ هکتار نیز غرامت کافی دریافت کرده‌اند.

۱۶ــ از نظر کمیتهٔ ویژه، این نامه‌ها، گزارشات سابق‌الذکر، و نیز گزارشات مربوط به‌آبادیهای یهودی‌نشین هبرون، که در دومین گزارش کمیتهٔ ویژه (شماره الف/۸۳۸۹ پاراگراف ۴۸ـدـ) به‌آنها اشاره شده، وجود یک سیاست انضمام سرزمینهای اعراب و ساختن آبادیهای یهودی را تأیید می‌کند.

ب: انتقال جمعیت و انکار حق بازگشت

۱۷ــ کمیته ویژه در دومین گزارش خود، تعدادی ازگزارشات روزنامه‌ای را ذکرکرد که بر اساس آنها، چندین هزار نفر از سه اردوی بزرگ در غزه، بی‌خانمان شدند. کمیتهٔ ویژه مذکور داشت که مقامات اسرائیلی گفته‌اند این نقل و انتقالات جمعیت به‌دلیل اقدامات امنیتی، مثل ساختن جاده‌های عریض‌تر در داخل اردوگاهها به‌منظور تسهیل پاسداری و حفظ قانون و نظم در این اردوگاهها، ضروری تشخیص داده شده است. کمیتهٔ ویژه اظهار داشت، اغلب اشخاصی که محل اقامت پناهندگی آنها برای ساختن این جاده‌ها خراب

شده، مجبور شدند به کرانه باختری و العریش عزیمت کنند. در حالی که به‌تعداد اندکی گفته شد، تا به‌دیگر فامیلهایشان در داخل غزه پناه ببرند (شماره الف/۸۳۸۹، پاراگراف ۴۸ بند -ز-)

۱۸— کمیتهٔ ویژه از زمان تسلیم اولین گزارش خود در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، گزارش بعدی چندین روزنامه، و نامه‌های دولتها، و نیز دو گزارش کمیسر کل «آژانس کار و رفاه سازمان‌ملل» را در مورد انتقال پناهندگان‌فلسطینی، مورد توجه قرار داده است. این گزارشات: نشان می‌دهد که هزاران خانه مربوط به‌آنها در ۳ اردوگاه مهم پناهندگی در غزه ویران شده و ساکنان این خانه‌ها در مناطق مختلف پراکنده گردیده، و گاهی از دریافت کمکهای «آژانس کار و رفاه سازمان ملل» نیز محروم شده‌اند.

این مسأله را بعداً، بیانات نماینده اسرائیل در کمیتهٔ ویژه، طی اجلاسیه ۷۸۸ آن در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱، تأیید کرد.

۱۹— پس از گزارشات بالا، گزارش دیگری در روزنامه جرزالم‌پست ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱ منتشر شد، که نشان می‌داد مقامات اسرائیل تصمیم گرفته‌اند «به‌طور داوطلبانه» . . . ،۳ خانواده دیگر را در ۱۹۷۲ از اردوگاههای پناهندگی غزه، به‌خانه‌های دائمی منتقل کنند. برطبق این گزارش قرار است . . . ،۲ خانواده در حومه‌های شهرهای نوار غزه اسکان داده شوند و . . . ،۱ خانواده دیگر به کرانه باختری منتقل گردند. گزارش فوق می‌گوید که این نقل و انتقال نظر به کم کردن تراکم در اردوگاهها بایستی تا بهار ۱۹۷۲ به‌پایان برسد. همان گزارش به‌نقل از مقامات می‌گوید که اگر با این طرح اسکان مخالفت بشود، آنها ناچار خواهند بود تا عملیات کم کردن تراکم جمعیت را از سر بگیرند. طبق گزارش مزبور، هزینه خانه‌های جدید هریک . . . ،۳لیره اسرائیلی خواهد بود، که توسط دولت نظامی،

«آژانس کار و رفاه سازمان‌ملل»، و خود پناهندگان پرداخت می‌شود.
یک گزارش مندرج در روزنامه جرزالم‌پست ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱، به نقل از یک سخنگوی وزارت دفاع، طریقه تهیه خانه‌های جانشینی و منبع هزینه مالی این خانه‌های جدید را انکار کرد، اما کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که سخنگوی مزبور قصد دولت اسرائیل برای انتقال ۳،... خانواده از اردوگاهها در بهار آینده را مورد انکار قرار نداد.

۲۰- در این زمینه، کمیتهٔ ویژه، این انتقالات و نیز انتقالاتی را که در طی عملیات کم کردن تراکم جمعیت صورت گرفته است، بدون مجوز قلمداد می کند. کمیتهٔ ویژه میل دارد تا نظر خود را که در دومین گزارشش بیان شده مورد تکرار قرار دهد. براساس آن نظریه، دلایل امنیتی نمی‌تواند برای قدرت اشغالگر، توجیه کننده‌انتقال خودسرانه جمعیت به‌منظور ساختن راههای جدید در منطقه تخلیه شده باشد. کمیتهٔ ویژه انتقال خودسرانه جمعیت را غیر ضروری، توجیه‌نشدنی، و ناقض چهارمین توافق‌نامه ژنو قلمداد می کند.

۲۱- کمیتهٔ ویژه در دومین گزارش‌خود به‌برنامه به‌اصطلاح بازدید کنندگان‌تابستانی اشاره کرد، که به‌فلسطینیهای خارج‌سرزمینهای اشغالی‌اجازه می‌دهد تاطی‌دوره سه‌ماه تابستانی ازدوستان و اقوام خود بازدید کنند. کمیتهٔ ویژه، مذکور داشت که نماینده اسرائیل، در طی بحث دربارهٔ گزارش کمیتهٔ‌ویژه در اجلاسیه بیست‌وپنجم مجمع عمومی، به‌این برنامه به‌عنوان نشانه سیاست دولتش در سرزمینهای اشغالی اشاره کرد. کمیتهٔ ویژه، در دومین گزارش خود اظهار داشت که اگر هم برنامه بازدید کنندگان تابستانی یک جنبهٔ مثبت سیاست اسرائیل نسبت به‌سرزمینهای اشغالی تلقی می‌شد، نه‌جانشین شناسایی حق پناهندگان برای بازگشت به‌خانه‌هایشان می‌شود، و نه هیچ‌گونه اثری برسیاست مشخص دولت اسرائیلی در مورد ساختن اسکانهای

یهودی در سرزمینهای اشغالی خواهد داشت. این سیاست برواقعیت تبعید چند صدنفر از خانه‌هایشان درسرزمینهای اشغالی، و فرامین رسمی تبعید که براساس مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹٤٥، که توسط مقامات اسرائیل صادرشد، نیز تأثیری نخواهد داشت.

۲۲— کمیتهٔ ویژه، در این رابطه، بیانات نماینده اسرائیل در کمیتهٔ ویژه در اجلاسیه ۷۸۸ آن، و نیز گزارشاتی راکه برطبق آن گفته می‌شود برنامه بازدیدکنندگان تابستانی برای سال ۱۹۷۱ شامل ۸۰،۰۰۰ تا ۱۰۰،۰۰۰ بازدیدکننده می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد. کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که برنامه در اواسط سپتامبر ۱۹۷۱، پایان یافت و همه بازدیدکنندگان سرزمینهای اشغالی را ترک کردند. جرزالم‌پست، در ۳ اکتبر ۱۹۷۱ گزارش داد که چندین هزار بازدیدکننده تابستانی عرب، قبل از عزیمت، تقاضا کرده بودند تا در سرزمینهای اشغالی باقی بمانند. گزارش به‌نقل از فرماندار نظامی کرانه باختری می‌گوید که چنین تقاضاهایی برطبق مقررات تجدید وحدت خانواده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج: بدرفتاری به هنگام بازداشت

۲۳— کمیتهٔ ویژه در دومین گزارش خود به‌دبیرکل سازمان ملل، علاوه برمسائل دیگر، به‌مسأله مؤید عثمان بداوی‌البهش ۲۲ ساله، که در دسامبر ۱۹٦۷ در نابلس دستگیر و در ۷ سپتامبر ۱۹۷۰ تبعید شد اشاره کرد (پاراگراف ۲۳ و ۲٤ تکرار پاراگراف شماره ٦٤ ضمیمه شماره یک در صفحات قبل می‌باشد. رجوع کنید به‌پاراگراف ٦٤ درضمیمه شماره یک)

۲٥— در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ کمیتهٔ ویژه هنوز در انتظارگزارش دکترهایی که البهش را به‌هنگام حضورش درکمیتهٔ ویژه معالجه

می‌کردند، بسر می‌برد. کمیتهٔ ویژه از زمان تاریخ پذیرش دومین گزارش خود، یک کپی از گزارش اصلی عفو بین‌المللی را به‌دولت اسرائیل و نیزگزارش دکتر ت.ه.ه وید را در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۱ دریافت کرده است. هردو گزارش مزبور در مورد البهش می‌باشد. دکتر وید در گزارش خود تا آنجا که مربوط به‌بازوی چپ البهش می‌شد، آن را یک فلج تشنجی تشخیص داد. دکتر وید بعداً اظهار داشت که، دکتر دیگری، به‌نام آقای رونالد بروکر آن را به‌عنوان فلج تشنجی یا فلج دروغین، تشریح کرد. گزارش دکتر وید همچنین در برگیرنده شرح مشاهدات خودش از معاینه کامل البهش می‌باشد.

۲۶— کمیتهٔ ویژه با توجه به‌مدارك موجود، احساس می‌کند در موقعیتی نیست که در حقیقت بتواند بگوید که البهش در معرض انواع شدید بدرفتاری، چنانکه خود وی در حضور کمیتهٔ ویژه اظهار کرد، قرار داشته است. اما کمیتهٔ ویژه نمی‌تواند امکان این را که فلج می‌تواند ناشی از وضع ذهنی شخص و به‌تبع نتیجهٔ نوعی از بدرفتاری جسمانی یا فشار شدید روانی در هنگام بازداشت باشد، نادیده بگیرد.

۲۷— در مدت زمان بعد از ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، کمیتهٔ ویژه گزارشاتی دریافت کرده است مبنی براینکه در ۳۰ سپتامبر شورشی در زندان اشکلون بوقوع پیوسته است. برطبق این گزارشات، شورش حدود ۳ ساعت بطول کشید و توسط ۴۸۰ زندانی این زندان شروع شد. یک گزارش روزنامه جرزالم‌پست در ۳ اکتبر ۱۹۷۱، می‌گوید که شورش فوق به‌علت فقدان تسهیلات مناسب برای زندانیانی که محکومیت ۱۰ سال یا به‌بالا دارند، بوقوع پیوسته است. گزارش مزبور از قول آقای «اریس‌نیر» کمیسر زندان، اظهار می‌دارد که تنها نیمی از کل زندانیان، که تقریباً تعدادشان ۵۰۰ نفر است در شورش

شرکت داشته‌اند. کمیسر، بنابه آن گزارش، اظهار داشت که بدین ترتیب بین ۲۵۰ و ۳۰۰ نفر روزانه ۲۳ ساعت در سلولهای خودشان، باقی می‌مانند. همان گزارش می‌گوید که اغلب زندانیان زندان اشکلون محکوم به‌حبس‌ابد هستند.

۲۸ــ کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که وزیر پلیس آقای شلومو هلیل در مصاحبه‌ای در ۱۲ اکتبر ۱۹۷۱ اظهار داشت که آقای «الف‌نیر» کمیسر زندان، کمیته مخصوصی را برای بررسی شورش زندان منصوب کرده است، و گزارش این بررسی «داخلی و تکنیکی» خواهد بود، و برای عموم منتشر نخواهد شد. گزارش به‌نقل از وزیر پلیس می‌گوید که علل اصلی شورش، جمعیت بیش از حد زندانیان، کمبود مأموران زندان و این حقیقت بوده است که زندانیان اشکلون شامل «رهبران ارشد تروریستی و دیگر انواع زندانیان خطرناك» می‌باشند.

۲۹ــ کمیتهٔ ویژه مدرکی در دست ندارد تا اظهارات اشخاصی راکه بعد از دیدار زندان اشکلون اظهار داشتند زندانیان به‌تلافی شورش، مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، تأیید یا تکذیب کند. کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که تقاضای شهرداران شهرهای کرانه باختری برای دیدار زندان و نیز تقاضای هیأت عمومی شهروندان نابلس به ریاست آقای حاج «معزوزالمصری»، شهردار نابلس، برای تشکیل کمیته‌ای از نمایندگان بی‌طرف کنست (پارلمان اسرائیل) به‌منظور بررسی شرایط زندان اشکلون پذیرفته نشد. برطبق گزارش ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱ جرزالم‌پست، موشه‌دایان وزیر دفاع با تشکیل کمیته بررسی مخالفت کرد. همان گزارش می‌گوید که وزیر دفاع تصمیم گرفت تا هیچ یک از شهروندان شهر نابلس اجازه ملاقات با اقوام خود در زندانهای اسرائیل را در برنامه ملاقاتی آینده، که ۲ هفته بطول می‌انجامید، پیدا نکند.

۳۰ــ کمیتهٔ ویژه، در گزارش دوم خود، علی‌رغم تلاشهای گزارش شده برای بهبود اوضاع زندان، اعلام کرد که وضع کلی زندان بد است و این امر در اصل ناشی از شلوغی بیش‌ازحد می‌باشد. اطلاعات ذکر شده در بالا این نتیجه‌را تأیید می‌کند.

د: اظهارات دیگر

۳۱ــ کمیتهٔ ویژه در دومین گزارش خود مذکور داشت که دستگیری دسته‌جمعی گاهگاهی جوانان ادامه‌می‌یابد، ومواردی را نیز از محل وقوع این دستگیریها، نقل نمود (شماره الف ۸۳۸۹ و پاراگراف ۷۰).

۳۲ــ کمیتهٔ ویژه بر اساس گزارشات مندرج در مطبوعات اشاره کرد که دستگیریها متوقف نشده است. جرزالم‌پست در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۱ گزارش داد که، ۹۰ نفر در طی ماه سپتامبر در منطقه شمال هبرون دستگیر شده‌اند. بنا به‌گزارش فوق، این دستگیریها در گروههای ۱۹، ۳۵ و ۳۶ نفری صورت گرفت. بر طبق گزارش «اتیم» بنگاه خبری اسرائیل، طی چهار ماهی که در سپتامبر ۱۹۷۱ پایان می‌یابد، تقریباً ۴۰۰ نفر از ساکنان کرانه باختری که مشکوك به انجام اعمال غیرقانونی مختلف بودند، بازداشت شدند.

۳۳ــ کمیتهٔ ویژه، در این زمینه، نتیجه دومین گزارش خود، مبنی بر اینکه دستگیریهای دسته‌جمعی بروشنی وسیله‌ای برای خراب‌ـ کردن روحیه مردم سرزمینهای اشغالی بحساب می‌آید را تکرار کرد.

۲ــ الحاق به‌توصیه مندرج در بخش ۵ دومین گزارش کمیتهٔ ویژه

۳۴ــ کمیتهٔ ویژه در گزارش تقدیمی خود، به‌دبیر کل سازمان

ملل در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، طرحی را توصیه کرد که براساس آن:

الف: کشورهایی که سرزمین آنها بوسیله اسرائیل اشغال شده، برای حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، بسرعت یک ارگان یا ارگانهای بی‌طرف، یا یک سازمان بین‌المللی منصوب کنند تا تضمینهای بی‌طرفی و مؤثر بودن را پیشنهاد نماید.

ب: برای حمایت از منافع یک جمعیت بزرگ در سرزمینهای اشغالی، که فرصت اعمال حق خودگردانی به‌آنها اعطا نگردیده، ترتیبات مناسب داده شود.

ج: یک ارگان یا سازمان بین‌المللی بی‌طرف به ترتیبی که در بند (الف) در بالا توصیف گردید، توسط اسرائیل تعیین گردد و در این طرح شرکت کند.

۳۵— کمیتهٔ ویژه بعداً توصیه کرد تا ارگان یا ارگانها، و یا یک سازمان بین‌المللی براساس این طرح تعیین شود وفعالیتهای زیر را بعهده بگیرد:

۱— اجرای دقیق و موشکافانه مقررات مربوط به‌حقوق بشر مندرج در سومین و چهارمین توافق‌نامه ژنو را بعهده گرفته، و بخصوص حقیقت اظهارات مربوط به‌تخلف از مفاد حقوق بشر در این توافق‌نامه‌ها، و یا دیگر اسناد بین‌المللی قابل اجرا را، بررسی و تعیین کند.

۲— اطمینان بدهد که با جمعیت سرزمینهای اشغالی، برطبق قانون قابل اجرا، رفتار می‌شود.

۳— کار خود را به‌دولتهای مربوطه، و به‌مجمع عمومی‌سازمان ملل متحدگزارش بدهد.

۳۶— کمیتهٔ ویژه به‌این امید این توصیه را کرد که بررسی اظهارات مربوط به‌تجاوز به‌حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی بتواند

بی‌درنگ انجام بگیرد. زیرا کمیتهٔ ویژه به‌تنهایی به‌دلیل خودداری دولت اسرائیل از پذیرفتن کمیتهٔ ویژه، یا همکاری با آن، نمی‌تواند چنین کاری را انجام بدهد. نظر به‌اتخاذ این توصیه، کمیتهٔ ویژه مذکور می‌دارد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بعد از ملاحظه دقیق مسأله تقویت اجرای توافق‌نامه‌های موجود (ژنو)، به‌این نتیجه رسیده است که تمام وظایفی که براساس توافق‌نامه‌ها به‌عهده یک قدرت حمایت‌کننده گذارده شد، باید وظایف انسانی تلقی شود. و نیز مذکور می‌دارد، که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمادگی‌خود را برای بعهده‌گرفتن تمام وظایف قدرتهای حمایت‌کننده در توافق‌نامه ژنو اعلام کرده است[1]. کمیتهٔ ویژه با آگاهی از نتیجه‌ای که کمیته بین‌المللی، در رابطه با نقش جدیدش به‌عنوان یک قدرت حمایت‌کننده بدان رسیده است، ملحوظ می‌دارد که وظایف کنونی کمیته بین‌المللی‌صلیب‌سرخ در سرزمینهای اشغالی، حتی با وجود محدودیتهای بوجود آمده برای آن، بایستی ادامه پیدا کند. بنابه تشخیص کمیتهٔ ویژه، نقش یک قدرت حمایت‌کننده براساس توافق‌نامه‌ها، باید فراتر از وسعت نقش سنتی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ درانجام وظایف انسانی‌اش باشد. اجرای مؤثر وظایف و مسؤولیتهای قدرت حمایت‌کننده، براساس توافق‌نامه‌های ژنو، محتاج به‌این است که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ خود را از تمام قیدوبندها و محدودیتهایی که برای حفظ موقعیت ممتاز خود براساس نقش سنتی‌اش، ضروری تشخیص می‌دهد، آزاد نماید. تصویب قطعنامه‌های گوناگون از سوی ارگانهای سازمان‌ملل ازسال ۱۹۶۷، نشان دهنده علاقه‌مندی، نگرانی و احساس مسؤولیت

۱. نگاه‌کنید به‌گزارش کارکنفرانس متخصصین دولت، در مورد تأکید مجدد و توسعه حق بین‌المللی انسانی قابل اجرا در برخوردهای مسلحانه (ژنو، ۲۴ مه ـ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۱)، پاراگراف ۵۵۳.

سازمان ملل در رابطه با مسألهٔ تجاوز به‌حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، می‌باشد. بنابراین به‌نظر کمیتهٔ ویژه، بر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فرض است تا از طریق دبیر کل، سازمان‌ملل را کاملا از فعالیت خودش، به‌عنوان یک قدرت حمایت کننده، مطلع نگاه دارد، و بعلاوه کارهایش را به‌دولتهایی که این کمیته برای حفظ حقوق ملل آنها تعیین شده، گزارش بدهد.

۳۷ــ کمیتهٔ ویژه از اظهار تمایل کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ برای بعهده گرفتن نقش یک قدرت حمایت کننده، به‌عنوان حادثه‌ای که اجرای توصیه مندرج در اولین و دومین گزارش این کمیته را آسان می‌کند استقبال می‌نماید، و امیدوار است که نظم و ترتیب خاصی داده شود تا کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را قادر سازد تا بیدرنگ انجام وظایف یک قدرت حمایت کننده را برای حفظ حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، آغاز نماید.

۳۸ــ به‌این دلایل، کمیتهٔ ویژه احساس می‌کند که مجمع عمومی می‌بایستی:

الف: از دبیر کل بخواهد تا آمادگی کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را برای بعهده‌گرفتن تمام وظایف محوله یک قدرت‌حمایت کننده، براساس توافق‌نامه‌های ژنو به‌اطلاع طرفین درگیر برساند و از آنها دعوت کند تا از خدمات کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در رابطه با اجرای مقررات توافق‌نامه ژنو در سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، استفاده نماید.

ب: از کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ بخواهد تا از طریق دبیر کل، سازمان‌ملل‌متحد را کاملا از فعالیتهایش به‌عنوان یک قدرت حمایت‌کننده مطلع نگاه دارد، وبعلاوه کارهایش‌را به‌دولتهایی درگیر، گزارش بدهد.

ج: بار دیگر قیمومیت کمیتهٔ ویژه را، برای ضرورت یا عدم ضرورت ادامه فعالیتهایش، به هنگام‌شروع کار کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ به‌عنوان یک قدرت حمایت کننده، مورد نظر قرار بدهد.

۳- تصویب گزارش

۳۹- کمیتهٔ ویژه در ۱۱ دسامبر ۱۹۷۱، پس از تشکیل جلسه از ۷ تا ۱۱ دسامبر، برای ملاحظه اطلاعات تکمیلی رسیده‌به کمیتهٔ ویژه بعد از ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ (یعنی زمانی که گزارش خود را تسلیم نمود)، این گزارش تکمیلی‌را مورد پذیرش و تصویب قرار داد.

(امضاء): ه.اس آمراسینگه (سیلان)

(امضاء): الف.الف فرح (سومالی)

(امضاء): ب.بوهته (یوگسلاوی)

قتل عام در شاتیلا و صبرا

نوشتهٔ صفاء حسین زیتون

چهارهزار قصه، چهار هزار آرزو شهید شد

قتل عام در اردوگاههای فلسطینی صبرا و شاتیلا، نخستین مورد در تاریخ جنایت‌بار صهیونیسم نبود و آخرین هم نیست، مگر آنکه جهان عرب و جهان اسلام از خواب غفلت بیدار شوند. صهیونیستها و همدستان آنها، «۴/۰۰۰» زن و مرد و کودک بیدفاع فلسطینی و لبنانی را به‌طرز فجیعی قتل عام کردند. در وسایل ارتباطجمعی جهان عرب و اسلام، گوشه هایی از این جنایت هولناک منعکس شد و بدین‌گونه «مسؤولیت» آنهم بنحو احسن انجام گرفت و تمام. اما حدیث بازماندگان... حدیث زینبیان زمان همچنان باقی... حتی اگر بر سر راه «کاروان شام» و شامات دگر، گل و قالیچه‌های ایرانی بگسترانند... آخر، هنوز مجال نداده‌اند برای عزیزان خود به‌سوگ بنشینیم... نه‌تنها بیگانگان، که آشنایان نیز... همانهایی که به‌گفته برادرمان «ابوایاد»: به‌سکوت نشسته، تماشاگر یا توطئه‌گر بودند. «یوم تبلی‌السرائر»... روزی که رازها از پرده درافتد. دور نیست که زینبیان باز هم بگویند و بگویند و خواهندگفت... آری، ۴۰۰۰، قصه، ۴۰۰۰ آرزو، شهید شد. مگر می‌توان فراموش کرد؟ هرگز. می‌توان‌گذشت؟ هرگز. این زخمها به‌رغم نمک‌پاشیها، التیام خواهد یافت، چراکه ما تفنگ به‌دست، زندگی را اراده کرده‌ایم... چراکه من فلسطینی هستم، وطنم را می‌خواهم... فلسطین را... قدس عزیز را... عکا و یافا و نابلس و غزه را... مساجد و کلیساهایش را... گلدسته ها و ناقوسهایش را... باغات پرتقالش را... خاکش را... فلسطین را... الیس‌الصبح بقریب. صبح پیروزی... صبح‌آزادی... صبح رهایی.

دراواخر قرن‌نوزدهم، تئودور هرتزل بنیانگذار جنبش‌صهیونیسم،

شعاری دروغین به این‌معنا مطرح کرد که: سرزمین فلسطین، «سرزمین بی‌ملتی است»، و بدین گونه توطن یهودیان در سرزمین فلسطین را توجیه کرد. در ژوئن ۱۹۶۹ نیز گلدامایر، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، همین معنا را تکرار کرده و با وقاحت گفت: «فلسطینیها!... اینها کجا هستند؟! چیزی به‌این نام وجود ندارد.»

ریشه کنی فلسطینیها از زمینشان و نابود کردنشان، یکی از هدفهای اصلی رژیم صهیونیستی — از بدو تأسیس — باقی ماند، تا دیگر صدایی نماند و بگوید: «من فلسطینی هستم، وطنم را می‌خواهم.»

تاریخ اسرائیل، مملو از قتل‌عامهایی است که رهبران باندهای صهیونیستی، به‌منظور قتل بیشترین تعداد ممکن از فلسطینیها و ارعاب هر کس که زنده می‌ماند، تدارک دیده و به اجرا در آورده‌اند... تا آنها که جان سالم بدر می‌برند، خانه و کاشانه و وطن خویش را رها کرده و به‌آنجا که «آزادی نباشد» — اگر باشد — هجرت کنند... مگر بود... مگر هست.... مگر...؟

یکی از این قتل‌عامها «دیر یاسین» بود که باندهای ایرگون و اشترن تحت فرماندهی مناخیم‌بگین نخست‌وزیر فعلی اسرائیل و وزیر خارجه‌اش، اسحاق‌شامیر، مرتکب شدند. آنها درشب ۱۹٤۸/٤/۸ به مردم بیدفاع دهکده دیر یاسین یورش برده و دهها زن و مرد و کودک را بقتل رسانده و بند از بندشان جدا کرده و تعداد بیشماری از اجساد را به چاه‌آب دهکده انداختند و از اجساد باقیمانده، توده‌ای ازاستخوان و گوشت درکنار چاه، بجا گذاشتند.

قتل‌عامی‌دیگر را اهالی دهکدهٔ «قبیه» درکرانه غربی متحمل شدند. یک واحد ویژه به‌نام«واحد ۱۰۱» جمعی ارتش اسرائیل، که افراد آن لباس نظامی نمی‌پوشند و انواع سلاحهای مورد استفاده ارتش

اسرائیل را بکار نمی‌برند، به‌فرماندهی «اریل‌شارون» وزیر دفاع سابق در آخرین ساعات شب چهاردهم اکتبر سال۱۹۵۳، در حالی که مردم در خانه‌های خود در خواب بودند، به‌دهکده مذکور حمله کرد. قاتلان به‌خانه‌ها یورش برده و به‌داخل آنها بمبهای دستی پرتاب کرده و اطراف خانه‌ها مواد منفجره گذاشتند. واحد ویژه بعد از بقتل رساندن ۶۶نفر که اغلب زن‌و کودک بودند و مجروح کردن ۷۰ نفر دیگر و انهدام۴۰ خانه، سحرگاه دهکده را ترک کردند. ارتش اسرائیل بعد از این قتل‌عام، ادعا کرد که دخالتی در آن نداشته و مهاجمین یک عده افراطی بوده‌اند. قتل‌عام‌سوم به‌سال ۱۹۵۶، هنگام اشغال غزه توسط اسرائیلیها بوقوع پیوست. نیروهای اسرائیلی در جریان حمله به خانه‌های شهر خان‌یونس به‌بهانهٔ کشف اسلحه، ۲۷۵ نفر را کشتند.

«قتل‌عام کفرقاسم» نیز به‌این صورت بود که مقامات اسرائیل ابتدا از ساعت پنج بعد ازظهر ۲۹ اکتبر۱۹۵۶، مقررات منع عبور و مرور را به‌اهالی دهکده که هنوز در مزارع خود بودند و چیزی در این زمینه نمی‌دانستند، تحمیل کردند. مردم که بعد از ساعت پنج—طبق معمول— به‌دهکده باز می‌گشتند، در نزدیکی دهکده توسط سربازان اسرائیلی متوقف و به‌رگبار بسته شدند. قربانیان دهکده کفرقاسم (از مرد و زن و کودک) که بعمد و بطرزی وحشیانه، بقتل رسیدند، ۴۷ «انسان» بودند.

اخیراً نیز نقش اسرائیل در قتل‌عام «تل‌زعتر» افشا شد. این افشاگری بدین صورت بود که اریل‌شارون وزیر دفاع (سابق) اسرائیل‌در پاسخ حمله شدید رهبر اقلیت شیمون‌پرز مبنی بر اینکه وی— یعنی شارون— ارتش اسرائیل را درقتل‌عام صبرا وشاتیلا دخالت داده است، گفت: «مگر ارتش اسرائیل درجریان قتل‌عام «تل‌زعتر» به‌سال۱۹۷۶

دخالت نداشت؟! یادآوری می‌شود که شیمون‌پرز در آن زمان (اوت ۱۹۷٦) وزیر دفاع اسرائیل بوده و اخیراً اعتراف کرده است که اسرائیل علاوه بر تعلیم دادن ومسلح کردن باندهای کتائب، مخارج آنها را نیز قبول کرده بود. مطبوعات اسرائیلی نیز اعتراف کردند که در جریان محاصره ٦۰ روزه تل‌زعتر، کارشناسان اسرائیلی در بیروت شرقی حضور داشته و در تهیه طرح قتل‌عام فلسطینیها در روزهای ۱۳ و ۱٤ ماه اوت ۱۹۷٦ به‌هنگام خروجشان از این اردوگاه، مشارکت داشته‌اند. فلسطینیها در تل‌زعتر «۲۰۰۰» شهید از دست دادند. قتل عامی که در اردوگاههای صبرا و شاتیلا بوقوع پیوست، نخستین مورد در تاریخ رژیم صهیونیستی نبود. با اینهمه خلق فلسطین به‌پایداری ادامه می‌دهد و مقاومت می‌کند و این شعار را همچنان فریاد می‌کند که :«من فلسطینی هستم... و وطنم را می‌خواهم.»

زمینه‌سازی برای قتل‌عام شاتیلا و صبرا

۱ـ عزیمت رزمندگان:

آخرین گروه از رزمندگان فلسطینی روز یکم سپتامبر ۱۹۸۲ عزیمت کردند. حامیان بیروت که ۷۹ روز در برابر بربرها مقاومت کرده بودند، رفتند... بعد از اینکه امیدشان به‌کمکهای عربی و اسلامی به‌یأس مبدل شد، رفتند تا بیروت را از رنج و تخریب وانهدام بیشتر در امان نگه دارند... بعد از زمانی رفتند که دولتین لبنان و امریکا، حفظ جان رزمندگان درحال خروج و غیرنظامیان بیگناه باقی‌مانده در بیروت را تضمین کردند... زمانی رفتند که کشورهای شرکت‌کننده در نیروهای چندملیتی قول دادند تا برقراری نظام و امنیت و

سپردن زمام‌امور بیروت غربی به‌مقامات قانـونی لبنان، در خطوط تماس باقی خواهند ماند... زمانی رفتند که مسؤولان دولتی امریکا تأکید کردند که نیروهای مهاجم صهیونیستی هرگز وارد بیروت مقاوم‌نخواهند شد... رزمندگان رفتند و همسران و فـرزنـدان ومـادران و پـدران خـود را بـه‌رسم امـانت، بـه‌دست تضمین کنندگان و قول دهندگان، سپردند.

همان روزی که آخرین گروه از رزمندگان رفتند، یک باند مسلح به‌خانه یک خانواده فلسطینی درکوی الناعمه واقع در جنوب بیروت که در اشغال اسرائیلیها بود، حمله کرده و سه‌تن از افراد خانواده را بقتل رسانده و اجساد آنان را مثله کرده و تنها دخترکوچکی زنده‌ ماند، تا آنچه بر سر خانواده آمده بود، بازگو کند.

۲ـ حرکتهای اسرائیلیها:

دوروز بعد، نیروهای اسرائیلی، جلو آمده و موضع جدیدی را در نزدیکی سفارت کویت که کاملا مشرف به‌اردوگاههای صبرا و شاتیلاست اشغال کردند. شفیق‌وزان ،نخست وزیر لبنان نسبت به پیشروی‌نیروهای اشغالگر اعتراض کرد و آن را برخلاف آتش‌بس توافق شده بافرستاده امریکا فیلیپ‌حبیب دانست. سفیر امریکا درپاسخ تأکید کرد که هدف نیروهای اسرائیلی، صرفاً جمع‌آوری مینها و راه‌بندانهای موجـود در جاده‌های اصلی منتهی بـه‌بیروت است و نیروهای اسرائیلی بعد از انجام این مأموریت، عقب‌نشینی خواهند کرد.

در اجرای قرارداد حبیب، ارتش‌لبنان، تحویل گرفتن‌انبارهای اسلحه متعلق به‌سازمان آزادیبخش فلسطین را در منطقه جامعه‌عرب و فاکهانی آغازکرد. نیروهای امنیت داخلی لبنان در شکل واحدهای منظم گشتی در داخل بیروت غربی پراکنده شدند. نشانه‌های زندگی

عادی درحال بازگشت به‌منطقه بود. مردم به‌خانه‌های خود که درطول جنگ آن را رها کرده بودند، بازگشتند. کار ترمیم خرابیها آغاز شد... بانکها و ادارات دولتی درهای خود را گشودند و مدارس برای از-سرگیری تحصیل آماده شد.

هفتم سپتامبر، اسرائیل ادعا کرد که دوهزار رزمنده فلسطینی و حدود یکهزار رزمنده از نیروهای ملی لبنان، هنوز در منطقه الجناح در بیروت غربی مستقر هستند. اسرائیل تهدید کرد، در صورتی که فلسطینیها نروند و نیروهای ملی لبنان منطقه را ترک نکنند، آتش‌بس اعلام شده در اطراف بیروت را زیرپا خواهد گذاشت. برای اثبات‌جدی بودن این تهدید، سربازان اسرائیلی به‌سفارت جمهوری دموکراتیک یمن یورش برده و ساختمان متروکه سفارت مجارستان را اشغال کردند. به‌منظور اجتناب از برخورد نظامی، جنبش شیعی لبنان «امل» اعلام کرد که حاضر است مواضع خود در الجناح را تحویل نیروهای چند-ملیتی و یا ارتش لبنان بدهد. سخنگوی جنبش «امل» حضور رزمندگان فلسطینی در منطقه را تکذیب کرد. مواضع «امل» تحویل ارتش لبنان داده شد. روز بعد، ارتش لبنان، خاکریزها وسنگرهای اطراف و داخل بیروت غربی را جمع‌آوری کرد. نیروهای امنیت داخلی نیز سنگرهای داخل شهر جنبش لبنانی ناصریستهای مستقل «المرابطون» را تحویل گرفته و شروع به‌جمع‌آوری سلاحها از بیروت غربی کردند، هر چند که نیروهای ملی به‌این امر اعتراض کرده و اعلام داشتند که تا هنگامی که نیروهای اشغالگر اسرائیلی در لبنان حضور دارند، حاضر به کنار گذاشتن سلاحهای خود نیستند. ارتش لبنان وارد اردوگاه برج‌البراجنه نیز شد و شروع به جمع‌آوری سلاحهای‌باقیمانده در داخل اردوگاه کرد. در حالی‌که ساکنان اردوگاه اصرار داشتند برای دفاع از خود،

سلاحهای فردی خویش را نگه دارند پلیس لبنان وارد اردوگاه صبرا شده و در ورودیهای اردوگاه شاتیلا نیز مستقر شد. آرامش در هر دو اردوگاه برقرار شد. مردم در انتظار ورود ارتش لبنان بودند. اما وجود دوقرارگاه اسرائیلی در نزدیکی این دو اردوگاه، نگرانیهایی برانگیخت و گسترش ارتش لبنان و کنترل اوضاع امنیتی را با موانعی مواجه کرد.

۳- عزیمت نیروهای چندملیتی:

روز نهم سپتامبر امریکا اعلام کرد که تفنگداران دریایی امریکا، جمعی نیروهای چندملیتی فردا — دهم سپتامبر — یعنی فقط بعد از ۱۶ روز از ورود خود، لبنان را ترک خواهند کرد. یادآوری می‌شود که براساس توافق انجام شده، قرار بود که نیروهای چندملیتی به‌مدت یک‌ماه بمانند، تا امنیت در بیروت برقرار شود. پیرو اعلام این خبر از سوی امریکا، منابع دیپلماتیک غربی در بیروت اظهار داشتند که نیروهای فرانسوی و ایتالیایی، بدون نیروهای امریکایی، قادر به ماندن دربیروت نیستند. در پی این‌گونه اظهارات، جوی از نگرانی بر بیروت حاکم شد. منابع لبنانی اظهار تردید کردند که ارتش لبنان و نیروهای امنیت داخلی بتوانند اوضاع امنیتی پایتخت را بعد از خروج نیروهای چند-ملیتی، کنترل کنند. رهبران بیروت‌غربی درخواست کردند که نیروهای چندملیتی تا پایان مدت مأموریت خود یعنی تا روز بیست‌ویکم سپتامبر باقی بمانند. شفیق‌الوزان نخست‌وزیر لبنان با سفیر امریکا تماس گرفت و از وی خواست که عزیمت تفنگداران دریایی امریکا به‌تعویق افتد. در ضمن به‌او گفت که عزیمت نیروهای چندملیتی قبل از موعد مقرر، مغایر طرح تهیه شده توسط فیلیپ حبیب است و یکی ازمأموریتهای این نیروها، تضمین سلامت غیرنظامیها و فلسطینیها تا زمان باقی‌ماندن

نیروهای اسرائیلی در اطراف بیروت است. اما رئیس‌جمهوری منتخب بشیرجمیل در همان روز اظهار داشت که مأموریت نیروهای چندملیتی پایان یافته و باید بروند.

سرانجام واحد امریکایی روز جمعه دهم سپتامبر عزیمت کرد، و در پی آن واحد ایتالیایی در روز شنبه یازدهم، و آنگاه واحد فرانسوی روز دوشنبه سیزدهم سپتامبر، بیروت را ترک کردند. بدین‌گونه نیروهای چندملیتی هشت روز قبل از موعد تعیین شده براساس طرح حبیب، رفتند... رفتند و اسرائیلیها ماندند.

۴ـ قتل بشیرجمیل:

ساعت چهاربعدازظهرسه‌شنبه چهاردهم سپتامبر رئیس‌جمهوری منتخب، بشیرجمیل دردژحزب کتائب واقع دربیروت شرقی بقتل رسید. بشیرالجمیل در مقر حزب درالاشرفیه به‌رغم اقدامات شدید امنیتی که جز نزدیکان و هم‌پیمانان توان ایجاد شکاف در آن را ندارند، بقتل رسید. او با فرماندهان نظامی حزب جلسه داشت که مقر حزب بر اثر انفجار مواد تخریبی قاچاق شده به‌داخل ساختمان به‌طور ناگهانی فرو ریخت. این مواد تخریبی از نقطه‌ای نزدیک و توسط بی‌سیم و بعد از اطمینان از اینکه بشیر در جلسه حضور دارد، منفجر شد. عناصری از شبه نظامیان کتائب در ویرانه‌های مقر حزب به‌جست‌و جوی رئیس جمهوری منتخب پرداختند و بیست‌دقیقه بعد از انفجار، او را در حالی که صورتش بهم ریخته بود، بی‌حرکت پیدا کردند.

رادیو لبنان خبر قتل بشیرجمیل را نیمه‌شب پخش کرد. اما آمادگیهای نظامی اسرائیل آغاز شده بود. یک افسر امنیتی لبنان که در روز حادثه در فرودگاه حضور داشت تأکید کرد که نیروهای‌اشغالگر اسرائیلی از ساعت ۱۸ روز سه‌شنبه تا نخستین ساعات بامداد روز

چهارشنبه یک پل هوایی برقرار کرده و هواپیمای نظامی هرکولس که حامل سرباز و اسلحه و مهمات بودند، در فرودگاه بین‌المللی بیروت به زمین نشستند. نیروهـای اشغالگر اسرائیلی به‌منظور پوشانـدن نقل و انتقالات ارتش اسرائیل و شبه‌نظامیان هم‌پیمان، در ساعت پنج‌بامداد روز چهارشنبه پانزدهم سپتامبر، اعلام منع عبور و مرور در تمامی شهرها و دهکده‌های جنوب لبنان کردند. حمله به‌بیروت‌غربی آغاز شد.

۵- یورش به‌بیروت غربی:

بعد ازکنار زدن ارتش لبنان، نیروهای اسرائیلی به‌طرف بیروت غربی پیش آمدند. آنها از شش محور حمله کردند. سه‌محور از طریق راههای اصلی که سربازان اسرائیلی ده روز پیش آنها را از مینها و سنگرها پاکسازی کرده بودند وسه‌محور دیگر از طریق منطقه «موزه و بنـدر». آنهـا مواضع تخلیه شده توسط تفنگداران دریایی را اشغال کردنـد. صبح چهـارشنبه پـایـان نیـافته بـود کـه تانکها وزرهپوشهای اسرائیلی در تمامی راهها و ورودیهای اصلی مستقر شدند.

نخست‌وزیر لبنان طی ارسال تلگرامی درمورد حمله اسرائیل بـه ریگان اعتراض کرد. اما ریگان به‌وی گفت: «اسرائیل معتقد است که بعد ازکشته شدن بشیرجمیل این پیشروی محدود برای حفظ امنیت لازم است.» شفیق‌وزان در پاسخ به‌ریگان این توجیهات اسرائیلی را رد کرد. نیروهای ملی لبنان‌تا پای جان از بیروت مقاوم‌دفـاع کردند و در چندین محور از جمله «الطریق‌الجدیده» و المزرعه و فاکهانی و درکنار اردوگاهها و منطقه‌الروشه، درگیر نبردهای بـی‌امانی شدند. بعدازظهر چهارشنبه تانکهای اسرائیلی، اردوگاههای صبرا وشاتیلا را محاصره کرده و آنها را زیر آتش توپخانه خود گرفتند. در این میان سربازان‌اسرائیلی

مشغول بازرسی خانه‌های مجاور اردوگاهها شدند و سپس روی ساختمانهای نزدیک و مشرف بر اردوگاهها سنگر گرفتند. با فرا رسیدن شب، نیروهای اسرائیلی، برق بیروت غربی را قطع کردند.

نبردها در بامداد پنجشنبه شانزدهم سپتامبر ادامه یافت. اما نیروهای اسرائیلی توانستند بیروت غربی را به‌کنترل خود درآورده و ارتباط هر منطقه‌ای را با دیگری، قطع و اعلام منع عبورومرور کردند و به‌مردم دستور دادند که از خانه‌های خود خارج نشوند. همه راههای منتهی به‌پایتخت را بستند. یورش به‌خانه‌ها و جمع‌آوری سلاحها و بازداشتها آغاز شد. گلوله‌باران اردوگاههای صبرا و شاتیلا ادامه یافت. درطول ساعات روز و شب پنجشنبه برق بیروت غربی همچنان قطع بود.

ظهر پنجشنبه اسرائیلیها با بیش از ۱۵۰ تانک و ۱۰۰ نفربر و ۱۴ زرهپوش حامل انواع توپ و ۲۰ بولدوزر، اردوگاههای صبرا و شاتیلا را در محاصره خود داشتند. بعد از ظهر پنجشنبه شانزدهم سپتامبر، اهالی شهر شویفات که مشرف به‌فرودگاه بین‌المللی بیروت است، شاهد سرازیر شدن سیلی ازکامیونها و نفربرهای زرهی به‌یکی از باندهای فرودگاه که در نزدیکی قرارگاه اسرائیلیها قرار داشت، بودند. شاهدان عینی گفتند که نفربرها حامل سربازانی در لباس شبه‌نظامیان بوده که از دوسو سرازیر می‌شدند: یکی از جاده جنوب لبنان «دژسعد حداد» و دیگری از بیروت شرقی، «دژکتائب». منابعی در ارتش لبنان، گفته‌های اهالی شویفات را تأیید کردند.

هنگامی که تمرکز نیروها پایان یافت، حرکت از فرودگاه به سوی اردوگاههای فلسطینی آغاز شد. مهاجمین توسط علائمی به شکل دایره که یک مثلث در داخل آن قرار داشت و به تازگی تمیز و در دو سوی خیابان نصب شده بود، راهنمایی می‌شدند. خبرنگاران گفتند که این علائم درطول راه میان «دامور» تا باند غربی فرودگاه و

در طول جاده بیروت شرقی تا محل تمرکز نیروهای اسرائیلی در همین باند، دیده می‌شد.

در ساعت چهار بعد از ظهر، کاروان قاتلان به‌مرز اردوگاهها که در محاصرهٔ نیروهای اسرائیلی بودند، رسیدند. سربازان اسرائیلی راه را برای این کاروان بازکرده و ورود آن‌را با اقدام به‌گلوله‌بارانهای شدید اردوگاهها، پوشاندند... و قتل‌عام آغاز شد.

بوی مرگ و انبوه مگس و اجساد روی هم انباشته، همه جا را گرفت. درکوچه‌ها و خیابانهای فرعی، زیر گاریها و روی ویرانه‌ها و توده‌های زباله، درکنار خانه‌ها و در داخل اتاقهای خواب...

در مدخل جنوبی اردوگاه شاتیلا یک ردیف خانه‌های کوچک و محقر بر اثر گلوله‌بارانهای شدید، بر سرساکنان آن، فرو ریخت. پنجاه متر دورتر، اجساد روی‌هم انباشته شده‌اند. دستها و پاها بهم گره خورده است. انگار ازقساوت مرگ بهم پناه‌آورده بودند. گلوله‌ها را در سرشان خالی کرده بودند. بیضه‌های بعضیها را بریده بودند. سر عده‌ای دیگر را قطع کرده بودند. چشمانشان باز و متشنج مانده بود. مرگ هم نتوانسته بود رعب و وحشت را بویژه در چشمان کودکان، بر طرف کند. چند متر جلوتر جسد پنج زن و تعدادی کودک، روی تلی از خاک به‌پشت افتاده... ازجمله یک زن که پیراهنش از ناحیه‌سینه پاره و دو پستانش قطع شده و درکنارش سر بریده دخترکی با نگاهی خشمگینانه به‌قاتلان، دیده می‌شود. و دخترکی دیگر، تقریباً سه‌ساله در لباسی سفید، آغشته به‌خون و گل و سری از هم پاشیده شده با گلوله...

درکنار خانه‌ای نیمه‌ویران، زن جوانی در حالی که طفل شیرخواره‌اش را در آغوش گرفته، به‌رو، افتاده است. تلاش کرده بود خود وکودکش را از چنگ قاتلان نجات دهد، اما جنایتکاران از

پشت او را به‌رگبار بسته بودند. گلوله‌ها از بدنش عبور کرده و در بدن طفل شیرخواره نشسته بود. در حالی که کودکش را به‌سینه می‌فشرد، به خاک و خون افتاد. در کنار دیواری، اجساد دست بسته بیست نوجوان پانزده، شانزده ساله ردیف شده بود. آنها دیگر نه‌مدرسه خود را خواهند دید، و نه‌معلمان و دوستانشان، آنها را.

بالای تلی از آوار، جسد دخترکی چهارساله افتاده است. در میان خرابه‌های خانه ویران شده خود، دنبال مادرش می‌گشت که قاتلان او را دیده و گلوله‌های خود را درعورت او خالی کردند. درمیان زباله‌ها، جسد «عدنان‌نوری» — ۹۰ ساله — افتاده است. گلوله شقیقه چپ او را شکافته بود. عصایش درکنارش بود. موهای سپیدش از لای کوفیه‌اش بیرون زده بود. چندقدم جلوتر، جسد همسایه‌اش محمددیاب— ۷۰ساله— که گلوله‌ها به‌سرش اصابت کرده بود، مچاله شده بود. در حفره‌ای نزدیک بیمارستان عکا، جنایتکاران پیرمرد دیگری را با کارد سر بریده بودند. درکنار جسدی که سر آن از هم پاشیده بود، زنی کارت شناسایی آلوده به‌خونی به‌دست گرفته و فریاد می‌زند: «این برادرمن است، لبنانی است نه‌فلسطینی».

درکوچه‌ای، دو دختر یازده یا دوازده ساله، در حالی که پاهایشان از یکدیگر فاصله داشت، به پشت افتاده‌اند. قاتلان قبل از خالی کردن گلوله‌ها در سرشان، آنان را مورد تجاوز قرار داده بودند. درجای دیگری، بولدوزرها، آوار خانه‌ها را روی تعدادی جسد ریخته بودند. از میان سنگها و خاکها، چند دست و پا بیرون زده است. از میان آنها دست زن بارداری دیده می‌شود، می‌خواسته کارت شناسایی لبنانیش را نشان دهد که مهلتش نداده بودند. کارت شناسایی هنوز در دستش بود.

در خانه‌ای، جسد زنی در آشپزخانه دیده می‌شود. برای خانواده

غذا می‌پخت که کشته شد. در خانه دیگری، همهٔ افراد خانواده در حین خوردن غذا به‌رگبار بسته شده بودند. بشقابها نیمخورده مانده بود. در خانه سوم، در اتاق تاریکی، اجساد یک زن و مرد و دو کودک خردسال و یک طفل شیرخواره، بهم چسبیده‌اند. آنها روی رختخوابشان—زمین—در خواب بقتل رسیدند. در چهارمین خانه، کودک شیرخواره‌ای میان دستان مادر بقتل رسیده‌اش، حرکت می کند و جسد مرد از پنجره‌ای آویزان است. در خانه بعدی، قاتلان شکم زن‌بارداری را از هم دریده و جنین را از امعا و احشا بیرون کشیده بودند... و جسدهای دیگر، در خانه‌های دیگر، تکه شده و یا سرها از هم پاشیده و با کارد مثله شده‌اند. برکه‌های منجمد خون در کنار اجساد دیده می‌شود. این امر ثابت می کند که آنها قبل از شهادت، شکنجه‌شده‌اند.

کیفهای پول در اطراف توده‌های اجساد، پراکنده‌اند و این ثابت می کند که قاتلان، پولهای قربانیان را می‌ربوده‌اند. پوکه‌های بسیار و صندوقهای مهمات و کاغذهای رنگین مخصوص شکلات‌ساخت اسرائیل که نوشته‌هایی به‌زبان عبری روی‌آن دیده می‌شوند، در محل جنایت پراکنده‌اند. آثار بولدوزرها روی جادهٔ شنی به‌گورهای دسته‌جمعی ختم می‌شود. قاتلان برای پنهان کردن اجساد، خانه‌ها را روی آنها ویران کرده و یا بوسیله بولدوزر آنها را به‌میان خرابه‌ها، انداخته‌اند و یا با همین بولدوزرها به‌داخل کامیونها انداخته و به نقاط نامعلومی حمل کرده و یا در گورهای دسته‌جمعی دفن کرده‌اند.

قربانیان قتل‌عام صبرا وشاتیلا، بیش از ۴۰۰۰ شهید برآورد شده است. در اردوگاه، حتی یک جسد که لباس نظامی به تن داشته‌باشد، دیده نمی‌شود. هنوز رقم اجسادی که با بولدوزر در کامیونها انداخته شده و به‌نقاط‌نامعلومی‌در خارج از اردوگاهها حمل شده‌اند معلوم‌نیست.

«ام کاید، فلسطینی» :— نمی‌توانم بلایی که وحشیان بر سر

زنان و کودکان آوردند، فراموش کنم. وقتی شکم «ام‌مبارک» را که نه‌ماهه حامله بود، با کارد بزرگی از هم دریدند و امعا و احشای او را بهم ریختند و کودک را بیرون آورده و به‌رگبار بستند، نزدیک بود، دیوانه شوم... عفاف، دختر محمود و والدینش را کشتند... صالح‌ـ الطیبی و برادرش احمد را کشتند... ماجدخریبی و احمدحشمی و عبدالسلام برکه را کشتند...علی‌الطوفی و سعیدالعابدی و موسی العابدی و پدر بیچاره آنها را کشتند... مردی به‌نام ماضی و برادرش محمد و والدینش را کشتند... قاسم ابوحرب و پدرش و دو برادرش ولید و محمود را کشتند.

اما همسایه روبرویی، به اتفاق افراد خانواده در خانه ماندند. زیرا نمی‌دانست چه اتفاقاتی درحال وقوع است. آخر مدتهاست که ما در صدای انفجارها و سفیر گلوله‌ها زندگی می‌کنیم. او را دست بسته و سربریده و لخت، پیدا کردیم. گمان می‌کنم به‌او تجاوز کرده بودند. از اعضای خانواده‌اش، هیچ اثری نیافتیم. با من بیا نشانت دهم‌چگونه ابوعلی مقداد را کشتند. دستهایش را با چاقو قطع کردند، سرش را از تن جدا کردند. ابوعلی! بخند، بعد از تو مردانی مانده‌اند که انتقام‌خواهند گرفت... ابوعلی! بعد از رفتن قهرمانان بود که به‌ما حمله کردند.

ام کاید برای «ابوعلی» سر از تن جدا شده و درکنار برکه‌ای از خون افتاده، سوگواری می‌کرد... دومتر آن‌طرفتر، سر ابوعلی که از ناحیه گردن روی زمین نصب شده بود، افتاده بود. صورتش با ضربات چاقو بهم ریخته بود.

یک‌لبنانی که ازگفتن نامش خودداری کرد:

بعد از دیدار با فامیل خود، من و همسرم داشتیم از اردوگاه شاتیلا خارج می‌شدیم. افراد مسلح سوار بر خودروهای نظامی‌اسرائیلی

سر رسیدند. لباسهای شخصی به‌تن داشتند. به‌طرف هر جنبنده‌ای شروع به‌تیراندازی کردند. ساکنان اردوگاه برای نجات جان خود، بهر سو دویدند. ما می‌دویدیم و بارانی از گلوله از پشت به‌طرف ما سرازیر می‌شد. اما نایستادیم. به حومه‌های شرقی اردوگاه رسیدیم.غافلگیرانه دیدیم که یک‌واحد اسرائیلی، در جاده راه‌بندان ایجاد کرده‌اند. به‌طرف من آمدند. بلافاصله کارت‌شناسایی لبنانی بودنم را نشانشان دادم.ولی آنها با باتوم شروع به‌زدن من کردند. همسرم سعی کرد فریاد بکشد، ولی نتوانست. خون ازسینه‌اش جاری بود. به‌او تف انداخته و شروع به‌حرف زدن با هم کردند، به زبانی که چیزی از آن نفهمیدم. در اینجا یکی از آنها با اشاره به خانواده‌ای که قصد خروج از اردوگاه را داشت، فریاد کشید و به‌اتفاق دوستانش در حالی که تیراندازی می کردند، خانواده مذکور را دنبال کردند. این برای ما یک فرصت بود. به همسرم کمک کردم که از زمین برخیزد. دو قدم راه می‌رفت و سپس می‌افتاد. توانستیم خود را به‌جاده دیگری برسانیم. اما همسرم افتاد و مرد. کنارش به‌گریه نشستم تا اینکه مردی آمد و مرا باعجله به درون خانه‌اش برد.

حسین‌المقداد، لبنانی:

چنددقیقه وسط خیابان ایستادم، نمی‌دانستم‌به کدام طرف بروم. با فریاد زنی که پیراهنم را گرفته بود و تکانم می‌داد و فریادمی کشید، بخود آمدم. زن می‌گفت: فرار کن، همه را سر می‌برند، چرا مثل احمقها ایستاده‌ای... خواستم بپرسم مگر چه شده است، ولی او درمیان جمعیت ناپدید شد. شروع کردم به‌دویدن. صدایی شنیدم که‌می‌گفت: بایست وگرنه ترا می کشیم. خواستم ببینم کیست که صدای گلوله شنیدم و لذا به‌دویدن ادامه دادم. احساس کردم، پای چپم سنگین

شده و مایع گرمی از آن جاری بود. به‌زنان و کودکان وسالخوردگان در حال فرار رسیدم. به‌من نگاه می‌کردند و درگوش هم چیزهایی می‌گفتند. مردی به‌من نزدیک شد. وگفت: تو تیرخورده‌ای، خونریزی‌داری، باید بروی بیمارستان. سه روز بعد یکی از نزدیکانم به‌من گفت: خانه‌ات را منهدم کردند. همسرت را دست‌بسته و سر از تن جداشده، پیدا کردیم. اجساد بچه‌هایت با چاقوی قاتلان، مثله شده بود. توانستیم همه‌شان را دفن کنیم، وقتی خوب شدی، می‌توانی به‌زیارت آنها بروی.

یسریه عطیه‌العموشی، مصری:

نزدیک بیمارستان عکا، وارد دو پناهگاه شده و همه خانواده‌ها را کشتند و سپس هر دو پناهگاه را با دینامیت منفجر کردند. با تاریک شدن هوا، در ساعت شش، صدای انفجارهای پیاپی شنیدم. نمی‌دانم چگونه پاهایم مرا فراری دادند. روز شنبه بازگشتم، گروههای امداد را دیدم که دارند اجساد را جمع‌آوری می‌کنند. نمی‌شد به‌آسانی قربانیان را شناسایی کرد.

«...» لبنانی:

با شوهر و پنج فرزندم در پناهگاه بودیم. در جریان بمبارانهای وحشیانه، هفتادنفر به‌این پناهگاه‌آمده بودیم. دختر نوزده‌ساله همسایه‌مان که نامش «عایده ابوردینه» بود، گفت: می‌روم کارتهای شناسایی را بیاورم. من دخترم و متعرض من نخواهند شد. چند لحظه بعد، صدای تیر شنیدم و فریادی و بعد سکوت. پدر سالخورده‌اش تصمیم گرفت برود بیرون، ببیند چه شده. سعی کردیم جلو او را بگیریم. سودی نبخشید. رفت و دچار همان سرنوشت دخترش شد. نفسها را در سینه حبس

کرده بودیم. هیچ کس در داخل پناهگاه از بیم لورفتن پناهگاه، جرأت جنبیدن نداشت.

با اینهمه آمدند و از ما خواستند که از پناهگاه بیرون آییم. گفتیم ما زن هستیم و فقط کودکان با ما هستند. اما اصرار کردند که بیاییم بیرون. مردان و پسران را جدا کرده و از آنها خواستند روی زمین دراز بکشند. سپس همه را به‌رگبار بستند. فریاد کشیدیم و برای کمک به‌مردانمان دویدیم. ولی به‌ما هم رحم نکردند. دو زن را کشتند و سه نفر دیگر را مجروح کردند. بعد سه‌دختر را بردند و با طناب آنها را بستند و پیش روی ما به‌آنان تجاوز کردند.

منیر، فلسطینی:

منیر، یک نوجوان سیزده ساله فلسطینی است. پدر و برادرش به سال ۱۹۷۶ در کشتار تل‌زعتر به‌شهادت رسیده بودند. خانواده او به اردوگاه الرشیدیه واقع در نزدیکی شهر صور انتقال یافته وسپس در سال ۱۹۷۸ و در پی حمله اسرائیل به‌جنوب لبنان، به‌اردوگاه‌شاتیلا آمده بود. می‌گوید: وقتی گلوله های توپ و خمپاره‌ها در همه جا فرو می‌ریخت من و مادرم و دو برادر و سه خواهرم در خانه بودیم. به یک پناهگاه نزدیک رفتیم. ۹ خانواده دیگر در آنجا جمع شده بودند. در ساعت ۱۹/۳۰، افراد مسلح آمدند و از ما خواستند از پناهگاه خارج شویم. اردوگاه مثل روز روشن شده بود. عربی را به‌لهجه اهالی جنوب لبنان تکلم می کردند. لباسی به‌تن داشتند که تصویر درخت سدر روی‌شانه راست و علایمی به‌شکل دایره همراه نوشته‌هایی در داخل آن، دیده می‌شد. نتوانستم نوشته‌ها را بخوانم. بلافاصله مردان را از زنان و کودکان جدا کردند. آنها را به‌موازات دیوار به‌صف کردند. من هم رفتم به میان زنان و کودکان. هنگام عزیمت توانستم ببینم که شبه‌نظامیان دارند مردان را با باتوم می‌زنند. آنها یکی پس از دیگری به‌زمین

می‌افتادند. ما را به‌یک پمپ بنزین نزدیک بردند و بعد از سپردن ما به‌دست چندنفر خطاب به‌ما گفتند: «منتظرمان باشید، می‌رویم شام بخوریم، برمی‌گردیم.» یک‌ساعت بعد آمدند و بلافاصله ما را به‌رگبار بستند و سپس خطاب به‌ما گفتند: «آنها که زخمی شده‌اند، بلند شوند تا به‌بیمارستان انتقالشان دهیم. به‌رغم اینکه تیر خورده بودم، بلند نشدم و به‌مادرم که درکنارم افتاده بود، آهسته گفتم: تکان نخور، آنها دروغ می‌گویند.» همین‌طورهم شد، مجروحانی که بلند شده‌بودند را دوباره به‌گلوله بستند و نورافکنها را روی آنها روشن کردند تامطمئن شوند که همگی مرده‌اند. سرم را روی زمین گذاشتم و نفسم را حبس کردم و سرانجام رفتند. شب را درکنار خانواده‌ام، چه‌مرده و چه در حال احتضار گذراندم و هیچ متوجه نشدم که مادرم مرده است.

صبح روز بعد—جمعه—دوباره آمدند تا روی ماها را بپوشانند. یکی از آنها متوجه شد که دارم می‌لرزم. لذا دوباره به‌طرفم تیراندازی کرد. گلوله اول به‌من اصابت‌نکرد. اما دومی که قاتل سرم را هدف قرار داده بود، به‌گونه راستم که دستم را روی آن گذاشته بودم، اصابت کرد وانگشتم را مجروح وسپس گونه‌ام را لمس کرد و بعد روی زمین افتاد. قاتل، روی‌ماها را پوشاند ومن دیگرچیزی نمی‌دیدم، ولی‌شنیدم ازساکنان اردوگاه می‌خواهند که خارج و درشهرک ورزشی جمع شوند. بعد رفتند ومن دیگرچیزی نشنیدم. فرصت را غنیمت شمردم که برخیزم. دراولین خیابان تنگ و باریک براه افتادم و وارد اولین خانه شدم. خواستم لباسهای خون‌آلودم را عوض کنم که دو شبه‌نظامی غافلگیرم کرده و سرم داد کشیدند: تو هنوز زنده‌ای. الآن مثل بقیه ترا می‌کشیم. هرچه طلا و پول پیدا کرده‌ای بده به‌ما. به‌آنها گفتم من چیزی ندزدیده‌ام. فقط می‌خواستم لباسهایم را عوض کنم. التماس کردم مرا رها کنند. یکی ازآنها پرسید: لبنانی هستی یا فلسطینی؟ گفتم: لبنانی. گفت: پس

برو، اگر فلسطینی بودی ترا می‌کشتیم. در حالی که می‌لنگیدم به‌طرف اردوگاه «صبرا» براه افتادم. در کنار مسجد چند تن از جوانان اردوگاه مرا به‌بیمارستان غزه بردند.

در بیمارستان، منیر ازهوش رفت. روز بعد بهوش آمد و خود را در بیمارستانی در مرکز بیروت غربی دید. صلیب سرخ جهانی او را به این بیمارستان انتقال داده بود. عموی منیر که موفق به‌یافتن وی شده است، می‌گوید: از روز شنبه گذشته، منیر دیگر نمی‌خوابد و مرتب از ما سؤال می‌کند: آیا مطمئن هستید که آنها دیگر برنمی‌گردند.

علی خلیل عفانه، کودکی هشت‌ساله:

ساعت، یازده و نیم بود. صدای انفجار مهیبی و سپس ناله زنی را شنیدم. ناگهان به‌خانه ما حمله کردند. گرگها به‌جست‌وجوی اتاقها پرداختند. مادرم فریاد کشید و درخواست کمک کرد. او را به‌رگبار بستند. پدرم، دست دراز کرد، چیزی پیدا کند تا ازخود به دفاع برخیزد. ولی سرعت گلوله‌های آنها بیشتر بود. توان فریاد کشیدن نداشتم. با چاقو به‌جانم افتادند. نمی‌دانم، بعد چه شد. ولی همینطور که می‌بینی خودم را با سرودست و پای باندپیچی شده، در بیمارستان دیدم. یکی از دوستان مدرسه که برای عیادت مادرش به‌بیمارستان آمده بود، به‌من گفت: «خانه‌تان، ویران شده.» خاله‌ام به‌دیدنم آمد. سراغ سه‌برادر خود را از او گرفتم. ولی جوابی نشنیدم. همه مرده‌اند. این را خودم می‌دانم.

سعی کرد، صورت خود را بادستانش بپوشاند. احساس می‌کرد بزرگتر از اشکهای داغی است که سرسختانه روی گونه‌های کوچکش جاری شده بود.

«...»، فلسطینی:

پیرمردی است، بالای شصت‌سال، روی عصایش و شانه نوه‌اش تکیه کرده و در میان ویرانه‌های اردوگاه، راه می‌رود. درد و رنج روی شیارهای چهره‌اش نقش بسته است: میان ویرانه‌های خانه، دنبال خانواده‌ام گشتم. اثری از آنها ندیدم. خانه، تبدیل به‌ویرانه شده‌است. افراد امداد به‌من گفتند که بروم به‌مسجد اردوگاه و شهرک ورزشی، بلکه بتوانم در آنجا اعضای خانواده‌ام را در میان اجساد تلمبار شده قربانیان پیدا کنم.

در مسجد، یکی از دخترانم را دست و پا بسته و سر از تن جدا شده و در کنارش‌طفل شیرخواره‌اش را که‌به‌سینه مادرش‌چسبیده بود، پیدا کردم... اورا هم با چاقو زده بودند. دوقدم آن‌طرفتر، همسر بیچاره‌ام... او را هم سرش را از بدن جدا کرده بودند، دست راستش، بازوی دختر دیگرم را گرفته بود. ظاهراً قصد دفاع از دخترش را داشت. نزدیک آنها، دختر کوچکترم با پیکری خونین افتاده بود و در اطرافش صفحاتی از قرآن کریم پراکنده بود... صفحات قرآن خیس خون بود.

جمیله ... لبنانی از اردوگاه شاتیلا:

پنجشنبه شب، صدای مردم را شنیدم که دارند می‌دوند وفریاد می‌کشند. من و دخترم «امل» خود را به‌بیمارستان عکا رساندیم. شب را آنجا گذراندیم. صبح جمعه به‌اردوگاه بازگشتم تا از سلامتی والدینم مطمئن شوم. خانه را ویران دیدم وپدر معلولم روی تختخواب بقتل رسیده بود... و صندلی چرخدارش در کنارش بود. اما جسدمادرم را در کوچه پیدا کردم. سعی کردم به‌بیمارستان بازگردم. یکی از افراد مسلح مرا گرفت. کارت‌شناسایی لبنانیم را نشانش دادم. مرا به‌خانه‌ای

در همان نزدیکیها برد. چهار نفر دیگر آنجا بودند. همگی مرا مورد تجاوز قرار دادند. ایکاش مثل پدر و مادرم و برادرانم، مرا نیز می‌کشتند. قاتلان جنایتکار ٤ ۲ تن از افراد خانواده‌ام را کشتند.

فاطمه علی شمس‌الدین، لبنانی:

در خانه بودیم که تیراندازی شروع شد. برای یافتن خواهرم از خانه بیرون آمدم. جسد او را در کوچه پیدا کردم. گلوله‌ها پشت او را شکافته بود. به‌طرف خانواده دویدم تا همسایگان را خبر کنم وفریاد کشیدم که فرار کنید. در پاسخم گفتند: ما لبنانی هستیم وآسیبی به‌ما نخواهد رسید. شب را در بیمارستان گذراندم. صبح که بازگشتم، دیدم که همگی تبدیل به‌اجسادی بی‌حرکت، شده‌اند.

امینه احمدحسین، فلسطینی:

می‌دانم، شوهرم و پسر پانزده‌ساله‌ام را کشته‌اند. ولی تاکنون اجساد آنان را پیدا نکرده‌ام. روز پنجشنبه صدای گلوله شنیدم. افراد مسلح، شب، با مشعل کوچه های اردوگاه را روشن نگه داشته بودند. روز جمعه فهمیدیم که مارا خواهند کشت. تصمیم گرفتیم به‌بیمارستان عکا فرار کنیم. افراد مسلح به‌بیمارستان یورش آورده و همه مردان فلسطینی از جمله شوهرم و پسرم را با خود بردند. از هر کدام تابعیتش را می‌پرسیدند. اگر فلسطینی بود، کنار دیوار می‌گذاشتند و با قنداق تفنگ او را می‌زدند. زنان را به‌استادیوم ورزشی برده و به‌آنان دستور دادند که به اردوگاه باز نگردند. روز شنبه خواستم به‌اردوگاه‌برگردم. همراه دیگران به‌یک پست بازرسی اسرائیلی نزدیک شدیم. یک اسرائیلی به‌ما گفت: چرا از منطقه نمی‌روید، اینجا که کشورتان نیست.

«...» لبنانی که در بیمارستان عکا شغل پرستاری دارد:

روز جمعه بیمارستان را محاصره کردند. نگهبان بیمارستان «عمو ابوسعید» سعی کرد، جلو آنها را بگیرد. ولی او را به‌رگبار بستند. خون از بدنش جاری بود و هیچ کس نمی‌توانست به‌او کمک کند و یا به او نزدیک شود. با بلندگو از همه خواستند که بیمارستان را ترک کنند. پزشکان تصمیم گرفتند بروند بیرون، بلکه با افراد مسلح به تفاهم برسند. پرچم‌سفیدی دست‌گرفته و به‌طرف در ورودی بیمارستان پیش رفتند. اما افراد مسلح از پرچم سفید و لباس آنها با پرتاب بمبی پیش پای پزشکان، استقبال کردند. پزشکان به‌زمین افتادند.خونریزی شدیدی داشتند. همکارم درحالی که دیوانه‌وار فریاد می‌کشید، سنگی برداشت و به‌طرف محل اصابت بمب انداخت و دوید به‌طرف پزشکان تا کمکی به‌آنها کرده باشد. اما جنایتکاران او را گرفته و سیلی محکمی به‌او زده که به‌زمین افتاد و از هوش رفت. پیراهن سفیدش را پاره کردند و او را کشان کشان به پیاده رو مقابل برده و او را مورد تجاوز قرار دادند... پنج وحشی برای او به‌صف ایستاده بودند.

تعدادی از افراد مسلح به‌داخل بیمارستان یورش برده و از مردان خواستند که درگوشه‌ای جمع شوند. چند پزشک خارجی قصد داشتند به‌ما کمک کنند. اما افراد مسلح به‌زبانهای انگلیسی وفرانسوی و عبری به‌آنان دشنام دادند. به‌یک پزشک‌نروژی سیلی زده و به‌صورت او آب دهان انداختند. مردان را به نقطه نامعلومی بردند. اما ما را با کامیون بزرگی به‌منطقه سن‌الفیل منتقل کردند. کامیون در برابر ساختمان بزرگی که پرچم کتائب روی آن برافراشته شده بود، متوقف شد. افسری جلو آمد و از افراد مسلح پرسید: «اینها چیه؟ زنان را آورده‌اید؟ من مردان را می‌خواهم.» یکی از افراد مسلح پاسخ داد: «قربان آنها را کشتیم.» لبخند گشادی روی لبان افسر مذکور نقش

بست و ضمن تبریک به‌قاتلان به آنها گفت که شما قهرمان هستید.

مصطفی جبرا، فلسطینی از اردوگاه شاتیلا:

حدود ۳۰ نفر بودیم. قاتلان، جمعه شب مارا گرفتند و دستور دادند کنار دیوار خانه‌ای به‌صف بایستیم و سپس با سلاحهای خود کار مارا به‌رگبار بستند. چون تاریک بود، نمی‌توانستیم آنها را ببینیم. بعد از رفتن آنها، صدای ناله کسی را درکنار خودم شنیدم. زخمی شده و جسد یکی ازقربانیان روی او افتاده بود. کمکش کردم برخیزد. خود را به‌خانه متروکه‌ای رساندیم. مقداری پارچه پاره کرده و با آن زخمهای خود را بستیم. صبح شنبه چند تن از اهالی اردوگاه آمدند و ما را به بیمارستان بردند. در سینه‌ام گلوله‌ای نشسته که پزشکان نتوانستند آن را خارج کنند. در بازو و پاهایم، ترکشهای گلوله های منفجر شده وجود دارد که پزشکان سعی کردند آنها را بیرون آورند. ولی هنوز مقداری از آنها باقی است. همسرم و سه‌فرزندم مفقودالاثر هستند. ولی مادرم، مریم، می‌گوید که آنها مرده‌اند و تأکید می کند که قاتلان هر چهار نفر را با تبر تکه‌تکه کردند.

وجنات زین عبداللطیف، مصری:

عده‌ای مصری در اینجا، اردوگاه شاتیلا زندگی می کردند. بسیاری از آنها به‌اتفاق خانواده‌هایشان، هنوز مفقودالاثر هستند. ولی من جسد دهها تن از آنان را پیدا کردم. به محض شنیدن خبر قتل‌عام، روز جمعه به بیمارستان غزه پناه بردم. ولی آنها صبح شنبه مارا در داخل بیمارستان محاصره کردند. بیش ازیکهزارنفر به‌این بیمارستان پناه آورده بودند. فلسطینیها را از خارجیها جدا کرده و همه آنها را که زن و مرد و کودک بودند، به‌استادیوم ورزشی بردند. آنهارا به‌داخل

گودال عمیقی که بوسیله موشکهای هواپیماها در جریان بمبارانهای وحشیانه بیروت،حفر شده‌بود، انداختند. از آنها خواستند که در داخل گودال دراز بکشند. سپس آتش رگبار سلاحهای خودکار به‌سوی آنان گشوده شد. سه بولدوزر اسرائیلی، روی زنده‌ها و مرده‌ها خاک ریختند. خیلیها سعی کردند از این جهنم فرارکنند. اما بیفایده بود. قاتلان آنها را با تیر می‌زدند. به چشم خودم دیدم. دنبالشان کرده بودم و پشت دیوارکهنه‌ای که در جریان بمبارانها، چند سوراخ در آن بوجود آمده بود، مخفی شده و از همانجا، لحظه‌به‌لحظه وقایع را می‌دیدم. نزدیک بود یکی از افراد مسلح محل اختفای مرا کشف کند. آخر، وقتی بولدوزرها روی اجساد کودکان و زنان و مردان رفتند، بی‌اراده فریاد کشیده بودم. مدت نامعلومی همانجا ماندم. در میان گونیهای کاه، پنهان شدم. تقریباً از هوش رفته بودم، دیگر چیزی نمی‌فهمیدم... با فریادهای زنانی که دنبال نزدیکان مقتول خود می‌گشتند، به‌خود آمدم. ماجرا را به خبرنگاران و افراد امداد گفتم. ولی حرفم را باور نکردند. مدتی بعد که حقیقت رافهمیدند از من خواستند که منطقه را ترک کنم و در جای دیگری پنهان شوم.

در نخستین ساعات پنجشنبه شب— شانزدهم سپتامبر— گلوله‌باران اردوگاهها شدت گرفت. قاتلان، درکوچه‌ها پراکنده شده و به طرف هر جنبده‌ای، حتی گربه‌ها و سگان و اسبها تیراندازی می‌کردند. اهالی اردوگاهها فهمیدند که مهاجمین از باندهای جنایتکاری‌هستند که قصدشان کشتن همهٔ افراد موجود در اردوگاه است. بسیاری، سعی کردند به مناطق امن‌تری بگریزند. آنها در دسته‌هایی بزرگ به بیمارستانها (عکاو غزه) و مساجد و پناهگاهها، پناه بردند. اما عده‌ای دیگر که هنگام حمله درخانه‌ها بوده و اغلب دارای بچه‌های‌خردسالی

بودند، هویت مهاجمین را شناسایی نکرده و گمان بردند که این ارتش لبنان است که برای جمع‌آوری اسلحه و مشاهده کارتهای اقامت و یا شناسنامه های لبنانی، وارد اردوگاه شده است. لذا در خانه های خود مانده و اوراق رسمی خود را که ثابت می کرد وجودشان قانونی است، بویژه که سلاحی هم نداشتند، آماده کردند.

با اینهمه، قاتلان وارد خانه ها شده و هر کس را که تقاضای کمک می کرد و یا قصد دفاع از خود داشت، به‌رگبار بستند. بقیه را نیز سر بریدند. سپس به‌پناهگاهها هجوم آورده و از همه خواستند که خارج شوند. آنها را کنار دیواری به‌صف کرده و با تفنگهایشان به‌جان آنها افتادند. پناهگاههایی که افراد داخل آن حاضر به خروج نشدند را نیز با دینامیت منفجر کردند. در طول ساعات پنجشنبه شب، پناهندگان، لحظات رعب‌آوری گذرانده و حوادث هولناکی را که شاهدش بودند، برای یکدیگر بازگو می کردند.

بیمارستان عکا:

در محدوده جنوبی اردوگاه شاتیلا و در ۲۰۰ متری ساختمانی قرار دارد که اسرائیلیها آن را تبدیل به‌مرکز فرماندهی کرده بودند. یکی از پزشکان این بیمارستان گفت که از ساعت ۱۸ پنجشنبه شب سیل مجروحان به‌سوی بیمارستان آغاز شد و کودک خردسالی که زخمی شده بود به‌وی گفت که خیابان اصلی اردوگاه شاتیلا مملو از جسد شده است. این پزشک اضافه کرد که تا این‌ساعت بیش از ۵۰۰ نفر از اهالی اردوگاه که از بمبارانها و گلوله‌بارانها گریخته بودند، خود را به‌بیمارستان رساندند. رعب و وحشت با رسیدن پناهندگان جدید و بازگو کردن آنچه دیده بودند، لحظه به‌لحظه بیشتر می‌شد. صبح زود، حالت رعب و وحشت در بیمارستان به‌میزان غیرقابل تحملی رسیده‌بود.

بویژه که بیمارستان به‌مواضع اسرائیلیها و راه‌بندانهای افراد مسلح، بسیار نزدیک بود. لذا تعدادی از غیرنظامیان طاقت نیاورده و به‌نقاط امن‌تری در شمال اردوگاه گریختند.

یک پرستار بیمارستان عکا گفت: رعب و وحشت به‌حدی بود که اردوگاه شاتیلا در نخستین ساعات بامداد جمعه، تقریباً خالی از سکنه شده بود. طبقات فوقانی بیمارستان مشرف به اردوگاه بود. کارکنان بیمارستان هر روزه به‌دیدن و شنیدن وقایع اردوگاه و رفت‌وآمد در آن عادت کرده بودند. اما امروز خیابانها و کوچه‌ها ساکت بود. هیچ عابری دیده نمی‌شد و در خانه‌های مقابل اردوگاه، اثری از زندگی نبود. عده‌ای کوشیدند به‌خارج از اردوگاه فرار کنند. اما اسرائیلیها که اردوگاه را محاصره کرده بودند و افراد مسلحی که ورودیهای اردوگاه را بسته بودند، با تهدید اسلحه آنان را به‌داخل اردوگاه‌راندند. یک گروه از فیلمبرداران تلویزیونی دانمارک بر حسب اتفاق، درساعت ۳ بعد ازظهر جمعه درمدخل اردوگاه شاتیلا حضور داشتند. آنها از صحنه‌ای که افراد مسلح مانع خروج چند کامیون مملو از زنان و کودکان می‌شدند، فیلمبرداری کردند. کودکان فریاد می‌کشیدند و زنان می‌گریستند وصورت خود را با دست پوشانده و التماس می‌کردند. تانکهای اسرائیلی در فاصله کمی از افراد مسلح، توقف کرده بودند. در همین نوار فیلم گروه دانمارکی، پیرمردی در لباس سفید، در حال بازگشت به‌داخل اردوگاه و دور شدن از افراد مسلحی که تفنگهای خود را به‌سوی او نشانه گرفته‌اند، دیده می‌شود. خبرنگاران این پیرمرد را که نامش عدنان نوری بود، در یکی ازکوچه‌های اردوگاه‌شناسایی کردند. آنها بامداد شنبه که اجازه ورود به داخل اردوگاه را یافته بودند، جسد این پیرمرد را دیدند.

همین گروه تلویزیونی، از صحنه دیگری فیلمبرداری کرده که در

آن یک جیپ حامل سربازان گشتی ارتش لبنان، در حال نزدیک شدن به‌مدخل اردوگاه را نشان می‌دهد، ولی یکی از افراد مسلح به‌سوی آن تیراندازی کرده و به‌سربازان دستور می‌دهد که از خودرو جیپ پیاده شده و سپس آنان را در حالی که دستان خود را بالا گرفته‌اند به داخل اردوگاه، جلو می‌اندازد. این صحنه با رها شدن خودرو در خیابان که به‌شماره ۵۸۳۴۹۳ بود، خاتمه می‌یابد. روزجمعه،مهاجمین مسلح، سه‌بار به‌بیمارستان عکا حمله کردند. یک پزشک خارجی بیمارستان در این زمینه گفت که سه‌گروه مهاجم هر کدام لباسی متفاوت با دیگری به‌تن داشتند و این نشان می‌دهد که میان این سه‌گروه هماهنگی وجود نداشته است.

بیمارستان در ساعت ۱۱/۲۰ پیش از ظهر جمعه محاصره شد. افراد مسلح به‌تمامی کسانی که داخل بیمارستان بودند، دستوردادند که بیایند بیرون. چهار پزشک کوشیدند با مهاجمین صحبت کنند. لذا با پرچم سفید و بر تن داشتن روپوش سفید خود، از بیمارستان خارج شدند. اما قاتلان به‌سوی آنان یک بمب دستی پرتاب کردند که سه نفرشان را کشت و چهارمی را مجروح کرد. قاتلان سپس به‌بیمارستان یورش برده و از کارکنان خارجی آن خواستند که برای بازجویی در مدخل اردوگاه جمع شوند. در مدخل اردوگاه سربازان اسرائیلی اوراق رسمی آنان را بازرسی کردند. چند دیپلمات نروژی نیز آمده بودند که وساطت کرده و کارکنان نروژی بیمارستان را از چنگ مهاجمین آزاد کنند. به کارکنان دیگر، اجازه داده شد به‌بیمارستان بازگردند. کارکنان خارجی به‌محض بازگشت متوجه شدند که کلیه غیرنظامیان موجود در پناهگاه و چند مجروح و دو پزشک فلسطینی و دو پرستار لبنانی ناپدید شده‌اند. یکی از این دو پرستار مدتی بعد بازگشت و چگونگی تجاوز دوتن از افراد مسلح به همکارش و سپس به‌رگبار بستن

او را، بازگو کرد. کارکنان بیمارستان، جسد یک پرستار فیلی‌پینی را نیز در کنار بیمارستان پیدا کردند.

در ساعت ۱٤ بعد از ظهر جمعه، بیمارستان یک‌بار دیگر مورد حمله قرار گرفت. جنایتکاران به‌سوی دو پزشک فلسطینی و یک غیر-نظامی مجروح تیراندازی کرده و سپس به دیگر مجروحان یورش برده و آنان را از تختهای خود به‌زیر کشیده و آنان را از راهروهای بیمارستان، روی زمین به‌بیرون کشیدند. در ساعت ۱٥/٤٥، سومین گروه ازمهاجمین به‌بیمارستان آمده و سراغ پرستارها را گرفتند. یک پزشک خارجی به آنها گفت که پرستاران گریخته‌اند. لذا تصمیم گرفتند بیمارستان را بازرسی کنند. وقتی عکس یاسرعرفات را در اتاق پزشک مذکور دیدند، او را متهم به‌تروریست‌بودن و تهدید به‌قتل کردند و به‌او دستور دادند که تا قبل از ساعت ۱۹، پرستاران را تحویل دهد. از بخت‌خوش پزشک و دیگران‌بود که یک تیم ازصلیب سرخ جهانی توانست خودرا در ساعت ۱۷ به‌بیمارستان برساند. افراد تیم به‌هنگام ورود، جسد سه پزشک که پرچم سفید در کنارشان‌افتاده بود، درکنار در و چهار جسد دیگر را در داخل بیمارستان دیدند. تیم صلیب سرخ جهانی، اقدام به تخلیه بیمارستان و انتقال باقیمانده پزشکان و مجروحان به‌خارج اردوگاه کرد.

خبرنگاران که توانسته بودند جمعه شب به‌بیمارستان عکا نزدیک شوند، گزارش دادند ساختمان بیمارستان در آتش‌می‌سوخت.

بیمارستان غزه:

این بیمارستان در منتهی‌الیه شمال اردوگاه واقع است. قاتلان صبح شنبه ۱۸ سپتامبر به‌آنجا رسیدند. عجله داشتند. مهلتی که رؤسای‌آنها، که‌از افسران ارتش‌اسرائیلی بودند، برای انجام مأموریت‌خود به آنها

داده بودند، پایان یافته بود. یک پرستار خارجی گفت تعداد غیر-نظامیانی که بعد از انهدام خانه هایشان در اردوگاههای صبرا و شاتیلا به‌این بیمارستان پناه آورده بودند، بیشتر از هزار نفر بود. تعدادی دیگر از پناهندگان که جایی در بیمارستان پیدا نکرده بودند، در ساختمانهای مجاور، مخفی شده بودند. در ساعت شش بامداد شنبه، افراد مسلح بلندگو به‌دست، در محل حاضر شده و بیمارستان و مناطق اطراف آن را محاصره کردند و خود را سربازان اسرائیلی معرفی کردند. و سپس ضمن تأکید به‌اینکه دلیلی برای ترس و وحشت نیست، به‌همگان دستور دادند که از پناهگاهها خارج شوند.

این پرستار خارجی اضافه کرد: افراد مسلح، کلاهخودهای اسرائیلی به‌سر و تفنگهای اسرائیلی به‌دست داشتند. به‌بیمارستان یورش آورده و حدود یکهزار غیرنظامی و ۸۲ مجروح و ۵۰ پزشک وپرستار و بهیار را بازداشت و به‌آنان دستور دادند که از بیمارستان خارج شوند. وقتی گروه پزشکی اعتراض کرده و گفتند حتماً باید چند تن ازکارکنان درکنار مجروحان و بیماران بمانند، مهاجمین به‌دو نفر اجازه ماندن دادند. افراد مسلح با تهدید اسلحه، اسرای خود را به‌خیابان اصلی اردوگاه شاتیلا بردند و از آنجا آنها را به‌سه‌گروه تقسیم کردند:

پزشکان و پرستاران خارجی که از آنها خواستند روپوشهای‌سفید خود را درآورده و سپس با تهدید اسلحه و ضمن ناسزاگویی به‌آنان که چرا با فلسطینیها همکاری می‌کنید، آنان را از خیابان اصلی اردوگاه به نقطه نامعلومی سوق می‌دادند که در بین راه به‌دو پزشک مشکوک شدند و وقتی فهمیدند که آنها فلسطینی و سوری هستند، از خارجیان خواستند روی خود را بگردانند و سپس این دو پزشک را با رگبار گلوله کشتند.

افراد مسلح، پزشکان را برای بازجویی به‌یکی از ساختمانهای

سازمان ملل متحد واقع در بیرون اردوگاه بردند. در آنجا افرادی دیگر، اوراق رسمی پزشکان را بازرسی کرده تا از تابعیت آنها مطلع شوند و سپس از آنان سؤال کردند: آیا شما مسیحی هستید؟ شما آدمهای کثیف و پستی هستید، زیرا با فلسطینیها همکاری می کنید.

بعد، پزشکان را به‌مقر فرماندهی نیروهای اسرائیلی واقع در مدخل اردوگاه بردند. پزشکان گفتند که سربازان اسرائیلی قبل از دادن اجازه بازگشت به‌بیمارستان، آنان را مدتی در توقیف خود نگه داشتند. اما گروه دوم از شهروندان لبنانی بودند که افراد مسلح برای بازجویی آنان را بردند. بازجویان به‌محض دریافت پاسخی که خوشایندشان نبود، صورت این گروه از لبنانیها را با چاقو، خراش می‌دادند. تعدادی را آزاد کرده و بقیه را به بازداشتگاههای جنوب لبنان بردند. گروه سوم، فلسطینی بودند. قاتلان از طریق مواضع اسرائیلیها، آنان را به‌بیرون اردوگاه برده و هنوز هیچ اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نیست. گروه صلیب‌سرخ جهانی که برای انتقال کارکنان و بیماران به‌بیمارستان غزه آمده بود، مشاهده کرد که از ۱۳۷، ۱ نفری که صبح در بیمارستان بودند، فقط ۲۰ مجروح که قادر به حرکت نبودند و ۱۰ پزشک‌خارجی، باقی مانده‌اند.

*

جهانیان خبر این قتل‌عام هولناک را بعد از ظهر شنبه دریافت کردند. واکنش روزنامه‌ها و مجله‌های جهان، نکوهش و محکوم‌کردن و تقبیح هولناکی جنایت و توحش جنایتکاران بود.

دروغپردازیها:

ریگان، خشم و انزجار و وحشت خود را با شنیدن خبر این قتل عام ابراز داشت و اسرائیل را متهم کرد که توافقهای انجام شده با

فیلیپ‌حبیب را زیر پا گذاشته است... و اظهار داشت اسرائیل تعهد کرده بود که بعد از خروج فلسطینیها، وارد بیروت غربی نشود. این اظهارات بعد از یک روزکار پر مشغله و شرکت در یک جشن‌انتخاباتی در ایالت نیوجرسی بیان شد. ریگان در این اجتماع در توجیه ورود اسرائیل به‌بیروت غربی گفت که ارتش اسرائیل در معرض تهاجمات رزمندگان لبنانی وابسته به‌احزاب چپی، قرار می‌گرفت. در حالی که خود اسرائیل چنین ادعایی نکرد.

سفیر اسرائیل در واشنگتن در پاسخ اظهارات ریگان گفت که اسرائیل چنین تعهدی نکرده است. در داخل اسرائیل، وزارت‌خارجه، بعد از سکوت درطول ساعات روز، در آخرین ساعت شب طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «اسرائیل قتل‌عام را محکوم‌می‌کند... و نیروهای دفاعی اسرائیل به‌محض اطلاع از ماجرا، دست به‌هر اقدامی برای متوقف‌کردن کشتار زدند». بگین ادعا کرد که خبرقتل‌عام را از بخش‌خبری شنبه شب بی.بی.سی شنیده است. در شورای امنیت «یهودا بلوم» نمایندهٔ اسرائیل در سازمان ملل گفت که ارتش اسرائیل در غرب اردوگاههای فلسطینی متمرکز و سمت شرقی آنها را به‌ارتش لبنان که برخلاف انتظارکنترل منطقه را به دست نگرفت، واگذارکرده بود. رافائیل ایتان رئیس‌ستاد ارتش اسرائیل، ایالات متحد را مسؤول این قتل‌عام‌معرفی کرد و گفت: امریکادر امر برقراری‌تماسهای مستقیم میان ارتش لبنان و ارتش اسرائیل، کارشکنی کرد و به‌همین دلیل بود که ارتش لبنان منطقه را تحویل نگرفت.

در این میان، وزارت خارجه اسرائیل، ارتش لبنان را مسؤول دانست، چرا که این ارتش به‌بهانهٔ عدم آمادگی ونداشتن سازماندهی کافی، از تحویل گرفتن اردوگاهها، خودداری کرد... و اعلام داشت، هر اتفاقی که افتاد به‌دلیل مخالفت ارتش لبنان بود. امریکا در پاسخ

به‌بیانیه وزارت خارجه اسرائیل گفت، اگر اسرائیل روز سه‌شنبه چهاردهم سپتامبر وارد بیروت غربی نشده بود، ارتش لبنان آماده بود اردوگاهها را تحت کنترل خود بگیرد.

سخنگوی شبه‌نظامیان حزب کتائب، قتل‌عام را محکوم‌وتکذیب کرد که افراد آن در کشتار دست داشته‌اند. سرگرد سعدحداد، همپیمان با وفای اسرائیل، کشتار را نکوهش کرد و آن را اقدامی وحشیانه‌خواند و تکذیب کرد که نیروهایش که توسط اسرائیل مسلح و آموزش داده می‌شوند و اسرائیل هزینه‌هایش را تأمین می‌کند، درکشتار دست داشته‌اند. وی افزود که نیروهایش دستور اکید داشته‌اند که از شمال صیدا جلوتر نروند.

بدین گونه سریال دروغپردازیها که شرکای جرم آن را تهیه کرده بودند، کامل شد. اما این دروغپردازیها چندان دوام نکرد و یکی پس از دیگری افشا شد. جنایتکاران با افشای هر دروغ تازه‌ای شروع به‌پس گرفتن ادعاهای خود کردند.

افشای دروغپردازیها:

روزنامه هرالدتریبون گزارش داد: اریل‌شارون روزجمعه ۱۹۸۲/۹/۱ درباره‌یکسره کردن کار . . . ۲، تروریست که بعدازخروج سازمان آزادیبخش فلسطین هنوز در بیروت مانده‌اند، سخن گفت. این روزنامه اضافه کرد: یک افسر اسرائیلی در قرارگاه خود واقع درکنار اردوگاه شاتیلا اظهار داشت که وی بر دو پایه اساسی عمل می‌کند: منطقه باید پاکسازی شود و ارتش اسرائیل نباید قربانیان بیشتری از دست بدهد. اسرائیلیها فراموش کردند که به‌بهانه حفظ امنیت و جلوگیری از وقوع کشتار، وارد بیروت غربی شده‌اند. مطبوعات امریکا گزارش دادند که اسرائیل پنجشنبه شب گروهی از افراد سعدحداد را

ازجنوب لبنان به‌بیروت برد.

روزنامه گاردین از قول ناظران بین‌المللی در بیروت گزارش داد که آنها قبل و بعد از قتل‌عام، یکهزار شبه‌نظامی را که لباس مخصوص حزب کتائب پوشیده بودند، در نزدیکی اردوگاهها دیده‌اند. محل استقرار آنها ثابت می‌کند که از ناحیه خطوط اسرائیلیها در فرودگاه آمده بودند. گاردین خود در این زمینه نوشت: کسانی که دیده‌اند مواضع اسرائیلیها در روز جمعه۱۳۶۱/۹/۱۷، کمتر ازیکچهارم مایل با اردوگاه فاصله داشت، نمی‌توانندباور کنند که اینان—اسرائیلیها— دربارهٔ کشتار نه چیزی دیده‌اند و نه شنیده‌اند. اسرائیلیها دو مرکز فرماندهی در پشت‌بام دو ساختمان مرتفع کاملا مشرف بر اردوگاه ایجاد کرده و حتماً کار افراد مسلح را ناظر و شاهد بودند، بویژه که‌مهاجمین بیشتر مهمات خود را درساعات روز به اتمام رسانده و اسرائیلیها ناگزیر فریاد انسانهای درحال مرگ را شنیده‌اند.

روزنامهٔ تایمز در مورد تکذیب اسرائیل نوشت: اسرائیلیها بر مناطق پیرامون دو اردوگاه کاملا مسلط بودند و آنها به‌این بهانه‌وارد بیروت غربی شدند که نیروهایشان مانع هر گونه قتل و خونریزی در بیروت غربی خواهند شد. و نیز روشن است که جنایتکاران، تعدادی افراد مسلح منزوی نبودند. چه‌حجم عملیات و بولدوزرهای بکار گرفته شده، حکایت از وجود سازماندهی و حضور داشتن یک یا چند واحد، می کند و نمی‌توان باورکرد که گروهی با این تعداد زیاد توانسته باشند بدون اطلاع نیروهای اسرائیلی مسلط بر منطقه، به‌اردوگاهها، رخنه کرده باشند.

تلویزیون اسرائیلی یک گزارش مصور پخش کرد که نشان می‌داد یک نیروی نظامی مشترک متشکل از عناصر کتائب وسربازان سعد حداد (۱،۸۰۰ نفر) پیش روی نیروهای اسرائیلی درحال ورود به

اردوگاهها هستند.

خبرنگاران از رافائیل ایتان رئیس ستاد ارتش اسرائیل سؤال کردند که‌چرا ارتش دفاعی اسرائیل به‌افراد کتائب اجازه ورود به‌اردوگاه را داد؟ و او پاسخ گفت: ما به کتائب فرمان نمی‌دهیم و مسؤول آنها نیستیم. آنها لبنانی هستند و هرطورکه دلشان بخواهد، حق دارند در لبنان عمل کنند. روز بعد، روزنامه دیلی‌تلگراف متن بیانیه‌ای را که از فرستنده رادیوی ارتش دفاعی اسرائیل، در دوازده دقیقه بعد از نیمه‌ـ شب جمعه پخش و توسط بخش شنود در رادیو بی.بی.سی روی نوار ضبط شده بود، چاپ کرد. بیانیه می‌گفت: «ارتش دفاعی اسرائیل، امشب در اردوگاههای صبرا و شاتیلا عملیات پاکسازی ندارد. تصمیم گرفته شده که عملیات پاکسازی به‌عهده نیروهای کتائب گذاشته شود.» گوینده رادیو اضافه کرد :ارتش اسرائیل، اکنون بیروت غربی را کاملا احاطه کرده و نیروهایش بر تقاطع خیابانها و راههای اصلی مسلطند و باقی‌مانده است عملیات «پاکسازی» خانه های‌موجود در منطقه که آنهم همان‌طورکه گفتیم، انجام این مأموریت به‌عهدهٔ نیروهای کتائب گذاشته شده است.»

این روزنامه در تفسیر بیانیه مذکور نوشت: «بدین‌گونه روشن می‌شود که ارتش اسرائیل به کتائب دستور داده عملیات «پاکسازی» انجام دهند و نه‌اینکه فلسطینیهای باقی‌مانده را بازداشت کنند. همچنین روشن است که منطقه مذکورکوچک بوده و اسرائیلیها به‌طور کامل بر همه راهها مسلط بودند و دشوار است باورکنیم آنها نفهمیدند که پاکسازی تبدیل به کشتاری‌هولناک شده است. بعلاوه مضمون این بیانیه با ادعای روز یکشنبه ایتان که گفته بود، «ما به کتائب دستور نمی‌دهیم، ما مسؤول آنها نیستیم، مغایرت دارد.»

همین روزنامه از قول روزنامه‌نگار روزنامه اسرائیلی یدیعوت

اهارانوت گزارش داد که کابینه اسرائیل درجلسه ویژه پنجشنبه شب ۱۹۸۲/۹/۱۶ به‌اتفاق‌آراء، اعزام نیروهای کتائب به‌اردوگاههای فلسطینی را تصویب کرد. چهارشنبه ۱۹۸۲/۹/۲۲، شارون اعتراف کرد که با ورود کتائب به‌اردوگاهها برای بازداشت باقیمانده‌تروریستها بدون متعرض زنان و کودکان شدن، موافقت کرده بود. وی درتوجیه موافقت خود گفت که می‌خواست از قربانی‌شدن بیشتر نیروهای دفاعی اسرائیل، جلوگیری کرده باشد. شارون اعتراف کرد که ارتش اسرائیل در تهیه طرح عملیات و کمک رسانی، مشارکت داشته و افزود میان افسران اسرائیلی و کتائبی‌چند جلسه هماهنگی تشکیل شده ونیروهای اسرائیلی برای کمک به‌پیشروی کتائب به‌داخل اردوگاهها، گلوله های منور شلیک کردند. شارون‌گله کرد که چرا کتائب حاضر نشده دربارهٔ آنچه رخ داد، گزارشی به‌وی تقدیم کند.

روز بعد، خبرنگار نظامی روزنامهٔ اسرائیلی جرزالم‌پست تأکید کرد که به‌چشم خود تلگرامی را دیده که در ساعت ۲۳ پنجشنبه ۱۹۸۲/۹/۱۶ از مقرنیروهای کتائب درشاتیلا به‌مقر فرماندهی‌نیروهای اسرائیلی در بیروت شرقی، مخابره شده است. در این تلگرام گفته شده بود: «تاکنون ۳۰۰ غیرنظامی و تروریست را کشته‌ایم». این خبرنگار اضافه کرد که تلگرام مذکور بلافاصله تکثیر و برای ۲۰ افسرمسؤول در ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل و یک‌نسخه برای تل‌آویو نیز فرستاده شد. روزنامه‌های خارجی، گزارش «زئیف‌شیف» خبرنگار روزنامهٔ اسرائیلی هاآارتز را عیناً در صفحات خود منعکس کردند. این خبرنگار در گزارش خود نوشته بود که خبر قتل‌عام را بامداد جمعه شنید و آن را به‌اطلاع «زیبوری» وزیر ارتباطات اسرائیل رساند و اینهم به‌نوبه خود اسحق شامیر وزیر خارجه اسرائیل را در جریان امرگذاشت. اما شامیر ،دریافت هرگونه خبری دربارهٔ قتل‌عام را در صبح جمعه،

تکذیب کرد. ولی بعد حرف خود را پس گرفت و گفت اطلاعاتی در این زمینه به‌من رسید و تحقیق کردم، دیدم که شایعاتی دروغین بوده است.

سرگردسعدحداد درمصاحبه‌ای گفت که روزجمعه ۱۹۸۲/۹/۱۷ در فرودگاه بیروت بوده و یک هلی‌کوپتر اسرائیلی او را آورده بود تا برود و کشته شدن بشیرجمیل را تسلیت بگوید. سعدحداد افزود: شاید تعدادی از افراد من باشند که با نیروهای دیگر در بیروت کار می‌کنند. اما تأکید کرد که نیروهایش بدون هماهنگی با ارتش اسرائیل، هیچ اقدامی نمی‌کنند و هر گامی که برداشته می‌شود، قبلا باید با نیروهای اسرائیلی هماهنگ کرد.

«دکتر پل‌موریس» پزشک بیمارستان غزه، به‌عنوان شاهد در برابر کمیسیون اسرائیلی تحقیق در قتل‌عام صبرا و شاتیلا، گفت که چند سرباز اسرائیلی برای وی تأکید کردند که افراد سعدحداد در قتل‌عام شرکت داشتند.

روزنامه‌های واشنگتن‌پست و نیویورک‌تایمز به‌امین‌جمیل که درمقام ریاست جمهوری جانشین برادرش بشیرجمیل شده، نسبت دادند که در خلال تعطیلات هفته به‌یک دیپلمات امریکایی گفته است که تعدادی از نیروهای کتائب به‌هنگام وقوع کشتار در اردوگاه شاتیلا بوده‌اند. شارون در برابر اعضای کمیسیون تحقیق ادعا کرد که‌سربازان اسرائیلی، چیزی ندیده‌اند و فقط صدای شلیک چند گلوله را درداخل اردوگاه شنیده و گمان برده بودند که تیراندازی از سوی افراد مقاومت مسلحانه در داخل اردوگاه بوده و به‌محض اطلاع از وقوع کشتار، برای پایان دادن به‌درگیری دخالت کردند. وی عکسهایی به کمیسیون نشان داد که ثابت می‌کند سربازان اسرائیلی از مواضع مشرف خود بر اردوگاهها، نمی‌توانند چیزی را ببینند. اما همه خبرنگاران کذب ادعای

وی را ثابت کردند. از جمله خبرنگار روزنامهٔ اسرائیلی جرزالم‌پست که بلافاصله بعد از کشتار به‌اردوگاه رفته بود، گزارش داد که وضعیت اجساد در داخل خانه‌ها و در کنار دیوارها و سوراخهای بوجود آمده روی دیوار پشت سرقربانیان ثابت می‌کند که آنها در حال جنگیدن نمرده‌اند. یک افسر اسرائیلی اقرار کرد: سربازان تحت فرمان او که مراقب اردوگاه بودند، عملیات قتل را شاهد بوده و صبح جمعه اجساد پراکنده شده در کوچه‌ها را دیده‌اند. اما وی ادعا کرد که بلافاصله بامسؤول کتائب در منطقه تماس گرفت و ازوی خواست که جنگ در صبرا و شاتیلا متوقف شود. و افزود که ارتش اسرائیل جمعه شب مانع ورود نیروهای تازه نفس کتائب به‌اردوگاهها شد. اما خبرنگار جرزالم پست و فرستاده نظامی تلویزیون اسرائیل تأکید کردند که روز جمعه یک واحد از نیروهای مجهز به‌تانک کتائب و نفربرهای زرهی و توپهای مورتر، در باند فرودگاه وجود داشته و بخشی از این نیرو جمعه شب وارد اردوگاهها شد. خبرنگار تلویزیون گفت که افسران اسرائیلی تنها در بامداد شنبه بود که از نیروهای کتائب خواستند که تیراندازی در داخل اردوگاه متوقف شود. وی افزود که رئیس کتائب در پاسخ گفت که دیگر نمی‌تواند سربازان خود را کنترل کند. خبرنگاران که در طول ساعات روز جمعه۱۳۶۱/۹/۱۷ در مدخل اردوگاه حضور داشتند، چندین روایت بازگو کرده که کلا ثابت می‌کند نیروهای اسرائیلی علاوه بر اطلاع داشتن از قتل عام در عملیات نیز شرکت داشته‌اند.

مثلا خبرنگار مجله نیوزویک گفت که با شنیدن صدای تیراندازی از داخل اردوگاه، از یک فرد مسلح سؤال کرده است که جریان چیست؟ و او پاسخ داده بود که: «داریم سرشان را می‌بریم.» خبرنگار دیگری گفت که چند زن اردوگاه را دیده است که داشتند به‌یک‌افسر

اسرائیلی التماس می‌کردند که‌نگذارد افراد مسلح کودکان وهمسران آنان را سر ببرند و افسر مذکور پاسخ می‌داد که ما حق‌دخالت در امور داخلی لبنان را نداریم!

چند خبرنگار گفتند که سربازان اسرائیلی روز جمعه به‌این بهانه که «نبرد هنوز ادامه دارد» مانع ورود آنان به‌اردوگاه شدند. خبرنگار مجلهٔ تایم گفت که صدای رگبار مسلسل و انفجار بمبها را شنیده و روشن بود که تیراندازی فقط از یک‌طرف است و در همان حال، سربازان اسرائیلی در مدخل اردوگاه «لم» داده و بنظر می‌رسید که نگران چیزی نیستند.

روزنامه نیویورک تایمز نوشت که نیروهای اسرائیلی مأموریت دادن آب و غذا به‌شبه نظامیان را که برای استراحت از اردوگاه خارج می‌شدند، بعهده داشتند. ارتش اسرائیل بعلاوه گلوله‌های منور شلیک می‌کرد تا اردوگاهها برای افراد مسلح روشن باشد. میانگین شلیک دوگلوله در هر دقیقه بود. خبرنگاران همچنین اضافه کردند که بولدوزرها و کامیونها پیش روی سربازان اسرائیلی، اجساد قربانیان را برای دفن در خارج اردوگاه، حمل می‌کردند.

اعترافات:

در مقابل این سیل مدارک و اسناد و شواهد، شارون سرانجام اعتراف کرد که کابینه اسرائیل ازسه‌ماه پیش در پانزدهم ژوئن ۱۹۸۲ باشرکت‌نیروهای کتائب درجنگ‌درکنار نیروهای‌اسرائیلی‌موافقت کرده بود و کابینه در جلسات بعدی این تصمیم را تأیید کرد. شارون همچنین اعتراف کرد که موضوع را با فرستاده امریکا موریس‌دراپیر در میان گذاشته و آن را مورد بحث قرار داده است. شارون گفت: روز ۱۹۸۲/۹/۱۵ وی با رافائل ایتان رئیس ستاد ارتش اسرائیل توافق

کرد که نیروهای کتائب را وارد اردوگاهها کنند تا آنها را از لوث وجود ۲،۰۰۰ رزمندهٔ فلسطینی پاکسازی کنند. وکابینه اسرائیل در جلسه شبانه مورخ ۱۹۸۲/۹/۱۶ خود این تصمیم را تصویب کرد.

«امیردروری» فرمانده نیروهای اسرائیلی در لبنان اعتراف کرد که شارون وزیر دفاع بامداد چهارشنبه ۱۹۸۲/۹/۱۵ با فرماندهان نیروهای کتائب ملاقات کرد. در این ملاقات ورود کتائب به داخل اردوگاهها، مورد توافق قرار گرفت. وی افزود: در جلسات بعدی میان «اموس یارون» فرمانده نیروهای اسرائیلی در بیروت و فرماندهان کتائب توافق شد که نیروهای اسرائیلی روشن کردن اردوگاهها و پوشاندن عملیات را با اقدام به‌گلوله‌بارانهای شدید، بعهده بگیرند. همچنین توافق شد که یک افسر رابط اسرائیلی (از دستگاه ضد اطلاعات) در مقر فرماندهی کتائب و یک افسر رابط کتائبی در مقر فرماندهی اموس یارون که مشرف به اردوگاهها بود، مستقر شوند. دروری همچنین اعتراف کرد که در ساعت ۱۶/۳۰ بعد از ظهر جمعه ۱۹۸۲/۹/۱۷ در جلسهٔ دیگری با حضور رافائل‌ایتان رئیس ستاد ارتش و تنی چند از مسؤولان کتائب و فرمانده عملیات اردوگاهها، شرکت داشته است. دروری اضافه می کند که ایتان از فرمانده عملیات خواست که جنگ را دراردوگاهها متوقف کند. ولی‌برای ترک آنها، تا بامدادشنبه به‌او مهلت داد. «زیرا دلیلی برای عجله کردن وجود نداشت». دروری افزود که مسؤولان کتائب در این جلسه گفتند که امریکاییها نیز از آنان خواسته‌اند که اردوگاهها را ترک کنند.

گرابونسکی فرمانده یکی از تانکهایی که اردوگاهها را در محاصره خود داشتند، اعتراف کرد که بین ساعت ۸ تا ۹ بامداد جمعه ۱۹۸۲/۹/۱۷، به‌اتفاق خدمه تانکش، افراد مسلح را دیده‌اند که پنج زن وکودک را بقتل می‌رسانند. و او جریان را برای فرمانده تیپ

خود تعریف کرده و این پاسخ را شنیده که :«ما این را می‌دانیم». فرمانده تیپ سپس به‌او دستور داده که دخالتی نکند. گرابونسکی اضافه می کند: ظهر جمعه یکی از افراد مسلح به‌تانک نزدیک شد و یک جمعی تانک از او پرسید که چرا غیر نظامیان را می کشید و او پاسخ داده بود: «زنان باردار تروریست می‌زایند. کودکان وقتی بزرگ می‌شوند، تروریست می‌شوند». «اموس یارون» فرمانده نیروهای اسرائیلی در بیروت غربی اعتراف کرد که پنجشنبه شب درساعت ۲۳ تلگرامی از فرمانده عملیات اردوگاه دریافت کرده که در آن می‌گوید:«تاکنون ۳۰۰ غیر نظامی و تروریست را کشته‌ایم». وی افزود که اجازه داده است نیروهای تازه نفس وارد اردوگاهها شوند وسلاح و مهمات اضافی در اختیار افراد مسلح گذاشته است.

این امر، در پی جلسه‌ای صورت گرفت که در ساعت ۱۶/۳۰ بعدازظهر جمعه ۱۹۸۲/۹/۱۷ با شرکت ایتان و دروری منعقد شده و طی آن ایتان انجام ممتاز مأموریت را به‌فرماندهان کتائب تبریک گفته و به‌آنان اجازه داد که به‌مأموریت خود تا بامداد شنبه ادامه دهند. ایتان همچنین موافقت کرد که یک بولدوزر به‌آنها بدهد تا «ساختمانهای غیرقانونی داخل اردوگاهها را خراب کنند». بدین‌گونه قتل‌عام تقریباً ٤٠ ساعت ادامه یافت وکشتار تا بامداد شنبه ۱۹۸۲/۹/۱۸ متوقف نشد. قاتلان بتدریج از اردوگاهها خارج شدند.

اریل شارون وزیر دفاع اسرائیل با خونسردی کامل اعلام کرد که نیروهای اسرائیلی برای کشتن دوهزار رزمندهٔ فلسطینی که مدعی شد بعد از خروج نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین هنوز در پایتخت مانده‌اند، وارد بیروت غربی شدند. وی با شوق و شعف ادامه داد که این مأموریت به‌عهدهٔ شبه‌نظامیان کتائب گذاشته شد. مجرم به‌همدستی جنایی در قتل عمد اعتراف کرد و این جنایتی است علیه

نه‌یک نفر که دوهزار انسان... جنایتی که در همهٔ قوانین مجازاتهای سختی برای عاملان آن، تعیین شده است، خواه مجرم در ارتکاب جنایت، از دست خود استفاده کرده باشد و یا از سگهای هار خود. او که عملا و دست کم دوبرابر این رقم را بقتل رسانده است. کسانی که شکنجه شدند و با گلوله و بمب و تبر بقتل رسیدند و عمرشان از یک‌ماهه تا نودساله بود، زن و مرد و کودک و افراد سالخورده و حتی حیوانات، همه گناهشان این بود که ساکن اردوگاههای صبرا و شاتیلا بودند. بیشتر ساکنان جدید نیز از روستاهای جنوب و یا اردوگاههای دیگر آمده بودند، چراکه خانه‌های آنان در جریان تهاجم وحشیانه اسرائیل ویران شده بود. بعضی دیگر ازکشورهای عربی برادر در جست‌وجوی کار و نان به‌لبنان آمده و به‌هنگام جنگ در بیروت گیر افتاده و جایی جز این دو اردوگاه پیدا نکرده بودند... اگر جای‌دیگری می‌یافتند بی‌تردید آنجا را به‌این آلونکهای ویران شده و دارای نام اردوگاههای صبرا و شاتیلا ترجیح می‌دادند... صبرا و شاتیلا که در بمبارانهای جنون‌آمیز به‌مدت سه‌ماه پیاپی انواع بمبهای مخرب را به‌خود دید.

نه‌تروریست بودند، نه رزمنده. رزمندگان از بیروت خارج شده بودند... انسانهایی بودند پاک‌سرشت که مقاومت و تحمل کردند و از خداوند خواستند که لبنان و فلسطین را یاری دهد. تشنه آرامش‌بودند تا هر آنچه را ویران شده بود، دوباره بسازند... و پاداش آنها سربریدن بود. بیش از چهارهزار قربانی... هرکدامشان قصه‌ای داشت... بعضیها، بسیارکوتاه... در جریان محاصره بیروت متولد شده و پیش از آنکه صداها و رنگها را تشخیص دهند، در حین مکیدن ماده حیات‌بخش مادر—شیر—سربریده شدند... قصه‌های دیگر بسیارطولانی بود... در اواخر قرن گذشته، در فلسطین متولد شده، بارها مجبور به هجرت‌شده،

فرزندان و نوه‌های خود را که در راه بازگشت به‌فلسطین بشهادت رسیدند، دفن کرده بودند... خاطرات خود را بردوش گرفته بودند... یکیشان در حین قتل‌عام کوشیده بود که از اردوگاه خارج شود... دوربینهای فیلمبرداران بااو آشنا شده، زنده و نیز سر از تن جدا شده او را به‌تصویر کشیده بودند.

این برخواننده است که قصه‌ها و جزئیات را در ذهن خودمجسم کند... برخواننده است که جمله‌ای از قبیل «حدود یکهزار غیرنظامی در بیمارستان بودند، وقتی برگشتیم، آنها را برده وکشته بودند» را در ذهن خود مجسم کند... یکهزار فقط در یک جمله... برخواننده است که این جمله را هزار باربخواند، زیرا این جمله کوچک، هزارانسان... هزارقصه... هزار تراژدی معنی می‌دهد.

در تاریخ معاصر فلسطین، این «نخستین» قتل‌عام نبوده... و وظیفه ماست که بگذاریم «آخرین» باشد. در این جهان و در میهن عربی و اسلامی و حتی در داخل جامعهٔ صهیونیستی، هرکس خبر این قتل‌عام را شنید، وجدانش تکان خورد.

برماست که به بازگو کردن آن ادامه دهیم و از آن زخمی بسازیم در وجدان جهان و نه صرفاً یک واقعهٔ تاریخی.

برماست که خبر آن را به‌گوش هرکس که هنوز نشنیده است، برسانیم و به‌آنها که شنیده‌اند، یادآوری کنیم و تمام کسانی راکه برای محکوم کردن عاملان آن حرکت کردند. حول آن مجتمع کنیم.

برماست، یهودیانی راکه آن را محکوم کردند، بسیج کنیم، بخصوص یهودیانی را که برای محکوم کردن جنایتکاران به‌خیابانها آمده و تظاهراتی برگزار کردند.

برماست که افکار عمومی غرب بویژه در امریکا را متوجه آنچه گذشت، کنیم و لزوم مجازات جنایتکاران را به‌آنان تفهیم کنیم.

...وقبل از هر چیز برماست که خبر قتل‌عام را به‌گوش هر زن و مرد عرب و مسلمان برسانیم و همتها و غیرتها را به‌دادخواهی وفریاد-رسی بخوانیم و به‌تشکل صفها دعوت کنیم تا از جنایاتی که علیه امت عربی-اسلامی ما مرتکب می‌شوشند و جنایات تازه‌ای که تدارک آن را می‌بینند، جلوگیری کنیم. به افشای قاتلان ادامه دهیم... مهرجنایت را بر پیشانی رهبران موجودیت صهیونیستی و آنها که سلاح و پول در اختیارشان گذاشتند و آنها که در ارتکاب این‌قتل‌عام وحشیانه‌شریک جرم بوده‌اند، بکوبیم.

...و از آنها کـه حکم برائت می‌خواهند، بخواهیم بیایند و بیگناهی خود را ثابت کنند و در مجازات قاتلان سهیم شوند و قولاً و عملاً، درکمک به‌صاحبان حق، کمک به‌حق خلق فلسطین در زندگی شرافتمندانه در وطن مستقل خویش — فلسطین — مشارکت کنند.

...به‌آنها که وجدان بیداری دارند... به‌آنها که برای زندگی یک‌فرد مثل زندگی تمام بشریت، احترام قائلند، این گزارش را تقدیم می‌کنم.

چه کسانی تروریست هستند؟

حقایقی در بارهٔ ترور صهیونیستی و اسرائیلی

گرد آوری:
مؤسسهٔ مطالعات فلسطینی (بیروت)
کمیتهٔ اطلاعاتی زنان عرب (بیروت)



مطلبی که در پیش روی دارید، یک‌بررسی جامع نمی‌باشد، و یک چنین ادعایی نیز ندارد. اصراری نیز در تحلیل، ارزیابی و قضاوت دربارهٔ آن نمی‌رود. تنها ثبت وقایع و اظهاراتی است که شاهدان عینی در رابطه با فعالیتهای تروریستی صهیونیستی و اسرائیلی در نبرد فلسطین ـ اسرائیل بیان داشته‌اند. مرجع تمام این حوادث و وقایع، یا منابع صهیونیستی و غربی است و یا منابع سازمان ملل‌ـ متحد. بنابراین تمامی عملیاتی که توسط واحدهای منظم نظامی علیه هدفهای نظامی (یعنی استفاده از بمبهای ناپالم توسط نیروهای اسرائیل در سراسر جبهه‌های جنگ ۱۹۶۷) صورت گرفته، مشمول این بررسی نمی‌شود.

گروههای تروریستی اسرائیلیها

هاگانا

ارتش رسمی زیرزمینی آژانس یهود که در اوایل دهه ۱۹۲۰ تأسیس شد و پس از اعلام موجودیت دولت اسرائیل، ارتش رسمی اسرائیل گردید.

پالماخ

نیروی ضربتی متحرک هاگانا، که در ۱۹٤۸ توسط ایگال‌آلون، معاون نخست‌وزیر ازسال ۱۹٦۷ به‌بعد، رهبری می‌شد.

ایرگون

گروهی که در اوسط دهۀ ۱۹۳۰ از هاگانا منشعب شد و در دهۀ ۱۹٤۰ توسط مناخیم‌بگین عضو کنست و رهبر حزب هروت‌رهبری می‌شد. مناخیم‌بگین از ۱۹٦۷ تا ۱۹۷۰ عضویت کابینۀ اسرائیل را نیز بعهده داشت.

گروه اشترن

گروهی که در اواخر دهۀ ۱۹۳۰ از ایرگون جدا شد، و پس از رهبرش آبراهام اشترن، به‌این نام معروف گردید.

تاکتیکهای تروریستی که توسط صهیونیستها در برخوردهای فلسطین-اسرائیل بکارگرفته شده است:

نوع تاکتیک	تاریخ اولین کاربرد	مکان کاربرد	هدفهای موردنظر
ترور سیاسی اعضای جامعه یهود	ژوئیه ۱۹۳۳	تل آویو	یهودیان
بمب گذاری در کافه ها	۱۷ مارس ۱۹۳۷	یافا	اعراب فلسطینی
بمب گذاری در اتوبوسها	۲۰ اوت، ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۷	یافا	اعراب فلسطینی
بمب گذاری در بازارها	۶ ژوئیه ۱۹۳۸	حیفا	اعراب فلسطینی
انفجار کشتیها همراه با مسافران	۲۵ نوامبر ۱۹۴۰	حیفا	یهودیان
بمب گذاری در ادارات غیرنظامی دولت	۱۲ فوریه ۱۹۴۴	تل آویو	یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
ترور سیاسی (خارج از فلسطین)	۶ نوامبر ۱۹۴۴	قاهره	انگلیسیها
گروگانگیری نظامی	۱۸ ژوئن ۱۹۴۶	تل آویو	انگلیسیها
بمب گذاری در هتلها	۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶	بیت المقدس	یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
غارت مسلحانه بانک	۱۳ سپتامبر ۱۹۴۶	تل آویو	یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
بمب گذاری در سفارتخانه‌های خارجی (خارج از فلسطین)	اول اکتبر ۱۹۴۶	رم	انگلیسیها
مین گذاری زیر آمبولانسها	۳۱ اکتبر ۱۹۴۶	بتاح تکفا	انگلیسیها
شلاق زدن گروگانها در ملاء عام	۲۹ دسامبر ۱۹۴۶	تل آویو	انگلیسیها
گروگانگیری غیرنظامی	۲۷ ژانویه ۱۹۴۷	بیت المقدس	انگلیسیها

انفجار بانکها	۲۸ فوریه ۱۹٤۷	حیفا	یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
ارسال پاکتهای حاوی بمب (خارج از فلسطین)	ژوئن ۱۹٤۷	لندن	انگلیسیها
قتل گروگانها	۱۲ ژوئن ۱۹٤۷	تل آویو	انگلیسیها
انفجار خانه های دهات با ساکنان آن بوسیله دینامیت	۱۹ دسامبر ۱۹٤۷	بخش صفد	اعراب فلسطینی
پرتاب خمپاره به روی محلهای شهری	۲۰ فوریه ۱۹٤۸	حیفا	اعراب فلسطینی
انفجار بلوکهای آپارتمانی با ساکنان آن	۳ مارس ۱۹٤۸	حیفا	اعراب فلسطینی
جنگ فیزیولوژی برای تشویق مهاجرت	فوریه - مه ۱۹٤۸	در سراسر فلسطین	اعراب فلسطینی
قتل عام حساب شده زنان و کودکان	۹ آوریل ۱۹٤۸	دیریاسین	اعراب فلسطینی
چپاول شهرها	۳۰ آوریل، ۱۵ مه ۱۹٤۸	یافا	اعراب فلسطینی
ارسال کتابهای حاوی بمب (خارج از فلسطین)	۳ مه ۱۹٤۸	انگلستان	انگلیسیها
ترور مأموران سازمان ملل	۱۷ سپتامبر ۱۹٤۸	بیت المقدس	سوئدیها
اخراج دستجمعی شهروندان یهود از دهکده‌ها	٥ نوامبر ۱۹٤۸	اقرت، الجلیل	اعراب فلسطینی
مصادرهٔ جمعی اموال پناهندگان و اشخاص غایب	از ۱۹٤۸	فلسطین اشغالشده	اعراب فلسطینی
ایجاد تشنج ساختگی بین جوامع یهود و کشورهای عرب	از ۱۹٤۸	کشورهای عرب	یهودیان شرقی

نابودی کامل دهکده‌های شهروندان خودشان	٤ فوریه ۱۹٤۹	جلیله- (فلسطین اشغالی)	اعراب فلسطینی
کشتار جمعی غیرنظامیان درحملات توپخانه‌ای به دهکده‌های اطراف مرز	۱۱ ژانویه ۱۹۵۲	بیت جالا	اعراب فلسطینی
حمله به‌اردوی پناهندگان با بمبهای دستی	۲۸ اوت ۱۹۵۳	نوار غزه	اعراب فلسطینی
انفجار عمدی مدارس اطراف مرز	۱۵ اکتبر ۱۹۵۳	قبیه	اعراب فلسطینی
بمب‌گذاری اموال غربی درکشورهای عرب	۱۹۵٤	مصر	کنسولگریهای امریکاوانگلستان
اعدام‌دستجمعی‌شهروندان غیرنظامی خودی درطی حکومت نظامی	۲۹ اکتبر ۱۹۵٦	کفرقاسم (فلسطین- اشغالشده)	اعراب فلسطینی
کشتار جمعی غیرنظامیان. هنگام اشغال سرزمینها	۳ نوامبر ۱۹۵٦	غزه	اعراب فلسطینی
بمب‌گذاری در هواپیما- های‌خصوصی باسافرانآن	٦ ژوئن ۱۹٦۷	آلمان	اتباع آلمانی
استفاده از بمب ناپالم در بمباران بیمارستانها	٦ ژوئن ۱۹٦۷	بیت‌المقدس	اعراب فلسطینی
وحشی‌گری علیه اسیران نظامی جنگ	٦-۱۰ ژوئن ۱۹٦۷	صحرای‌سینا	مصریها
آتش گشودن بسوی ستونهای پناهندگان	۱۲ ژوئن ۱۹٦۷	ساحل غربی رود اردن	اعراب فلسطینی
تبعید رهبران جوامع	از ژوئن ۱۹٦۷	کرانه‌باختری رود اردن	اعراب فلسطینی
بمباران هوایی اردوگاههای پناهندگی	۱۵ فوریه ۱۹٦۸	دره اران	اعراب فلسطینی
بمباران شهرها توسط			

بمبهای ناپالم	٤ اوت ۱۹٦۸	ساحل شرقی- رود اردن	اعراب فلسطینی و اردنی‌ها
نابود کردن خرمنها توسط موادشیمیایی	۲۸ آوریل ۱۹۷۲	عقربه (ساحل- غربی)	اعراب فلسطینی
ترور بوسیله بمب‌گذاری در اتومبیلها	۸ ژوئیه ۱۹۷۲	بیروت	اعراب فلسطینی
بازداشت و گروگانگیری زنان و کودکان و اقوام اشخاص مورد سوءظن در اردوگاههای پر جمعیت و متمرکز		صحرای‌سینا	اعراب فلسطینی

فصل اول

عملیات تروریستی تا سال ۱۹۴۷

الف: ترور اعراب

۱ ـ بمب‌گذاری در بازارها، کافه‌ها و خانه‌ها

۱۶ آوریل ۱۹۳۷: دو عرب ساکن یک کلبه نزدیک بتاح تکفا، توسط یهودیان با گلوله کشته شدند[۱].

۱۷ مارس ۱۹۳۷: چهار بمب به‌داخل کافه‌های عربی در یافا پرتاب شد، یک عرب کشته و ۱۰ نفر مجروح شدند[۲].

۶ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمبی به‌داخل بازار حیفا ۸ نفر تلفات بجای گذاشت[۳].

۱۴ ژوئیه ۱۹۳۸: بمبی در بازار سبزی‌فروشان عرب منفجر شد که ۱۲ نفر را کشت و ۲۹ نفر را مجروح کرد[۴].

۱۷ ژوئیه ۱۹۳۸: سه عرب مقتول در تل‌آویو پیدا شدند. پلیس ۵ تجدیدنظر طلب صهیونیست را (از طرفداران جابوتینسکی) دستگیر کرد[۵].

۲۵ ژوئیه ۱۹۳۸: انفجار بمب در بازار سبزی‌فروشان عرب، باعث کشته‌شدن ۳۹ نفر و جراحت ۶۴ نفر از جمله زنان و بچه‌ها شد[۶].

۲۵ اوت ۱۹۳۸: انفجار بمب در بازار سبزی‌فروشی یافا، ۲۳ کشته و ۳۰ مجروح عرب بجای گذاشت[۷].

۲۷ فوریه ۱۹۳۹: انفجار بمبها در بازار حیفا و یافا، ۲۸ عرب

را کشت[۸].

۲ ژوئن ۱۹۳۹: گروه ایرگون با انفجار بازار هندوانه‌فروشان بیت‌المقدس، ۵ نفر را کشت و ۱۹ نفر را مجروح کرد[۹].

۱۹ ژوئن ۱۹۳۹: انفجار بمب در بازار عربی حیفا، ۹ نفر را کشت و ۲۴ نفر را مجروح کرد[۱۰].

۳ ژوئیه ۱۹۳۹: بمبی به‌داخل کافه عربی در حیفا پرتاب شد[۱۱].

۲ ـ حملات به‌اتوبوسهای عرب

۲۰ اوت، ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۷: پرتاب بمب ۲ عرب را مجروح کرد. پرتاب بمب به‌داخل اتوبوسهای عرب ۹ زن را مجروح و یک نفر دیگر را کشت[۱۲].

۱۴ نوامبر ۱۹۳۷: یک اتوبوس عربی در محلهٔ یهودی به‌ـ گلوله بسته شد و ۳ مسافر عرب، از جمله ۲ زن کشته شدند[۱۳].

۴ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمب به‌سوی اتوبوس عربی در بیت‌ـ المقدس ۵ نفر را کشته و ۷ نفر را مجروح کرد[۱۴].

۸ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمب به‌داخل اتوبوس عربی بیت‌المقدس ۴ نفر را کشته و ۱۵ نفر را مجروح کرد[۱۵].

۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹: شش حمله به‌اتوبوسهای عربی در جاده‌ای نزدیک تل‌آویو، رحوفوت و بتاح‌تکفا صورت گرفت، و در نتیجه ۱۱ نفر جان باختند[۱۶].

ب: ترور انگلیسها

۱ ـ ترور مقامات غیرنظامی بریتانیا

۸ اوت ۱۹۴۴: چندین تلاش برای ترور کمیسر عالی بریتانیا

توسط گروه ایرگون صورت گرفت، معروفترین تلاش علیه سر هارولد مک میشل صورت گرفت، که تقریباً در ۸ اوت ۱۹۶۴ موفق از کار درآمد. یک تلاش حساب شده توسط تروریستهای یهودی برای ترور کمیسر عالی که همراه بانو مک میشل بوسیله ماشین به‌سوی یافا می‌راند، صورت گرفت[۱۷].

۶ نوامبر ۱۹۴۴: مشهورترین مقام دولتی که توسط سازمانهای تروریستی صهیونیستی ترور شد، لرد موین وزیر مختار بریتانیا در خاورمیانه در زمان جنگ بود. «لردموین.... در ۶ نوامبر ۱۹۴۴ توسط یک مرد مسلح ملبس به‌لباسهای اروپایی هنگام پیادەشدن از اتومبیل خود در بیرون اقامتگاه خصوصی‌اش در قاهره، اندکی پس از ساعت یک بعدازظهر ترور شد... تروركنندگان اعتراف کردند که عضو سازمان جنگجویان آزادی اسرائیل (اشترن) هستند، و از فلسطین برای توجیه نقشه قتل لردموین به‌قاهره اعزام شده‌اند[۱۸]...»

قتل لردموین در قاهره شاید اولین نمونه استفاده از خشونت در رابطه با برخورد اعراب ـ اسرائیل در خارج از منطقهٔ فلسطین باشد.

۲ ـ قتل پرسنل پلیس و نظامیان

۲۰ ژانویه ۱۹۴۲: انفجار یک بمب در تل‌آویو ۸ رئیس پلیس محلی را کشت[۱۹].

ژانویه ۱۹۴۲: داردسته اشترن دو افسر امنیتی بریتانیایی را فریب داده و به‌یک محل ملاقات در تل‌آویو کشاندند. به‌هنگام ورود آن دو، انفجاری رخ داد و هر دو کشته شدند[۲۰].

۲۲ آوریل ۱۹۴۲: ترور بازرس کل پلیس و یکی از دستیارانش نافرجام ماند. گفته می‌شود که اشترن مسؤول ترور بود[۲۱].

۲۵ فوریه ۱۹۴۴: دو پلیس بریتانیایی توسط گروه ایرگون

توسط گلوله به‌قتل رسیدند [۲۲].

مارس، مه ۱۹۴۵: یک سری بمب‌گذاری و تیراندازی توسط گروه ایرگون، منجر به‌قتل تعداد زیادی پلیس یهودی و انگلیسی شد. از جمله اینها، قتل اسکات رئیس پلیس و ۵ پلیس دیگر در ۲۳ مارس بود [۲۳].

۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶: افسر ارشد پلیس ترور شد [۲۴].

۲۸ سپتامبر ۱۹۴۵: پاسبان پلیس بسختی در تل‌آویو مجروح شد [۲۵].

۹ - ۸ سپتامبر ۱۹۴۶: افسر پلیس امنیتی منطقهٔ یافا به‌هنگام انفجار خانه‌اش توسط یهودیان، کشته شد [۲۶].

۳۰ سپتامبر ۱۹۴۶: گروهبان ارتش بریتانیا به‌هنگام رانندگی با موتورسیکلت‌خود در جاده لد ـ بتاح‌تکفا توسط گلوله کشته‌شد [۲۷].

۶ اکتبر ۱۹۴۶: دو پلیس، طی یک شبیخون شبانه در بیت‌المقدس به‌قتل رسیدند [۲۸].

۱۹ ژوئیه ۱۹۴۷: یک پلیس بریتانیایی به‌قتل رسید [۲۹]. و یک پلیس دیگر توسط دارودسته ایرگون در حیفا بسختی مجروح شد [۳۰].

۲۶ سپتامبر ۱۹۴۷: تروریستها (که گفته می‌شود اعضای ایرگون بوده‌اند) مقدار ۱۸۰،۰۰۰ پوند از اتومبیل زرهی پلیس ربوده و چهار پاسبان انگلیسی را کشتند [۳۱].

۲۹ سپتامبر ۱۹۴۷: بر اثر انفجاراتی که توسط اعضای ایرگون در حیفا صورت گرفت، ۱۰ پلیس بریتانیایی و عرب کشته و ۳۵ نفر دیگر مجروح شدند [۳۲].

۳ـ حمله به‌تأسیسات پلیس و ارتش

۲۲ اوت ۱۹۴۴: ساختمانهای پلیس در یافا و تل‌آویو مورد

حمله قرار گرفت و چند افسر پلیس کشته شدند [۳۳].

۲۷ سپتامبر ۱۹۴۴: حملات اعضای ایرگون به ٤ ایستگاه پلیس، به‌پلیس و غیرنظامیان تلفاتی وارد کرد [۳٤].

۲۸ دسامبر ۱۹٤٥: حمله به‌مراکز و ایستگاههای پلیس در بیت‌المقدس، یافا و یک پادگان نظامی در تل‌آویو به‌مرگ یک افسر پلیس انگلیسی، ۲ پاسبان انگلیسی، یک سرباز انگلیسی و ٤ سرباز عرب و یک پلیس عرب دیگر منجر شد [۳٥].

ژانویه ـ آوریل ۱۹٤٦: چندین حملهٔ تروریستی منجر به‌وارد آمدن صدمات عظیم به‌اموال شد و تلفاتی انسانی ببار آورد [۳٦].

۲۵ آوریل ۱۹٤٦: اعضای گروه اشترن ساکن تل‌آویو مسلح به‌سلاحهای اتوماتیک و بمبهای ضد نفر وارد پارکینگ نظامی انگلیسیها شده و ۷ سرباز انگلیسی را کشتند. دو نفر از سربازان در حال خواب به‌قتل رسیدند [۳۷].

۲٤ اکتبر ۱۹٤۷: سه‌انفجار در مرکز بیت‌المقدس، نزدیک پستهای نظامی در اطراف منطقهٔ یهودی رخ داد. ۸ سرباز انگلیسی و ۳ غیر نظامی مجروح شدند [۳۸].

اول مارس ۱۹٤۸: گروه ایرگون باشگاه افسران «گلداسمیت» را در بیت‌المقدس منفجر کرده و در این انفجار ۱۳ نفر کشته و ۱٦ نفر زخمی شدند [۳۹].

۱۳ مارس ۱۹٤۷: گروه ایرگون ساختمان شنلر در بیت‌المقدس را که محل مراکز ارتش بریتانیا بود با خاک یکسان کرد [٤۰].

۲۹ سپتامبر ۱۹٤۷: مراکز پلیس مرکزی در حیفا منفجر شد، ۱۰ نفر کشته، ٥٤ نفر مجروح و ساختمانها بکلی ویران گردید [٤۱].

۴ ـ گروگانگیری غیرنظامیان انگلیسی

هنگامی که اعضای سازمانهای تروریستی صهیونیست توسط

مقامات بریتانیایی دستگیر شدند و به‌جرم جنایت محکوم گردیدند، سازمانهای مذکور با توسل به‌گروگانگیری نظامیان بریتانیایی ومقامات غیرنظامی، تهدید کردند که در صورت آزادنشدن محکوم شدگان، گروگانها را خواهند کشت.

در ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، «وندهام» قاضی انگلیسی در رابطه با حکم اعدام «دوف‌گرونر»، یکی از اعضای ایرگون، ربوده شد. گرونر به‌هنگام دست‌زدن به‌یک حمله تروریستی دستگیر شده بود. تنها وقتی قاضی را رها کردند که افسر فرمانده در فلسطین به‌گرونر حق داد تا درمورد حکمش از هیأت مشورتی سلطنتی بریتانیا، درخواست پژوهش و تجدید نظر کند [۴۲].

۵ـ گروگانگیری نظامیان انگلیسی

۲۹ ژوئن ۱۹۴۶: بریتانیاییها برای تروریستهای دستگیر شده کم سن و سال یهودی حکم شلاق‌زدن صادر کردند [۴۳]. در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۶ این حکم درمورد یک تروریست ایرگون اجرا شد [۴۴]. در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۶ [۴۵]، سه افسر انگلیسی که قبلا توسط گروه ایرگون ربوده شده و به‌گروگان گرفته شده بودند [۴۶]، در ملأعام در یکی ازمیدانهای تل‌آویو شلاق خوردند [۴۷].

۶ـ ارسال پاکتها و نامه‌های حاوی بمب برای مقامات انگلیسی

اول اکتبر ۱۹۴۶: سفارت انگلستان در رم در اثر انفجار بمب سخت ویران شد. گروه ایرگون مسؤولیت انفجار را بعهده گرفت [۴۸]. سازمانهای تروریستی صهیونیست ادعا کردند که یکی از دشمنان در فاصله‌ای دور، از طریق ارسال بمب پستی، ترور شد [۴۹].

ژوئن ۱۹۴۷: اکتشاف بعمل آمد که نامه‌های ارسالی به‌آدرس

وزرای کابینهٔ انگلستان حاوی بمب بوده است [۵۰].

۳ سپتامبر ۱۹۴۷: بمبهای پستی به‌آدرس اداره جنگ، در اتاق بررسی اداره پست در لندن منفجر شد و ۲ نفر را مجروح کرد. این عمل به‌ایرگون و گروه اشترن نسبت داده شد [۵۱].

۱۶ دسامبر ۱۹۴۷: یک بخشنامه از سوی ایرگون به‌دست روزنامهٔ تایمز و دیگر مقامات و افراد ساکن انگلستان رسیده است. در این بخشنامه گفته شده است که انگلستان در پی آن است تا برای ابقای خود در فلسطین آتش جنگ را میان اعراب و یهودیان برافروزد. بنابراین، ایرگون عملیات خصمانهٔ خود علیه انگلستان را در خارج از فلسطین نیز انجام می‌دهد. سیاست ایرگون عبارت است از «جنگ با بریتانیا تا کسب آزادی». ایرگون نقشه‌ای از فلسطین و ماورای اردن کشیده و درحالی که دستی مشترک تفنگی را محکم نگاه داشته‌است زیر آن این شعار بچشم می‌خورد «تنها پاسخ ما این است» [۵۲].

۳ مه ۱۹۴۸: انفجار کتابهای حاوی بمب، «رکس‌فاران» را کشت. پاکت حاوی بمب به‌آدرس برادرش که یک افسر مأمور خدمت در انگلیس است، پست شده بود [۵۳].

۱۱ مه ۱۹۴۸: یک بمب نامه‌ای که به‌آدرس «سر اولن‌پارکر»، افسر فرمانده سابق فلسطین ارسال شده بود، توسط همسرش کشف شد [۵۴].

ج: ترور مقامات دولتی

۱ ـ انفجار ادارات دولتی

۱۱ نوامبر ۱۹۳۷: در اثر پرتاب بمب به‌داخل جمعیت اعراب در نزدیکی اداره مرکزی پست در بیت‌المقدس، ۲ عرب کشته و ۲ نفر

مجروح شدند [۵۵].

۱۲ و ۲۶ فوریه ۱۹۴۴: ایرگون مسؤول سه‌انفجار بمب در ادارهٔ مهاجرت بیت‌المقدس، تل‌آویو و حیفا شناخته شد [۵۶].

۱۴ ژوئیه ۱۹۴۴: ادارات ثبت اسناد در بیت‌المقدس مورد حمله قرار گرفت و تلفاتی به‌پلیس وارد آمد [۵۷].

۱۲ ژوئیه ۱۹۴۶: نمای جلویی ساختمان ۷ طبقهٔ هتل «کینگ دیوید» در بیت‌المقدس توسط تروریستهای یهودی منفجر شد و فرو-ریخت. طبقات بالایی آن هتل به‌دفاتر مرکزی ادارهٔ اجرایی غیرنظامی دولت فلسطین تعلق داشت. انفجار هتل (با کار گذاشتن جعبه‌های حاوی مواد منفجره قوی در زیرزمین) روزی رخ داد که رفت‌وآمد مراجعان عمومی، چه‌یهود و چه‌عرب، به‌دفاتر دولتی در این هتل، به‌حد زیادی رسیده بود. کارمندان غیرنظامی دفاتر مذکور، اغلب یهودی و عرب بودند و تنها مقامات بالا را چند انگلیسی بعهده داشتند. در خود هتل، به‌استثنای طبقات متعلق به‌دولت، معمولا پذیرایی مسافران، مهمانان و نیز مشتریان عادی، جریان داشت. در اثر انفجار بیش از ۲۰۰ نفر کشته و مجروح شدند. ۱۵ نفر از یهودیان نیز داخل کشته‌شدگان بچشم می‌خوردند [۵۸]. گروه ایرگون رسماً مسؤولیت حادثه را بعهده گرفت [۵۹]. اما شواهد بعدی نشان داد که گروه هاگانا و آژانس یهود هم درآن دست داشته‌اند [۶۰].

۵ دسامبر ۱۹۴۶: ساختمانهای مراکز بخش جنوبی فلسطین در صرفند در اثر انفجار یک‌وسیله نقلیه پر از مواد منفجره که نزدیک ساختمانها پارک شده بود فرو ریخت. یکی از اعضای سازمان تروریستی یهود این عملیات را انجام داده بود و در اثر آن ۲ نفر کشته و ۲۸نفر زخمی شدند [۶۱].

۲ ـ حمله به‌بانکها

۱۳ سپتامبر ۱۹٤٦: گروه ایرگون به‌بانک عثمانی در تل‌آویو و حیفا حمله برده و در نتیجه ۴۰،۰۰۰ پوند بسرقت برد. یک پلیس عرب و ۲ غیرنظامی کشته شدند و یک پلیس عرب و ۱۸ غیرنظامی دیگر مجروح شدند [٦٢].

۲۸ فوریه ۱۹٤٧: ۲ یهودی که لباس پلیس به‌تن داشتند، یک بمب در بالای بانک بارکلیس در حیفا جا گذاشتند که در نتیجه ۲ نفر کشته و ۲ نفر دیگر مجروح شدند [٦٣].

٤ اوت ۱۹٤٧: بانک بارکلیس در حیفا مورد سرقت قرار گرفت و بانکدار به‌قتل رسید [٦٤].

۲۱ اوت ۱۹٤٧: یک‌حادثه سرقت و انفجار بانک در حیفا بوقوع پیوست [٦٥].

۲۸ آوریل ۱۹٤٨: ٥ یهودی مسلح مقدار ۱۹٥،۰۰۰ پوند از بانک بارکلیس در تل‌آویو به‌سرقت بردند. بعداً معلوم شد که آنها اعضای دارودسته اشترن می‌باشند [٦٦].

۳ ـ حمله به‌تسهیلات حمل ونقل غیرنظامی

ایرگون از اولین گروههای تروریستی صهیونیست بود که به‌طور سیستماتیک، تسهیلات حمل و نقل را مورد حمله قرار داد. مناخم‌بگین، رهبر گروه ایرگون، نقش گدعون رئیس طرح عملیاتی را اینگونه تشریح می‌کند:

«گدی»، «مین‌تماس» را برای خرابکاری در خطوط راه‌آهن اختراع کرد. هیچ‌گونه ضد اقدام برای خنثی‌کردن این عمل امکان ندارد. نمی‌توان عمل فوق را خنثی‌کرد هرکس که تلاش کرد این عمل را خنثی‌کند به‌خاطر نادیده گرفتن اخطارهای ما، جان خود را برسر این‌کار گذاشت. اتاقک کوچک مخصوص بررسی خطوط راه‌آهن بدون اینکه حادثه ناگواری رخ دهد، از روی نقطهٔ مین گذاشته شده رد می‌شود اما هنگامی که قطار از روی آن عبور می‌کند، در اثر

انفجار مین به‌هوا پرتاب می‌گردد. این مین بر اساس اصل فشار آمدن وزنه سنگین ساخته شده است. یعنی وارد آمدن یک‌وزنه سبک کاری با مین نمی‌کند، اما وارد آمدن وزنه سنگین باعث انفجار مین می‌گردد. یک‌مکانیسم زمانی نیز به‌مدت یک‌روز، ۲ روز، سه‌روز و حتی یکهفته تمام، در نظر گرفته شد. یکبار، تقریباً تمام خطوط راه‌آهن را درسراسر کشور بوسیله این‌مینها درهم کوبیدیم.»[۶۷]

۳۱ اکتبر ۱۹۴۵: طی شب خرابکاری وسیع و سیستماتیکی در خطوط راه‌آهن رخ داد[۶۸].

۲۷ مارس ۱۹۴۶: یهودیان خطوط آهن «سکریر» را مورد حمله قرار دادند[۶۹].

۱۹ ژوئن ۱۹۴۶: یهودیان طی حمله‌ای سه قطار را در تعانی، تل‌آویو و رأس‌العین به‌آتش کشیدند[۷۰].

۸ و ۹ سپتامبر ۱۹۴۶: حملات گسترده‌ای به‌خطوط آهن توسط یهودیان صورت گرفت و طی مین‌گذاری جاده‌ها در شب یک‌نفر کشته شد[۷۱].

۱۶ و ۱۷ ژوئن ۱۹۴۶: اعضای سازمانهای تروریستی غیر-قانونی یهودی، مسلح به‌بمب‌ها و نارنجکهای دستی گوناگون در حال بمب‌گذاری پلهای راه‌آهن در بخشهای مختلف کشور دستگیر شدند[۷۲].

۲۰ سپتامبر ۱۹۴۶: فروشگاههای راه‌آهن بخش حیفا منفجر شد[۷۳].

۱۷ و ۲۰ اکتبر ۱۹۴۶: بمب‌گذاری در ایستگاه مرکزی راه‌آهن بیت‌المقدس و هجوم شبانه به‌صف کامیونها در جادهٔ مونت‌اسکوپس، سه سرباز را کشت و یازده پلیس از جمله ۳ غیرنظامی را زخمی کرد[۷۴].

۳۰ اکتبر ۱۹۴۶: در ۳ حادثه مین‌گذاری جاده‌ها، یک افسر

کشته و ۶ نفر زخمی شدند [۷۵].

۳۱ اکتبر ۱۹۴۶: دراثر مین‌گذاری درجاده بتاح‌تکفا، ۲ سرباز کشته شده و ۲ نفر دیگر مجروح گردیدند [۷۶].

اول و سوم نوامبر ۱۹۴۶: در ۱۰ قطار مین کار گذاشته شد، و درنتیجه ۱۰ نفر جان خود را از دست دادند [۷۷].

۱۷ و ۲۵ نوامبر ۱۹۴۶: ۶ حادثه مین‌گذاری در قطار، منجر به‌مرگ ۲ نفر و زخمی شدن ۱۲ نفر دیگر شد [۷۸].

فوریه ـ مارس ۱۹۴۷: انفجار شانزده وسیله نقلیه توسط سازمانهای تروریستی صهیونیست منجر به‌کشته شدن ۱۲ نفر گردید [۷۹].

۲۲ آوریل ۱۹۴۷: دارودسته اشترن قطار قاهره ـ حیفا را در نزدیک رحوفوت منفجر کردند و در نتیجه ۵ نفر کشته و ۲۱ نفر زخمی شدند [۸۰].

۱۵ مه ۱۹۴۷: قطار حامل کارگران عرب و یهودی نزدیک حیفا منفجر شد و در نتیجه ۲ نفر کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شدند [۸۱].

۲۱-۲۳ ژوئیه ۱۹۴۷: چند جیپ در اثر مینهای الکتریکی منفجر شد و منجر به‌مرگ یک‌نفر و جراحت ۸ نفر دیگر گردید [۸۲].

د: ترور یهودیان

۱ ـ ترور سیاسی رهبر یهودی

در ژوئیه ۱۹۳۳ اولین مورد ترور سیاسی در جریان مسألهٔ فلسطین، با قتل «حییم‌ارلو سوروف» توسط یک‌گروه یهودی رقیب‌اتفاق افتاد (اعتقاد عموم بر این بود که ترور مذکور کار تجدیدنظرطلبان یهود باشد) [۸۳]. «ارلوسوروف» هنگام قتلش رئیس بخش سیاسی‌آژانس

یهود بود.

۲ـ انفجار کشتیهای پناهندگی به همراه مسافران یهودی آن

۲۵ نوامبر ۱۹٤۰: انگلستان اعلام کرده بود که مهاجران یهودی که بدون اجازهٔ قبلی وارد فلسطین می‌شوند اجازهٔ اقامت در کشور نخواهند داشت، و در طی جنگ به‌یکی از مستعمرات انگلستان منتقل می‌شوند. در همین زمان، بر طبق بیانیهٔ سیاسی انگلیسیها در ۱۹۳۹، آنها آماده بودند تا به ۷۵،۰۰۰ یهودی در عرض ۵ سال‌آینده حق‌اجازه ورود به کشور را بدهند. پذیرش‌مهاجران یهودی، بیشتر از این مقدار پس از ۵ سال، بستگی به کسب اجازه از اعراب دارد. آژانس یهود به‌دلایل سیاسی تصمیم گرفت تا بیانیهٔ سیاسی سال۱۹۳۹ انگلستان را بدون توجه به‌مقدار سهمیه مهاجران نادیده بگیرد.

در نوامبر ۱۹٤۰، چند صدیهودی را که بدون کسب اجازهٔقبلی وارد فلسطین شده بودند، سوار کشتی پاتریا کردند، تا آنها را بر طبق بیانیهٔ سیاسی سال ۱۹۳۹ در طی جنگ به‌موریتوس ببرند. آژانس یهود که خود ورود این مهاجران غیرقانونی به‌فلسطین را سازماندهی کرده بود، تصمیم گرفت برای داغ کردن مسألهٔ از نظر سیاسی، در کشتی پاتریا با ۱،۹۰۰ پناهنده آن خرابکاری کند. کشتی پاتریا، که در حال ترک بندر حیفا بود، در ۲۵ نوامبر ۱۹٤۰ منفجر شد و ۱٤۰ یهودی که تماماً پناهنده بودند، کشته شدند. خواننده می‌تواند دلایل سیاسی آژانس یهود در این مورد و نیز عملیات واقعی خرابکاری را آنطور که «مونیا ماردور» افسر هاگانا و طراح انفجار پاتریا شرح می‌دهد، بررسی کند [۸٤].

۲٤ فوریه ۱۹٤۲: کشتی «استروما» با ۷۶۹ مسافر غیرقانونی که تحت راهنمایی گروه هاگانا عازم فلسطین بود، در دسامبر ۱۹٤۱

به‌بندر استانبول رسید. بعد از چند هفته مذاکره انگلستان بچه‌ها را از حکم عدم ورود به‌فلسطین معاف کرد اما در ضمن، مقامات ترک به کشتی دستور دادند استانبول را ترک کند. در ٢٤ فوریه ١٩٤٢ کشتی مذکور در دریای سیاه منفجر شد و تمام مسافران بدون استثناء کشته شدند. آقای «دیوید استولیار»، تنها بازمانده حادثه، یک افسر هاگانا بود [٨٥]. آژانس یهود فوراً اعلام کرد که انفجار کشتی یک اعتراض و خودکشی دستجمعی بوده است [٨٦].

ه: خرابکاری اقتصادی و انفجار خطوط لوله نفت

هاگانا قبلا با انفجار خط لوله نفت عراق در نزدیکی حیفا دست به‌یک چنین عملیاتی زده بود. موشه‌دایان یکی از شرکت‌کنندگان این عملیات بود [٨٧]. شیوهٔ مذکور بار دیگر در ١٩٤٧ بکارگرفته شد.

٢٠ فوریه ١٩٤٧: خط لوله نفت کمپانی نفت عراق درهم کوبیده شد [٨٨].

٣١ مارس ١٩٤٧: گروه ایرگون تانکرهای ذخیرهٔ نفت کمپانی شل را در حیفا نابود کرد. خسارت وارده ٥٠٠،٠٠٠ پوند تخمین زده شده و شعله‌های آتش چهار روز به‌هوا بلند بود [٨٩].

٥ ژوئن ١٩٤٧: خط لوله نفت کمپانی نفت عراق، بوسیلهٔ مواد منفجره نابود شد. آتش پس از ٥ ساعت خاموش شد، و ٨٠٠ تن نفت از بین رفت [٩٠].

١٠ سپتامبر ١٩٤٧: پالایشگاه نفت حیفا مورد حمله قرار گرفت [٩١].

منابع

1_ *Palestine and Trans - Jordan*, 1936_Colonial 129, 1937, p. 7.
2_ *Palestine and Trans - Jordan*, 1937_Colonial 146, 1938, p. 6.
3_ *Keesing's Contemporary Archives*, III (1937-1940), 3177A.
٤ — همان.
٥ — همان.
٦ — همان.
۷ — همان، 3312 A.
۸ — همان، 3513.
۹ — همان، 3642 B.
۱۰ — همان.
۱۱ — همان.
12_ *Palestine and Trans - Jordan*, 1937 _ Colonial 146, 1938, p. 8.
۱۳ — همان، ص ۹.
14_ *Keesing's*, III (1937_1940), 3177A.
۱٥ — همان.
۱٦ — همان، 3642 B.
17_ Palestine, Chief Secretary, *A Survey of Palestine, Prepared in December 1945 and January 1946 for the Information of the Anglo-American Committee of Inquiry* (Jerusalem: Government Printer, 1946), I, 72.
18_ *Keesing's*, V (1943_1945) , 6809 A.
۱۹ — همان، IV (1941 _ 1942), 6798.
20_ Thierry Nolin *La Haganah: l'armée secrète d'Israèl* (*Paris*: Ballard, 1971), pp. 164_165.
21_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine, I*, 63.
22_ *Keesing's*, v (1943_1945), 6799A.
۲۳ — همان.
24_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.
۲٥ — همان، ص ۷۲.
26_ Major R.D. Wilson, *Cordon and Search : Ulith 6th Airborne Division in Palestine* (Aldershot: Gale and Polden, 1949), p.257.
s, VI 1946_1 , 8222.

۲۸ — همان.
۲۹ — همان.
30_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 264.
۳۱ — «میدل ایست جورنال»، واشنگتن، ژانویه ۱۹۴۸، ص ۷۰.
۳۲ — همان.
33_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.
34_ *Keesing's* V (1943_1945), 6798.
۳۵ — همان، VI (1946 _ 1948), 7896.
۳۶ — همان.
۳۷ — همان.
۳۸ — همان، 8222.
39_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 261.
40_ Nolin, *La Haganah*, p. 280.
41_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 263.
42_ Itzhak Gurion, *Triumph on the Gallows* (New York: Bri Trumpeldor of America, 1950), pp. 101_102.
43_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 7983.
44_ Gurion, *Triumph on the Gallows*, pp. 80_81.
۴۵ — همان، ص ۱۸۵ - ۱۹۰.
46_ Nolin, *La Haganah*, p. 282.
۴۷ — همان، ص ۱۸۵ - ۱۹۰.
48_ *Keesing's*, VI 946_1948), 8222.
۴۹ — «ساندی‌تایمز»، لندن، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲، ص ۸.
50_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 8748A.
۵۱ — «ساندی‌تایمز»، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲، ص ۸.
۵۲ — «تایمز»، لندن، ۱۶ دسامبر ۱۹۴۷.
53_ *Keesing's*, VI 1946_1948), 9276A.
۵۴ — همان.
55_ *Palestine and Trans-Jordan*, 1937—Colonial 146, 1938, p. 9.
56_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 259.
۵۷ — همان، ص ۲۶۱.
58_ Menachem Begin, *The Revolt: Story of the Irgun* (Tel_Aviv: Hadar Publishing Co., 1964), p. 220.
۵۹ — همان، ص ۲۱۲ - ۲۲۰.

۶۰ — همان.

61_ *Keesing's*, V (1943_1945) 6798.
62_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 87.
63_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.
64_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 264.

۶۵ — همان، ص ۲۶۵.
۶۶ — «تایمز»، لندن، ۲۹ آوریل ۱۹۴۸.

67_ Begin, *Revolt*, p. 71.
68_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 258.

۶۹ — همان.
۷۰ — همان، ص ۲۵۹ - ۲۶۲.
۷۱ — همان، ص ۲۶۲.
۷۲ — همان، ص ۲۷۵.
۷۳ — همان، ص ۲۶۳.
۷۴ — همان، ص ۲۶۴.

75_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 8222.
76_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 258.

۷۷ — همان، ص ۲۴، ۲۵۲.
۷۸ — همان، ص ۲۵۳.
۸۹ — همان، ص ۲۵۵.

80_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 7983.
81_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 257.
82_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 7983.
83_ J. Schechtman, *The Jabotinsky Story: 1. Fighter and Prophet* (New York: Thoman Yoseloff, 1961), p. 438 and *passim*.
84_ Munya Mardor, *Strictly Illegal* (London: Robert Hale, 1964), p. 56 ff.
85_ Nolin, *La Haganah*, pp. 159_163.
86_ Christopher Sykes, *Crossroads to Israel* (London: Mentor 1965), p. 237.
87_ Mardor, *Strictly Illegal*, p. 44.
88_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 261.

۸۹ — همان، ص ۲۶۲.
۹۰ — همان، ص ۲۶۳.
۹۱ — همان، ص ۲۶۵

فصل دوم

جنگ فلسطین ۱۹۴۸ - ۱۹۴۷

الف: ترور اعراب

۱ـ بمب‌گذاری در بازارها و کافه‌ها

۱۳ دسامبر ۱۹۴۷: انفجار چند بمب، که به‌ایرگون نسبت داده شد، ۱۶ عرب را کشته و ۶۷ نفر را مجروح کرد[1].

۳۰ دسامبر ۱۹۴۷: در اثر پرتاب بمب از داخل یک‌تاکسی در حال عبور با سرعت زیاد، که توسط گروه «ایرگون زوای لئومی» صورت گرفت، ۱۱ عرب و ۲ انگلیسی کشته شدند. ۲ بمب توسط اعضای ایرگون به‌میان یک‌گروه ۱۰۰ نفری از کارگران عرب در خارج از اداره استخدام شرکت عمومی پالایشگاهها پرتاب شد که در نتیجهٔ آن ۶ عرب کشته و ۴۲ نفر زخمی شدند[2].

۴ ژانویه ۱۹۴۸: اعضای دارودسته اشترن در یک میدان شلوغ در یافا بمبی منفجر کردند که به کشته شدن ۱۵ تا ۳۰ نفر و زخمی شدن ۹۸ نفر دیگر منجر شد[3].

۷ ژانویه ۱۹۴۸: بر اثر انفجار دو بمب در بیت‌المقدس که توسط گروه ایرگون صورت گرفت ۱۸ نفر کشته و ۴۱ نفر مجروح شدند[4]. یک راننده یهودی از یک اتومبیل ارتش بریتانیا برای عبور از ایستگاه بازرسی اعراب در دروازه یافا استفاده کرد. بمبی را که او پرتاب کرد به‌طرف یک کافه نزدیک دروازه غلتید و در نتیجه انفجار آن ۱۷ عرب تا کنون جان خود را از دست داده‌اند[5].

۳ فوریه ۱۹۴۸: به‌هنگام انفجار یک‌اتومبیل پر از موادمنفجره

٤ عرب کشته و ۳ نفر مجروح شدند[٦].

۸ فوریه ۱۹٤۸: دو عرب در شهر کهنه بیت‌المقدس کشته شدند. هاگانا ادعا می‌کند که ۱۸ عرب در نتیجه عبور از مرز یافا ـ تل‌آویو کشته شدند. در یافا یک عرب کشته و یک نفر مجروح شد[۷].

فوریه ۱۹٤۸: در اثر شلیک گلوله هایی که در وسط شهر بیت‌ـ المقدس نزدیک اداره اطلاعات عمومی درگرفت، ٦ عرب کشته و ۱۹ نفر مجروح شدند[۸].

۲ـ حمله به‌اتوبوسهای عربی

۱۱ دسامبر ۱۹٤۷: یهودیان توسط بمب اتوبوسها، تاکسیها و گاراژهای عربی درحیفا را مورد حمله قرار دادند[۹].

۱٤ دسامبر ۱۹٤۷: یهودیان مسلح یک‌اتوبوس را نزدیک طبریه متوقف کردند. یهودیان به‌٦ مسافر عرب دستور دادند تا از ماشین پیاده شوند، و سپس به‌رویشان آتش گشودند. در نتیجه ۳ نفر مجروح شدند و جراحت یکی از آنها بسیار وخیم بود[۱۰].

۱۵ دسامبر ۱۹٤۷: یهودیانی که ملبس به‌یونیفورم بودند به یک اتوبوس در نزدیکی لد، حمله کردند و یک عرب را کشته و۷نفر را زخمی کردند[۱۱].

۲۱ دسامبر ۱۹٤۷: یک اتوبوس عربی در نزدیکی شهرلطرون توسط مردانی که به«یونیفورم پاسبانان موقت عرب» ملبس بودنـد، مورد حمله قرار گرفت و ۳ عرب کشته شدند[۱۲].

۵ ژانویه ۱۹٤۸: امروز یهودیان به‌روی دو اتوبوس عـربی آتش گشودند و یک راننده و ۳ مسافر را بسختی مجروح کردند[۱۳].

۹ ژانویه ۱۹٤۸: دو یهودی در بیت‌المقدس که چکمه های سیاه به‌پا داشتند، بسته‌ای را در داخل یک‌اتوبوس عربی جا گذاشتند،

یک‌زن متوجه شد که از آن دود بیرون می‌آید و راننده فوراً آن را از پنجره به‌بیرون پرتاب کرد، بسته در اثر برخورد با پیاده‌رو منفجر شد و عابران را مجروح کرد [۱۴].

۱۰ ژانویه ۱۹٤۸: یهودیان اتوبوس عربی را در حیفا به آتش کشیدند. یک عرب کشته و ۶ نفر مجروح شدند [۱۵].

۲۲ ژانویه ۱۹٤۸: در نزدیکی حیفا یک‌عرب در اثر شلیک گلوله به‌قتل رسید و ۶ نفر مجروح شدند [۱۶].

۱۲ فوریه ۱۹٤۸: یهودیان مسلح یک‌اتوبوس عربی از شهر صفد را مورد حمله قرار دادند. در اثر انفجار اتوبوس ۵ عرب کشته شده و ۵ نفر زخمی شدند. یک‌عرب دیگر نیز در یافا در اثر شلیک گلوله مجروح شد [۱۷].

۳ـ مین‌گذاری قطارهای مسافربری

۱۲ فوریه ۱۹٤۸: یهودیان به‌سوی ایستگاه راه‌آهن کرمل آتش گشودند و ۲ عرب را کشتند و چهار نفر را مجروح کردند [۱۸].

۲۷ فوریه ۱۹٤۸: قطار قنطره ـ حیفا در نزدیکی «رحوفوت» توسط یهودیان منفجر شد و ۲۷ نفرکشته و ۳۶ نقر دیگر مجروح گردیدند [۱۹].

۲۷ مارس ۱۹٤۸: یهودیان قطاری را در نزدیکی بنیامین منفجر کردند و ۲٤ عرب را کشتند و ۶۱ نفر را زخمی کردند [۲۰].

۳۱ مارس ۱۹٤۸: دارودسته اشترن قطار اکسپرس قاهره‌ـ حیفا را مین‌گذاری کردند، و ٤۰ عرب را کشته و ۶۰ نفر را مجروح کردند [۲۱].

۴ـ بمب‌گذاری در هتلها و آپارتمانهای عربی

٤ ژانویه ۱۹٤۸: یهودیانی که به‌یافا رخنه کرده بودند، مراکز

کمیته ملی عرب را منفجر کردند. انفجار سنگین؛ ایستگاه پلیس، تعداد زیادی فروشگاه و بانک بارکلیس را خراب کرد. تلفات شامل ۹ کشته و ۷۱ مجروح می‌شد که همگی عرب بودند (یهودیان ملبس به‌لباس اعراب، یک کامیون حاوی جعبه‌های پرتقال را جلو ساختمان رها کردند) [۲۲].

۵ ژانویه ۱۹٤۸: هاگانا مسؤولیت انفجار هتل سمیرامیس را بعهده گرفت. بیست نفر، ازجمله کنسول اسپانیا کشته شدند. هاگانا ادعا کرد که مهمانان هتل با دارودسته‌های عرب همکاری می کرده‌اند. تحقیقات حکومت بعداً نشان داد که اتهام مذکور بی‌اساس بود[۲۳].

۱٦ ژانویه ۱۹٦۸: امروز یهودیان سه ساختمان عربی را منفجر کردند. در اولین ساختمان ۸ بچه، که بین ۱۸ماه تا ۱۰ سال سن داشتند، در اثر انفجار جان خود را از دست دادند. هنوز یک بچه زیر آوار است، و یک زن نیز مرده است. در انفجار ساختمان دوم ۵ عرب کشته و ۵ نفر هنوز زیر خاکها مدفون می‌باشند [۲٤].

۳۰ ژانویه ۱۹٤۸: هاگانا خانه‌ای را در قطمون منفجر کرد، اما مردم ساکنان خانه را اززیرآوار نجات دادند؛ در یازور درمرز یافا- تل‌آویو، یهودیان خانه‌ای را ویران کرده و مالک آن را کشتند [۲۵].

۹ فوریه ۱۹٤۸: یهودیان یک ساختمان عربی را در مرکز تجاری بیت‌المقدس منفجر کردند [۲٦].

۳ مارس ۱۹٤۸: دارودسته اشترن مسؤولیت انفجار یک کامیون ارتشی را در جلوی ساختمان سلام در حیفا بعهده گرفتند [۲۷].

۱۳ مارس ۱۹٤۸: یهودیان خانه‌های بخش قطمون بیت‌المقدس را منفجر کرده، منطقهٔ نزدیک یافا را به‌آتش کشیده و ۱۲ خانهٔ دیگر را در دهکدهٔ حسینیه در جلیله شمالی منفجر نمودند[۲۸].

۱٦ آوریل ۱۹٤۸: یهودیان اردوگاه سابق ارتش بریتانیا در

تل ـلیتفنسکی را مورد حمله قرار داده و ۹۰ عرب را در آنجا به‌قتل رساندند [۲۹].

۱۹ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان، طی انفجار خانه‌ای در طبریه، ۱۴ عرب را کشتند [۳۰].

ـ حمله به‌دهکده‌های عربی وکشتار گروهی روستائیان

۱۲ دسامبر ۱۹۴۷: هنگامی که یهودیان به‌یک دهکده در خارج حیفا حمله کردند، ۱۲ عرب جانشان را از دست دادند [۳۱].

۱۴ دسامبر ۱۹۴۷: دهکده عـربی نزدیک تل‌آویو توسط یهودیانی که کلاههای آهنی بسر داشتند و یونیفورمهای خاکی‌پوشیده بودند، مورد حمله قرار گرفت. ۱۸ عرب کشته و ۱۰۰ نفر مجروح شدند [۳۲].

۱۹ دسامبر ۱۹۴۷: هاگاناکه بر اساس دستورات آژانس یهود کار می‌کند، به‌دهکدهٔ عربی نزدیک صفد حمله کرد و دو خانه را منهدم نمود. اجساد ۱۰ عرب، منجمله ۵ بچه از زیر آوار بیرون آورده شد [۳۳].

۲۰ دسامبر ۱۹۴۷: هاگانا دهکده عربی قزازه را به‌مدت ۲ ساعت مورد حمله قرار داد. خانه مختار (کدخدا) دهکده با دینـامیت منفجر شد [۳۴].

۲۹ دسامبر ۱۹۴۷: ایرگون ادعا می‌کند که طی یک عملیات کماندویی به‌یافا، ۳۰ نفر را کشته است [۳۵].

۳۰ و ۳۱ دسامبر ۱۹۴۷: درشب ۳۱ - ۳۰ دسامبر، نیـروی مشترکی از«بریگاد کرمل»، وگردان یکم پالماخ، تحت رهبری«حییم‌ـافینوعام» دهکده بلدالشیخ را مورد حمله قرار داد. در این عملیات بیش از ۶۰ تن از «افراد دشمن» (اعراب) در خانه‌هایشان کشته

شدند، واحدهای حمله کننده وارد دهکده شدند، و عملیات را در داخل خانه ها آغاز کردند، به‌علت آتش شدید در اتاقها، اجتناب از ضربه‌زدن به‌زنان و بچه ها غیرممکن بود [۳۶].

۱۹ ژانویه ۱۹۴۸: گروهی‌متشکل از ۲۰۰ یهودی دهکده تانورا در بخش فرعی عکا را مورد حمله قرار داده و ۲ عرب را کشته و ۳ نفر دیگر را بسختی مجروح کردند. یکی از آنها یک‌پسر ۱۰ساله بود [۳۷].

۱۰ فوریه ۱۹۳۸: گروه بزرگی از یهودیان ۱۲ عرب را که به دهکده طیره در نزدیکی طولکرم باز می‌گشتند، متوقف کرده و به‌روی آنها آتش گشودند. بعضی از آنها به‌داخل یک‌خانه پناه برده اما یهودیان او را دنبال کرده و به‌رویش آتش گشودند. در این جریان ۷ عرب کشته و ۵ نفر مجروح شدند [۳۸].

۱۴ و ۱۵ فوریه ۱۹۳۸: نیرویی مرکب از گردان سوم پالماخ، دهکده سعسع را مورد حمله قرار دادند.

در این عملیات، که به‌دلیل استاندارد عالی اجرای آن، برای سالها به‌عنوان مدل قلمداد می‌شد، ۲۰ خانه به‌روی سر ساکنان آن منفجر شد. حدود ۶۰ عرب که اغلب آنها زنان و کودکان بودند کشته شدند [۳۹].

۲۰ فوریه ۱۹۴۸: یهودیان بخشهای عربی حیفا را بوسیله خمپاره مورد حمله قرار دادند، و حداقل ۶ عرب را کشته و زخمی کردند [۴۰].

۱۳ مارس ۱۹۴۸: هاگانا دهکده عربی کفرحسینیه را درهم کوبید و ۶۰ تن از اهالی دهکده را به‌قتل رساند [۴۱].

۵ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان دهکده عربی صرفند را مورد حمله قرار داده و ۱۶ عرب را کشته و ۱۲ نفر را مجروح کردند. هنگامی که

یک خانه مورد اصابت خمپاره قرار گرفت اغلب ساکنان آن کشته شدند [۴۲].

۹ آوریل ۱۹۴۸: دهکده دیریاسین در شب ۹ و ۱۰ آوریل توسط تروریستهای ایرگون و اشترن تصرف شد.

به‌دنبال آن قتل‌عام وحشیانه و بدون تبعیضی رخ داد. وقتی قتل‌عام به‌پایان رسید، مقامات یهودی از بازرسی جزئی دهکده ممانعت بعمل آوردند. به‌گزارش پلیس یک‌نفر در این جریان کشته شد، اما در روز دهم آوریل صلیب سرخ اجساد ۲۵۴ زن و کودک را در دهکده کشف کرد [۴۳].

۱۲ آوریل ۱۹۴۸: پالماخ، دهکده قلونیا را مورد حمله قرار داد، و طی انفجار خانه‌ها حداقل ۱۴ نفر را کشت [۴۴].

۱۲ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان دهکده ابوشوشه در جاده‌ناصره ـ طبریه را منفجر کردند [۴۵].

۱۶ آوریل ۱۹۴۸: دهکده عربی سریس، مورد حمله یهودیان قرار گرفت. تمام ساختمانهای اصلی توسط خمپاره درهم کوبیده شد [۴۶].

۲۰ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان بیت‌سوریک را مورد حمله قرار داده و چند خانه را منفجر کردند. آنها به‌بیدو نیز حمله کرده و خانه‌ها را منفجر کردند [۴۷].

۶ـ تصرف شهرهای عربی و اخراج اجباری ساکنان آن

«ناتان چوفشی» یکی از یهودیان اصیل مشهور در فلسطین در رد اتهامات یک‌خاخام صهیونیست امریکایی نوشت:

> اگرخاخام کاپلان واقعاً می‌خواهد بداند چه اتفاق افتاده، ما ساکنان یهودی قدیمی در فلسطین که شاهد جنگ بودیم می‌توانیم به‌او

بگوییم که (ما یهودیان) به‌چه وضعی اعراب را وادار به‌ترک شهرها و دهکده‌ها کردیم... بعضی از آنها با زور اسلحه اخـراج شدند. و دیگران با فریب، و دروغ و وعده‌های ساختگی بیرون آمدند، کافی است کـه از شهرهای یـافا، لد، رمله، بئرشبع، عکـا، از میان دیگر شهرهای بیشمار، نام ببرم [۴۸].

در اینجا چند نمونه از اتهامات چوفشی آمده است:

الف: حیفا

۲۲ آوریل ۱۹٤۸: یهودیان پس از نیمه‌شب حیفا را مورد حمله قرار داده، و ساختمانهای دولتی را تصرف کردند، ۵۰۰ عـرب کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند. اعـراب، کـه وحشت‌زده شده بودند، زنان و بچه‌های خود را به‌منطقه بندری بردند تا از آنجا آنها را به‌طرف عکا منتقل کنند. یهودیان به‌پناهندگان عرب حمله برده، ۱۰۰ عرب را کشته و ۲۰۰ نفر را زخمی کردند [۴۹].

ب: یافا

۲۵ آوریل ۱۹٤۸: بمباران سنگین یافا در میان اعراب یافا که از طریق دریا و زمین شروع به‌ترک شهر کرده بودند، وحشت ایجاد کرد. پس از درهم کوبیده شدن و نابودی خانه‌هایشان توسط نیـروهـای مهاجـم یهودی و اعـراب، بیشتـر مجبور بـه‌ترک شهر شدند [۵۰].

۲۸ آوریل ۱۹٤۸: «با استفاده از یک محمولهٔ بزرگ مواد منفجره، ایستگاه پلیس منشیه (در یافا) را که انگلستان ادعای مالکیتش را داشت، به‌یک تل خاک تبدیل کردیم و با انفجار یک خانه پس از خانه دیگر، در دو طـرف خیابان اصلی، بـه‌نحو مؤثری تمام راه عبور به‌طرف تل‌آویو را مسدود نمودیم [۵۱].»

ج: لد

۱۱ ژوئیه ۱۹۴۸: جان‌ودیوید کیمشه دو نویسندهٔ صهیونیست، حمله اولیه به‌لد را که به‌رهبری موشه‌دایان صورت گرفت، اینگونه توصیف می‌کنند: دایان در حالی که با یک اتومبیل با حداکثر سرعت به‌داخل لد وارد می‌شد، شهر را گلوله‌باران می‌کرد و اضطراب و وحشت در میان ساکنان بوجود می‌آورد... ساکنان عرب شهر که تعدادشان به ۳۰،۰۰۰ نفر می‌رسید، یا فرار کردند و یا در جاده به‌طور دستجمعی به‌طرف رام‌الله حرکت نمودند. روز بعد شهر رمله نیز محاصره شد و جمعیت عرب آن دچار همان سرنوشت شدند[۵۲].

۱۲ ژوئیه ۱۹۴۸: بعد از ورود دسته (صهیونیستها) به‌شهر لد، اعراب محلی دست به‌قیام زدند، فرمان آمد که به‌روی هر کس که در خیابان دیده شود آتش بگشاییم. سربازان «یفتاح» (ارتش پالماخ) به‌روی تمام عابران آتش گشودند، و آنقدر وسعت آن زیاد بود که قیام را به‌طور بیرحمانه‌ای ظرف چند ساعت سرکوب کردند. از یک خانه به‌خانه دیگر می‌رفتند و به‌سوی هر هدفی شلیک می‌کردند. طی این زدوخورد ۲۵۰ عرب کشته شدند[۵۳].

۷ـ جنگ روانی

الف: جنگ روانی که به‌منظور از بین بردن اعتماد و روحیه جامعهٔ عرب، براه انداخته شد

نمونه‌هایی از این نوع جنگ در زیر می‌آید:

۱۸ فوریه ۱۹۴۸: رادیو هاگانا اعلام کرد که در نتیجه ورود سوریها و عراقیها به‌یافا بیماری پوستی شیوع یافته است. در همان روز نیز رادیو هاگانا اعلام کرد که: «از میان آنهایی که در درگیریها کشته شدند، چندنفر بیماریهای واگیر داشته‌اند[۵۴].»

۲۷ فوریه ۱۹۴۸: ایستگاه رادیوی عربی آزاد به‌اعراب در مورد بیماری وبا، تیفوس و بیماریهای نظیر آن هشدار داد، این رادیو سپس اضافه کرد: «انتظار می‌رود که این بیماریها در آوریل و مه در مراکز تجمع شهری به‌مقدار زیادی شیوع پیدا کند[۵۵].»

۱۴ مارس ۱۹۴۸: رادیو هاگانا اعلام کرد: «کشتار را با کشتار و خرابی را با خرابی پاسخ می‌دهیم. متأسفیم که در حملات تلافی‌جویانه ما، مردم بیگناه جانشان را بخاطر جنایات دیگران از دست می‌دهند. اما به‌شما هشدار داده بودیم[۵۶].»

۳ مه ۱۹۴۸: ایگال آلون عملیات ترور روانی براساس طرح عمومی صهیونیستی را برای پاکسازی فلسطین از مردم ساکن آن تشریح می‌کند. این طرح «پاکسازی جلیله» نام داشت. آلون در این باره می‌گوید:

> من تمام یهودیانی راکه در دهکده‌های مختلف با اعراب تماس داشتند جمع کردم و از آنها خواستم به‌اعراب بگویند که یک نیروی تقویتی بزرگ یهودی وارد جلیله شده و می‌خواهد تمام دهکده‌های هولاء را به‌آتش بکشد. آنها به‌عنوان دوست اعراب به‌آنان پیشنهاد می‌کنند تا وقت باقی است فرار کنند. وسپس در مناطق هولاء شایعه پیچید که وقت فرار فرارسیده است. تعداد مهاجران به‌هزاران نفر رسید، و تاکتیک مذکور کاملا موفق ازکار درآمد[۵۷].

ب: راه انداختن جنگ روانی مستمر، برای تصرف شهر یا محله‌مورد نظر

۵ مه ۱۹۴۸: در بیت‌المقدس یک بلندگو با صدای عربی از طرف هاگانا به‌اعراب غیرنظامی هشدار داد که قبل از ساعت ۵ و۱۰ دقیقه پیش ازظهر بخش را ترک کنند. یهودیان با استفاده از این بلندگو اعلام می‌کردند: «به‌جان زن و بچه‌هایتان رحم کنید و از این

حمام خون فرار کنید... از راه جلیله فرار کنید... آن راه هنوز باز است اگر بمانید به‌مصیبت دچار خواهید شد[۵۸].»

۲۱ آوریل ۱۹۴۸: درشب حمله به‌یافا، هاگانا نه‌تنها از ایستگاه رادیویی خود استفاده کرد، بلکه با استفاده از بلندگو اخبار شوم و ناگواری از دهکده‌های مجاور عرب پخش نمود. به‌جمعیت عرب هشدار می‌داد از دادن جا و خوراك به‌مزدوران خارجی که در شهر رخنه کرده‌اند، خودداری کنند و اخطار می کرد که قبل از ورود نیروهای وحشی عراقی زنها و بچه‌ها ی خود را از منطقه بردارند و خارج شوند. وعده می‌داد که آنها را سالم به‌سرزمینهای عرب می‌رساند و هشدار می‌داد که در صورت نادیده گرفتن هشدارهای آنان، عواقب وخیمی در انتظارشان خواهد بود[۵۹].

۸ ـ غارت و چپاول شهرهای عربی

۲۰ آوریل و ۱۳ مه ۱۹۴۸: فعالیتهای ایرگون، بعد از حمله به‌یافا، شیوه دیگری یافت و آنها چپاول و غارت همه‌جانبه را آغاز کردند. در ابتدا جوانان ایرگون تنها لباس، بلوز و زینت‌آلات را چپاول می کردند... اما بزودی این شیوه را رها کردند. همه چیزهای متحرك از قبیل مبل و اثاثه، قالی، عکس، ظروف سفالین و کوزه، جواهرآلات و کارد و چنگال، از یافا به‌بیرون برده شده. بخشهای اشغال شده یافا، به‌غارت رفت... هر چیزی که قابل انتقال نبود، درهم کوبیده شد.

شیوهٔ غارت و چپاول خانه‌ها و فروشگاههای عرب بعداً توسط گروه هاگانا، دنبال شد و سپس این عمل به‌عنوان برآوردن نیازهای یهودیان رانده شده مورد توجیه قرار گرفت...

«... از مدتها پیش بقیه سربازان یهودی هاگانا و پالماخ در

غارت و چپاول و نابودی اموال اعراب، شرکت کرده بودند...[۶۰]».

۱۱ ژوئیه ۱۹۴۸: دو شهر عربی لد و رمله توسط اسرائیلیهای پیروز، یغما و چپاول شد[۶۱].

ب: حمله به‌غیرنظامیان و پرسنل پلیس و ارتش انگلستان

۱۳ نوامبر ۱۹۴۷: تروریستهای یهودی طی حملاتی به‌حیفا و بیت‌المقدس چهار غیرنظامی و یک پلیس انگلیسی را کشته و ۲۶ سرباز را مجروح کردند[۶۲].

۱۴ نوامبر ۱۹۴۷: تروریستهای یهودی دو پلیس و دو سرباز انگلیسی را کشتند[۶۳].

۱۶ دسامبر ۱۹۴۷: یهودیان، دو عضو انگلیسی سی.آی.ای را در بیت‌المقدس از پشت مورد حمله قرار دادند و یک نفر از آنها کشته و نفر دیگر بشدت زخمی شد[۶۴].

۲۱ دسامبر ۱۹۴۷: دو سرباز گارد انگلیسی امروز در اثر گلوله در یکی از خیابانهای بیت‌المقدس بشدت زخمی شدند. ایرگون اعلام کرد که تیراندازی مذکور به‌تلافی «تجاوز به‌یک دختر یهودی ازسوی اعضای همان هنگ» صورت گرفته است[۶۵].

۲۸ ژانویه ۱۹۴۸: در نزدیکی دروازه یافا به‌سوی سربازان انگلیسی شلیک شد و در نتیجه ۳ نفر مجروح شدند[۶۶].

۳ فوریه ۱۹۴۸: دو پاسبان انگلیسی توسط یهودیان دررحوفوت به‌قتل رسیدند[۶۷].

۲۸ مارس ۱۹۴۸: یک زن انگلیسی و یک سرباز دیگرانگلیسی در اثر شلیک گلوله کشته شدند. هفت نفر دیگر نیز در شهر قدیمی بیت‌المقدس در اثر آتش یهودیان مجروح شدند[۶۸].

۶ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان یک اردوگاه درحال تخلیه ارتش

بریتانیا را مورد حمله قرار داده، و ۹ نفر را به‌همراه افسر فرمانـده در نزدیکی پاردس‌حنا به‌قتل رساندند،اعضای گروه ایرگون که به‌لباس پلیس ملبس بودند و از اتومبیل پلیس استفاده می‌کردند، مسؤولیت حمله را بعهده داشتند. آنها با اتومبیل در اطراف اردوگاه دور می‌زدند و بدون هدف شلیک می‌کردند[۶۹].

۲۰ آوریل ۱۹۴۸: در جادهٔ حیفا ـ تل‌آویو دو سرباز انگلیسی مجروح و یکنفر کشته شدند. یک‌کامیون در حال عبور یهودی به سوی آنها شلیک کرده بود[۷۰].

۲۸ آوریل ۱۹۴۸: یک پاسبان انگلیسی و دو پاسبان عرب در نزدیکی نهاریه با شلیک گلوله کشته شدند[۷۱].

ج: حمله به‌پرسنل سازمان ملل متحد

۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸: «کنت فولک برنادت»، میانجی سازمان‌ملل درمورد مسألهٔ فلسطین، توسط اعضای گروه اشترن دربخش تحت‌کنترل اسرائیلیها در بیت‌المقدس، در اثر شلیک گلوله به‌قتل رسید. دستیار او کلنل سروت نیز کشته شد. اشترنی‌هایی‌که در این جنایت شرکت کرده بودند یا آزاد شدند و یا به‌زندان کوتاه مدت محکوم گردیدند. فردمن ایلین رئیس سازمان اشترن، به‌۸ سال زندان محکوم شد، اما پس از مدت کوتاهی آزاد گردید و عضو پارلمان اسرائیل شد[۷۲].

منابع

۱ — «میدل‌ایست جورنال»، آوریل ۱۹۴۸، ص ۲۱۶.
۲ — همان.

۳ — همان، ص ۲۱۷.
٤ — همان.
٥ — «تایمز»، لندن، ۸ ژانویه ۱۹٤۸.
٦ — همان، ٤ فوریه ۱۹٤۸.
۷ — همان، ۹ فوریه ۱۹٤۸.
۸ — همان، ۱۱ فوریه ۱۹٤۸.
۹ — همان، ۱۲ دسامبر ۱۹٤۷.
۱۰ — همان، ۱٥ دسامبر ۱۹٤۷.
۱۱ — همان، ۱٦ دسامبر ۱۹٤۷.
۱۲ — همان، ۲۲ دسامبر ۱۹٤۷.
۱۳ — همان، ٦ ژانویه ۱۹٤۸.
۱٤ — همان، ۱۰ ژانویه ۱۹٤۸.
۱٥ — همان، ۱٦ ژانویه ۱۹٤۸.
۱٦ — همان، ۲۳ژانویه ۱۹٤۸.
۱۷ — همان، ۱۳ فوریه ۱۹٤۸.
۱۸ — همان.
19_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 271.
۲۰ — همان، ص ۲۷۲.
21_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 9239.
۲۲ — «تایمز»، لندن، ٥ ژانویه ۱۹٤۸.
۲۳ — همان، ٦ ژانویه ۱۹٤۸.
۲٤ — همان، ۱۷ ژانویه ۱۹٤۸.
۲٥ — همان، ۳۱ ژانویه ۱۹٤۸.
۲٦ — همان، ۱۰ فوریه ۱۹٤۸.
۲۷ — «میدل ایست جورنال»، ژوئیه ۱۹٤۸، ص ۳۲۹.
۲۸ — همان.
۲۹ — «تایمز»، لندن، ۱۷ آوریل ۱۹٤۸.
۳۰ — همان، ۱۰ آوریل ۱۹٤۸.
۳۱ — همان، ۱۳ دسامبر ۱۹٤۷.
۳۲ — همان، ۱٥ دسامبر ۱۹٤۷.
33_ *Keesing's*, VI (1946_1948), 9237.
۳٤ — «میدل ایست جورنال»، آوریل ۱۹٤۸، ص ۲۱٦.

٣٥ — «تایمز»، لندن، ٣٠دسامبر ١٩٤٧.
36_ *Ha Sefer Ha-Palmach* (Tel_Aviv: Ha_Kibbutz Ha_Meuchad, 5716_1955), p. 55.
٣٧ — «تایمز»، لندن، ٢ ژانویه ١٩٤٨.
٣٨ — همان، ١١ فوریه ١٩٤٨.
39_ Arieh Yitzhaqi, *Yediot Aharonot*, April 14, 1972.
٤٠ — «میدل ایست جورنال»، آوریل ١٩٤٨، ص ٢٢٠.
41_ Arthur Koestler, *Promise and Fulfilment* (London: Macmillan and Co. Ltd., 1949), p. 159.
٤٢ — «تایمز»، لندن، ٦ آوریل ١٩٤٨.
43_ Jacques de Reynier, *A Jérusalem un drapeau flottait sur la ligne de feu* (Neuchâtel, Editions de la Baconnière 1950), pp. 69_74.
44_ H. Levin, *Jerusalem Embattled* (London: Gollancz, 1950), pp. 64_67.
٤٥ — «تایمز»، لندن، ١٣ آوریل ١٩٤٨.
٤٦ — همان، ١٧ آوریل ١٩٤٨.
٤٧ — همان، ١٢ آوریل ١٩٤٨.
48_ *Jewish Newsletter*, New York, February 9, 1959.
٤٩ — «تایمز»، لندن، ٢٣ آوریل ١٩٤٨، و
Wilson, *Cordon and Search*, p. 193.
50_ Jon Kimche, *Seven Fallen Pillars* (London: Secker and Waburg, 1950) p. 224.
51_ Begin, *Revolt*, p. 370.
52_ Jon and David Kimche, *Both Sides of the Hill* (London: Secker and Waburg, 1960), pp. 227_228.
٥٣ — «یدیعوت احرونوت»، تل‌آویو، ١٤ آوریل ١٩٧٢.
54_ Quoted by Walid Khalidi in *Middle East Forum*, July 1959. «Why Did the Palestinians Leave?»
٥٥ — همان.
٥٦ — همان.
57_ *Ha Sefer Ha-Palmach*, 11, p. 286.
58_ Koestlier, *Promise and Fulfillment*, p. 207.
59_ Levin, *Jerusalem Embattled*, pp. 160_161.
60_ Kimche, *Seven Fallen Pillars*, p. 224.

61_ Jon and David Kimche, *Both Sides of the Hill*, p. 228.

۶۲ — «میدل ایست جورنال»، ژانویه ۱۹۴۸، ص ۷۰.

۶۳ — همان.

۶۴ — «تایمز»، لندن ۱۷ دسامبر ۱۹۴۷.

۶۵ — همان، ۲۲ دسامبر ۱۹۴۷.

۶۶ — همان، ۲۹ ژانویه ۱۹۴۸.

۶۷ — همان، ۴ فوریه ۱۹۴۸.

۶۸ — همان، ۲۹ مارس ۱۹۴۸.

۶۹ — همان، ۷ آوریل ۱۹۴۸.

۷۰ — همان، ۱۲ آوریل ۱۹۴۸.

۷۱ — همان ۲۹ آوریل ۱۹۴۸.

72_ George Kirk, *The Middle East, 1945-1950, Survey of International Affairs, 1939-1946*, ed. by Arnold Toynbee (London: Oxford University Press, 1954) pp. 284_286.

فصل سوم

از جنگ فلسطین تاحمله سه جانبه به مصر
۱۹۴۸ - ۱۹۵۶

الف: ترور اعراب فلسطینی

۱۸ ژوئیه ۱۹٤۸: نیروهای اسرائیلی دهکده‌های عین غزال و جبه را درهم کوبیده و ساکنان آن را علی‌رغم اینکه حاضر به‌مذاکره بودند، بزور اخراج کردند[۱].

٥ نوامبر ۱۹٤۸: ساکنان دهکدهٔ اقرت بزور از خانه‌هایشان اخراج شدند[۲].

۱٥ نوامبر ۱۹٤۸: ساکنان دهکدهٔ کفربرعم را بزور از خانه‌هایشان اخراج کردند[۳].

٤ فوریه ۱۹٤۹: ساکنان دهکده عنان از مرز گذشتند و خانه‌هایشان منفجر شد[٤].

۲۸ فوریه ۱۹٤۹: چند صدنفر عرب، که از دهکده‌های خودشان به‌مناطق دیگر پناهنده شده‌اند، از کفریاسیف اخراج شدند، اکثر آنها مجبور شدند از مرز بگذرند[٥].

٥ ژوئن ۱۹٤۹: ساکنان دهکده‌های حسام، قطیه و جاعونه از منطقهٔ جلیله به‌منطقه صفد اخراج شدند[٦].

۲٤ ژانویه ۱۹٥۰: ارتش اسرائیل ساکنان دهکده قابسیه را اخراج کردند[۷].

مارس ۱۹٥۰: ساکنان دهکدهٔ بطاط از خانه‌هایشان اخراج شدند[۸].

۱۷ اوت ۱۹۵۰: ساکنان دهکدهٔ مجدل اخراج شده و بعضی ازآنها به‌غزه رفتند[۹].

فوریه ۱۹۵۱: ساکنان ۱۳ دهکدهٔ منطقه وادی از مرز اخراج شدند[۱۱].

مارس ۱۹۵۱: ۷۸۵ غیرنظامی عرب از مناطق ناحیهٔ غیرنظامی شده مرز سوریه و اسرائیل اخراج شدند. شورای امنیت در ۱۸ مه ۱۹۵۱ این اقدام را محکوم کرد. اسرائیل از اجرای توصیه شورای امنیت مبنی برباز‌گرداندن اخراج شدگان خودداری کرد[۱۲].

۱۷ نوامبر ۱۹۵۱: ارتش دهکده بوویشات را محاصره کرد، ساکنانش را اخراج کرد و خانه‌ها را با دینامیت منفجر نمود[۱۳].

سپتامبر ۱۹۵۳: ساکنان ام‌الفرج اخراج شده و سپس دهکده منفجر شد.[۱۶]

اکتبر ۱۹۵۳: علی‌رغم حکم عدم اخراج از سوی دادگاه عالی اسرائیل، ۷ خانواده از دهکده ریحانیه اخراج شدند[۱۸].

۲و۳ سپتامبر ۱۹۵۰: سربازان اسرائیل با استفاده از ماشینهای زرهی، تحت حمایت هواپیماها، حدود ۴۰۷۱ عرب بدوی قبیله العزازمت را از منطقهٔ غیرنظامی شده العوجا اخراج کرده و وادارشان کردند تا به‌صحرای سینا پناهنده شوند. طی این عملیات ۱۳ نفر از جمله زنان و بچه‌ها کشته شدند[۱۰].

اوت ۱۹۵۲: نیروهای دولتی ارتش اسرائیل قبیله الصانع را مجبور به‌ترک اللاقیه کردند و این علی‌رغم دستور دادگاههای اسرائیل مبنی بر خودداری از این امر بود[۱۴].

اول تابستان ۱۹۵۳: هواپیماهای اسرائیلی در نزدیکی منطقهٔ غیرنظامی شده العوجا، به اعراب بدوی و گله‌هایشان حمله کردند. نیروی زمینی نیز به‌روی‌آدمها و حیوانات شلیک کرده و چادرها را به‌-

آتش کشیدند آنها می‌خواستند منطقه را برای ساختن آبادیهای یهودی‌ـ نشین آماده کنند[۱۶].

سپتامبر ۱۹۵۳: واحدهای ارتش اسرائیل طی چند روز با مسلسلهای خود به‌داخل جمعیت اعراب بدوی قبیله العزازمت شلیک کرده و سرانجام آنها را بداخل صحرای سینا راندند[۱۷].

۳۰ اکتبر ۱۹۵۶: قبیله البقاره از شمال اسرائیل بداخل سوریه رانده شد[۱۹].

دهات صفوریه، منصوره، میعار، کویکات، بروة، دامون، رویس، توسط نیروهای اسرائیلی نابود شد[۲۰].

ب: ایجاد ترس و وحشت در دل پرسنل سازمان ملل متحد

۱ــ اظهارات ای. ه. هاشیسون، رئیس کمیسیون مشترک ترک مخاصمه اسرائیلی ـ اردنی، ۵۲-۱۹۵۱:

مشکلات در امتداد مرزهای اعراب ـ اسرائیل متعدد وگوناگون بود، اما از نظر ناظران نظامی سازمان ملل بدترین این مشکلات نظر اسرائیلیها دربارهٔ آزادی رفت وآمدشان در امتداد مرزها بود[۲۱].

یک نمونه در اینجا ذکر می‌شود:

۶ آوریل ۱۹۵۱: گروهی از اسرائیلیهای مسلح در نزدیک «مشمار هایاردن» سه ناظر سازمان ملل را محاصره و تهدید به‌مرگ کردند و به‌آنها گفتند اگر بار دیگر این طرفها پیدایشان شود، با گلوله کشته خواهند شد[۲۲].

۲ــ اظهارات سرلشکر کارل‌ون‌هورن، رئیس ستاد سازمان نظارت بر ترک‌مخاصمه، وابسته به‌سازمان‌ملل متحد بین سالهای ۱۹۶۳-۱۹۵۸:

طی سفرم به‌نیویورک مایکل کوسای نمایندهٔ دائمی اسرائیل در

سازمان ملل قبل ازجلسهٔ شورای امنیت با من ملاقات کرد.
روشن بود که او برای ترساندن من به‌آنجا آمده است. او به‌من گفت بهترین راه این است که همه‌چیز را دربارهٔ طرح سازمان ملل برای اداره یک کشتی گشت‌زنی در دریاچهٔ طبریه فراموش کنید زیرا دریاچه در اصل در قلمرو ارضی اسرائیل قرار گرفته است. گذشته از همهٔ اینها، اصرار براین همه کارهایی که می‌دانید نیمی از اسرائیلیها با آن مخالفند، یک‌نوع اتلاف وقت است. بهتر است به‌این نصیحت عاقلانه گوش کنید وگرنه زندگیتان به‌خطر خواهد افتاد [۲۳].
بعداً، ون‌هورن در معرض همه نوع تبلیغات بی‌شرمانه قرار گرفت. نامه های بدون امضا، تهدیدات آشکار از سوی اسرائیلیها متوجه او بود. خود او می‌گوید:
«مرا تهدید کردند که نعشت را با تابوت از اسرائیل خارج خواهیم کرد [۲۴].»

ج: حمله به‌مؤسسات و اموال امریکائیان و انگلیسیهای خارج از فلسطین. مسألهٔ «لاون»

در ۱۹۵٤ یک حلقهٔ جاسوسی اسرائیلی در دورهٔ تصدی پست وزارت دفاع ازسوی «بنحاس لاون» تحت فرامین وزیر دفاع اسرائیل یک‌سری فعالیتهای خرابکاری علیه مؤسسات انگلیسی ـ امریکایی در مصر انجام داد.

هدف این عملیات خرابکاری عبارت بود ازکنسولگری و کتابخانه‌های انگلستان در قاهره و اسکندریه و نیز دفاتر وابسته به امریکا. این عملیات همزمان با مرحلهٔ بحرانی مذاکرات انگلستان و امریکا در رابطه باخروج انگلیسیها از مصر، صورت می‌گرفت. هدف اصلی عملیات لاون این بود که در واشنگتن و لندن این تلقی را بوجود آورد که مقصر این خرابکاریها مصریان می‌باشند. این مسأله وسعت دشمنی مصر را با غرب و عدم توانایی رژیم جدید مصر را برای حفظ

نظم و قانونْ نشان می‌داد. کشف این حلقهٔ جاسوسی توسط مصریها و افشای عملیات خرابکاری آن یکی از مشهورترین رسواییها را در سیاست داخلی اسرائیل ببار آورد. بحث برسر این بود که آیا درحقیقت خود لاون به‌حلقه جاسوسی دستور عملیات داده است یا اینکه فرامین از طریق یک دستهٔ نظامی و با اجازه ضمنی بن‌گورین به‌عنوان چهره‌ای که حامی لاون بود، صادر شده است[۲۵].

خانم«مارسلانی‌نینو»، یکی از اعضای زن حلقه، جاسوسی پس‌از جنگ ۱۹۶۷ توسط مصریها از زندان آزاد شد ومقامات اسرائیل با او به عنوان یک قهرمان رفتار کردند، وگلدامایر نخست‌وزیر اسرائیل در مراسم ازدواج او شرکت کرد[۲۶].

د: ترور یهودیان

از آنجا که یهودیان غرب از مهاجرت به کشور جدیدالتأسیس اسرائیل اکراه داشتند، دولت اسرائیل توجه خود را به‌روی جابجا کردن جوامع قدیمی یهودی درکشورهای عربی متمرکز کرد. طرز تفکر کلی اسرائیل را در بارهٔ این موضوع، شاید بتوان به‌بهترین وجهی با این بیانیه رهبر هاگانا نشان داد:

همانطور که گفتم، نگرانی اصلی ما در سوریه و لبنان تشویق‌جوانان به‌استقرار در فلسطین است. بطورکلی یهودیان میانسال و یهودیان کهنسال با سرنوشت خود خوکرده‌اند، و تقریباً ممکن نیست بتوان آنها را به‌ترک طرز تفکر و عادات نسلهای گذشته و آغاز زندگی جدیدی در سرزمین پدرانشان ترغیب کرد. اندیشهٔ آغاز یک زندگی جدید، برای آنها بی‌معنی است.

ما تقریباً باید طرز تفکر آنها را بپذیریم اما این فرض را که یهودیان جوان از وضع خودشان راضی می‌باشند باید رد کنیم. آنها

نباید به‌همان راه تغییرناپذیر والدین خود بروند. ما مصمم بودیم که آنها را به‌فلسطین بکشانیم و زندگی آزاد و کار در خدمت وطن طبیعی را به‌آنها نشان دهیم[۲۷].

دوران سالهای بین ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰، که بیشترین مهاجرت یهودیان شرقی ازکشورهای عرب به‌اسرائیل در آن اتفاق افتاد شاهد وقوع حوادث ناگوار بی‌سابقه‌ای در روابط بین جوامع یهودیان شرقی و ساکنان کشورهای عرب نیز بود. تلاش نویسندگان معاصر یهود در رابطه با این موضوع در جهت وضع سیاست پیچیده‌ای صورت می‌گیرد که هدفش ایجاد تشنج میان جوامع یهود و عرب به‌منظور ناراضی کردن جوامع یهودی شرقی و سپس مهاجرت آنان به‌اسرائیل می‌باشد[۲۸].

ه: ایجاد جو ترور و وحشت در سرزمینهای عربی مجاور

۱ـ حمله به دهکده‌های عرب وکشتارجمعی دهاتیان و غیرنظامیان

۱۱ ژانویه ۱۹۵۲: نیروهای اسرائیلی به‌بیت‌جالا، دهکده‌ای در نزدیکی بیت‌المقدس در اردن حمله کردند و ۷ غیرنظامی بدون سلاح را شامل یک مرد، دو زن و چهار بچه به‌قتل رساندند[۲۹].

۲۸ و ۲۹ ژانویه ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی به‌دهکده‌های فلامه و رنتیس دراردن حمله کرده، وکدخدای فلامه راکشته و ۷ روستایی دیگر را زخمی کردند[۳۰].

۲۲ آوریل ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی در جلو دروازهٔ دمشق در بیت‌المقدس، به‌روی غیرنظامیان بدون سلاح آتش گشوده و ۱۰ نفر راکشتند.[۳۱]

۱۴ و ۱۵ اکتبر ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی متشکل از نصف گردان به‌دهکده قبیه دراردن حمله کرده و با انفجار ۴۱ خانه و یک مدرسه ۴۲ نفر ازجمله زنان و بچه‌ها را قتل‌عام کردند[۳۲].

۲۸ و ۲۹ مارس ۱۹۵۴: نیروهای اسرائیل به‌دهکده‌نحالین

در اردن حمله کرده و ۹ نفر را کشته و ۱۹ نفر را زخمی کردند[۳۳].

اول سپتامبر ۱۹۵۵: نیروهای ضربتی اسرائیلی، از وسط دهکده بنی سهیله عبور کرده و چپ و راست را به‌مسلسل بستند[۳۴].

۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۵۵: نیروهای اسرائیلی دهکده‌های اطراف دریاچه طبریه در سوریه را مورد حمله قرار داده و ۱۲ غیر نظامی منجمله ۳ زن را کشته و خانه های بسیاری را ویران کردند[۳۵].

۱۳ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیلی ضمن انفجار ایستگاه‌پلیس و مدرسه غرندل در اردن ۹ پلیس و دو غیرنظامی‌را به‌قتل رساندند[۳۶].

۱۱ و ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیلی ایستگاه پلیس و مدرسه رهوه را منفجر کرده و ۱۵ نفر را کشتند. یک ساختمان مدرسه را که توسط صندوق آژانس امداد سازمـان ملل ساخته شده و به‌تازگی تکمیل شده بود، منفجر کردند[۳۷].

۲۵ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیل ایستگاه پلیس را در نزدیکی حوسان منفجر کـرده و ۳۹ نفر را کشتند. یک مدرسه دیگر را نیزدر نزدیکی وادی فوکین در اردن منفجر نمودند[۳۸].

۲ ـ حمله به‌اردوگاههای پناهندگی

۲۸ اوت ۱۹۵۳: اسرائیلهای مسلح اردوگاه پناهندگی البریج متعلق به‌آژانس امداد سازمان ملل در غزه را مورد حمله قرار داده و از پنجره‌های کلبه‌ها به‌داخل آن نارنجک دستی پرتاب می‌کردند. هنگامی که پناهندگان تلاش می‌کردند از معرض انفجار نارنجکهافرار کنند، یهودیان به رویشان شلیک کرده، ۲۰ نفر را کشته و ۶۲ نفر را مجروح کردند[۳۹].

۴ و ۵ آوریل ۱۹۵۶: اسرائیلیها غزه را با خمپاره‌های ۱۲۰ میلی‌متری گلوله‌باران کردند. آتش خمپاره‌ها به‌روی وسط شهر متمرکز

شده بود. در نتیجه این حملات، ۵۶ غیر نظامی عرب کشته و ۳۰ مرد، زن و بچه مجروح شدند[۴۰].

۳ ـ استفاده مجدد از بمب‌نامه‌ای

۱۳ ژوئیه ۱۹۵۶: کلنل مصطفی حافظ، افسر اطلاعاتی مصر در نوار غزه در اثر بازکردن یک بسته حاوی بمب جانش را از دست داد[۴۱].

۱۴ ژوئیه ۱۹۵۶: صلاح مصطفی وابسته نظامی مصر درعمان بسته‌ای را که بنظر می‌رسید حاوی کتاب باشد گشود. بسته منفجر شد و چند روز بعد وی در اثر جراحات وارده جان خود را از دست داد[۴۲].

منابع

1_ *Progress Report of the United Nations Mediator on Palestine, Official Records of the General Assembly, Third Session, Supplement No. 11* (A/648), p. 40.

2_ Sabri Jiryis, *The Arabs in Israel 1918–1966* (Beirut: Institute for Palestine Studies, 1968), p. 57.

۳ — همان.

۴ — همان.

۵ — همان.

۶ — همان.

۷ — همان.

۸ — همان.

۹ — همان.

10_ *Official Records of the Security Council, Fifth Year*, 511 Meeting, 16 October 1950, No 53, p. 3 and W. Bradford, *Israeli Military Strategy, 1948-1962* (manuscript).

11_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 57.
12_ *U.N. Yearbook*, 1951, pp. 290_292.
13_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 57.
14_ Commander E. H. Hutchison, *Violent Truce: A Military Observer Looks at the Arab_Israeli Conflict, 1951-1955* (London: John Calder, 1956), pp. 33_35.
15_ Report to Security Council by Bennike, Chief of Staff of UNTSO, 27 October 1953, reprinted in *Ibid*, pp. 168_169.
16_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 58.

۱۷ — «هآرتس»، تل‌آویو، ۲ اکتبر ۱۹۷۲.

18_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 58.

۱۹ — همان.

۲۰ — همان.

21_ Hutchison, *Violent Truce*, p. 79.
22_ *U.N. Yearbook*, 1951, p. 287.
23_ Major_General Carl von Horn, *Soldiering for Peace* (London: Cassell. 1966), p. 263.

۲۴ — همان، ص ۲۸۱.

25_ Michael Bar_Zohar, *Ben-Gurion: The Armed Prophet* (Englewood Cliffs, N. J.: Prentice_Hall, 1968), pp. 181_184. See also H. Sachar, *From the Ends of the Earth* (New York: Dell, 1970), p. 336.

۲۶ — «جویش اوبزرور و میدل‌ایست رویو»، لندن، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱، ص ۱۰.

27_ Munya Mardor, *Haganah* (New York: New American Library, 1964), p. 93.
28_ Elmer Berger, *Who Knows Better Must Say So!* (New York: American Council for Judaism, 1955). Also see Alfred Lilienthal, *The Other Side of the Coin* (New York: Devin_Adair, 1965), pp. 37_38; Elie Kedourie, *The Chatham House Version and Other Middle Eastern Studies* (London: Weidenfeld and Nicolson, 1970), p. 312.
29_ Hutchison, *Violent Truce*, pp. 12-14.
30_ Bennike report in *Ibid*. p. 155.

۳۱ — همان.

۳۲ — همان، ص ۱۵۶، ۱۶۱.

۳۳ — همان، ص ۵۵.

34_ Lient. Gen. E.L.M. Burns, *Between Arab and Israeli* London: Harrap, 1962), p. 90.

35_ *Keesing's*, X (1955-1956), 14643A.

36_ Burns, *Between Arab and Israeli*, p. 166.

۳۷ — همان.

۳۸ — همان، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

39_ Bennike report in Hutchison, *Violent Truce*, p. 168.

40_ Burns, *Between Arab and Israeli*, p. 140.

۴۱ — همان، ص ۱۶۴.

۴۲ — همان.

فصل چهارم

جنگ ۱۹۵۶ و اشغال

الف: قتل اعراب فلسطینی در کفرقاسم

اسرائیل در شب حمله به‌مصر در ۱۹۵۶ تصمیم گرفت تا در دهکده‌های عربی آن طرف مرزاسرائیل ازجمله دهکده کفرقاسم‌مقررات رفت‌وآمد برقرار کند.

در ساعت ٤ و ۳۰ دقیقه بعد ازظهر ۲٦ اکتبر ۱۹۵٦ گاردهای مرزی اسرائیل وارد دهکده شده و اعلام کردند که از ساعت پنج مقررات رفت‌وآمد برقرار خواهد شد. همان شب هرکس در خانه بود کشته شد. بسیاری از اهالی دهکده هنوز در مزارع خارج دهکده کار می‌کردند و از برقراری مقررات رفت‌وآمد مطلع نبودند هنگامی که‌بدون اطلاع از جریان پس از ساعت ۵ بعداز ظهر به‌دهکده برگشتند، گاردهای مرزی به‌رویشان آتش گشودند و رویهم رفته ٤۷ نفرکشته شدند. درمیان قربانیان ۷ بچه و ۹ زن دیده می‌شد.

دو سال بعد در ۱۰ اکتبر ۱۹۵۸ گاردهای مسؤول قتل‌عام به دورانهای بین ۷ تا ۱۷ سال زندان محکوم شدند افکارعمومی اسرائیل از آنها طرفداری کرد و درنتیجه همگی در اول ۱۹٦۰ از زندان آزاد شدند. گروهبان جبرائیل داهان افسر ارشد دوم زمان وقوع قتل‌عام، به‌عنوان «افسر مسؤول امور اعراب» در شهرداری رمله‌در سپتامبر ۱۹٦۰ منصوب شد. درحالی که او دو سال قبل‌از آن، به‌خاطر دست-

داشتن مستقیم در قتل‌عام ٤٧ عرب کفرقاسم، به ١٠ سال زندان محکوم شده بود[1].

ب: کشتار جمعی غیرنظامیان و پناهندگان

آنچه در زیر می‌آید نمونه‌هایی است از رفتار اسرائیلیها علیه غیرنظامیان عرب تحت اشغال.

۳ نوامبر ۱۹۵۶

شهرخان‌یونس و اردوگاه آژانس متصل به‌آن در صبح روز سوم نوامبر توسط سربازان اسرائیل اشغال شد. در آن موقع تعداد زیادی ازغیرنظامیان کشته شدند. اما درشماره تلفاتی که بدست داده شده تناقضاتی بچشم می‌خورد. مقامات اسرائیلی اظهار می‌دارند که در زمان اشغال، مقاومتهایی در مقابل آنان صورت گرفت و پناهندگان فلسطینی بخشی از این مقاومت را تشکیل می‌دادند. اما از طرف دیگر پناهندگان اظهار می‌دارند که در زمان وقوع حادثه همهٔ مقاومتها از بین رفته بود و هنگامی که سربازان اسرائیل در جستجوی افراددارای اسلحه وارد شهر و اردوگاه شدند، بسیاری از غیرنظامیان بی‌سلاح به‌قتل رسیدند. اما براساس لیستی که از منابع موثق در مورد اشخاص کشته شده در تاریخ سوم نوامبر بدست آمد تعداد تلفات به ٢٧٠ نفر می‌رسید[2].

۱۲ نوامبر ۱۹۵۶

در ١٢ نوامبر در اردوگاهی که توسط سازمان ملل در شهر رفح ساخته شده، حادثه وخیمی رخ داد. هم منابع اسرائیل و هم منابع اطلاعاتی سازمان ملل قبول دارند که در زمان وقوع حادثه تعدادی‌از

پناهندگان توسط نیروهای اشغالگر کشته و زخمی شدند. رفح اردوگاه بزرگی است (با بیش از ۳۲۰۰۰ پناهنده) و بعضی از پناهندگان، صدای بلندگوهایی که مردم رابه‌جمع شدن در نقاط خاص دعـوت می‌کردند نشنیدند... گذشته از این به‌آنها وقت کافی داده نشده بـود تاقبل از ساعت مقرر همهٔ مردان به‌نقاط موردنظر برسند. در اثر این درهم‌ریختگی، تعداد زیادی از پناهندگان از ترس اینکه دیر نشود، به‌طرف‌نقاط تعیین‌شده‌شروع به‌دویدن کردند، و بعضی ازسربازان اسرائیلی که ظاهراً وحشت‌زده شده بودند به‌روی جمعیت درحال‌دوآتش گشودند.

رئیس آژانس امداد سازمان ملل از طریق منابع قابل اطمینان لیستی از اسامی اشخاص کشته‌شده ۱۲ نوامبر در رفح دریافت کرده که تعدادشان به ۱۱۱ نفر می‌رسد[3].

منابع

1- Jiryis, *The Arabs in Israel*, pp. 109-111.
2- From a Report by Labuisse, UNRWA Director, quoted by Burns, *Between Arab and Israeli* p. 140.

۳ — همان.

فصل پنجم

از سال ۱۹۵۶ تا جنگ ۱۹۶۷

الف: ترور اعراب

۱ ـ حمله بـه قلمرو کشورهای مجاور عـرب: کشتار غیرنظامیان و انفجار خانه‌ها

٤ فوریـه ۱۹۵۹: یک گشت اسرائیلی از مـرز مصر در جنوب رفح عبور کرد و یک بچه و زن را کشته و زن دیگری را زخمی نمود[۱].

۱۷ فوریـه ۱۹۵۹: یک گشت اسرائیلی بـه کمین ٤ نفر از اشخاص داخل قلمرو جمهوری متحده عربی (مصر و سوریه) نشست و ۲ نفر را کشته و یکی را مجروح کرد[۲].

۱٦ و ۱۷ مارس ۱۹٦۲: توپخانه و هواپیماهای اسرائیلی دهکدهٔ غیرنظامی النقیب در سوریه را مورد حمله قرار داده وحداقل ۳۰ نفر را کشتند[۳].

۲۷ مه ۱۹٦٦: نیروهای اسرائیلی، خانه‌ها، یک کارخانه و یک ایستگاه سوخت در امتداد مرز اردن را مورد حمله قرار داده، ۲ فرد مسن و ۳ بچه را کشته و ۲ پیرمرد و ۳ بچه را زخمی کردند[٤].

۲۹ و ۳۰ آوریل ۱۹٦٦: نیروهای اسرائیلی ۱۹ خانه در رفح و چهارخانه در شیخ حسین در اردن را درهم کوبیده و ۸ نفر را کشتند[۵].

۱۳ نوامبر ۱۹٦٦: یک نیروی بزرگ اسرائیلی، شامل تانکها، ماشینهای زرهی، دهکده سامو در اردن را مورد حمله قرار داده، ۱۲۵ خانه، یک مدرسه و یک کلینیک را منهدم ساخته و ضمن ویرانی ۱۵ خانه در یک دهکده دیگر ۱۸ نفر را کشته و ٤٤ نفر را زخمی کردند[٦].

۲ ـ ترور اعراب فلسطینی: اخراج دستجمعی

۶ اکتبر ۱۹۵۹: کمیسیون ترک مخاصمه مشترک مصری ـ اسرائیلی، اسرائیل را به‌خاطر اخراج چندصد نفر از اعراب بدوی قبیله العزازمت از نقو، محکوم کرد[۷].

ب: ترور دانشمندان آلمان غربی در مصر

۱ ـ ارسال بمبهای نامه‌ای

نوامبر ۱۹۶۲، مارس ۱۹۶۳: دانشمندان آلمان غربی مشغول بکار در مصر، ۳ بمب پستی دریافت کردند. دو تا از این بمبها منفجر شد و ۶ دانشمند مصری را کشته و یک منشی‌زن را کور کرد. دفتر دادستان عمومی فدرال در کارلسروهه اعلام کرد که نامه‌ها از هامبورگ پست شده بود[۸].

۲ ـ انفجار مکانها و آدم‌ربایی

۱۹ مارس ۱۹۶۳: پلیس سویس اعلام کرد یوسف‌بن گال، کارمند ظاهری وزارت آموزش و پرورش اسرائیل، و دکتر اوتو جوکلیک دانشمنداتریشی را دستگیر کرده است. اتهام آنها این بود که یک دانشمند آلمان‌غربی را که به‌همراه دیگر دانشمندان آلمانی به‌روی طرح توسعه موشکهای نظامی در مصر کار می‌کردند، تهدید به‌مرگ نموده‌اند. دستگیری دو نفر یک‌سری داستانهای حساس و جنجالی در مطبوعات اروپا دربارهٔ سازمان «شین‌بث»[۹]، چگونگی ارسال بمبهای نامه‌ای برای دانشمندان آلمانی، فلج کردن بعضی از اعضای آنها، چگونگی ربوده شدن یک‌آلمانی دیگر توسط اسرائیلیها، و زندانی کردن او در وین و چگونگی انفجار اسرارآمیز هواپیمای خصوصی حامل افراد وابسته به‌طرح نظامی مصر در وسط آسمان و کشتن مسافران آن، براه

انداخت.

این موضوع که آیا بن‌گورین از این اعمال مطلع بوده و یا اینها فقط کارعوامل اسرائیلی علیه دانشمندان آلمانی بوده هنوز معلوم نشده است. اما پس‌از اینکه دستگیری دو نفر مذکور راز این اقدامات را برملا ساخت، بن‌گورین ارزیابی سیاسی ایزرهارل [۱۰] درمورد نقش دانشمندان آلمانی در مصر را کنار گذاشت. اگرچه بسیاری اسرائیلیها معتقدندکه هارل بدون دستور بن‌گورین دست به‌اقدام نزده، وی مجبور شد در نتیجه اختلاف با نخست‌وزیر متکبرش استعفا بدهد [۱۱].

منابع

1_ *Yearbook of the United Nations*, 1959 (New York: U. N. Office of Public Information, 1960), p. 35.

۲ — همان.

3_ von Horn, *Soldiering for Peace*, pp. 267_268.

4_ *Yearbook of the United Nations*, 1965, p. 216.

5_ *Yearbook of the United Nations*, 1966, p. 172.

6_ *Keesing's*, XVI (1967 1968), 21819.

7_ Menahem Mansoor, *Political and Diplomatic History of the Arab World, 1900-1967: A Chronological Study* (Washington: NCR / Microcard Editions, 1972), III (1953_1959), October 6, 1959.

8_ *Keesing's*, XIV (1963_1964), 19635A.

۹ — یکی از ادارات سازمان جاسوسی اسرائیل.

۱۰ — در این زمان ایزرهارل رئیس سازمان امنیت اسرائیل بود.

11_ *New York Times Magazine*, February 8, 1970, p. 88, and *Keesing's*, XIV (1963_1964), 19635A.

فصل ششم

جنگ ۶ روزه ژوئن ۱۹۶۷

الف: کشتار دستجمعی و گورهای دستجمعی

فتاح محمدالغریب که به‌زبان انگلیسی فصیح صحبت می‌کند، و یک سال را در دانشگاه امریکایی بیروت گذرانده و علاوه براین برای آژانس امداد سازمان ملل در اردوگاهشان در شهر رفح بکار پرداخته است، داستان این کشتار را برای ما تعریف کرده است. در آنجا او شاهد بود که ۲۳ نفر را با تیراندازی به‌قتل رسانده و اجسادشان را برای ترساندن دیگران برای چند روز در خیابان رها کردند. اجساد را سرانجام در گورستان دستجمعی دفن نمودند. شاهد دیگر این حادثه، احمدغانم که سه‌تن از پسرعموهایش در این مدت کشته شده‌اند، داستان را تشریح می‌کند.

ادیب مهدی پلیس اخراجی غزه را مجبور کردند تا در نیروی پلیس اسرائیل به‌کار خود ادامه دهد. او داستان گلوله‌باران کردن ۲۳ نفر در اردوی رفح در نوار غزه و دفن کردن آنها را دریک گور جمعی تأیید می‌کند[1].

مسألهٔ وجود یک گور دستجمعی حاوی ۲۳ جسد، داستان نقل شده توسط دیوید هولدن در روزنامهٔ ساندی‌تایمز را مورد تأیید قرار می‌دهد. دیوید هولدن در گزارش مذکور می‌نویسد:

بر طبق منابع آژانس امداد سازمان ملل در غزه که به‌نظر من موثق می‌باشد، ۱۴۴ خانهٔ مسکونی در یک اردوگاه پناهندگی تنها در

یک شب، بوسیله بولدوزر درهم کوبیده شد. اخیراً یک‌گور دستجمعی حاوی ۲۳ جسد تحت نظارت آژانس امداد سازمان ملل در زیرزمین پیدا شده است[۲].

ب: کشتار بدون تبعیض و وحشی‌گری علیه غیر نظامیان

۱- اظهارات وینفرد وایت‌نخو، همسر امریکایی دکتر چارلز ك.نخو، رئیس بیمارستان هملن شهر حمانا در لبنان[۳].

دوست دیگری که اخیراً در سر راهش به‌امریکا به‌دیدن ما آمده خانم مطر بیوه رئیس مقبره می‌باشد. خانواده مطرها ملیت اردنی دارند، و برای سالهای مدید از این نقطه زیبا که بسیاری معتقدند، ممکن است مکان واقعی دفن عیسی مسیح باشد، محافظت می‌کرده‌اند و بدین خاطر مورد احترام همه هستند.

در پنجم ژوئن، هنگامی‌که جنگ درگرفت و تمام مناطق اطرافشان بمباران شد، خانواده مطرها و همکارآلمانی آنها پناه گرفتن در عمارت خود مقبره را بهترین مکان امن یافتند. روز وشب دوشنبه را تماماً در آنجا بسر بردند. یکبارکه بمباران متوقف شد آقای مطر گفت می‌خواهد از ساختمان مقبره به‌خانه‌اش در صدیاردی آنجا برود... قبل از ترک ساختمان مقبره پولی راکه همراه داشت به‌همسرش داد. مدتی بعد، خانم مطر و زیگرید شنیدند که یکنفر در باغ مقبره را می‌کوبد سپس شنیدند که آقای مطر برای پاسخ دادن به او به‌خارج رفت و گفت: «صبح بخیر» سپس صدای رگبار مسلسل بلند شد. سپس سربازان اسرائیلی به‌داخل باغ آمدند و به‌داخل مقبره یعنی جایی‌که دو بانوی فوق قرار داشتند آتش گشودند. هنگامی‌که خانم زیگرید شنید آنها مسلسلهای خود را خشابگذاری می‌کنند، با فریاد و جیغ و داد خود را به‌بیرون انداخت. سربازان‌که با پی‌بردن به‌حضور یک زن خارجی

متحیر شده بودند بدون گفتن کلامی خارج شدند و سراپای خانه را بدون هدف به‌گلوله بستند.

۲- گواهی شورای جهانی صلح

در اردوگاه پناهندگی خان‌دانون که از دمشق چندان فاصله ندارد، داستان مردی به‌نام محمدالقدسی از دهکده الخشینه را برایمان تعریف کردند. شهروند عرب مذکور به‌همراه همسر، دو دختر جوان و دو پسرش در خانه نشسته بودند که سربازان اسرائیلی وارد شدند. آنها خطاب به‌وی گفتند: «چرا شماها هنوز اینجا مانده‌اید؟» و سپس اضافه کردند: «چه‌غیر نظامی باشید و چه‌نظامی جایی در این دهکده ندارید.»

سپس فاجعه اتفاق افتاد. مهاجمین از او پرسیدند: «تو دو پسر و دو دختر داری، پسرها را ببریم یا دخترها را؟» القدسی از آنها فرصت خواست و سپس با خانواده‌اش مشورت کرد. پسرها گفتند ما می‌رویم زیرا دخترها را باید از دست مهاجمان نجات داد. پدر نزد سربازان اسرائیلی آمد و گفت «پسرهایم را ببرید».

سربازان اسرائیلی دو پسر را بیرون کرده و بیرون از در خانه آنها را به‌رگبار بستند، سپس برگشتند و دخترها را با خود بردند...

فریاد آنها برای مدت زمان طولانی از بیرون شنیده می‌شد.

داستان بالا استثنایی نیست. ما داستانهای بسیاری از اینگونه رفتار سربازان اسرائیلی در دهکده‌ها شنیده‌ایم[۴].

۳- استفاده از بچه‌ها به‌عنوان گروگان

مطالب زیر اقتباس دیگری است از «نامه سرگشاده» خانم وینفرد وایت‌نخو:

«درحالی‌که تعدادی خانواده در تاریکی زیرزمین صومعه دومینیکنی جمع شده بودند یک سرباز اسرائیلی پایین آمد و دستور داد تمام بچه‌ها را به‌بالای پله‌ها بیاورند. می‌گفتند که می‌خواهند درمقابل آتش گلوله اردنیها از آنها به‌عنوان گروگان استفاده کنند. هنگامی که چراغ قوه سربازان تمام چهارگوشه زیرزمین را روشن کرد، بچه‌های جوان از وحشت به‌دامان مادرهایشان پناه بردند[۵].

ج: وحشی‌گری با اسرای جنگی

۱ـ وحشی‌گری عمومی

اظهارات روزنامه ساندی تایمز:

سه مهندس لهستانی که در صحرای سینا به‌اسارت سربازان اسرائیلی درآمده بودند، گزارش دادند که زندانیان جنگی مصری را در اردویی در صحرای سینا وادار می‌کردند ساعتها بدون حرکت به‌پشت روی شنها دراز بکشند و سپس به‌سختی تمام، با قنداق تفنگ آنها را می‌زدند[٦].

۱۰ ژوئن ۱۹٦۷: اسرائیل تا روز ۱۰ ژوئن ۱۹٦۷ یعنی ۵ روز پس از پایان تخاصمات به‌صلیب سرخ بین‌المللی اجازهٔ کار در صحرای سینا نداد. بدین‌خاطر هزاران سرباز مصری در صحرا از تشنگی و گرسنگی هلاک شدند و نیز صدها مجروح به‌دلیل نرسیدن امداد، جانشان را از دست دادند[۷].

ما مردانی را که درصحرای سینا دفن شده و با هواپیمای صلیب‌ـ سرخ به‌مصر آورده شده بودند بچشم دیدیم. یکی از آنها از منطقهٔ اسماعیلیه بود. سپس عبدالرسول غزالی را که در رفح نزدیک نوارغزه به‌روی یک تانک کار می‌کرد دیدیم، بازوی چپش را از دست داده

بود و ۹ گلوله به‌او اصابت کرده بود. خودش می‌گفت بعضی از گلوله‌ها را هنگام بازجویی‌اش پس از اسارت در روز اول جنگ به‌بدن او شلیک کرده بودند. ۷۲ روز در اسارت بود و در این مدت او را از پاهایش آویزان کرده بودند. از او پرسیدم چه‌مدت این کار را با او کردند، گفت دقیقاً برایش مشخص نیست. هنگامی که از آنها نوشیدنی خواست با شلیک گلوله به‌بدنش به‌او پاسخ دادند. یک بطری آب را قطره‌قطره روی بدنش ریختند، اما از ریختن آن به‌داخل دهانش خودداری کردند[۸].

۲ ـ وادار کردن اسرای جنگی به‌عبور از صحرا با پای برهنه

طی جنگ ۱۹۶۷، اسرائیلیها ترکیبی از شکنجه روانی و جسمی را در مورد زندانیان مصری بکار بردند. یک شیوهٔ دیگر شکنجه، این بود که پوتین را از پای سربازان درمی‌آوردند و آنها را وادارمی کردند در صحرای سوزان راه بروند. درجهٔ حرارت در صحرای سینا در ماه ژوئن در سایه به ۴۰ درجه و در آفتاب به ۶۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. بنابراین هر کس بدون پوتین در صحرا راه برود دچار سوختگیهای وخیم از ناحیه پا خواهد شد. اسرائیلیها بعداً با عکس گرفتن از این پوتینهای انباشته‌شده، افسانه‌هایی می‌ساختند مبنی براینکه مصریها برای اینکه سریعتر از جبهه جنگ فرار کنند پوتینهای خود را جا گذاشته‌اند.

د: دینامیت‌گذاری در محله‌های شهری و دهکده‌ها و اخراج دستجمعی ساکنان آن

۱ ـ اظهارات خواهر راهبه ماری ترز

الف: بیت‌المقدس

۱۲ ژوئن ۱۹۶۷: در بیت‌المقدس، ۴۰۰ خانواده محله‌

مغاربه را پس از یک اخطار سه‌ساعته برای تخلیه خانه‌ها، اخراج کردند. خانه‌ها را به‌منظور درست کردن یک میدان سنگ فرش در جلو دیوار ندبه، با بولدوزر ویران کردند[۹].

۱۷ ژوئن ۱۹۶۷: در ساعت ٤ صبح روز ۱۷ ژوئن، ارتش اسرائیل به‌ساکنان محلهٔ یهودی سابق و خانه‌های اطراف آن دستور داد تا در عرض ۲٤ ساعت آن حوالی را ترک کنند. این اقدام شامل چند صد خانواده می‌گردید که مشاهده می‌شد در سراسر روز اموال خودشان را ازکوچه‌های بیت‌المقدس به‌جای دیگر حمل می‌کنند. بعضی از آنها توانستند به‌اقوام و دوستانشان پناه ببرند ولی اکثریت خانواده‌ها ناچار شدند شهر را ترک کنند[۱۰].

ب: قلقیلیه (ساحل غربی)

در نابلس صدها خانواده را دیدیم که زیر درختهای زیتون در فضای باز خوابیده بودند. به‌ما گفتند اهل قلقیلیه هستند و اجازه‌ندارند به‌آنجا بازگردند. به‌قلقیلیه رفتیم تا ببینیم چه‌خبر است. احساس‌شومی در آنجا به‌ما دست داد، زیرا شهر را با دینامیت منفجر کرده بودند[۱۱]...

ج: بیت نوبه، عمو اس

حالا می‌دانیم که اسرائیلیها نمی‌خواهند ما را ببینند. سه‌دهکده به‌طور سیستماتیک با دینامیت و بولدوزر ویران شد. الاغها در یک سکوت مرگبار در میان خرابه‌ها به‌گشت‌زنی مشغول بودند. مبل و اثاثیه‌های درهم شکسته شده و یک بالش پاره‌پاره که از لای تکه سنگها و سیمانها بیرون آمده، اینجا و آنجا بچشم می‌خورد. یک قوری آشپزخانه و یک پتو در وسط جاده جاگذاشته شده است. ساکنان وقت نداشتند چیزی را با خود ببرند[۱۲].

۲ ـ گزارش روزنامه‌های کریستین ساینس مانیتور و گاردین

مردم را مجبور کردند تا در عرض یک اخطار چند ساعته، خانه‌هایشان را ترک کنند. خانه‌هایشان منفجر شد و بوسیله بولدوزر با خاک یکسان گردید.[۱۳] گزارشات مقامات ارشد آژانس امداد سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی حاکی از این است که اسرائیلیها ظاهراً در بسیاری موارد ساکنان فلسطینی را از خانه‌هایشان بیرون کرده و با بمباران اردوگاهها در طی جنگی که هفته گذشته آغاز شده آنها را از اردوگاههای پناهندگی دائمی بیرون رانده‌اند.

اکثریت پناهندگانی که به‌ساحل غربی اردن وارد می‌شوند، خود قبلاً جزو پناهندگان بدون مال و منال بحساب می‌آمدند. اما یک تلاش هماهنگ توسط اسرائیلیها برای بیرون راندن فلسطینیهای غیرپناهنده از شهرها و دهکده‌های نزدیک خط متارکه جنگ‌سال ۱۹٤۹ اردن-اسرائیل آغاز شده است. پناهندگان وارد شده به ساحل غربی، به‌مقامات سازمان ملل گفتند که کامیونهای بلندگودار اسرائیلی در تعدادی از شهرهای ساحل غربی اعلام کردند که اتوبوسها حاضرند آنها را درعرض دوساعت ازآنجا خارج کنند. به‌ادعای پناهندگان بلندگوها اخطاری کردند: «ما نمی‌توانیم بگوییم در صورت باقی‌ماندنتان چه‌اتفاقی رخ خواهد داد[۱٤].»

ه: نابودی بی‌جهت اموال غیرنظامی

۱۱ ژوئن ۱۹٦۷: در غزه نمونه‌ای از عمل نابودی بی‌جهت را می‌توان در رد چرخ تانکها مشاهده کرد، که به‌طرف ساحل رفته و یک ردیف قایقهای ماهیگیری افراد بیگناه را زیر کرده و آنها را به‌صورت چوب خردشده درآورده‌اند[۱۵].

و: غارت و چپاول شهرها

از روز بعد از ورود سربازان به‌تمام مناطق اشغال‌شده، تقریباً

تمام وسایل موتوری نقلیه به‌سرقت رفت. بسیاری مغازه‌ها چپاول شد، خانه‌های افراد مورد هجوم قرار گرفت و علی‌رغم اینکه در بسیاری از موارد ساکنان آنها در خانه بودند؛ به‌غارت و چپاول رفت. بسیاری از سربازان ساعتها، گردن‌بندها، پول و رادیوهای ترانزیستوری را به‌زور با خود برداشتند. گزارشاتی نیز از قتل به‌خاطر دزدی نیز در دست است (حتی از قول خود اسرائیلیها)[۱۶].

ز: جنگ روانی برای تشویق مهاجرت دستجمعی غیرنظامیان

۷ ژوئن ۱۹۶۷، قلقیلیه: روز چهارشنبه ساعت ٤ بعدازظهر افسری به‌قلقیلیه آمد و گفت: «دهکده را خالی کنید چون هواپیماهای عراقی می‌خواهند آن را بمباران کنند.» سپس اهالی را با اتوبوس به‌عزون در ۲۰ مایلی دهکده بردند[۱۷].

۸ ژوئن ۱۹۶۷، صوریف: روز پنجشنبه ۸ ژوئن پس از محاصرهٔ هبرون، ساکنان این دهکده (صوریف) روی خانه‌ها پرچم برافراشته و افراد مسن‌تر به‌دیدار ارتش اسرائیل رفتند. ارتش اردن روز قبل آنجا را ترک کرده بود. ساعت ٤ بعدازظهر سربازان اسرائیلی وارد دهکده شدند و با شلیک گلوله‌های هوایی به‌عربی اعلام کردند: «وقت تسویه حساب فرا رسیده. شما خرگوش هستید، ۱۰ دقیقه وقت دارید تا به‌کوهستان بروید، اگر دهکده را ترک کنید جانتان را نجات داده‌اید». همه به‌کوهستان فرار کردند به‌جزیک پیرمرد که در اثر آتش شلیک همه‌جانبه مسلسلها به‌زمین افتاد. ۱۵ دقیقهٔ بعد، ساکنان صدای انفجارهایی شنیدند (بعضی از ساکنان تا سوم ژوئیه در بیرون در هوای باز بسر می‌بردند). آنها مشاهده کردند که ۱۳ خانه، یعنی بهترین خانه‌های دهکده ویران شد و بدین‌وسیله ۲۰ خانواده بدون پناهگاه

شدند[۱۸].

۹ ژوئن ۱۹۶۷، بیت‌اللحم: تانکهای اسرائیلی در جلوی باسیلیسه صف کشیده و توپهایشان را به‌طرف شهر نشانه گرفته‌اند. مردم بیت‌اللحم آشفته شده‌اند. به‌محض ورود اسرائیلیها، اتومبیلهای‌اسرائیلی با بلندگو به‌چرخیدن پرداخته و به‌عربی اعلام می‌کنند: «دو ساعت وقت دارید تا خانه‌هایتان را خالی کنید و به‌طرف جریکو یا عمان فرار کنید وگرنه خانه‌هایتان بمباران خواهد شد». این بارقصد داریم همه چیز را یادداشت کنیم و یک گزارش به مقامات اسرائیلی بدهیم زیرا این تحریکات و فشارهای روانی برای فراری دادن اعراب امر بسیار خطرناکی است[۱۹].

۱۸ ژوئن ۱۹۶۷، بیت‌المقدس: روز یکشنبه ۱۸ ژوئن، سربازان اسرائیلی در اطراف چرخ می‌زدند و گلوله‌شلیک می‌کردند. در همان حال بلندگوهای آنها اعلام می‌کرد: «رفت وآمد در طی زمان ممنوعیت در سراسر فردا ممنوع است. آنها که می‌خواهند به عمان بروند می‌توانند. اتوبوسها برای بردن آنها آماده‌اند[۲۰].»

یک چنین حوادثی در سایر دهکده‌ها نیز رخ داد. هرگونه تسهیلاتی از طریق اقدامات گوناگون(از راه تبلیغات، پوستر، رادیو و بلندگو) در اختیار جمعیت قرار داده شد تا کشور را ترک کرده و به‌عمان بروند[۲۱].

بمباران وگلوله‌باران ستونهای جمعیت پناهنده

۱٤ ژوئن ۱۹۶۷: خبرنگار روزنامهٔ انگلیسی گاردین می‌گوید: «هواپیماهای اسرائیلی به‌طور دائم پناهندگان را در جادهٔ بیت‌المقدس به‌جریکو بمباران کرده و همه‌جا را نابود کرده و می‌سوزانند[۲۲]».

۲۱ ژوئن ۱۹۶۷: سربازان اسرائیلی ناظر برعبور پناهندگان،

امروز با گشودن آتش مسلسلهایشان بربالای سرصف پناهندگان،فضای وحشت عجیبی ایجاد کردند. مسأله این است که دلیل آشکاری برای اجرای این نمایش نیرو وجود نداشت. پناهندگان قبلاً به‌اندازهٔ کافی به‌وحشت افتاده بودند و این دیوانگی نظامی دلهره و اندوه عجیبی درمیان مردم وحشت‌زدهٔ مرزنشین ایجاد کرد[۲۳].

ح: کشتار و به وحشت انداختن پرسنل سازمان ملل

۵ ژوئن ۱۹۶۷: یک ردیف کامیون هندی متعلق به‌نیروهای سازمان ملل درخاورمیانه (UNEF) توسط یک هواپیمای جنگی اسرائیل بمباران شد[۲٤].

در دوم اوت، تایمز گزارش داد که دولت هند طی تسلیم یک یادداشت به‌سرکنسول اسرائیل در دهلی از حادثهٔ مذکورشکایت کرد. در یادداشت فوق آمده است: «یک تانک اسرائیلی در غزه‌به‌طور عمدی به‌روی یک وسیلهٔ نقلیهٔ هندی مربوط به‌نیروهای سازمان‌ملل درخاورمیانه از ۵ یاردی‌آتش گشود و سپس به‌طور عمدی راننده را با وجود اینکه می‌دانست عضو سازمان ملل است له کرده و کشت». در یادداشت شکوائیهٔ دولت هند اضافه شده است: «نیروهای اسرائیلی ۵ بار به‌طورعمدی به کارمندان هندی عضو (UNEF) حمله کرده و یازده نفر را کشته و ۲٤ نفر را مجروح کردند[۲۵].»

در ۱٤ ژوئیه ۱۹۶۷، اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش داد که سربازان اسرائیلی با افسران نیروی اضطراری سازمان ملل بدرفتاری کرده و اموال پرسنل و تجهیزات دفتر آن را طی اولین روزهای جنگ خاورمیانه به‌غارت برده‌اند. اوتانت می‌گوید که در اردوگاه وابسته به‌نیروهای سازمان ملل در خاورمیانه (UNEF) یک

افسر اسرائیلی اعضای ستاد بین‌المللی و نظامی‌سازمان ملل را وادار کرد تا سرتاسر شب را بدون غذا و آب به‌روی زمین بخوابند[۲۶].

ط: حمله به‌بیمارستانها

۱ ـ حمله به‌بیمارستانها با بمب ناپالم

ساختمانی که در تمام بیت‌المقدس بیشتر از همه ضربه دیده است؛ ساختمان بیمارستان آگوستاویکتوریاست که بر روی تپه‌ای‌نزدیک کوه زیتون واقع شده است. اسرائیلیها می‌گویند از آنجا که ارتش اردن از این بیمارستان استفاده می‌کرده آن را بمباران کرده‌اند. اما این‌بار بنظر می‌رسد که اطلاعات آنها اشتباه بوده است. تا آنجا که من‌می‌دانم ساختمان مذکور به‌جز یک بیمارستان چیز دیگری نبود. خوشبختانه کسی به‌عنوان بیمار زخمی در آنجا نبود وکارمندان بیمارستان در زیرزمین پناه گرفته بودند. اما یک طرف بیمارستان بکلی نابود شد و به همراه آن کار تحقیقاتی یک عمر نیز ازبین رفت[۲۷].

چهار جت اسرائیلی قوطیهای حاوی بمب ناپالم را به‌روی بیمارستان آگوستاویکتوریا در بیت‌المقدس فرو ریختند[۲۸].

۲ ـ رفتار وحشیانه با کارمندان و بیماران بیمارستان

یک افسر ارتش دستور داد تا از مکان خالی صومعهٔ راهبان که طی جنگ تبدیل به‌بیمارستان شده بود بازرسی بعمل آید. این افسر با توجه به‌اعتراضات رؤسای این مکان که توافقنامه ژنو، قوانین انساندوستی و گذشت شکوهمند راهبه‌ها را از نظر یهودیان یادآوری می‌کردند، خشونت بی‌سابقه‌ای از خود نشان داد. بازرسی صومعه در حدود ساعت ٤ صورت گرفت. سربازان اسرائیلی با سلاح وارد آنجا شده ومجروحان و پرسنل پزشکی را وادارکردند به‌خیابان رفته و پشت به

دیوار دستهایشان را روی سرشان بگذارند. مسلسلهای خودکار نیز به‌روی آنها نشانه رفته بود. پس از اتمام بازرسی باوجود اینکه در داخل ساختمان چیزی پیدا نشد، سربازان اسرائیلی، مجروحان وپرسنل پزشکی را پیاده با خود بردند.

بنا به‌اصرار افسر اسرائیلی، مادر ارشد مجبور شد نامه‌ای نوشته و زیر آن را امضا کند. در این نامه تأکید شد که همه‌چیز بخوبی پیش رفته است. سربازان اسرائیلی در حدود ساعت ۱۱ صبح مجروحان و پرسنل پزشکی را بازگرداندند و گفتند که نتوانسته‌اند کارهای رسمی ضروری را تکمیل کنند و بنابراین روز بعد برای انجام این کارها باز-خواهند گشت. روز بعد از راهبه‌ها خواستند تا تمام مجروحین را بیرون کنند.

کنسول فرانسه وارد منطقه شد و به‌بازرسی در این‌مکان مقدس که تحت قوانین کنسولگری او اداره می‌شود اعتراض کرد. سربازان اسرائیلی به‌اعتراض او توجهی نکردند[۲۹].

منابع

۱— نمایندگان انگلیسی صلیب‌سرخ این حادثه را در دوران جنگ ذکر کردند و در روزنامه «دیلی‌استار»، بیروت، ۱۷ اوت ۱۹۶۸، منتشر شد.

۲— «ساندی‌تایمز»، ۱۹ نوامبر ۱۹۶۷.

3_ Mrs. Winifred White Nucho, «An Open Letter» (Beirut, July 4, 1967).

۴ — گزارش شورای بین‌المللی صلح بعد از دیدار اعضای آن در تابستان ۱۹۶۷ از سوریه. نام گزارش: «حقایقی دربارهٔ جنگ خاورمیانه».

5_ Nucho, «An Open Letter».

٦ — «تایمز»، لندن، ١٥ ژوئن ١٩٦٧.
٧ — همان.
٨ — همان، ١٩ ژوئن ١٩٦٧.
9_ Jerusalem Diary of Sister Marie_Thérèse, in *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), July 27, 1967.
١٠ — همان.
١١ — همان.
١٢ — همان.
١٣ — «کریستین ساینس مانیتور»، بوستن، ٢٤ ژوئن ١٩٦٧.
١٤ — «گاردین»، لندن، ١٣ ژوئن ١٩٦٧.
١٥ — «تایمز»، لندن، ١٢ ژوئن ١٩٦٧.
16_ *Report Submitted to Israeli Authorities* by Father Paul Gauthier, Father Andre Houppertz, and Sister Marie_Thérèse and published in *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), July 27, 1967.
١٧ — خاطرات روزهای بیت‌المقدس، نوشتهٔ خواهر ماری‌ترز.
١٨ — همان.
١٩ — همان.
٢٠ — همان.
٢١ — همان.
٢٢ — «گاردین»، ١٤ ژوئن ١٩٦٧.
٢٣ — «تایمز»، لندن، ٢٢ ژوئن ١٩٦٧.
٢٤ — همان، ٦ ژوئن ١٩٦٧.
٢٥ — همان، ٢ اوت ١٩٦٧.
٢٦ — «نیویورک هرالدتریبیون»، نیویورک، ١٥ - ١٦ ژوئیه ١٩٦٧.
٢٧ — «اکونومیست»، لندن، ١ ژوئیه ١٩٦٧.
٢٨ — «لایف»، نیویورک، ٣١ ژوئیه ١٩٦٧.
29_ *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), No. 46, p. 50.

فصل هفتم

از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲

الف: ترور اعراب تحت اشغال

۱ ـ اعدامهای جمعی و قتل‌عام پناهندگان بی‌سلاحی که به خانه‌هایشان باز می‌گردند

آنهایی که طی جنگ از طریق رود اردن فرار کرده بودند، به هنگامی که سعی کردند به‌خانه‌هایشان باز گردند بدون هیچ‌گونه تمایزی به‌رگبار گلوله بسته شدند. یکی از سربازان اسرائیلی که در عملیات بین پایان ژوئیه و آغاز اوت شرکت کرده بود، عملیات را این گونه توصیف می‌کند:

هرشب اعراب ازشرق به‌غرب رود اردن عبور می‌کنند. راههای عبور را (یعنی مکانهایی را که در آنجا رودخانه کم‌عمق است و می‌شود پیاده از آن عبور کرد) بستیم و سپس دستور رسید که بدون اخطار قبلی و به‌قصد کشت آنها را به‌گلوله ببندیم. در حقیقت، هر شب مردان و زنان و بچه‌ها را به‌گلوله می‌بستیم. حتی در شبهای مهتابی که تشخیص مردان از زنان و بچه‌ها آسان است، از این کار خودداری نمی‌کردیم. صبحها، منطقه را می‌گشتیم، و افسر فرمانده صریحاً دستور می‌داد که زنده‌ها و منجمله مجروحان را بکشیم. پس ازکشتن، آنها را زیر خاک می‌کردیم و گاهی نیز رهایشان می‌کردیم تا یک بولدوزر بیاید و آنها را دفن کند. بعضی از اینها عوامل اطلاعاتی هستند، بعضی رخنه‌کنندگان مسلح هستند و بعضی قاچاقچی‌اند. البته اغلبشان ساکنان قبلی ساحل غربی هستند که برای بازگشت، اجازه‌نامه اسرائیلی دریافت نکرده‌اند. مواردی پیش آمد که هرگز فراموششان نخواهم کرد. یک‌روز صبح دو مرد

سالم دیدیم و افسرمان دستور داد آنها را بکشیم و ما نیز به‌آن نقطه شلیک کردیم. یک‌بار هم به‌دو مردی که از ناحیهٔ پا مجروح شده بودند برخوردیم؛ کاغذهای عبورشان را گرفتیم، اما بعداً افسرمان دستور داد آنها را بکشیم. آنها از اشارات ما به‌منظورمان پی بردند، و ناامیدانه برای حفظ جانشان به‌ما التماس می‌کردند. به‌جز یکی که داوطلب کشتن آنها شد، همگی آنجا را ترک کردیم. برای اینکه بمیرند مجبور شد ۶ بار شلیک کند. از این نمونه‌ها بسیار اتفاق افتاد، و من تنها از حوادثی ذکر بعمل می‌آورم که خود به عینه شاهدشان بودم. اما نمونهٔ حوادثی که دیگر سربازان تعریف می‌کنند بسیار زیاد است. حتی شنیده‌ام که بعضی سربازان به‌روی انبوه اجساد آتش گشوده‌اند.

یک‌روز صبح انبوهی از اجساد را به‌چشم دیدم که یک‌دختر جوان نیز در میانشان دیده می‌شد. یک‌بار دیگر یکی از اعضای الفتح برای حفظ جانش به‌التماس افتاد، اما وقتی دید که این کار بی‌فایده است؛ لعنتمان کرد و گلوله‌ها را نوش‌جان نمود. یک شب یک‌گروه ۲۰ نفره عبور کردند که به‌رویشان شلیک کردیم و هنگام صبح تنها ۱۱ جسد پیدا کردیم.

طی دوران خدمتم، یعنی مدتها پس از جنگ هرشب در بخش خودمان به‌روی افراد شلیک می‌کردیم. مردم هرشب مورد اصابت گلوله قرار می‌گرفتند، و مجروحان هنگام صبح کشته می‌شدند. حتی آنهایی را هم که سالم می‌ماندند می‌کشتیم[1].

۲ ـ کشتارهای بدون تبعیض، سرکوب تظاهرات، وحشیگری طی دوران اعمال منع رفت و آمد

آنچه در زیر می‌آید، نمونه‌هایی از کنترل تظاهرات توسط ارتش اسرائیل است.

۲۰ ژانویهٔ ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی به‌روی گروهی از تظاهر کنندگان در رفح آتش گشودند؛ یک زن را کشته و ۹ زن و دختر دیگر را مجروح کردند[2].

۲ فوریهٔ ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی مسلح به‌چماق به‌جان

دختران تظاهرکنندهٔ دبیرستانی در غزه افتاده و ۹۰ نفرشان را مجروح کردند[۳].

۱۹ فوریهٔ ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی دختران تظاهرکننده را به داخل مدارس تعقیب می‌کنند و آنها را با چماق مورد ضرب و شتم قرار داده و هم دانش آموزان و هم معلمان را مجروح می‌کنند[۴].

فوریهٔ ۱۹۶۹: تجمع زنان مسن معترض به‌شایعهٔ دستگیری شهردار البیره با مشت و چماق و تفنگ در هم کوبیده می‌شود[۵].

۲۹ مارس ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی رهبران محلی را طی سرکوب تظاهرات در نابلس مورد ضرب و شتم قرار دادند[۶]. در ۱۹۷۰، ۱۸ غیر نظامی بی‌سلاح طی مقررات رفت و آمد تنها در غزه کشته شدند[۷]. آنچه در زیر می‌آید نمونه‌هایی از رفتار اسرائیلیها طی برقراری منع رفت و آمد در غزه و ساحل غربی رود اردن است.

۱۳ فوریهٔ ۱۹۷۰: نیروی گشتی ارتش اسرائیل متوجه گروهی از مردم در بوستان جنوب دیرالبلح در نوار غزه شد. در این ناحیه که جزو محدودهٔ منع رفت و آمد بوده، گشتیها به‌رویشان آتش گشودند و یک زن را کشته و یک زن دیگر را مجروح کردند[۸].

۱۴ فوریهٔ ۱۹۷۰: سربازان اسرائیلی به‌روی یک شخص مشکوک در حال گریز در شهر غزه آتش گشودند و یک عرب ۱۴ ساله را که آنجا ایستاده بود کشته و ۳ نفر دیگر از جمله ۲ بچه را مجروح کردند[۹].

۱۰ ژوئن ۱۹۷۰: نیروهای گشتی اسرائیل طی زمان برقراری منع رفت و آمد به‌روی «اشخاص مشکوک» در بیت حنون در ساحل غربی آتش گشوده و یک مرد مسن را کشته و یک زن ۳۰ ساله را به شدت مجروح نمودند[۱۰].

۲۹ ژوئن ۱۹۷۰: نیروهای گشتی اسرائیل به‌روی اشخاصی که

مقررات منع رفت و آمد را در نوار غزه زیر پا گذاشته بودند آتش گشوده و یک زن را کشتند[۱۱].

مقررات منع رفت و آمد خودسرانه و بدون اخطار قبلی تحمیل شد تا بدین ترتیب ترور و وحشت حاکم گردد.

روزنامهٔ «ابزرور» در این باره این چنین می‌گوید:

بیشتر اوقات هنگام برقراری مقررات منع رفت وآمد در اردوگاههای پناهندگی، ساکنان مرد بین ۱۶ و ۶۰ سال را گرد آورده و مجبورشان می‌کنند تا ساعتها و بعضی موارد تا سه‌روز در فضای باز بسر ببرند. در یک‌سورد آنها را در داخل یک‌دریاچهٔ کم‌عمق گرد آوردند. در ساعات برقراری مقررات منع رفت و آمد، برای ترساندن مردم و نگاهداشتن آنها در خانه‌هایشان و یا باز داشتن آنها از نزدیک‌شدن به‌منطقهٔ مقررات منع رفت و آمد؛ از خارج تفنگ یا مسلسلها را به صدا درمی‌آوردند. این اقدامات برای ۲۱۰،۰۰۰ نفر از پناهندگان اردوگاههای نوار غزه بسیار دردناک است. آنها برای بدست‌آوردن غذا و خدمات رفاهی کاملا به‌آژانس امداد سازمان ملل (UNRWA) وابسته هستند. از آنجا که در زمان برقراری مقررات، دسترسی به اردوگاه ممنوع است وکارمندان آژانس امداد سازمان ملل باید برای ورود از مقامات نظامی اجازهٔ مخصوص بگیرند، توزیع سهمیهٔ غذا و خدمات رفاهی یا دچار اخلال شده و یا متوقف می‌گردد. هنگامی که اخیراً در اردوگاه ساحلی غزه برای ۶ روز مقررات منع رفت و آمد اعلام شد؛ برای ۵ روز هیچ نوع غذایی توزیع نشد. در خانه‌های اردوگاه آب جاری وجود ندارد و ۷۵ درصد آبریزها در خیابانهای اردوگاه واقع شده است. خانواده‌های پناهندگان که معمولا تعدادشان زیاد است، مجبورند هنگام برقراری مقررات شب و روز در خانه‌های کلبه‌ای‌شکل خودشان باقی بمانند و هرروز؛ یک یا دو ساعت بیرون آیند. این مدت برای فراهم کردن آب و رفتن به مستراح و دریافت سهمیهٔ غذایشان— هنگامی که اجازهٔ توزیع داده می‌شود —کافی نیست[۱۲].

خواهران راهبهٔ بیت‌اللحم داستان مشابهی در مورد ساحل

غربی بازگو می کنند:

هنگامی که کسی از اهالی دهکدهٔ صومعهٔ خودمان را در پای کوهستان ندیدیم؛ پی بردیم که اتفاق عجیبی رخ داده است. به همین خاطر مادر ارشد همراه یک مرد عازم آنجا شدند. ارتش دهکده را محاصره نموده و افراد را در خانه‌هایشان محبوس کرده بود. ترک خانه‌ها و حتی بازکردن پنجره‌ها و درها ممنوع شده بود و هیچ کس نمی‌توانست وارد شود. ما اجازه یافتیم که هرروز ۳ ساعت (از ۸ تا ۱۱) وارد دهکده شویم و برای اهالی دارو برده و ازمریضهامواظبت کنیم. وقتی که وارد اولین خانه‌ها شدیم، صحنهٔ تأسف‌انگیزی دیدیم. مردم بیچاره با ترس و هراس و بدون هوا و غذا و شیر برای بچه‌ها، و بخصوص بدون هیچ‌گونه آبی، به‌مدت پنج‌روز در تاریکی پنهان شده بودند. بدترین تحقیر برای آنها (که بدویانی فقیر اما مغرورند)، این بود که مجبور شدند از یک گوشهٔ اتاقشان به‌عنوان مستراح استفاده کنند. واقعاً که یک عمل ضد انسانی بود[۱۳].

همین وحشی‌گریها، به‌ویژه طی عملیات بازرسی، خصیصهٔ اصلی رفتارکلی ارتش اسرائیل را تشکیل می‌داد. روزنامهٔ هاعولام هازه، گزارشاتی پیرامون شلاق زدن ساکنان، و آتش گشودن به‌روی بچه‌ها در نوار غزه منتشرکرد و افزود که اسرائیلیهای مشغول به کار در نوار غزه از رفتار گاردهای مرزی شکوه دارند[۱۴].

* تعداد بسیاری را که دچار شکستگی استخوان شده بودند به بیمارستان آوردند.

* مشاهده می‌شد که به‌پشت برهنهٔ مردم، در مراکز ارتش شلاق زده می‌شود. این عمل به‌ایجاد تاولهای خطرناک منجر می‌شد.

* گشتیهای بازرسی خانه‌ها را ویران می کنند. مبل و اثاثیه و اموال را در هم کوبیده و ساعتها و جواهرآلات را به‌غارت می‌برند.

* اعضای گشتیها و گاردهای مرزی که ادعا می کنند زنان را بازرسی می کنند؛ آنها را لخت کرده و در خیابان رها می‌نمایند. بعضی از پرستاران را که با یک اتوبوس به‌طرف بیمارستان می‌رفتند، به‌این ترتیب بازرسی کردند. صلیب سرخ به‌این عمل اعتراض کرد، و نتیجه این شد که بعداً زنان را به‌جای خیابانهای اصلی در خیابانهای فرعی و اردوگاههای پناهندگی برهنه می کردند[۱۵].

یکی از بزرگترین اردوگاهها در غزه به‌منظور بازجویی خانه به خانه برای مدت یک ماه محاصره شد و در خیابان بیرون از اردوگاه سربازان باتون به‌دست، و گاهی اوقات آمادهٔ شلیک دیده می‌شدند. پلیس مرزی در عرض یک هفته بخشهای بیمارستان را پراز آدم کرد. هفتهٔ مذکور به‌هفتهٔ وحشت معروف شد. پرونده‌های فرماندهی عالی اسرائیل در تل‌آویو نشان می‌دهد که طی یک ماه تنها ۳۰ غیرنظامی غزه به‌بیمارستان پذیرفته شدند که ۷ نفر در اثر صدمات وارده استخوانهایشان شکسته بود. برطبق این پرونده‌ها یکی از افراد مشکوک درحال فرار در اثر شلیک اسلحه اسرائیلیها درگذشت[۱۶].

۳ ـ شکنجهٔ بازداشت شدگان

از آنجا که در اسرائیل مجازات مرگ وجود ندارد، مقامات اسرائیلی ترجیح می‌دهند زندانیان خود را قلع و قمع کنند[۱۷].

جرج دو کارفلو می‌نویسد:

از درون اتاقهای بازجویی صدای فریاد و ضجه و گریهٔ زندانیان را می‌شنیدم. تروریستهایی که دستگیر شدند باید انتظار شکنجه را داشته باشند، اما شنیدن آن وحشتناک است[۱۸].

ب : گزارش سازمان عفو بین‌المللی

چکیدهٔ گزارش سازمان عفو بین‌المللی که در آوریل ۱۹۷۰

تحت عنوان «معالجهٔ بعضی زندانیان تحت بازجویی در اسرائیل» منتشر شد.

۱ — وضعیت کلی (از آنجا که ارتباط چندانی با موضوع ندارد، ذکر نمی‌شود).

۲ — چنانکه معروف است سرزمینهای اشغالی به‌وسیلهٔ دولت نظامی اسرائیل اداره می‌شود و مقامات نظامی براساس مقررات دفاعی (اضطراری) سال ۱۹٤٥؛ اختیارات وسیعی برای بازداشت و زندانی کردن دارند. براساس اطلاعاتی که در ژانویهٔ ۱۹۷۰ در اختیار عفو بین‌المللی قرار گرفت، هرهفته براساس این مقررات ۸۰ عرب دستگیر می‌شوند.

نگرانی عفو بین‌المللی:

۳ — عفو بین‌الملل با لزوم در پیش گرفتن اقدامات شدید و بازداشت افراد در اوضاع نظامی‌ای که جنگ چریکی یکی از خصیصه‌های آن است؛ مخالف می‌باشد. اما عفو بین‌الملل معتقد است که رفتار با این زندانیان و بازداشت‌شدگان باید براساس معیارهای استاندارد مربوط به‌رفتار با زندانیان (مصوبهٔ شورای اقتصادی واجتماعی سازمان ملل در ۱۹٥۷) و اعلامیهٔ حقوق بشر و به‌ویژه ماده ٥ آن صورت گیرد. مادهٔ ٥ چنین می‌گوید: «هیچ کس را نباید در معرض شکنجه و بدرفتاری، رفتار ضد انسانی و یا مجازات قرار داد.»

٤ — نمایندگان عفو بین‌الملل در عرض دو سال گذشته دیدارهایی از خاورمیانه بعمل آورده‌اند. در جریان این سفرها تعدادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان سابق اسرائیل و سرزمینهای اشغالی با نمایندگان ما تماس گرفته و اظهاراتی در مورد بدرفتاری با زندانیان عرب توسط اسرائیلیها بیان داشته‌اند.

۵ — اگر این اظهارات حقیقت داشته‌باشد، شکنجه فوق‌العاده وحشیانه‌ای در مورد تعدادی از بازداشت‌شدگان اعمال می‌شود. اظهارات مزبور از این حکایت می‌کند که برخی بدرفتاریها در حال حاضر نیز ادامه دارد.

۶ — بیشتر اظهار نظرات اخیر در مورد شکنجه، به‌دوره‌ای اشاره می‌کند که در آن زندانی تحت بازرسی و بازجویی قرار می‌گیرد. این دوره که قبل‌از دادگاه رفتن متهم و محکوم شدنش به‌بازداشت صورت می‌گیرد، ممکن است چندین ماه به‌طول انجامد. طبق این اظهار نظرات، در این دوره، زندانی از دسترسی به‌وکیل خود و نیز نمایندگان صلیب سرخ محروم می‌باشد.

اقدام عفو بین‌الملل:

۷ — در منطقهٔ برخوردی چون خاورمیانه، در حال حاضر ادعای بدرفتاری با زندانیان از هردو طرف یک امر اجتناب ناپذیر و عادی است.

۸ — با وجود این نمی‌شود آن سری از دعاوی را که در زمان تحقیقات نمایندگان عفو بین‌الملل در اختیار آنها گذاشته شده نادیده گرفت. نوع شکنجه‌های ادعا شده به‌روشنی تشریح شده است. نام زندانها، مراکز بازجویی، دورانهای وقوع شکنجه و نام حقیقی یا مستعار شکنجه کنندگان نیز در اختیار نمایندگان عفو بین‌الملل گذاشته شد. منابعی که در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته، نه تنها شامل اظهار نظرهاست، بلکه عکسها و گزارشات پزشکی مربوط به‌شاکیانی را که در حال حاضر در اردن بسر می‌برند نیز شامل می‌شود. علاوه بر این، عفو بین‌الملل منابعی از داخل اسرائیل و سرزمینهای اشغالی و نیز خارج این سرزمینها حاوی نام مردان و زنانی که هنوز (تا ژانویهٔ

۱۹۷۰) در زندانهای اسرائیل بسر می‌بردند، و آنهایی که یا خود در معرض شکنجه قرار گرفته و یا شاهد تأثیرات شکنجه بر زندانیان همقطارشان بوده‌اند، در اختیار دارد.

۹ — در حال حاضر عفو بین‌الملل موظف به‌این ادعاست که نوع خطرناک شکنجه‌های دعوی شده تحقیق فوری در مورد صحت و یا کذب آنها را ایجاب می‌کند تا بدین وسیله فوراً به‌اعمال شکنجه در صورت وجود آن پایان داده شود.

۱۰ — به‌نظر عفو بین‌الملل، این تحقیق و بررسی باید با سرعت و شدت هرچه بیشتر انجام شود. برای این کار ایجاد یک کمیسیون تحقیق که بی‌طرفی آن باید غیرقابل تردید بوده و قدرت کامل درخواست اسناد و شواهد را داشته باشد؛ ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱۱ — عفو بین‌الملل در عرض ۱۲ ماه گذشته تاکنون این مسأله را به‌اطلاع دولت اسرائیل رسانده و برای تعیین وقت به‌منظور بررسی پیشنهاداتش از سوی دولت اسرائیل، بارها اقدامات خودش را به‌تعویق انداخته است. اما، دولت اسرائیل تا حال حاضر با این پیشنهادات موافقت نکرده است. بنابراین عفو بین‌الملل با اکراه زیاد به‌این نتیجه رسیده است که به‌تعویق انداختن اقداماتش بی‌فایده بوده و بدین خاطر تصمیم به‌انتشار نظریات خود گرفته است.

درخواست عفو بین‌الملل از دولت اسرائیل:

کمیتهٔ اجرایی بین‌المللی سازمان عفو بین‌الملل با در نظر گرفتن دعاوی مربوط به‌بدرفتاری با بعضی از زندانیان مراکز بازداشتی اسرائیل، و با بررسی مذاکرات بدون نتیجهٔ خود با دولت اسرائیل تصمیم می‌گیرد که:

الف: بار دیگر از دولت اسرائیل بخواهد تا با تأسیس یک کمیسیون تحقیق برای بررسی دعاوی (مربوط به‌شکنجهٔ زندانیان) موافقت کند. اگر این کمیسیون، یک کمیسیون بین‌المللی باشد، قضاوتهایش به‌رفع نگرانیها و اضطرابات موجود کمک زیادی خواهد کرد.

ب: در صورت اعلام توافق اسرائیل با تأسیس این کمیسیون، عفو بین‌الملل برای تضمین بررسی دلایل ارائه شده هرگونه مساعدت خود را در اختیار کمیسیون خواهد گذاشت.

ضمیمه: خلاصهٔ بررسی چهار مورد از دعاوی

اول ـ آقای الف ـ از غزه

شهر یا محل اقامت	اردوگاه جرش — اردن
سن	۳۰ سال
تاریخ دستگیری	٦ ژوئن ١٩٦٧
محل بازداشت	عتلیت
اتهام یا محاکمه	بدون اتهام و بدون محاکمه
مدت زمان بازجویی و یا بازداشت	دوماه — و دراوت ١٩٦٧ آزادشد.

نوع دعاوی

شاکی را بعداز اینکه در روز دوم جنگ ژوئن زندانی کردند، برای یک هفته در زندان انفرادی نگاه داشتند و در پایان هفته گروهی ازسربازان او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. روز بعد نیز او را به‌سلولی بردند و پس‌از بستن به‌یک میز به‌بدنش شلاق زدند.

طی این مدت از او خواستند اعتراف کند که چریک است و در مورد چریکها به‌طورکلی به‌آنها اطلاعات بدهد. سپس در حالی که چهار دندانش شکسته شده بود، به‌سلولش بازگردانده شد. روز بعد

نیز روش مذکور تکرار شد و این دفعه در عوض او را رو به‌دیوار نگاه داشته و سپس با یک چاقو سینه‌اش را چاک چاک کردند بطوری که هفت زخم موازی روی قفسهٔ سینهٔ او بوجود آمد و یکی از بازوانش نیز به‌طور وخیمی شکاف برداشت. پشت بدن و دستهای او را با سیگارهای روشن سوزاندند. (عکسهای جراحات و گزارشات پزشکی موجود است).

دوم ـ آقای ب ـ از نابلس ـ رانندهٔ تاکسی

شهر یا مکان اقامت	عمان — اردن
سن	۴۰ سال
تاریخ دستگیری	۱۹ سپتامبر ۱۹۶۷
محل بازداشت	نابلس — رمله — صرفند و بیت‌لید
اتهام و یا محاکمه	بدون اتهام و بدون محاکمه

نوع دعاوی

در ساعت ۱۱ شب در خانه‌اش دستگیر و فوراً به‌ایستگاه پلیس نابلس برده شد. در آنجا ۲ افسر پلیس او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و به‌قسمتهای مختلف بدنش شوک الکتریکی وصل کردند تا اینکه در حدود ساعت ۴ صبح بیهوش شد. در مرحلهٔ بعد یک‌لیوان حاوی ادرار به‌او دادند تا سر بکشد. وقتی از خوردن آن سر باز زد؛ بار دیگر او را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا اینکه دوباره بیهوش شد. بعد شاکی را به‌صرفند منتقل کردند و در آنجا در رابطه با چریکها او را مورد بازجویی شدید قرار دادند. طرز رفتار با او طی بازجویی به طرق زیر بود:

الف: دستهایش را از پشت می‌بستند و پاهایش را نیز به‌همین

ترتیب از پشت به‌هم محکم می‌بستند؛ سپس او را عریان کرده و از ناحیهٔ مچ دستهایش به‌میلهٔ پنجره آویزان می‌کردند و در این حالت او را شلاق می‌زدند و از یک چماق لاستیکی کوچک برای ضربه‌زدن به‌آلت تناسلی‌اش استفاده می‌کردند.

ب: او را در وسط یک اتاق کوچک که دارای دو در در مقابل یکدیگر بود نگاه‌می‌داشتند؛ یک بازویش‌را به‌یک در و بازوی دیگر را به‌در دیگر می‌بستند و سپس چهار سرباز به‌سرعت درها را به‌دفعات متعدد پشت سرهم باز و بسته می‌کردند.

سوم ـ آقای ج ـ از البیره، رام الله ـ مکانیک اتومبیل

شهر یا محل اقامت	عمان — اردن
سن	۲۶ سال
تاریخ دستگیری	۱۲ ژوئیه ۱۹۶۸
محل بازداشت	رام الله — صرفند
مدت بازجویی یا بازداشت	۷ماه، و در ۱۳ فوریه ۱۹۶۹ آزادشد.
اتهام و یا محاکمه	بدون اتهام و محاکمه

نوع دعاوی

در ساعت ۳ صبح در خانه‌اش دستگیر و به‌مرکز پلیس رام‌الله برده شد. در آنجا آنقدر او را زدند که بیهوش گردید. این بازجوییها تا سه هفته طول کشید و سپس او را به‌صرفند انتقال داده و طی بازجوییها این اعمال را در مورد او مرتکب شدند:

الف: دستها و پاهای او را از پشت بسته و سپس از مچ او را از میلهٔ پنجره آویزان می‌کردند؛ در این وضع او را شلاق می‌زدند و یکی از بازجویان روی پای‌بند او می‌ایستاد و بدین ترتیب بند

را به‌طور محکمتری می کشید.

ب: به‌گوشها و اعضای تناسلی‌اش گیره وصل کرده و سپس از آنها جریان برق عبور می‌دادند.

ج: یک میله به‌داخل مجرای آلت تناسلی‌اش فرو می کردند تا اینکه از آن خون می‌آمد.

د: به‌روی زخمهایی که در اثر ضربات شلاق ایجاد شده بود آب می‌ریختند و سپس روی آنها کبریت روشن می کردند.

ه: سر انگشتان او را بین لولای در و چهارچوب گذاشته (با بستن در) آنها را له می کردند.

و: یک شلنگ آب به‌داخل دهانش جا کرده و سپس شیر را باز می کردند، و در این حالت یک بازجو روی شکمش می‌ایستاد و فشار می‌آورد تا آب از دهانش بیرون بزند.

چهارم ـ دوشیزه د ـ از نابلس ـ دانش‌آموز

شهر یا محل اقامت	عمان — اردن
سن	۱۸ سال
تاریخ دستگیری	۱٤ مارس ۱۹٦۹
محل بازداشت	نابلس
دورهٔ بازجویی	٤۳ روز، و در ۲٦ آوریل ۱۹٦۹ آزاد شد
اتهامات یا محاکمه	بدون اتهام و بدون محاکمه

نوع دعاوی

او را به‌همراه مادر و خواهرش دستگیر کرده و سپس از آنها جدایش کردند. در مرکز پلیس مورد بازجویی قرار گرفت، نام یک دختر چریک را از او می‌پرسیدند و هنگامی که پاسخ «نه» می‌داد

رئیس بازجوها موهایش را می‌گرفت و او را به کف اتاق پرت می‌کرد. سپس در آنجا او را جلوی مادرش مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. مادرش متهم بود که یکی از چریکها را در خانه‌اش پنهان کرده است. وقتی مادرش به بازجو التماس کرد تا دست از زدن دخترش بردارد؛ با یک چوب به‌پیشانیش زده و آن را شکافتند.

۴ـ اخراج رهبران محلی

نمونه‌ای از این موارد در زیر آمده است:

نام	حرفه	تاریخ اخراج
۱ـ تیسیر شوکت نابلسی	قاضی	۶ ژانویه ۱۹۶۹[۱۹]
۲ـ عدنان‌البکری	قاضی	۶ ژانویه ۱۹۶۹[۲۰]
۳ـ ایلی‌خوری	کشیش	۳۱ مارس ۱۹۶۹[۲۱]
۴ـ متی‌نصار	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹[۲۲]
۵ـ حسن دندیس	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹[۲۳]
۶ـ نعیم سعاده	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹[۲۴]
۷ـ رشادالخطیب تمیمی	وزیر سابق اردنی	۱۱ اوت ۱۹۶۹[۲۵]
۸ـ حسین بدر	بازرس آموزش و پرورش اردن	۱۶ سپتامبر ۱۹۶۹[۲۶]
۹ـ محمد سلام تویب	رئیس قبیله	۴ نوامبر ۱۹۶۹[۲۷]
۱۰ـ ندیم زرو	شهردار اخراجی رام‌الله	۶ اکتبر ۱۹۶۹[۲۸]

۱۱— کمال‌ناصر	عضو سابق پارلمان اردن	۲۲ دسامبر ۱۹۶۹[۲۹]
۱۲— روحی-الخطیب	شهرداربیت‌المقدس	۷ مارس ۱۹۶۸[۳۰]
۱۳— کمال‌دجانی	وزیرکشور سابق	۶ سپتامبر ۱۹۶۸[۳۱]
۱٤— شیخ عبدالله سائح	رئیس مجلس اسلامی	۲۳ سپتامبر ۱۹۶۷[۳۲]
۱٥— ابراهیم-القواسمه	داروساز	۱٦ سپتامبر ۱۹۶۹[۳۳]
۱٦— زهیرمصطفی	وکیل	۱۲ سپتامبر ۱۹۶۹[۳٤]
۱۷— خالدسفارینی	وکیل	۱۲ سپتامبر ۱۹۶۹[۳٥]
۱۸— ابراهیم‌بکر	نویسنده و وکیل	۲۲ دسامبر ۱۹۶۷[۳٦]

ای. سی. هودکین: سردبیر خارجی روزنامهٔ تایمز می‌گوید:

تاآنجاکه من می‌توانم حساب‌کنم حدود ۹۰ فلسطینی‌تاکنون ازطریق مرز به‌اردن رانده شده‌اند. اغلب این افراد، اشخاص معروف ساحل غربی هستند. برای نمونه از میان آنها می‌توان به‌شهردارسابق بیت‌المقدس و شهردارکنونی رام‌الله، قضات، وکلا، دکترها،معلمان و غیره اشاره‌کرد[۳۷].

۵ - نابودی دهکده‌ها و محله‌های شهری و جابجاسازی و اخراج جمعی ساکنان

الف: اظهارات آقای جان ردوای، رئیس‌کل آژانس امداد سازمان ملل:

جان ردوای، معاون‌کمیسرکل آژانس امداد سازمان ملل گفت‌که به‌نظر او یک منطقه در محلهٔ ارمنی در نزدیکی دیوار ندبه برای ساختن پارکینگ اتوبیلها مورد استفاده قرار می‌گیرد. او افزود که

به‌علاوه ۱۶،۰۰۰ نفر پس از اینکه اسرائیلیها ساختمانهای دهکده‌های ساحل غربی را درهم‌کوبیدند بی‌خانمان شده‌اند. تنها در قلقیلیه حداقل ۸۵۰ خانه از ۲،۰۰۰ خانه با بولدوزر ویران شد. او همچنین گفت: «ویرانیهای سنگینی در منطقه لطرون صورت گرفت و پناهگاه پناهندگان نیز به‌طور سیستماتیک درهم‌کوبیده شد».

وی در دنبالهٔ سخنان خود افزود که بعضی از پناهندگان در آنجا به‌او گفته‌اندکه خانه‌هایشان در ساعت ٤ و ۳۰ دقیقه صبح منفجر شده و در نتیجه بین چهل تا هفتاد نفر کشته شده‌اند. وی همچنین گفت که بعضی از قبرهای آنها را به‌چشم دیده است[۳۸].

ب: اظهارات عاموس کنان، سرباز روزنامه‌نگار اسرائیلی:

فرمانده واحد به‌ما گفت تصمیم گرفته‌ایم سه دهکده در بخش خودمان، یعنی دهکده‌های بیت‌نوبا و عمواس و یالو را منفجر کنیم. گفته می‌شد که انفجار آنها به‌دلایل استراتژیکی، تاکتیکی و امنیتی صورت می‌گیرد. دلیل اول، مستحکم کردن مرز لطرون، دلیل دوم، از بین بردن پایگاه قاتلان و دلیل سوم جلوگیری از ایجاد پایگاهها برای رخنهٔ بیشتر در آینده بود. می‌توان درباره این مجازات دستجمعی احمقانه چنین نظر داد که اگر رخنه‌کننده‌ای یک خانه از دست بدهد خانهٔ دیگری نخواهد یافت. همچنین می‌توان گفت که این عمل بر دشمنان آیندهٔ ما خواهد افزود. اما فایدهٔ این اظهارنظرها چیست؟
به‌ما گفتند خانه‌های دهکده را بازرسی کرده و هر فرد مسلحی را بازداشت کنیم. به‌افراد بدون سلاح گفته شد می‌توانند اموالشان را جمع کرده و به‌دهکدهٔ بیت‌سیرا در نزدیکیهای دهکده بروند. دستور دادند تا راههای ورودی دهکده را ببندیم و از بازگشت ساکنان به دهکده، بعد از اینکه وسایل خبرپراکنی آنها را به‌بازگشت تشویق کرده‌اند جلوگیری کنیم. دستور رسید که بالای سرشان گلوله شلیک کنیم تا وارد دهکده نشوند. بیت‌نوبا از سنگهای زیبا ساخته شده و بعضی از خانه‌ها باشکوه است. در اطراف هر خانه یک بوستان وجود دارد که در آن درختهای زیتون، زردآلو، تاکهای انگور و درخت سرو کاشته شده است. از اینها خوب مواظبت می‌کنند. در بین درختها

نیز به‌دقت باغچه‌های سبزی پرورش می‌دهند.
در خانه‌ها یک افسر فرمانده مصری مجروح و چند آدم پیر پیدا کردیم. حوالی ظهر، اولین بولدوزر رسید و اولین خانه کنار دهکده را درهم کوبید. درعرض ۱۰ دقیقه تمام خانه و اموال آن با خاک یکسان شد و منجمله درختهای زیتون و زردآلو ریشه‌کن گردید. بعد از نابودی سه خانه اولین ستون پناهندگان از جانب رام‌الله وارد شدند.
در میان آنها افراد مسنی که به‌زحمت می‌توانستند راه بروند؛ پیرزنان نالان و مادرانی که بچه‌های کوچکشان را در بغل داشتند و نیز کودکان کم‌سن و سال دیده می‌شدند. بچه‌ها گریه می‌کردند و آب می‌خواستند، همهٔ آنها پرچمهای سفید با خودشان حمل می‌کردند.
به‌آنها گفتیم به‌بیت‌سیرا بروند، گفتند که از همه‌جا رانده شده‌اند و اجازه نیافته‌اند به‌هیچ دهکده‌ای وارد شوند و مدت ٤ روز است بدون غذا و بدون آب همین‌طور سرگردانند و حتی بعضیها در جاده مرده‌اند. از ما خواستند اجازه بدهیم به‌دهکده بازگردند و گفتند بهتر است ما را بکشید (تا این‌طور سرگردان نباشیم).
وقتی از آنها خواستیم بنشینند، خود را خسته و کوفته روی زمین انداختند. بعضیها دارای یک یا دو گاو، یا یک گوساله بودند و این تنها دارایی آنها روی زمین بود. گفتیم نمی‌گذاریم وارد دهکده شوید و سپس همه‌چیز را از آنها گرفتیم.
بچه‌ها به‌گریه افتادند و بعضی از سربازان نیز گریه می‌کردند. هرلحظه ستونهای بیشتری از پناهندگان وارد شدند تا جایی که تعدادشان به‌چندصد نفر رسید. نمی‌توانستند بفهمند چرا علی‌رغم اینکه از آنها خواسته شده به‌دهکده بازگردند باز هم به‌آنها اجازه ورود نمی‌دهند. نمی‌توانستیم درخواست آنها را قبول کنیم. یکی از آنها به‌ما گفت چرا به‌جای نابودی خانه‌ها آنها را برای خودتان برنمی‌دارید.
فرمانده دسته تصمیم گرفت به‌مرکز برود و دستور بگیرد که با آنها چه بکند؛ آنها را کجا بفرستد و اگر ممکن است وسیلهٔ انتقال زنان و ارسال غذا برای بچه‌ها را فراهم آورد. بعد از مدتی برگشت و بدون اینکه حکم کتبی داشته باشد، تنها گفت که باید آنها را بیرون برانیم. آنها را بیرون کردیم، مثل گله‌های پراکنده به‌طرف جنوب

سرگردان شدند و افراد ضعیف مردند. وقتی شب شد فهمیدیم به‌ما نیرنگ زده‌اند، زیرا بولدوزرها نابودی بیت‌سیرا را هم آغازکرده و به‌آوارگان اجازهٔ ورود بدانجا را نداده بودند.
واحد به‌خشم آمده بود. پناهندگان هنگامی که می‌دیدند بولدوزرها درختها را از جا می‌کند، دندانهایشان را از خشم بهم می‌کوبیدند. به‌ما دستور داده شد هنگام شب از بولدوزرها نگهداری کنیم، اما واحد آن‌قدر خشمگین شده بود که هیچ سربازی تمایل به‌انجام یک چنین وظایفی نداشت. وقتی صبح شد، ما را از آن منطقه به‌جای دیگر منتقل کردند.
جوجه‌ها و کبوترها زیر خاکها و سنگها مدفون شدند، خانه‌ها جلوی چشمان ما به‌زمین وسیعی تبدیل شد، بچه‌هایی که در جاده به‌گریه مشغولند در دورهٔ بعدی، یعنی در ۱۹ سالگی به‌فداییان جدیدی تبدیل خواهند شد[۳۹].

ج: گزارش روزنامهٔ لندن آبزرور:

دست زدن به‌اعمال تلافی‌جویانه و انتقامی به‌دلایل امنیتی به‌منظور سرعت دادن به‌عزیمت تعداد بیشتری از افراد ازساحل غربی و نوار غزه و نیز جلوگیری از بازگشت آنهایی که فرارکرده‌اند اتخاذ شده است. مقامات اسرائیلی معتقدند وضع سیاسی نوار غزه در نهایت هرچه بشود باید پناهندگان را از آنجا به‌جاهای دیگر منتقل کرد.
اخیراً وحشت بازجوییهای دائمی دهات و اردوگاههای پناهندگی بر فشار بیکاری، ویرانسازی و جدایی از خانواده‌ها افزوده شده است. از همه گذشته اینکه از ۱۶۵،۰۰۰ آواره‌ای که ازساحل غربی اردن گریخته و برای بازگشت به‌خانه‌هایشان به‌صلیب‌سرخ متوسل شده‌اند؛ تنها ۱۴،۰۰۰ نفر اجازهٔ بازگشت یافته‌اند. تعداد کل پناهندگان قدیم و جدید و یا اخراج‌شدگان تاکنون به ۲۴۵،۰۰۰ نفر رسیده است. حتی بر اساس طرح توافق شده از سوی اسرائیل برای وحدت مجدد خانواده‌ها از تعداد ۴،۰۰۰ تقاضای آنها تنها با ۲۴ تقاضا تا سه هفته پیش موافقت کرده‌اند و تاکنون تنها هفت‌نفر توانسته‌اند ازمرز اردن گذشته و به‌خانه‌هایشان بازگردند[۴۰].
تقریباً حدود ۲۵۰ هزار عرب فلسطینی از جمله پناهندگان سابق از

ساحل غربی اردن و نوار غزه اخراج شده‌اند[٤١].

د: گزارش نیویورک هرالدتریبیون:

مقامات سازمان ملل‌متحد گزارش دادند که هرهفته حدود ۱،۰۰۰ عرب فلسطینی نوار غزهٔ تحت اشغال اسرائیل را ترک می‌کنند و انتظار می‌رود این میزان افزایش پیدا کند.
غزه با مساحت ۲۶ مایل که در جناح جنوبی اسرائیل قرار گرفته، قبل از جنگ ژوئن دارای بیش از ٤٠٠،٠٠٠ جمعیت عرب بود. به‌گفتهٔ آژانس امداد سازمان‌ملل که مسؤول کمک به‌پناهندگان فلسطینی است؛ تاکنون ۱۰ درصد این تعداد جمعیت به‌اردن گریخته‌اند.
عملیات انتقامجویانهٔ اسرائیل شامل برقراری مقررات منع رفت وآمد؛ ویرانسازی خانه‌ها و بازداشت و گردآوری جوانان عرب این مناطق می‌شود. این اقدامات پناهندگان و بخصوص جوانان را تشویق به ترک غزه و عزیمت به‌اردن کرده است، زیرا در آنجا یک‌اردوگاه ویژه برای کمک به‌پناهندگان غزه در نزدیک جرش ساخته شده است. اسرائیل، البته به‌طور رسمی پناهندگان را به‌ترک آنجاتشویق نمی‌کند، اما مقامات اینجاکوچکترین تردیدی ندارند که اقدامات انتقامجویانهٔ اسرائیل بعد از حوادث بمب‌گذاری تأثیرات خود را به‌جای گذاشته است[٤٢].

ه: نمونه‌ای از اقدامات دیگر:

اواسط ۱۹٦۷: نیروهای اسرائیل در جولان، دهکده‌های بانیاس، جباتا، کفر حارب و نخیله را با خاک یکسان کرده و اکثر خانه‌های دهکده‌های الخشنیه، قنیطره وخفسین رادرهم کوبیده‌اند[٤٣].

اواسط ۱۹٦۷: خانه‌های منطقه لطرون در ساعت ٤ و ۳۰ دقیقه صبح منفجر گردیده و بین ٤٠ تا ۷۰ نفر کشته شدند.

اواخر اکتبر ۱۹٦۷: دهکدهٔ الشیوخ در منطقهٔ جلیل نابود

شد[٤٤].

نوامبر ١٩٦٧: دهکده‌های الجفتلک و جوریش در درهٔ اردن ویران شد[٤٥].

٦ دسامبر ١٩٦٧: نصیرات در درهٔ اردن ویران شد[٤٦].

٨ دسامبر ١٩٦٧: ارتش اسرائیل ١٠٠ خانه در دهکده‌های ساحل غربی را ویران کرد و اهالی دهکده را مجبور نمود به‌ساحل شرقی بروند. اسرائیلیها برای ترساندن دیگران و مجبور کردن آنها به رفتن افراد بسیاری را به‌قتل رساندند[٤٧].

١٥ دسامبر ١٩٦٧: ٤٥ خانواده در منطقهٔ شعفاط در نزدیکی بیت‌المقدس از ١،٢٠٠ هکتار زمینی که به‌بهانهٔ «دلایل ضروری‌امنیتی» مصادره شده بود اخراج شدند[٤٨].

و: طرح به‌اصطلاح «اسکان مجدد» در غزه:

یکی از موارد اخیر، طرح به‌اصطلاح «اسکان مجدد» است که اسرائیل در ژوئیه اجرای آن را در غزه آغاز نمود.

قبلا به‌ساکنان خانه‌ها اخطار شده بود، اما بسیاری از آنها از تخلیه منازلشان خودداری کردند. سربازان اسرائیلی برای جلوگیری از زنده مدفون شدن آنها به‌داخل خانه‌ها رفتند و به‌زور چماق و باتون آنها را بیرون کشیدند. در این میان زنان و بچه‌ها ثابت کردند که دشمنان سرسخت اسرائیلیها هستند. درعرض چند روز قطعه زمینی به عرض ۳۰ وطول ۱۰۰ یارد در یک طرف اردوگاه ایجاد شد.

۵۰ خانه با خاك یکسان شد و ۵۰۰ نفر که اغلبشان بچه های جوان بودند بی‌خانمان شدند. روزشنبه سربازان و بولدوزرها به‌استراحت پرداختند...

چنین بنظر می‌رسید که اردوگاه طاعون‌زده شده است. بی‌خانمان

کردن صدها نفر، که اقلاً تاکنون به‌هزاران رسیده است، براساس طرح ویران‌سازی جبالیا به کسی کمک نمی کند. این عمل بی‌رحمانه که نوعی وحشیگری جنون‌آمیز است تاکنون در تاریخ غزه سابقه نداشته است. زیرا عمل مذکور بدون شک جزیی از طرح «اسکان‌مجدد» می باشد.

فرماندارهشدار داده است که اگر اردوگاه رفتارسنجیده و حسنه ای از خود نشان ندهد؛ میزان تبعید ساکنان آن به‌اردن گسترش می یابد. پیشنهاد اسکان مجدد درالعریش نشان دهندهٔ آرزوی دائمی‌اسرائیلیها برای کاهش دادن جمعیت غزه می‌باشد. همچنان که مقامات‌اسرائیلی به‌روشنی اظهار داشته‌اند، امنیت تنها دلیل این سیاست بشمارنمی‌رود...

همانطورکه موشه‌دایان وزیر دفاع، دو ماه قبل در ساحل غزه اظهارداشت اسرائیلیها تمایل خود برای سلطه برغزه را پنهان‌نمی کنند، اما مایل به‌اسکان دادن...،..٤ عرب درآن نمی‌باشند. چند روز بعد ۲۰ خانهٔ دیگر ویران شد و ۲۰۰ نفر دیگر بی‌خانمان شدند. اکثر خانه هایی که تاکنون توسط بولدوزر به‌خاك تبدیل شده؛ خانه‌های حقیقی‌می‌باشند. گرچه خانه های کوچك ومحقری هستند، اماصاحبانشان به‌این خانه های خود افتخار می کنند. همان طورکه سایرصاحبخانه‌ها درسراسر جهان به‌خانه های خود افتخار می کنند.

ازما دعوت کردند تا درجبالیا از خانه‌هایی که دستور ویرانی آنها صادر شده دیدن کنیم. خانه‌ها گرچه ساکنان زیادی داشتند اما همگی بدون استثناء تمیز و مرتب بودند. اغلب آنها دارای باغهای کوچك بودند. اما خانه های «جدید» شامل چند خانهٔ خراب ومتروك می‌شدکه اکثرشان سقف نداشتند. اسرائیلیها توافق کرده‌اندکه به ساکنانی که بیش از یك اتاق ساخته‌اند غرامت بدهند و در وضع خانه های قدیمی‌شان بهبود حاصل کنند. اما آنهایی که با من صحبت

می‌کردند، گفتند تاکنون غرامتی به‌آنها پرداخت نشده است. آنها به ما می‌گفتند: «نرخ غرامت یک تاکستان انگور راکه ۱۰ سال برای رشد آن زحمت کشیده شده چگونه تعیین می‌کنید؟ و چگونه غرور و شرف انسانی راکه ۲۰ سال از زندگیش را صرف ساختن یک خانه مناسب برای خود و خانواده‌اش کرده به‌او بازمی‌گردانید؟[49]»

در ضمن، اوتانت (دبیرکل سازمان ملل) از دولت اسرائیل خواسته است تا به‌ویرانسازی خانه‌ها پایان دهد[50]. اسرائیلیها اعتراف می‌کنند که تا پایان اوت، براساس طرح «اسکان مجدد» ۱۳،۳۳۶ نفر از خانه‌هایشان اخراج گردیده و به‌جای دیگر انتقال داده‌شده‌اند[51].

۶- از بین بردن غلات بوسیله مواد شیمیایی

ارتش اسرائیل ۱۰،۰۰۰ جریب از زمینهای اعراب دهکده عقوبه در نزدیکی نابلس را مصادره کرده و در پایان سال ۱۹۶۷ ۶،۰۰۰ جریب زمین به‌اهالی دهکده داده است. در مه ۱۹۷۱ ازآنها خواسته شد بقیهٔ زمینها را بفروشند ولی آنها از این کار خودداری کردند.

اما در ۲۸ آوریل ۱۹۷۲ یک هواپیمای ملخ‌دار اسرائیلی بر بالای دهکدهٔ عقوبه به‌پرواز در آمد و یک مادهٔ شیمیایی به‌روی‌مزارع گندم اهالی دهکده پاشید. طی یک شب، تمام گندمهایی که‌دهاتیان در دسامبر گذشته کاشته بودند، رنگ سبز خود را از دست داده و رنگ قهوه‌ای به‌خود گرفتند. مواد شیمیایی محصولات گندم را سوزانده بود.

اسرائیلیها منکر این حقایق نیستند. آنها قبول دارند که به‌روی گندمزارها مادهٔ شیمیایی پاشیده‌اند، اما می‌گویند هدفشان این بوده است تا «به این دهاتیان درس عبرت بدهند» زیرا باکله‌شقی تمام به روی زمینهایی که ارتش اسرائیل دسترسی به‌آنها را ممنوع کرده به

کار ادامه می‌دهند[۵۲].

۷ـ بازداشت اقوام افراد مورد سوءظن در اردوگاههای پرجمعیت‌ویژه

الف: گواهی جامعهٔ حقوق بشر اسرائیل:

یک اردوگاه پرتراکم برای نگاهداری خانواده‌های «افرادتحت تعقیب» در مرکز صحرای سینا در ناحل در بخش قسیمه ساخته شده و بسرعت در حال گسترش است. زنان و بچه‌هایی که تنها جرمشان قوم وخویش بودن با«اشخاص تحت تعقیب» است، در این محل بیابانی نگاهداری‌می‌شوند. حکومت‌سرکوب واختناق بااین عمل‌جنایتکارانه علیه زنان و کودکان به‌درجهٔ تازه‌ای از بربریت و وحشیگری دست‌زده است. اسرائیلیها نفاق را نیز به‌جنایت اضافه کرده‌اند زیرا دستور داده شده است که حداقل یک مرد باید همراه این خانواده محبوس شود تا بعد نگویند که به‌ناموس زنان عرب هتک‌حرمت شده است. برطبق یک «دستور تبعید رسمی»، اقوام مرد «اشخاص تحت تعقیب» (برادر، پسربرادر، پسرعمو و...) رابايد دراردوگاه متراکم‌دیگری درابورودیس در صحرای سینا نگاه داشت. این دستور تبعید رسمی را بلند پایه‌ترین مقامات اسرائیلی صادرکرده‌اند. تنها جرم این اشخاص داشتن رابطهٔ قوم و خویشی با اشخاصی است که خودشان جرمی بیش از «مشکوک بودن» ندارند[۵۳].

ب: گواهی موشه‌دایان:

موشه‌دایان، وزیر دفاع در ۹ مارس ۱۹۷۱ اعتراف کرد که ۳٤ خانواده* از اقوام فداییان در نوارغزه به‌ابوزنیمه در صحرای سینا تبعید شده‌اند[٥٤].

ب: ترور در کشورهای عرب مجاور

۱ ـ حمله به‌اردن

اسرائیلیها بین ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ عمداً هدفهای غیر نظامی در اردن را مورد حمله و بمباران قرار دادند (و بمباران اردوگاههای پناهندگی با بمب‌ناپالم ازجمله این حملات بود). اسرائیلیهامی‌خواستند با این تیر دو هدف را بزنند، یعنی هم مقامات بیت‌المقدس را علیه مقاومت فلسطین برانگیزند و هم بین ساکنان اردنی و فلسطینی تشنج ایجاد کنند. نمونه‌ای از حملات مذکور و نتایج آنها در زیر آمده‌است:

۲۰ نوامبر ۱۹۶۸: اسرائیلیها اردوگاه پناهندگی کرامه را بمباران کردند و ۱۴ نفر از جمله معلم مدرسه ابتدایی و ۳ بچه را کشته و ۲۸ نفر را مجروح کردند[۵۵].

۹ فوریه ۱۹۶۸: اسرائیلیها اردوگاه پناهندگی کرامه را بمباران کرده و افسران آژانس امداد سازمان‌ملل را کشتند. کلبه های پناهندگی و یک مدرسه پسرانه را درهم کوبیده و ۱۴ نفر را کشته و ۵۰ نفر دیگر را مجروح کردند[۵۶].

۱۵ فوریه ۱۹۶۸: هواپیماهای اسرائیلی با ناپالم بیش از ۱۰ دهکده و اردوی پناهندگی در امتداد رود اردن را بمباران کردند. در نتیجه ۵۰ نفر از جمله ۴۶ غیر نظامی کشته شده و ۸۲ نفر از جمله ۵۵ غیرنظامی مجروح شدند. در اثر این بمباران ۷۰،۰۰۰ پناهنده به طرف عمان گریختند[۵۷].

۱۲ آوریل ۱۹۶۸: حکومت اردن گزارش داد که در نتیجهٔ حملات اخیر اسرائیلیها حدود ۲۵،۰۰۰ نفر به‌طرف شهر اربد در دره شمالی اردن گریخته‌اند[۵۸].

۴ ژوئن ۱۹۶۸: اسرائیلیها با استفاده ازموشکهای زمین به‌زمین

به‌شهر اربد حمله کردند و در نتیجه ۳۰ نفر را کشته و ۹۰ نفر را مجروح کردند[۵۹].

۴ اوت ۱۹۶۸: نیروهای اسرائیلی با بمب ناپالم به‌السلط‌حمله کردند و ۲۸ نفر از جمله ۲۲ غیر نظامی را کشته و ۸۲ نفر دیگر را مجروح نمودند[۶۰].

۲ و ۳ دسامبر ۱۹۶۸: هواپیماهای اسرائیلی دهکده کفراسد را بمباران کرده، ۱۶ غیرنظامی را کشته و ۱۸ نفر دیگر را مجروح کردند[۶۱].

۲۶ مارس ۱۹۶۹: بمبها و موشکهای اسرائیلی در حملهٔ هوایی به‌قهوه‌خانه‌های کنار راه عین حزیر در نزدیکی السلط ۱۲ نفر را کشته و ۲۲ نفر دیگر را زخمی کردند[۶۲].

۹ ژانویه ۱۹۷۰: دولت اردن گزارش داد که طی حملات اسرائیلیها در ۵ ماه آخر سال ۱۹۶۹، ۶۹ نفر کشته و ۱۸۰ نفر زخمی شده‌اند[۶۳].

۱۰ ژانویه ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی به‌دهکدهٔ کفرعوان در نزدیکی اربد حمله کرده؛ ۷ غیر نظامی را کشته و ۲۷ نفر را زخمی کردند[۶۴].

۲ـ حمله به‌لبنان

اسرائیلیها در حمله به‌لبنان از استراتژی مشابهی استفاده کرده‌اند. به‌چند نمونه از آن در زیر اشاره می‌شود:

۳ ژانویه ۱۹۷۰: ۲ واحد اسرائیلی مرکب از ۲۰۰ چترباز به‌دهکدهٔ «کفرکلا» حمله کرده و ۲۱ نفر از جمله ۱۱ غیر نظامی را به‌گروگان گرفتند[۶۵].

۲۲ مه ۱۹۷۰: نیروهای اسرائیلی به‌بنت‌جبیل و ۳ دهکدهٔ

دیگر حمله کردند. در نتیجهٔ این حمله، ۲۰ نفر از جمله حداقل ۳ زن و ۲ بچه کشته شده و ۳۲ غیر نظامی مجروح گردیدند. ۳۰ خانه نیز در این حملات ویران شد[۶۶].

۲۵ فوریه ۱۹۷۲: نیروهای اسرائیلی به‌جنوب لبنان و درهٔ بقاع حمله کرده، ۹ نفر را کشته و ۱۴ نفر را مجروح کردند[۶۷].

۲۷ فوریه ۱۹۷۲: فانتومها و هواپیماهای اسکای‌هاوک اسرائیلی ناحیه عرقوب را بمباران کردند. در نتیجه ۱۱ غیر نظامی کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند. ۱۸ ساختمان و منجمله بیمارستانها و کلینیکها در این حملات ویران گردید[۶۸].

۸ سپتامبر ۱۹۷۲: هواپیماهای اسرائیلی به اردوگاههای نهرالبارد، راشیاالوادی و رفید حمله کردند. طی این حملات ۱۰ نفر و از جمله ۷ بچه از یک خانواده به‌همراه مادرشان کشته و ۲۰ نفر از جمله ۱۴ بچه مجروح گردیدند[۶۹].

۹ مارس ۱۹۷۲: توپخانهٔ اسرائیلیها دهکده‌های مجدل‌سلم و حاصبیا و شعبا را زیر آتش گرفته و ۳ غیرنظامی را کشت[۷۰].

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۲: نیروهای اسرائیلی به ۱۶ دهکده در جنوب لبنان حمله برده، ۱۳۰ خانه را درهم کوبیده و ۲۳ غیرنظامی را کشته و مجروح نمودند. یک تانک زرهی یک تاکسی را زیرگرفت و یک خانوادهٔ ۷ نفره را کشت[۷۱].

ترور سیاسی با کارگذاری بمب در اتومبیل در لبنان:

۹ ژوئیه ۱۹۷۲: «غسان کنفانی» سخنگوی جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین به‌همراه برادرزاده ۱۹ ساله‌اش در اثر بمبی که در موتور اتومبیل کارگذاشته شده بود در بیروت به‌قتل رسید[۷۲]. بعداً رفائیل روتشتاین خبرنگار روزنامهٔ «هآرتس» در نیویورک اعلام کرد

که «موساد» سازمان اطلاعاتی اسرائیل مسؤول ترورکنفانی بوده است[۷۳].

ترور از طریق ارسال بمبهای پاکتی:

۱۹ ژوئیه ۱۹۷۲: دکتر انیس صایغ، رئیس مرکز تحقیقاتی سازمان آزادیبخش فلسطین در اثر انفجار یک بمب پاکتی در بیروت به‌شدت مجروح شد[۷٤].

۲۰ ژوئیه ۱۹۷۲: یک بمب پاکتی در بیروت در دست «بسام ابوشریف» معاون مرحوم غسان کنفانی سخنگوی جبههٔ خلق منفجر شد. ابوشریف در اثر این انفجار جراحات سختی برداشت[۷۵].

۳ ـ حمله به‌سوریه

اسرائیلیها هدفهای غیرنظامی در سوریه را نیز مورد حمله قرار دادند.

۲٤ فوریه ۱۹٦۹: هواپیماهای اسرائیلی دهکده‌های الهامه و میسلون را در جادهٔ بیروت ـ دمشق مورد حمله قرار دادند. در این حمله ویرانی قابل ملاحظه‌ای بر اموال غیرنظامی وارد شد و حداقل ۹ غیرنظامی کشته و ۳۱ نفر مجروح شدند[۷٦].

اول مارس ۱۹۷۲: اسرائیل ضمن حمله هوایی به‌یک دهکده سوری یک مدرسه را ویران کرد[۷۷].

۹ مارس ۱۹۷۲: توپخانه اسرائیل دهکده‌های مجدل، سلون، حاصبیا و شعبا را مورد هدف قرار داده و چند ساختمان را ویران کرده و ۳ غیرنظامی را مجروح نمود.

۸ سپتامبر ۱۹۷۲: هواپیمای اسرائیلی ۷ دهکده در سوریه را بمباران کرده، ۲۰۰ نفر راکشته و تعداد بسیار بیشتری را مجروح

کردند[۷۸].

۴ـ حمله به‌مصر

اقدامات ضد مصری اسرائیل تنها محدود به‌اهداف نظامی نمی‌شد.

٤ سپتامبر ١٩٦٧: نیروهای اسرائیلی سوئز و بندر توفیق را گلوله باران کردند. در این گلوله باران ٤٤ غیرنظامی کشته شده و صدمات سختی بر یک بیمارستان و ٢ مسجد وارد آمد[۷۹].

٢٧ سپتامبر ١٩٦٧: بیش از ١،٠٠٠ گلوله توپ اسرائیلی بر اسماعیلیه اصابت کرد. در اثر این حادثه ٣٦ غیرنظامی کشته شدند. دیگر مناطق نزدیک کانال سوئز نیز مورد حمله قرار گرفت[۸۰].

٨ ژوئیه ١٩٦٨: توپخانه اسرائیل شهر سوئز را گلوله باران کرد و به‌خانه‌ها، مدارس، بیمارستانها، یک صومعه و دو مسجد صدماتی وارد آمده و حداقل ٤٣ نفر کشته شدند[۸۱].

٨ سپتامبر ١٩٦٨: توپخانه اسرائیل ٢٠ غیرنظامی در سوئز و اسماعیلیه را کشته و ١٠٠ نفر را مجروح کرد[۸۲].

١١ مه ١٩٦٩: توپخانه اسرائیل بندر پورت‌سعید را مورد هدف قرار داده، یکی را کشته و ٩ نفر را مجروح کرد[۸۳].

٣١ مارس ١٩٧٠: حکومت مصر اعلام کرد که در جریان جنگ ژوئن ١٩٦٧، ٦٠٠نفر در اسماعیلیه کشته و ١،٠٠٠ نفر مجروح شده‌اند. تمام جمعیت ٢٨٠ هزار نفری شهر به‌جز ١٥ هزار نفر، از آنجا گریختند.[۸٤] در سال ١٩٧٠ ارتش اسرائیل حملات خود را متوجه منطقه پرجمعیت دلتای نیل کرد. در این حملات از بمبهایی که بعداً منفجر می‌شود و نیز بمبهای ناپالم استفاده شد و زیانهای بسیار زیادی به‌جان غیرنظامیان وارد آمد.

۱۲ فوریه ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیل کارخانه‌ای را در نزدیکی ابوزعبل بمباران کردند و حداقل ۷۰ غیرنظامی کارگر را کشته و ۹۸ نفر را مجروح نمودند[۸۵].

۳۱ مارس ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی شهر المنصوره در دلتای نیل را بمباران کردند. در اثر این بمباران ۱۲ غیرنظامی کشته و ۳۵ نفر زخمی شدند[۸۶].

۸ آوریل ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی مدرسهٔ بحرالبقر را در استان شرقی در ۸۰ کیلومتری شمال قاهره بمباران کرده و ٤٦ نفر از اطفال را کشتند[۸۷].

ج: عملیات تروریستی در اروپا

رفائیل روتشتاین، خبرنگار روزنامه اسرائیلی هآرتس درنیویورك مقاله‌ای در یك مجلهٔ امریکایی نوشت که روزنامهٔ «جرزالم پست» (در ۲۳ ژانویه ۱۹۷۳) آن را نقل کرد. براساس مقاله روتشتاین سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» حملات تروریستی وسیعی علیه اعضای جنبش مقاومت فلسطین در اروپا به‌راه انداخته است. براین اساس سازمان جاسوسی اسرائیل شروع به‌ترور بعضی از رهبران‌جنبش مقاومت و ارسال نامه‌های حاوی بمب برای بعضی دیگر نموده است. مقالهٔ مذکور می‌گوید که سازمان‌دهندهٔ این عملیات «آهرون یاریف» رئیس سابق بخش اطلاعات در ستاد ارتش اسرائیل و مشاور کنونی امور امنیتی رئیس حکومت اسرائیل است. مقالهٔ مذکور اعتراف‌می‌کند که سازمان جاسوسی اسرائیل مسؤول ترور «وائل زعیتر» نمایندهٔ جنبش الفتح در رم در اکتبر گذشته و ترور غسان کنفانی، سخنگوی رسمی جبهه خلق برای آزادی فلسطین می‌باشد. مقالهٔ مذکور می‌گوید که

اسرائیل هرگز به‌این عملیات تروریستی اعتراف نمی‌کند.

٤ اکتبر ۱۹۷۲: یک سازمان صهیونیستی که خود را «ماسادا» می‌نامید، کتابفروشی «فلسطین» در پاریس را منفجر کرد. در اثر این انفجار زیانهای بسیاری به کتابفروشی وارد آمد. سازمان مذکور طی ارسال بیانیه‌ای برای مطبوعات هشدار داد که این اولین عملیات ضد «عمل تروریستی خصمانهٔ سامی‌ها» می‌باشد[۸۸].

۱۶ اکتبر ۱۹۷۲: «وائل زعیتر» نمایندهٔ سازمان آزادی‌بخش فلسطین در رم ترور شد. دو مرد او را در مقابل خانه‌اش به‌گلوله بستند و به‌وسیلهٔ اتومبیلی که در انتظارشان بود فرار کردند[۸۹].

۸ دسامبر ۱۹۷۲: محمودالهمشری، نمایندهٔ‌سازمان آزادی‌بخش فلسطین در پاریس در اثر انفجار در آپارتمانش به‌سختی مجروح‌شد[۹۰].

محمود همشری در ۹ ژانویه ۱۹۷۳ در اثر جراحات وارده درگذشت. بعداً معلوم شد که انفجار در اثر کار گذاشتن یک بمب در گوشی تلفن داخل آپارتمانش بوقوع پیوست[۹۱].

منابع

1- *Israeli Imperial News*, March 1968. *Israeli Imperial News* is published in London by members of the Israeli Socialist Party, Matzpen.

۲ — «نیویورک تایمز»، نیویورک، ۲۱ ژانویه ۱۹۶۹.

۳ — «تایمز» لندن، ۳ فوریه ۱۹۶۹.

٤ — «اویزرور»، ۲۳ فوریه ۱۹۶۹.

۵ — همان.

۶ — «لوموند»، پاریس، ۲ آوریل ۱۹۶۹.

۷ — آمار مذکور از روزنامه «جیروزالم‌پوست» بتاریخ ۱۵ فوریه، ۱۲ و

۱۶ مارس، ۳ و ۲۲ آوریل، ۱۲ ژوئن، ۱ ژوئیه، ٤ اکتبر، ۹ دسامبر، ۱۹۷۰. و از «نیویورک هرالد تریبیون» بتاریخ ۲۰ مه، ۱۹ سپتامبر، ۱۹۷۰. و از خبرگزاری رویتر و از «دیلی‌استار» بتاریخ ۳۱ مه، ۱۲ ژوئن ۱۹۷۰. و از «لوموند» بتاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۷۰، گرفته شده است.

۸ — «جیروزالم پوست»، ۱۰ فوریه ۱۹۷۰.

۹ — گزارش خبرگزاریها از قول سخنگوی نظامی اسرائیل. «دیلی‌استار»، ۱۰ فوریه ۱۹۷۰.

۱۰ — «جیروزالم‌پوست»، ۱۲ ژوئن ۱۹۷۰.

۱۱ — همان، ۱ ژوئیه ۱۹۷۰.

12_ Irene Beeson in *The Observer*, January 26, 1968.

13_ Josette Alia, *Nouvel Observateur*, January 5-11, 1970.

۱٤ — «الاتحاد»، حیفا، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱.

۱۵ — همان، ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱.

۱۶ — «اوبزرور»، ۱ اوت ۱۹۷۱.

17_ Daniel Guérin, *Le Monde*, April 14, 1968.

۱۸ — «لایف»، ۱۵ آوریل ۱۹۶۸.

۱۹ — «جیروزالم پوست»، ۷ ژانویه ۱۹۶۹.

۲۰ — همان.

۲۱ — «الاتحاد»، ۱ آوریل ۱۹۶۹.

۲۲ — همان، ۲۷ ژوئن ۱۹۶۹.

۲۳ — همان.

۲٤ — همان.

۲۵ — «جیروزالم پوست»، ۱۲ اوت ۱۹۶۹.

۲۶ — همان، ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۹.

۲۷ — همان، ۵ نوامبر ۱۹۶۹.

۲۸ — همان، ۷ اکتبر ۱۹۶۹.

۲۹ — «نیویورک هرالد تریبیون»، ۲۳ دسامبر ۱۹۶۷.

۳۰ — همان، ۸ مارس ۱۹۶۸.

۳۱ — همان، ۷ سپتامبر ۱۹۶۸.

۳۲ — «اوبزرور»، ۲٤ سپتامبر ۱۹۶۷.

۳۳ — «جیروزالم پوست»، ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۹.

۳٤ — همان، ۱٤ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰.

۳۵ — همان.
۳۶ — «نیویورک هرالد تریبیون»، ۲۳ دسامبر ۱۹۶۷.
۳۷ — «تایمز»، لندن، ۲۸ اکتبر ۱۹۶۹.
۳۸ — خبرگزاریها، و «دیلی‌استار»، ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۷.
۳۹ — در اصل این گزارش را برای سیاستمداران اسرائیل فرستاد و بعداً آنرا در روزنامه «برایفت آی»، ۱۰ نوامبر ۱۹۶۷، منتشر ساخت.
۴۰ — «اوبزرور»، ۱۷ دسامبر ۱۹۶۷.
۴۱ — همان، ۲۴ دسامبر ۱۹۶۷.
۴۲ — «نیویورک هرالد تریبیون»، ۲۹ مارس ۱۹۶۸.
۴۳ — «اوریان»، بیروت، ۲۲ اوت ۱۹۶۷.

44_ *International Review of the Red Cross*, August_September 1970, pp. 485_486.

۴۵ — همان.
۴۶ — همان.

47_ Agence France Press and Reuters, *L'Orient* (Beirut), December 9, 1967.

۴۸ — «جیروزالم پوست»، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹.
۴۹ — «اوبزرور»، ۱ اوت ۱۹۷۱.
۵۰ — «نوول ابزرواتور»، پاریس، ۳۰ اوت، ۵ سپتامبر ۱۹۷۱.
۵۱ — «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۳۱ اوت ۱۹۷۱.
۵۲ — «نوول ابزرواتور»، ۳ ژوئیه ۱۹۷۲.

53_ Israel League for Human and Civil Rights, «The Horrors of Gaza Must Cease», January 23, 1971.

۵۴ — «الاتحاد»، ۱۲ مارس ۱۹۷۱.
۵۵ — اسوشیتدپرس، و «اوریان»، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۷.
۵۶ — خبرگزاری فرانسه، و روزنامه «النهار»، بیروت، ۱۰ فوریه ۱۹۶۸.
۵۷ — خبرگزاری فرانسه، و روزنامه «لوژور»، بیروت، ۱۶ فوریه ۱۹۶۸، و «اوریان»، ۱۸ و ۲۲ فوریه ۱۹۶۸.
۵۸ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ آوریل ۱۹۶۸، ص ۸۹.
۵۹ — «تایمز»، لندن، ۵ ژوئن ۱۹۶۸.
۶۰ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ اوت ۱۹۶۸، ص ۲۲۰.
۶۱ — همان، ۱ - ۱۵ دسامبر ۱۹۶۸، ص ۴۰۱.
۶۲ — همان، ۱۶ - ۳۱ مارس ۱۹۶۹، ص ۱۱۷، و رویتر، و «دیلی استار»، ۲۸ مارس ۱۹۶۹.

٦٣ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ ژانویه ۱۹۷۰، ص ۳۷.
٦٤ — همان، ۱ - ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۰، ص ٤۰۱.
٦٥ — «اوریان»، ٤ ژانویه ۱۹۷۰، و «نیوزویک»، نیویورک، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۰.
٦٦ — همان، ۲۳ مه ۱۹۷۰، و «نیوزویک»، ۸ ژوئن ۱۹۷۰.
٦٧ — «النهار»، ۲۵ فوریه ۱۹۷۲.
٦٨ — «اوریان»، ۲۷ فوریه ۱۹۷۲.
٦٩ — «النهار»، ۱۰ مارس ۱۹۷۲.
۷۰ — «تایمز»، لندن، ۹ سپتامبر ۱۹۷۲.
۷۱ — «انترناشیونال هرالدتریبیون»، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲، و «دیلی استار»، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲.
۷۲ — «نوول ابزرواتور»، ۱۸ - ۲٤ سپتامبر ۱۹۷۲.
۷۳ — «جیروزالم پوست»، ۱ ژانویه ۱۹۷۳.
۷٤ — «لوموند»، ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۲.
۷٥ — همان، ۲٦ ژوئیه ۱۹۷۲.
۷٦ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱۵ - ۲۸ فوریه ۱۹٦۹، ص ۸۰.
۷۷ — «البعث»، دمشق، ۲ مارس ۱۹۷۲.
۷۸ — «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۹ - ۱۰ و ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲.
۷۹ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ سپتامبر ۱۹٦۷، ص ۲۹۹.
۸۰ — همان، ۱ - ۱۵ اکتبر ۱۹٦۷، ص ۳۲۵.
۸۱ — همان، ۱ - ۱۵ ژوئیه ۱۹٦۸، ص ۱۹۸.
۸۲ — همان، ۱-۱۵ سپتامبر ۱۹٦۸، ص ۲۷۰.
۸۳ — همان، ۱ - ۱۵ مه ۱۹٦۹، ص ۱۹۵.
۸٤ — همان، ۱٦ - ۳۱ مارس ۱۹۷۰، ص ۱۸۹.
۸۵ — خبرگزاری فرانسه، و رویتر، و «دیلی‌استار»، ۱۳ فوریه ۱۹۷۰.
۸٦ — «عرب ریپورت وریکورد»، ۱٦ - ۳۱ مارس ۱۹۷۰، ص ۱۹۵.
۸۷ — خبرگزاری فرانسه، رویتر، و «دیلی‌استار»، ۹ آوریل ۱۹۷۰، و «اوریان».
۸۸ — «جیروزالم پوست»، ۵ اکتبر ۱۹۷۲.
۸۹ — «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۱۸ اکتبر ۱۹۷۲.
۹۰ — همان، ۹ - ۱۰ دسامبر ۱۹۷۲.
۹۱ — همان، ۱۱ ژانویه ۱۹۷۳.